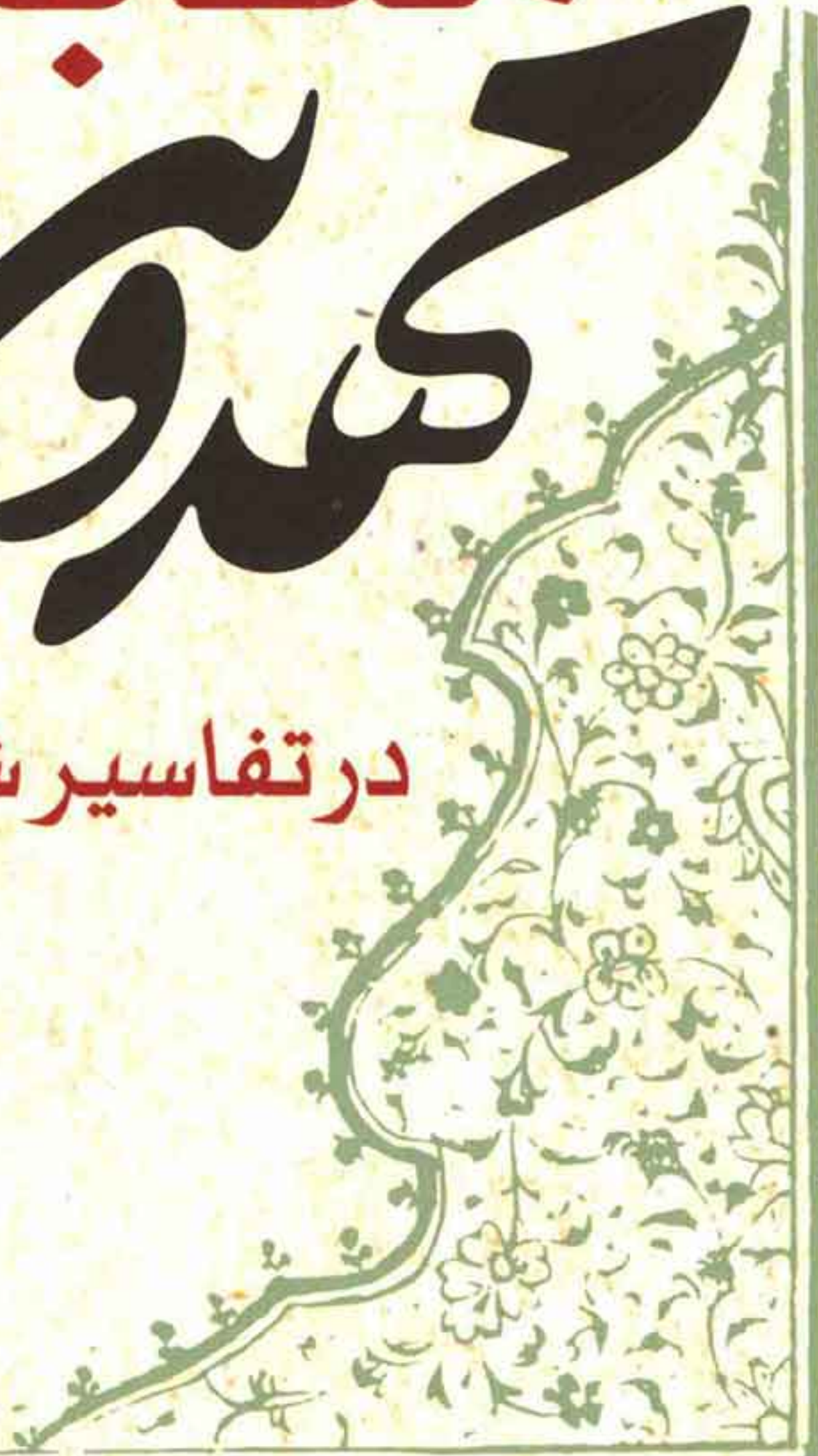


معجزات محمد صلی الله علیه و آله

در تفاسیر شیعه و اهل سنت

سید محسن طباطبایی و همکاران

تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی



موضوع:

عقاید: ۹۴ (کلام و عقاید: ۱۶۵)

گروه مخاطب:

- تخصصی (طلاب، دانشجویان، پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۱۶۶۱

سلسله انتشار (چاپ اول و باز چاپ): ۴۳۹۷

کتاب‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / ۴-۶

کتاب‌های پژوهشگاه انتظار نور / ۲۰

طباطبائی فر، محسن، ۱۳۵۱ -

معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت / سید محمد طباطبائی فر، مرتضی عبدی چاری، نفیسه فقیهی مقدس؛ تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه مهدویت و آینده‌پژوهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۹.

[۴۷۲] ص: - (مؤسسه بوستان کتاب: ۱۶۶۱. کتاب‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: ۴۰۶. کتاب‌های پژوهشگاه مهدویت و آینده‌پژوهی: ۲۰) (کلام و عقاید: ۱۶۵. عقاید: ۹۴)

ISBN 978-964-09-0518-0: ۹۵۰۰ تومان

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص. ع. به انگلیسی: Sayyid Mohsen Tabatabai, Morteza Abdi-Chari & Nafiseh Faqih-Moqaddas.

A Concordance to Shia and Sunni Exegeses on Mahdism

کتاب‌نامه: ص. [۲۵۹] - ۴۶۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - جنبه‌های قرآنی. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - جنبه‌های قرآنی. ۳. آخرالزمان - جنبه‌های قرآنی. ۴. تفاسیر - مجموعه‌ها. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت پژوهشی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشگاه مهدویت و آینده‌پژوهی. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹

ط ۸۶ م ۱۰۴ / BP

۱۳۸۹

معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت

سید محسن طباطبائی، مرتضیٰ عبدی چاری
و نفیسه فقیهی مقدس

تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی

پوشش
۱۳۸۹

معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت

• نویسندگان: سیدمحسن طباطبائی، مرتضی عبدی چاری و نفیسه فقیهی مقدس

• تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹ • شمارگان: ۱۲۰۰ • بها: ۹۵۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۷۷۴۲۱۵۵-۷، نمابر: ۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۷۷۴۳۴۲۶
- ❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
- ❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ فلسطین جنوبی، دست چپ کوچه دوم (پشن)، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۵
- ❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
- ❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰
- ❖ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲
- ❖ فروشگاه شماره ۶ (ویژه جوانان): قم، ابتدای خیابان شهدا، تلفن ۷۷۳۹۲۰۰
- ❖ پخش پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، نیش کوچه بامشاد، تلفن: ۸۸۹۴۰۳۰۳
- ❖ نمایندگی‌های فروش کتاب مؤسسه در داخل و خارج کشور (ضمیمه برگه نظرخواهی آثار انتهای کتاب)

اصطلاح از دایره های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS) یا ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵۰۰۰۰۰۰ و یا ارسال درخواست به

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: سیدرضا سجادی‌نژاد • ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • چکیده عربی: سهیله خانفی • چکیده انگلیسی: مریم خانفی • فبیا: مصطفی محفوظی • مسئول واحد حروف‌نگاری و صفحه‌آرا: احمد مؤتمنی • اصلاحات حروف‌نگاری: لیلا حاج‌اسماعیلی و حسین محمدی • کارشناس و کنترل نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی • نمونه‌خوانی: ابوالحسن مسیب‌نژاد، سید کاظم رضوی، علی میری، شکرالله آقائزاد و ابوالفضل سلیمانی • نظارت و کنترل آماده‌سازی و بازخوانی نهایی متن: بیژن سهرابی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: حسین عبدیان • کارشناس طراحی و گرافیک و طراح جلد: مسعود نجابتی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • برنامه‌ریزی و کنترل تولید: امیر حسین مقدم‌منش • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

رئیس مؤسسه

سید محمد کاظم شمس

فهرست مطالب

۱۱ سخن پژوهشگرده انتظار نور
۱۵ مقدمه
۱۸ خاستگاه اندیشه مهدویت
۱۹ پیشینه موضوع
۲۳ شیوه نامه
۲۶ تذکر چند نکته ضروری
۲۶ محورها و عناوین
۲۸ تفکر مهدویت
۲۸ ویژگی های عام و خاص
۲۹ اشراف الساعة
۳۰ ظهور
۳۰ رجعت
۳۲ نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۳۳ مهدویت در تفاسیر

۳۵	مأخذشناسی توصیفی تفاسیر
۳۵	الف - تفاسیر امامیه
۴۳	ب - تفاسیر غیر امامیه
۵۷	سوره حمد
۵۹	سوره بقره
۸۹	سوره آل عمران
۱۱۰	سوره نساء
۱۲۸	سوره مائده
۱۴۰	سوره انعام
۱۵۱	سوره اعراف
۱۶۷	سوره انفال
۱۷۲	سوره توبه
۱۸۲	سوره یونس
۱۹۰	سوره هود
۱۹۹	سوره یوسف
۲۰۱	سوره رعد
۲۰۵	سوره ابراهیم
۲۰۹	سوره حجر
۲۱۳	سوره نحل
۲۲۰	سوره اسراء
۲۲۹	سوره كهف
۲۴۰	سوره مریم

فهرست مطالب • ۷

۲۴۶	سوره طه
۲۵۲	سوره انبیاء
۲۶۲	سوره حج
۲۶۹	سوره مؤمنون
۲۷۲	سوره نور
۲۷۹	سوره فرقان
۲۸۱	سوره شعراء
۲۸۵	سوره نمل
۲۹۶	سوره قصص
۳۰۳	سوره عنکبوت
۳۰۷	سوره روم
۳۰۹	سوره لقمان
۳۱۱	سوره سجدہ
۳۱۶	سوره احزاب
۳۲۰	سوره سبأ
۳۲۴	سوره فاطر
۳۲۶	سوره یس
۳۳۰	سوره صافات
۳۳۳	سوره ص
۳۳۷	سوره زمر
۳۴۰	سوره غافر (مؤمن)
۳۴۶	سوره فصلت
۳۵۱	سوره شوری

۳۵۸	سوره زخرف
۳۶۵	سوره دخان
۳۷۰	سوره جائیه
۳۷۱	سوره احقاف
۳۷۳	سوره محمد
۳۷۸	سوره فتح
۳۸۳	سوره ق
۳۸۵	سوره ذاریات
۳۸۷	سوره طور
۳۸۸	سوره نجم
۳۹۱	سوره قمر
۳۹۴	سوره رحمن
۳۹۵	سوره واقعه
۳۹۷	سوره حدید
۴۰۱	سوره مجادله
۴۰۳	سوره حشر
۴۰۶	سوره ممتحنه
۴۰۵	سوره صف
۴۱۰	سوره جمعه
۴۱۲	سوره منافقون
۴۱۳	سوره تغابن
۴۱۴	سوره ملک
۴۱۶	سوره قلم

۴۱۸	سوره معارج
۴۲۱	سوره جن
۴۲۴	سوره مدثر
۴۲۸	سوره قیامت
۴۳۰	سوره انسان
۴۳۱	سوره مرسلات
۴۳۲	سوره نازعات
۴۳۴	سوره عبس
۴۳۵	سوره تکویر
۴۳۷	سوره انفطار
۴۳۸	سوره مطففین
۴۳۹	سوره انشقاق
۴۴۱	سوره بروج
۴۴۳	سوره طارق
۴۴۵	سوره غاشیه
۴۴۶	سوره فجر
۴۴۸	سوره بلد
۴۴۹	سوره شمس
۴۵۱	سوره لیل
۴۵۳	سوره قدر
۴۵۵	سوره بینه
۴۵۶	سوره زلزله
۴۵۷	سوره تکاثر

۴۵۸	سوره عصر
۴۵۹	سوره کافرون
۴۶۰	سوره نصر
۴۶۱	کتاب نامه
۴۶۱	الف - تفسیری
۴۶۷	ب - غیر تفسیری

سخن پژوهشکده انتظار نور

اعتقاد و باورداشت مهدوی با همه وسعت و گستره آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین آموزه‌های اسلامی مطرح می‌باشد تا آن‌جا که مرگ در حال انکار آن، مرگ جاهلی شمرده شده است. علیرغم همه این پشتوانه و الزامات اعتقادی، این اندیشه در عرصه پژوهش و مباحثات علمی با مسائل و موضوعات ناگفته و ناگشوده فراوانی مواجه می‌باشد که باید به دست محققان متعهد، خوش ذوق و فهیم که از درایت و ذکاوت بالای دینی و خردورزی لازم برخوردار باشند، مورد تحقیق و تتبع قرار گیرد.

در سال‌های اخیر بحث و گفت‌وگوهای عمیقی در موضوع مهدویت برگرفته از دامنه فراخناک و ژرفناک کتاب آسمانی و وحیانی قرآن کریم آغاز گردیده به گونه‌ای که در میان طبقات فرهیخته و پژوهشگر به یک حوزه علمی رایج علمی درآمده است و دانشوران متعهد با جستجو و تدبر در آیات قرآن کریم در سایه‌سار اخبار ماثور کوشیده‌اند تا گوشه‌هایی از معارف این بحث بنیادین را رازگشایی نمایند، تا آن‌جا که ره‌آورد این تحقیقات در ابعاد گوناگون و اساسی موجب تولید پژوهش‌های عمیقی در حوزه مهدویت گردیده است که نویدبخش حرکتی جدی در توصیف، تبیین و تحلیل آراء عالمان صالح گذشته از یک سو و دستیابی به فهم و درک

بہتر و عمیق‌تر از مسئله انتظار، ظهور، دولت کریمه، کرامت و اقتدار مؤمنان را می‌باشد، حرکتی مبارک که ضمن ارج‌گذاری به تلاش عالمان قرآن‌پژوه خصوصاً مفسران عالی مقام از گذشته تا به امروز، می‌رود تا پرده از راز مفاهیم بلند واژه‌ها و گزاره‌های آن دسته از آیاتی که معانی عمیق مهدوی را به سان معادنی سر به مهر در خود دارند، بگشاید.

در این راستا از جمله حرکت‌های شایسته گروه قرآن و حدیث پژوهشکده انتظار نور، رایبه تحقیقی به نام «معجم مهدویت در تفاسیر اسلامی» است که برگی از طرح کلان و گران‌سنگ «مهدویت در قرآن کریم» می‌باشد. این اثر براساس رایبه طرح پژوهشی برادر بزرگوار جناب آقای سیدمحسن طباطبایی و با همکاری علمی برادر گرامی جناب آقای مرتضی عبدی چاری و سرکار خانم نفیسه فقیهی مقدس و عده‌ای از محققان گروه قرآن و مهدویت و تلاش و تتبع قابل تحسین و تقدیر آنان به انجام رسیده است، اقدامی شایسته که امید است مورد توجه و اعتناء ارباب فضل و پژوهشگران خصوصاً مهدی‌پژوهان قرار گیرد.

در اینجا لازم است از عزیز سفرکرده برادر شهیدمان، رزمنده جانباز شیمیایی حجة الاسلام والمسلمین شهید داود دهداری رحمۃ اللہ علیہ یاد نمایم که با فکر بلند و نیت خالص و عشق به ساحت مهدی علیہ السلام علیرغم مشکلات فراوان جسمی و مسئولیت‌های گران در حوزه علمیه، گروه قرآن پژوهشکده انتظار نور را تأسیس و با جذب متخصصانی فهیم، جمعی متعهد و فرهیخته را بر محور قرآن‌پژوهی در عرصه مهدویت، سازماندهی نمود. این اثر نیز نتیجه‌ای مبارک از آن سفرکرده سبکبال می‌باشد که با راهنمایی، هدایت، دستگیری و حضور در کلیه مراحل طرح موجبات آفرینش آن را فراهم آورد. در آخر لازم است از مساعی و همت بلند اعضای محترم گروه پژوهشی قرآن و حدیث که در انجام رساندن این تحقیق زحمات فراوانی را

سخن پژوهشکده انتظار نور ● ۱۳

متحمل شدند کمال قدردانی و سپاسگزاری را تقدیم نماییم و توفیقات روزافزون همه خادمان ساحت مقدس حضرت مهدی علیه السلام را از درگاه حضرت ایزد متعال درخواست و مسئلت نماییم.

دکتر غلامرضا بهروزک

مدیر پژوهشکده انتظار نور

مقدمه

اندیشه اسلامی و دانش مسلمانان در رهگذر چندین سده کاوش و کوشش در شاخه‌های مختلف معرفتی همواره وامدار کتاب خدا بوده است. فضای علمی و پژوهشی در گستره فرهنگ اسلامی، در بخش‌های مختلف کلامی، فلسفی، سیاسی، هنری، اجتماعی، حقوقی و عبادی و اخلاقی متأثر از قرآن کریم است. قطعی بودن سند این متن، لاجرم بحث‌های پژوهش‌گران اسلامی را به سمت فهم دلالت‌های آن رهنمون می‌شد و در این میان علم تفسیر، از گران‌بهارترین دانش‌های اسلامی عرصه شناخت تعالیم فکری، عملی اسلام، بر پایه قرآن کریم قرار گرفت.

مهدویت نیز از بحث‌های اصیل، ریشه‌دار و با سابقه در اسلام، به ویژه مذهب اثنی‌عشری است. این بحث که نشان‌دهنده عظمت اسلام و بقا و جاودانگی احکام آن است، نه تنها میان شیعیان که در مذاهب دیگر مطرح شده است. اگرچه آثار گران‌بهایی از زوایای گوناگون نگاشته شده؛ اما متقن‌ترین آنها به روایات مورد نظر خود تمسک کرده‌اند که امکان پدیداری یک زبان مشترک برای گفت‌وگو را از بین برده است. از آن‌جا که قرآن تنها منبع مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است، پرداختن به آن درباره هر یک از موضوعات مورد اختلاف - از جمله مهدویت - اهمیت دو چندانی دارد؛ به ویژه آن‌که اختلاف روایات، نظریه‌پردازی در این حوزه را مشکل نموده و در صورتی

که به نحوی در خصوص مباحث مهدویت در آیات قرآن استفاده‌ای صورت گیرد، از اتقان بیشتری برخوردار و کمک شایانی به تقریب بین المذاهب خواهد نمود.

گروه قرآن و مهدویت پژوهشکده انتظار نور در راستای اندیشه فوق بناگذاری شد، ضرورت مرور تفاسیر قرآن بر محور بحث مهدوی و شناخت آیاتی که به نحوی مفسران از آنها به صورت تخصصی، در زمینه فوق بهره‌برداری کرده‌اند؛ موجب گردید در مرحله اول سه موضوع در دستور کار قرار گیرد:

۱. دستیابی به پیشینه مهدویت در تفاسیر امامیه و غیرامامیه؛

۲. نقد و بررسی دیدگاه مفسران امامیه و غیرامامیه درباره مهدویت؛

۳. پرداختن به موضوعات مهدویت به صورت تخصصی.

دستیابی به پیشینه مهدویت در تفاسیر در راستای شناسایی آیات مهدویت و آشنایی با دیدگاه مفسران مختلف صورت می‌گیرد. در این مورد پس از فحص و تتبع فراوان حدود ۶۰۰ آیه شناسایی شد که به نحوی مفسران درباره یکی از موضوعات مهدویت مطالبی ذیل آنها ذکر نموده‌اند.

از طرف دیگر جهت دستیابی به انظار مفسران، و با توجه به الزامات یک پروژه تحقیقاتی بیش از ۱۴۰ عنوان از تفاسیر مهم امامیه و غیرامامیه با رویکرد نقلی، ادبی، کلامی، عرفانی، عقلی، اجتماعی و... به وسیله پانزده نفر از قرآن‌پژوهان بررسی و کاوش شد و نکات مربوط به مباحث مهدویت استخراج گردید. دقت در انتخاب تفاسیر موردنظر یکی از مشکل‌ترین مراحل طرح فوق بود که طی گفت و گو با صاحب‌نظران و لحاظ مشابهت تفاسیر در سبک‌های تفسیری، مذهب مفسر، قرن تألیف و...؛ تفاسیر صاحب سبک و نوآوری گزینش شدند. الزاماً این تلاش و وسواس به معنای نفی اعتبار دیگر آثار تفسیری نیست. و گسترش دامنه این تحقیق در دیگر تفاسیر از برنامه‌های آتی گروه می‌باشد. نتیجه بررسی فوق، جمع‌آوری حدود ۴۰۰۰ فیش در موضوعات مختلف مهدوی بود.

بدیهی است تمام آیات مذکور را نمی‌توان به عنوان آیات مهدویت قلمداد کرد، اما مفسران این آیات را جری و تطبیق^۱ یا تأویل^۲ و یا تفسیر^۳ به مهدویت نموده یا آن‌که استطراداً مطلبی در این خصوص نقل نموده‌اند. در تفاسیر روایی هم آیات بسیاری از منظر معصوم علیه السلام از باب جری و تطبیق به مباحث مهدویت مربوط می‌شود.

دیدگاه‌های مختلف مفسران در مباحث مهدویت محققین را بر آن داشت تا مباحث مطرح شده را محوریابی نمایند و آن محورها تبدیل به محورهای پژوهشی گردد. با دسته‌بندی این محورها به موضوعات عام و ریزموضوع، مباحث مهدویت از چینش منطقی مناسبی برخوردار گشت که دست‌رسی به محتوای مباحث مهدویت، آسان و سهل می‌نماید. تمام تلاش فوق بیانگر پیشینه مهدویت در تفاسیر بود که در مجموعه پیش رو با هدف عرضه تحقیقات انجام شده به منظور دستیابی سریع و آسان محققان به مطالب موردنظر، اقدام به ارائه نمایه‌ای از مأخذ تفسیری مهدویت شده است. در این مجال، جایی برای ارزیابی تلقی مفسران لحاظ نشده و صرفاً با رعایت امانت، دیدگاه‌های آنها (با قوت و ضعف‌هایشان) نقل شده است.

۱. «تطبیق» به معنای حمل آیه بر مصداق آن می‌باشد. آن‌جا که در محدوده دلالت لفظی به کار می‌رود، به معنای تفسیر بوده؛ آن‌جا که مصداق قابل انطباق بر مدلول لفظی نباشد، هم معنای تأویل است. (عمید زنجانی، مبانی و دوش‌های تفسیری قرآن، ص ۱۲۶-۱۲۷).

۲. «تأویل» از نظر لغت به معنای «بازگرداندن» و از ریشه «اول» به معنای «بازگشتن» می‌باشد و از نظر اصطلاح در حوزه مباحث علوم قرآنی تعریف یک‌سان به عمل نیامده است، ولی آنچه از مجموعه نظرها می‌توان چنین استنباط نمود: «آنچه را که به لحاظ ظهور الفاظ و با شناخت واژگان آیات شریفه برای همگان آشکار می‌شود را تفسیر ولی آن بخشی از الفاظ که فهم معانی آنها از ظهور لفظ به دست نمی‌آید بلکه از ناحیه خدای متعال و راسخان در علم حاصل می‌شود را تأویل گویند». (جهت مطالعه معانی تأویل ر. ک محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۰-۲۲).

۳. «تفسیر» از نظر لغت از ماده «فسر» به معنای «بیان کردن و آشکار نمودن موضوع پوشیده» می‌باشد و در اصطلاح به معنای «کشف مراد از لفظ مشکل می‌باشد». (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹؛ راغب اصفهانی، المفردات، ذیل ماده «فسر»).

نقد و بررسی دیدگاه‌های فوق (از جمله مستندسازی روایات تفسیری مهدویت، نقد برخی دیدگاه‌ها و ...) و پرداختن به موضوعات مهدویت به صورت تخصصی از منظر قرآنی (از جمله نگاه قرآنی به آینده بشر، پی‌گیری بحث رجعت در قرآن، حکومت جهانی در قرآن و ...) از برنامه‌های آتی گروه قرآن و مهدویت می‌باشد.

خاستگاه اندیشه مهدویت

از دیرباز عالمان مسلمان - محدثان، مفسران و متکلمان - در آثارشان همسان با دیگر موضوع‌ها و بحث‌های علمی به گفت‌وگو درباره ظهور مردی از خاندان نبوی به نام حضرت مهدی علیه السلام در دوره پایانی جهان و پیش از برپایی روز قیامت و در هنگامه فراگیر شدن ستم در ساحت‌های مختلف جامعه بشری پرداخته و مژده به قیام آن حضرت را از یک سو خبری خوش آیند درباره رهایی نظام جهانی از سیطره حاکمیت زورمندان، زردوستان و تزویرگران شمرده و از دیگر سو، از آن به عنوان عاملی جهت برقراری نظم و نظامی جدید مبتنی بر خداپرستی و فرمان‌برداری از قوانین الهی، با هدف تحقق بخشیدن به اصل کرامت انسانی و عدالت در عرصه‌های مختلف گوناگون زندگی به همراه امنیت و ثبات، آسایش مادی و آرامش معنوی یاد نموده‌اند. امروزه در گفتارها و نوشتارها از این تفکر پیشینه‌دار اسلامی به نام «مهدویت» تعبیر شده است.

دانش تفسیر از قدیمی‌ترین دانش‌های حوزه علوم اسلامی و تاریخ پیدایش آن همزاد با نزول آیات قرآن کریم است. از این رو نخستین گروه مسلمانان - صحابه - و به دنبال آنان تابعان و دیگر عالمان جهان اسلام تلاش کرده‌اند تا در پرتو این سرچشمه و حیانی از رمز و راز معنادار واژه‌ها و گزاره‌ها، بحث‌ها و موضوع‌های مختلف و متعدد قرآن، از جمله مهدویت به فراخور توان فکری بشری پرده بردارند. محصول این جوشش‌ها و کوشش‌های فکری در یک دوره ۱۴۰۰ ساله پدیداری

صدها اثر تفسیری یافته یا نیافته از مفسران شیعه و اهل سنت است. اندک نگاهی به بخش‌هایی از این نوشته‌ها حکایت از توجه خاص مفسران به آیات و روایات تفسیرگر آنها درباره موعود جهانی حضرت مهدی دارد. اما نکته شایان توجه این‌که: این باور عمومی در انظار دانشمندان مذاهب اسلامی یکسان برداشت و تفسیر نشده است، عالمان شیعه امامیه هم رأی و هم داستان بر این باورند که منجی موعود جهانی دوازدهمین امام معصوم علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از سلسله دودمان نبوی - علوی است وی زنده و تا زمانی ناشناخته، پنهان از دیدگان عموم مردم است تا آن‌گاه که خدای متعال اراده به ظهورش نماید. اما در برابر، اغلب متفکران اهل سنت معتقدند که این شخصیت والامقام تاکنون پا به عرصه وجود نگذاشته و در آینده‌ای نامعلوم به دنیا آمده و جهان آکنده از بیداد را به عدل و داد می‌رساند^۱. با این وصف، مذاهب اهل سنت درباره این‌که آن حضرت از فرزندان کدام یک از نسل پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است رأی یکسانی صادر نکرده‌اند. با وجود این، خاستگاه اندیشه مهدویت و منجی آخرالزمان در متون دینی و به ویژه قرآن کریم است و به هر میزانی که این نظریه به متن مستند شده؛ به وحدت و اشتراک نزدیک‌تر گردیده و جایگاه مهدویت در آثار تفسیری روشن‌تر می‌شود.

پیشینه موضوع

با توجه به اهمیت و اصالت قرآن در اندیشه‌های اسلامی از سویی، و جایگاه و ضرورت بحث مهدویت از سوی دیگر، از گذشته در مکتوبات متعددی این دو، در معرض یکدیگر قرار گرفته‌اند و پژوهش‌گران تلاش داشته‌اند مباحث مهدویت را از قرآن به دست آورند. بسیاری از این تلاش‌ها به ثمر نشسته و آثار خوبی در این زمینه در دست است، از جمله:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۱.

در باب سیزدهم کتاب الغیة مرحوم نعمانی بخشی تحت عنوان «ما نزل فيه عليه السلام من القرآن» آمده که تعدادی از آیات مهدویت را نقل کرده است.^۱

فصل دوم منتخب الانوار المضيئه في ذكر القائم الحجة عليه السلام به قلم مرحوم سید بهاءالدین نیلی نجفی از علمای قرن هشتم و نهم نیز به همین مسئله اختصاص یافته که با عنوان «فی اثبات امامته و وجوده و عصمته من الكتاب» آورده شده است.^۲

علامه مجلسی نیز در جلد ۵۱ کتاب بحار الانوار تحت عنوان «باب الآيات المأولة بقيام القائم عليه السلام» اختصاص داده است و ۶۶ روایت را که در بردارنده آیات مهدویت است در این باب ذکر کرده است.^۳

اما از حدود قرن یازدهم به بعد کتاب‌های مستقلی درباره آیات مهدویت نوشته شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

المحجة فيما نزل في القائم الحجة عليه السلام از سید هاشم بحرانی متوفای سال ۱۱۰۹ ه. ق صاحب تفسیر البرهان، وی ۱۲۰ آیه از آیات قرآن را با توجه به روایات رسیده از معصومین علیهم السلام که آیه را به مهدویت تفسیر یا تأویل نموده‌اند بیان کرده است. ایشان در ذکر آیات مهدویت و همین‌طور روایات ذیل آن قصد تفصیل و اطناب نداشته و تفصیل مطلب را به تفسیر خود البرهان واگذار نموده است و در آن جا ذیل بیش از ۱۲۰ آیه روایاتی در ارتباط آنها با بحث مهدویت ذکر نموده است لذا می‌توان گفت «بحرانی» در کتاب المحجة خواسته است یک مجموعه مختصر و مفید در زمینه آیات مهدویت به جامعه علمی عرضه نماید.

این کتاب توسط آقای سید مهدی حائری قزوینی تحت عنوان سیمای حضرت مهدی عليه السلام در قرآن ترجمه شده است.

۱. نعمانی، الغیة، تحقیق: فارس حسون، ص ۲۴۷.

۲. علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۴.

جناب آقای محمد حسین رضوی کتاب المحجة را با افزودن یک مقدمه نسبتاً طولانی و تعلیقه تحت عنوان المهدی الموعود فی القرآن الکریم ارائه نموده است. معجم احادیث الإمام المهدی، الجزء الخامس الآيات المفسرة جلد اول زیر نظر شیخ علی کورانی^۱: در ابتدای کتاب، این نکته یادآوری شده که در این کتاب، آیات مهدویت با توجه به روایات تفسیراً یا تأویلاً یا تطبیقاً و یا استشهاداً آمده، و گاهی اقوال مفسران را با احتمال این که گفتار آنان اشاره به قول معصوم علیه السلام باشد ذکر می نماید.

ویژگی مهم کتاب فوق این است که پس از ذکر روایت ذیل آیه، منابع مهم روایی و بعضاً تفسیری شیعه و اهل سنت که این روایت در آن ذکر شده است را به ترتیب زمانی ذکر می نماید که برای محققان بسیار حائز اهمیت و سودمند باشد.

مجموعاً ۲۶۶ آیه به ترتیب چینش سوره های قرآنی، به عنوان آیات مهدویت ذکر شده و قابل استفاده برای عرب زبانان یا آشنایان به زبان عربی می باشد.

الإمام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنة از سعید ابومعاش^۲: این کتاب نیز همانند کتاب فوق، آیات مهدویت را با توجه روایاتی که ذیل آن رسیده ذکر می نماید با این تفاوت که: الف: آیات بیشتری را ذکر نموده است؛ یعنی حدود ۳۰۰ آیه.

ب: روایات بیشتری ذیل هر آیه ذکر نموده و مجموعاً ۱۱۰۰ روایت را گردآوری کرده است.^۳

ج: این اثر در ذکر منابع روایات فقط به یک منبع روایی و تفسیری اکتفا کرده است و از این جهت امتیاز کتاب معجم احادیث امام مهدی علیه السلام را ندارد.

۱. زیر نظر شیخ علی کورانی، معجم احادیث الإمام المهدی، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، جزء ۵.

۲. سعید ابومعاش، الإمام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنة، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۲۲ق، ج ۱.

۳. روایات نقل شده در این کتاب اعم از روایات مفسره و غیر آن است.

قاطع البیان فی الآیات المنزلة او المؤولة بصاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف اثر شیخ فضل الله عابدی خراسانی^۱: مؤلف محترم ۲۰۲ آیه از آیات مهدویت را به سبک سه کتاب گذشته یعنی با ذکر روایات رسیده از ناحیه معصومین علیهم السلام در تفسیر یا تأویل آیه در ارتباط با بحث مهدویت ذکر نموده است.

در ذکر منابع هر روایت به یک منبع اکتفا نموده و مجموعاً این روایات را از ۲۲ منبع روایی و تفسیری ذکر نموده است.

ویژگی چهار کتاب گذشته این است که صرفاً روایات، ذیل آیه ذکر گردیده و به جز موارد بسیار اندک شرح و توضیحی درباره آن داده نشده است و نکته دیگر این که همه این چهار کتاب به زبان عربی است.

سیمای مهدویت در قرآن به قلم محمد جواد مولوی نیا^۲: این کتاب به زبان فارسی است و مؤلف ۷۵ آیه از آیات شاخص مهدویت را همراه با شرح واژه آیات و توضیح مختصری در رابطه با ارتباط آیه با بحث مهدویت همراه با ذکر روایات مهم ذیل آیه مطرح نموده است.

ویژگی مشترک تألیفات مذکور تمرکز به روایات یا تفسیر برخی آیات از منظر مهدوی با نگاه مصنف است. اما در مجموعه پیش رو موارد ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱. دایره متون تحقیقی از روایات به استنباطات مفسران نیز کشانده شده است.
۲. دامنه پژوهش شامل قرون اولیه تا معاصر، فرقه‌های مختلف اسلامی، نحله‌ها و مشرب‌های متفاوت فکری، تفاسیر موجز و مفصل، فارسی و عربی، روایی و غیرروایی می‌باشد.

۱. فضل الله عابدی خراسانی، قاطع البیان فی الآیات المنزلة او المؤولة بصاحب الزمان علیهم السلام، مشهد: دارالمرتضی للنشر، ۱۴۰۴ ق.

۲. محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، مؤسسه امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۱.

۳. مجموعه کار به صورت گروهی انجام پذیرفته و از هر گونه اعمال نظر شخصی و نقد و نظر در این مرحله خودداری شده است.

۴. موضوعات پیرامونی بحث در مهدویت از قبیل غیبت و لوازم آن، رجعت، نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة مدنظر قرار گرفته است.

۵. گسترش حوزه مطالعه از آیات مشهور به آیات مهدویت به ۶۰۰ آیه و برداشت مطالبی در خصوص مهدویت ذیل آنها.

با همه این اوصاف، مجموعه پیش‌رو، نمایی است از نظر مفسران در خصوص مباحث مختلف مهدویت، که در برخی موارد نیاز به بررسی و حتی نقد دارد. این هدف در آثار بعدی گروه تأمین خواهد شد.

شیوه نامه

اطلاعات نامنظم نمی‌تواند در دانش و یا ساخت ذهنی افراد تأثیر کند و در آن تحول و کمالی به وجود آورد، لذا باید آنها را به گونه‌ای تنظیم کرد که طبق برنامه و سیاستی مشخص و به شکلی همگون در جهتی واحد قرار گیرند و نیاز مراجعه‌کننده را به آسانی و با ضریب بالایی از دقت برآورند.

برای سامان‌دهی و تنظیم اطلاعات موجود در متون روش‌هایی وجود دارد، از جمله: رده‌بندی مدارک، چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی. رده‌بندی مدارک عبارت است از تنظیم در قفسه‌ها و طبقه‌بندی براساس موضوع برای سهولت دست‌یابی به موضوع. چکیده‌نویسی یعنی ارائه خلاصه، فشرده و نکات اصلی مدرک برای آسان کردن تصمیم‌گیری استفاده‌کننده در رجوع به اصل مدرک و عدم آن.

نمایه‌سازی عبارت است از: توصیف کردن محتوای مدارک در قالب واژه‌ها به منظور جست‌وجوی محتوای مدارک و به دست آوردن اطلاعات مورد نظر از جای جای متون توصیف شده (نمایه شده).

هر یک از روش‌های فوق در جای خود مفید و لازم است ولی با توجه به رشد سریع دانش و اطلاعات و ناتوانی انسان از جنبه‌های مختلف در دسترسی به آنها، بهترین روش برای ساماندهی اطلاعات و ذخیره و بازیابی آنها به روش علمی و پذیرش قابلیت‌های گوناگون در برآوردن نیاز استفاده‌کنندگان، نمایه‌سازی است.

اگرچه نمایه معمولاً به فهرست راهنما اطلاق می‌شود که در انتهای کتاب آورده می‌شود اما در تعریفی دیگر «نمایه» صورتی از موضوع و واژه‌های مهم، اسامی و دیگر مطالب یک یا چند کتاب و ارجاع به صفحاتی می‌باشد که این مطالب در آن واقع شده است.^۱ در مجموعه پیش رو، موضوعات مهم هر یک از متون تفسیری در خصوص مهدویت جست‌وجو شده، و همراه با مشخصات آن تفسیر نقل شده است. در این روش تلاش بر نمایه کردن مفاهیم بوده نه واژه‌هایی که مفسر به وسیله آنها، این مفاهیم را ارائه کرده است، زیرا ممکن است مفسر زبانی مبهم، تخصصی، عامیانه، سنگین یا غیر قابل قبول را به کار برده باشد. برای فراهم‌آوری نمایه‌های پیش‌رو سه مرحله طی شده است:

۱. آشنایی با متون مورد نظر: در این مرحله فیش‌های استخراجی از منابع مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. با توجه به این که محور جمع‌آوری‌ها مباحث مهدویت، مقدمات و تأثیرات آن، در ۱۴ قرن متون تفسیری، و در مذاهب‌ها و سبک‌های مختلف تفسیری بود؛ دسته‌بندی آنها لازم و ضروری به نظر می‌رسید. از آن جا که هدف این طرح تدوین پیشینه مهدویت در آثار تفسیری برای دسترسی آسان‌تر محققین این عرصه بود، چینه‌ش محتوایی (موضوعی) فیش‌ها نزدیک‌ترین راه رسیدن به مقصود بود.

۱. پوری سلطانی، اصطلاح‌نامه کتابداری، ویرایش دوم.

۲. تحلیل محتوای فیش‌ها: در این مرحله گزیده‌متون تفسیری مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و هر یک از متون تحت عنوان یا عناوینی از مهدویت لحاظ گردید. این عناوین و اصطلاحات و واژه‌های قراردادی بودند که کار دسته‌بندی و رجوع به متون تفسیری را آسان می‌کردند، از جمله تفکر مهدویت، وجود امام مهدی علیه السلام، ویژگی‌های عام امام مهدی علیه السلام، نشانه‌های ظهور، انتظار، اشراف الساعة، رجعت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام.

در نمایه‌سازی تنها موضوع اصلی و مهم نمایه شده و از پرداختن به فروع و پرداختن به مباحث جنبی خودداری شده است.

۳. گزینش واژه‌ها: واژه‌هایی تعیین شده است که با اصطلاحات متن نیز مطابقت داشته باشد.

این امر سبب گردید تا از به کارگیری اصطلاحات نامأنوس جلوگیری شده و اصطلاحات مرجع انتخاب شوند.

تمام تلاش‌های فوق در این جهت انجام گرفت که اگر خواننده‌ای فرصت ندارد یا نمی‌خواهد تمام تفاسیر را به تفصیل بخواند بتواند با مراجعه به نمایه مورد نظر تصمیم بگیرد که کدام موضوع و بخش تفسیری برای تحقیق او مفید است و کدام بخش را مراجعه نکند تا بدین وسیله دچار اتلاف وقت نشود.

با توجه به نگاه تخصصی که به متون تفسیری شده است محورهای مذکور، نزدیک‌ترین موضوع به نظر آمده و الزامی برای محققین از جهت مراجعه به متن و ارائه برداشتی جدید از آن وجود خواهد داشت؛ لذا روش کار نقل هر یک از آیاتی است که مفسران ذیل آن مطالبی را درباره مهدویت نقل کرده‌اند. سپس با سبک نمایه‌زنی، اهم موضوعات طرح شده از سوی مفسران ذیل آن آیه نقل و آدرس داده شده است.

تذکر چند نکته ضروری

۱. از آن جا که متن تفسیر در مجموعه پیش رو نیامده است، محققین صرفاً با نمایه‌ای از بحث مهدویت در ذیل هر یک از آیات آشنا می‌شوند طبیعی است که این مقدار از اطلاعات آنها را از مراجعه به متون تفسیری بی‌نیاز نمی‌سازد.

۲. مبنای این پژوهش نقل مطالب تفسیر، با حفظ امانت بوده و ذکر آنها در این مجموعه به معنای تأیید آنها نیست. نقد و بررسی متون تفسیری درباره مهدویت، یکی از هزاران کار ناشده مباحث مهدویت می‌باشد که در دستور بعدی گروه قرآن و حدیث است.

۳. با توجه به کاربرد برخی لغات تخصصی، جهت استفاده آسان تر برخی اصطلاحات به اجمال در پاورقی توضیح داده شده است.

۴. چینش منابع بر اساس زمان تألیف تفسیر بوده است از تفسیر قدیمی شروع و به تفسیر جدید پایان می‌پذیرد.

۵. در پایان نمایه اصطلاحات، اشخاص و تفاسیر جهت دسترسی آسان تر محققین افزوده شده است.

محورها و عناوین

دسته‌بندی و طبقه‌بندی مطالب به همراه چینش منطقی میان آنها سرعت و سهولت کار تحقیق را برای دانشوران فراهم می‌آورد و این موضوع با تعیین و تفکیک محورها و عنوان‌های اصلی و فرعی در یک ساختار منطقی امکان‌پذیر است. از آن جا که در حوزه مهدویت، موضوعات قابل طرح مختلفی وجود داشته و هر یک از این حوزه‌ها به صورت تخصصی مخاطبان خاص به خود دارد؛ گروه قرآن و مهدویت تلاش نمود

با ارائه موضوعات متنوع و مرتبط با بحث، و دسته بندی آرای مفسران، نیازهای تحقیقی پژوهشگران مهدوی را برآورده سازد. این موضوعات عبارتند از:

۱. آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی.

۲. تفکر مهدویت.

۳. وجود امام مهدی علیه السلام.

۴. ولادت و کودکی امام مهدی علیه السلام.

۵. نسب امام مهدی علیه السلام.

۶. امامت حضرت مهدی علیه السلام.

۷. ویژگی های عام امام مهدی علیه السلام.

۸. ویژگی های خاص امام مهدی علیه السلام.

۹. غیبت.

۱۰. انتظار.

۱۱. نشانه های ظهور.

۱۲. اشراط الساعة.

۱۳. ظهور وقایع ایام ظهور.

۱۴. وقایع ایام ظهور.

۱۵. رجعت.

۱۶. نزول حضرت عیسی علیه السلام.

۱۷. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام.

۱۸. جهان بعد از شهادت حضرت مهدی علیه السلام.

هر یک از محورهای فوق بیش از ده ریزموضوع داشته و در موضوع یابی سعی شده تا نظر مصنف و تناسب مطالب با آیات مدنظر قرار گیرند. در ادامه به بیان اجمالی اهم محورهای فوق پرداخته می شود.

تفکر مهدویت

مهدویت، مصدر جعلی مهدی به معنای مهدی بودن است و در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام را گویند که اسلام وعده قطعی و حتمی ظهورش را داده و استقرار عدالت در سراسر جهان به دست ایشان مقرر شده است.

اهل سنت در این که مهدی موعود علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد، این که عیسی مسیح علیه السلام از آسمان نازل شده و در پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند، و این که مردم در عصر آن حضرت در رفاه زندگی می‌کنند تردید نداشته و احادیث متعددی در این خصوص در کتاب‌های بزرگان اهل سنت می‌توان دید. اگر چه بیشتر آنها انکار می‌کنند که آن حضرت پسر بلا واسطه امام حسن عسکری علیه السلام و خلیفه دوازدهم رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. لذا اگر در برخی از تفاسیر غیر امامیه مانند المنار تفکر مهدویت شدیداً مورد حمله قرار گرفته، قرائت شیعی مدنظر است و این که «رشید رضا» خواسته باشد اصل این اندیشه را زیر سؤال ببرد، جای تأمل دارد.

اما شیعه اعتقاد دارد مصداق این مفهوم معین است. او حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ قمری در سامرا به دنیا آمد و هم اکنون در پس پرده غیبت به سر می‌برد. بر این اساس اعتقاد شیعه مبتنی بر مهدویت شخصیه است. یعنی یک فرد است که مهدی این امت و موعود امت‌ها و ملت‌هاست. ابعاد و ویژگی‌های او مشخص و نشانه‌های ظهورش اعلام شده است.

ویژگی‌های عام و خاص

منظور خصوصیات و صفاتی است که در همه ائمه علیهم السلام وجود دارد نظیر علم و

عصمت ائمه علیهم السلام، در مقابل ویژگی های خاص که اختصاص به حضرت مهدی علیه السلام دارد مانند طول عمر.

اشارات الساعة

«اشارات» جمع «شرط» و به معنای علامت، و «ساعة» به معنای قیامت است. و مقصود از آن علائم و نشانه های قیامت می باشد، چنانچه در آیه ۱۸ سوره محمد علیه السلام آمده است: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾. اگرچه در بدو امر به نظر می رسد ارتباطی بین اشارات الساعة و بحث مهدویت وجود ندارد، اما این دو موضوع به دلایل ذیل به هم مرتبطند:

اول آن که، در روایت متعددی از فریقین، ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشارات الساعة ذکر شده است.

دوم؛ مواردی از قبیل خروج سفیانی، دجال، خسف و... که در منابع اهل سنت به عنوان اشارات الساعة مطرح گردیده، در منابع امامیه به عنوان علائم ظهور قلمداد شده است.

به علاوه این که در منابع اهل سنت، بحث مهدویت زیرمجموعه بحث معاد و در بخش اشارات الساعة مطرح گردیده است؛ لذا نوع نگاه امامیه به بحث مهدویت با نگاه اهل سنت متفاوت است. آنان مهدویت را به عنوان یکی از علائم قیامت می دانند، در حالی که امامیه به مهدویت نگاه اصالی داشته و آن را عصاره برنامه انبیا و اولیا علیهم السلام و حجت و خلیفه خداوند که واسطه فیض بین خالق و مخلوق می باشد، می داند.

عدم اطلاع از نسبت بین این دو موجب گردیده برخی اشارات الساعة را با نشانه های ظهور خلط نمایند، و اموری از قبیل دخان، دابة الارض و طلوع خورشید از مغرب را، که صرفاً جزء اشارات الساعة می باشند به عنوان علائم ظهور ذکر نمایند. در مجموع می توان گفت نسبت بین اشارات الساعة و علائم ظهور عام و خاص

مطلق است. علائم اخص از اشراف الساعة بوده و اموری از قبیل سفیانی، دجال، ندای آسمانی و خسف، وجه مشترک این دو می باشد.

ظهور

در روایات، تعبیر گوناگونی نسبت به «ظهور» وجود دارد مانند یظهر، یبعث، یخرج، یقوم، در برخی از موارد همه این تعبیر بیانگر یک حقیقت واحد و آن تحقق وعده الهی و آمدن حضرت مهدی علیه السلام می باشد؛ ولی در برخی از متون تفاوت هایی بین این تعبیر دیده می شود، از جمله تفاوت ظهور با مسئله قیام؛ چرا که قیام بعد از ظهور تحقق می یابد و از نظر زمان و پاره‌ای از ویژگی‌ها متفاوت است. از همین جهت مباحث مربوط به «ظهور» در یک محور مستقل قرار داده شده و بحث قیام که بعد از ظهور حضرت و با رسیدن عدد اصحاب حضرت به ده هزار نفر از مکه آغاز می گردد به عنوان وقایع ایام ظهور مطرح گردیده است.

رجعت

لغت نگاران رجعت را به معنای «بازگشت» یا «بازگشت به دنیا پس از مرگ» دانسته‌اند و در فرهنگ نامه اعتقادی شیعه امامیه عبارت است از: «بازگشت عده‌ای از مؤمنان خالص و کافران معاند به دنیا پس از مرگ^۱ و در هنگام و یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پیش از برپایی قیامت»^۲.

بی‌گمان این اعتقاد و ایمان از مختصات و امتیازهای مورد اتفاق و بلکه از ضروریات مذهب امامیه است،^۳ شیخ مفید در این باره نوشته است: «إِنَّ الَّذِي تَذْهَبُ

۱. شیخ مفید، اوائل المقالات، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۷. و همو، تصحیح الاعتقادات الامامیه، تحقیق حسین درگاهی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۰.

۲. محمد بن حسن عاملی، الايقاظ من الهجعة، ت: احمد جنتی، تهران، نوید، ۱۳۶۲، ص ۲۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، رساله العقاید الجعفریه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا، ص ۲۵۰.

إليه الشيعة الإمامية أن الله تعالى يُعيدُ عند ظهور المهدي عليه السلام قوماً ممن كان تقدّم موته من شيعته و قوماً من أعدائه^۱ از جمله مواردی که شیعه به آن رأی داده این است که: «خدای متعال در هنگام ظهور مهدی عليه السلام گروهی از پیروان و دوستان آن حضرت و دشمنانش را که مرده‌اند (زنده و به دنیا) باز می‌گرداند و طبرسی با اندک اختلاف در تعبیر این گونه نوشته است: «يُعيدُ عند قيام المهدي عليه السلام قوماً ممن تقدّم موتهم من أوليائه... و يُعيد أيضاً قوماً من أعدائه»^۲ و علامه حلی نوشته است: «از جمله اعتقادات شیعه بلکه ضروریات مذهب حقه رجعت دانسته‌اند»^۳. علامه مجلسی نوشته است: «از اخبار استفاده می‌شود که خداوند منان در عصر غیبت ولی عصر عليه السلام گروهی از مؤمنان را زنده و چشمانشان را به ائمه دین و دولت حقه روشن می‌سازد و نیز گروهی از کافران و دشمنان دین را زنده می‌کند تا انتقام از آنها کشیده شود»^۴.

اکنون با توجه و تأمل در عبارتهای یاد شده می‌توان با اطمینان به پیوستگی دو مفهوم مهم در فرهنگ اعتقادی امامیه - رجعت و ظهور حضرت حجت عليه السلام باور و به رابطه ناگسستنی میان آن دو رأی داد، زیرا عالمان شیعه با اقتباس از آنچه در روایات صادره از حضرات معصومان عليهم السلام به دست آورده صورت زمانی دوره رجعت را در هنگام یا پس از ظهور حضرت مهدی عليه السلام یاد کرده و همواره نماد این ارتباط را در آثارشان نمایان ساخته‌اند. لذا دو نوع رجعت قابل استنتاج است:

الف: رجعت دوران ظهور: بنا بر منابع دینی در این دوره کسانی که دارای ایمان خالص و جزء منتظران حقیقی بوده‌اند برای یاری حضرت به دنیا برمی‌گردند مانند

۱. شیخ مفید، تصحیح الاعتقادات الامامیه، همان، ص ۹۰ و همو، اوائل المقالات، ص ۳۶۶.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، قم: امیر، بی تا، ج ۷، ص ۳۶۶.

۳. محمد بن حسن طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰ و محمد بن حسن عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۶۷.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۳، ص ۱۲۶.

اصحاب کهف، پانزده نفر از قوم موسی علیهم السلام، مالک اشتر و...^۱ سران کفر و ضلالت نیز برای انتقام و مجازات زنده خواهند شد.

ب: رجعت پس از رحلت حضرت مهدی علیه السلام طبق بعضی روایات اولین شخصیتی که در این دوره رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است که با اصحاب خود رجعت می‌نماید و حکومت جهانی ایشان را استمرار می‌بخشد.

بخش عمده‌ای از آیات رجعت ناظر به پیشینه رجعت می‌باشد، مانند آیات ۵۵، ۵۶، ۷۳، ۲۴۳ و ۲۵۹ از سوره بقره.

این آیات اولاً: امکان وقوع رجعت را اثبات می‌نماید، و ثانیاً: با ضمیمه نمودن روایت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمودند: هر چه در بنی اسرائیل واقع شده در امت اسلام نیز واقع خواهد شد. وقوع رجعت در اسلام را اثبات می‌کنند.^۲

بخش دیگری از این آیات ناظر به وقوع رجعت در آینده می‌باشند، مانند آیه ۸۳ سوره نمل و آیه ۱۱ سوره مؤمن.

نزول حضرت عیسی علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به هنگام قیام امام مهدی علیه السلام از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب یک واقعیت ثابت بوده و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. نزول این پیامبر عظیم الشان الهی به عنوان یاری حضرت مهدی علیه السلام و اقتدا در نماز و فراخواندن جهانیان به ویژه مسیحیان به پیروی از ایشان نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف حضرت خواهد داشت. همین موضوع موجب ارتباط نزول حضرت عیسی علیه السلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است.

۱. تفاسیر عیاشی، مجمع البیان، کنزالدقائق، البرهان، صافی و نورالثقلین ذیل آیه ۱۵۹ اعراف.

۲. تفاسیر مجمع البیان و صافی، ذیل آیات ۵۵ و ۵۶ سوره بقره.

در تفاسیر اهل سنت موضوع نزول حضرت عیسی علیه السلام بسیار پررنگ‌تر از بحث ظهور مطرح گردیده، به گونه ای که در برخی از تفاسیر آنان هیچ مطلبی در رابطه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیامده است.^۱ در مقابل حدیث «لامهدی إلا عیسی» که در برخی از آثار آنان به چشم می‌خورد و مواردی از قبیل تبلیغ و ترویج شریعت اسلام، برقراری عدالت و... که در روایات امامیه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام دانسته شده به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده شده است.

البته برخی از مفسران اهل سنت این حدیث را از نظر سند و متن مورد نقد قرار داده‌اند و تأویلات گوناگونی بر آن ذکر نموده‌اند.^۲

مهدویت در تفاسیر

در این جا لازم است توضیح دهیم چرا این عناوین تحت عنوان «مهدویت در تفاسیر» طرح می‌شوند؛ دلیلش آن است که بنابر تعریفی که از «مهدویت» گذشت این اصطلاح بر «مهدی بودن» اشاره دارد و مباحثی از قبیل اشراط الساعة یا رجعت از نشانه‌های آخرالزمان هستند و ذیل این عنوان باید مطرح شوند نه مهدویت. چنانچه در دائرة المعارف قرآن کریم اموری از قبیل بحران معنویت، وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار، ظهور دجال، وقوع مصائب، خروج سفیانی، ندای آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشر، نزول حضرت عیسی علیه السلام، خروج جنبده‌ای از زمین (دابة الارض)، هجوم یاجوج و ماجوج، رجعت، و صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان از نشانه‌ها و رخدادهای مهم آخرالزمان برشمرده شده است.^۳ از این منظر «دوره اسلامی» همان دوره آخرالزمان است که تحقق کامل دیدگاه مثبت اسلام درباره پایان

۱. به عنوان نمونه: لباب التأویل فی معانی التنزیل، تفسیر القرآن الحکیم و تفسیر کتاب الله العزیز.

۲. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن و اسماعیل حقی، روح البیان، ذیل آیه ۲۳ توبه.

۳. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۴.

تاریخ، در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام به وقوع خواهد پیوست^۱. این تلقی با همان معنای مهدویت اصطلاحی، سازگاری دارد، اما با کمی توسعه در معنای مهدویت و تلقی آن به عنوان یک پدیده، با تمام مقدمات و پی آمدهایش، در این صورت اموری از قبیل اشراط الساعة، رجعت و نزول حضرت عیسی علیه السلام مترتب به بحث مهدویت قرار می‌گیرند. بر این اساس نزول حضرت عیسی علیه السلام از آن جهت مورد توجه است که وی در بیت المقدس به نماز جماعت امام زمان علیه السلام اقتدا و در جنگ‌های ایشان نیز شرکت خواهد کرد. خروج سفیانی و خروج دجال نیز از نشانه‌های ظهور برشمرده‌اند. ندای آسمانی هم ذیل عنوان مهدویت قرار می‌گیرد؛ چرا که بنا بر روایات شیعه جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان علیه السلام بیعت و با صدایی بلند به گونه‌ای که به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می‌کند: **أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ**. زنده شدن دوباره برخی از نیکوکاران و بدکاران زمان‌های گذشته (رجعت) هم از این لحاظ که مؤمنان برمی‌گردند تا به آرزوی دیرینه خود، برای یاری منجی آخرالزمان برسند و کافران زنده می‌شوند تا به دست موعود منتظر مورد انتقام قرار گیرند، مورد توجه بوده است.

براین اساس مهدویت محدود به معنای اصطلاحی آن نبوده و در این نوشتار مفهومی است که کلیه مقدمات و پیامدهای فکری و عملی ظهور امام زمان علیه السلام را در برمی‌گیرد^۲.

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. عبور از معنای اصطلاحی و جعل معنایی عام برای مهدویت در آثار برخی دیگر از محققین نیز قابل مشاهده است. از جمله:

الف) محمد یعقوب بشوی، در کتاب خود تحت عنوان نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت مباحث پیشینه عقیده مهدویت، نظر خلفای دوازده‌گانه درباره حضرت مهدی علیه السلام، نشانه‌های ظهور و عصر پس از ظهور را مورد بررسی قرار داده است. (محمد یعقوب بشوی، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، قم: مرکز جهانی علوم

مآخذشناسی توصیفی تفاسیر

۱۴۰ دوره تفاسیر بررسی شده شامل سبک های مختلف تفسیری، مذاهب گوناگون و شرایط متنوع مکانی مفسران شیعه از قرن سوم هجری تا به حال می باشد. مفسران اهل سنت نیز شامل مجموعه مطالعاتی پیش رو گردیده و بخش عمده تفاسیر آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ذیلاً هر یک از تفاسیر مطالعه شده، به ترتیب قرن نگارش، در دو بخش شیعه و اهل سنت، به اجمال معرفی می شود^۱:

الف - تفاسیر امامیه

در سده های اولیه، تفاسیرهای خبری، عیاشی و فرات کوفی، از حسین بن حکم کوفی (م ۲۸۶ق)، محمد بن مسعود عیاشی (قرن ۳) و فرات بن ابراهیم کوفی

→ اسلامی، ۱۳۸۴.

ب) علیرضا ابراهیم در کتاب مهدویت در اسلام و دین زدهشت ذیل عنوان مهدویت چیست؟ آورده است: «اصطلاح مهدویت به مکتب های فکری اطلاق می شود که شاخصه اصلی آن اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و رهاننده باشد. ارکان عمده این مکتب ها که ریشه در باورهای دین دارد عبارتند از: ۱. اسارت ۲. غیبت ۳. انتظار ۴. نجات.

در توضیح مهدویت گفته اند که فرد یا قومی که در وضعیت اسفبار گرفتار شده و متحمل رنج ها و مصائب می شود، چشم به راه ظهور فرد یا گروهی دارد که در اختفا و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهد کرد و نجات و رهایی انسان ها را به ارمغان خواهد آورد. البته مهدویت عناصر و ارکان دیگری نیز دارد که به تبع چهار رکن اصلی در زمان مقتضی پدید خواهد آمد. عناصری مانند تحول در آداب و شعائر دینی و تغییر در نظام بشری. به هر روی، بحث مهدویت با عناوینی همچون Messianism به معنای «مهدویت، مهدویت باوری، مسیحا باوری و موعود باوری»، Millenniumism به معنای «هزاره گرایی»، اعتقاد به فرارسیدن هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد به عصر سعادت و Futurism به معنای «آینده نگری» مطرح می شود. البته هر کدام از این کلمات معمولاً در یک حوزه مطالعاتی خاص - اعم از سیاسی، اجتماعی، دینی و حتی علمی و ادبی - کاربرد بیشتری دارد». (علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام و دین زدهشت، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

۱. برگرفته از: سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، رشت: کتاب معین، ۱۳۷۸.

(قرن ۳ و ۴) مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع تعداد قابل توجهی فیش استخراج گردیده است. هر سه مفسر به اقتضای قرن سوم، به نقل روایات اکتفا کرده و از اظهار نظر در آن، خودداری کرده‌اند.

از تفسیرهای قرن چهارم مانند: قمی، نعمانی، استرآبادی و الثبیان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت.

تفسیر قمی اثر راوی بزرگ و موثق شیعه، علی بن ابراهیم قمی (ت ۳۰۷ ق) می‌باشد^۱. وی امام حسن عسکری علیه السلام را درک نموده است و تفسیر وی یکی از منابع کتب اربعه محسوب می‌شود. برخی از مفسران استدراکات قمی را به عنوان نظر خود نقل نموده‌اند، هر چند به دلایل و شواهد اثر مذکور نمی‌تواند به طور کامل از علی بن ابراهیم قمی باشد. در ۸۰ جای این تفسیر نکاتی در خصوص بحث مهدویت ذکر شده است.

تفسیر نعمانی از محمد بن ابراهیم نعمانی (ابی زینب) (م ۳۴۲ ق)، به شیوه روایی و کلامی به رشته تحریر درآمده است. مرحوم مجلسی تمام این تفسیر را در جلد ۹۳ بحار، تحت عنوان «ما ورد عن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فی أصناف آیات القرآن» نقل کرده است. نعمانی در دوران غیبت می‌زیسته و در شام وفات یافته، و از تفسیر وی ۱۵ فیش بهره برداری شده است.

تفسیر محمد بن قاسم استرآبادی (م ۳۸۰ ق) معروف به تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام بوده و مشهور است که به دستور حضرت املاء شده است، ولیکن در انتساب آن به حضرت جای تردید وجود دارد.

الثبیان اثر محمد بن حسن طوسی (شیخ الطایفه) (۴۶۰ - ۳۸۵ ق) را نخستین تفسیر جامع و فراگیر شیعی دانسته‌اند که استنباط و فهم قرآن را از انحصار نقل خارج

۱. هر چند در نام مؤلف اختلاف نظر است اما از باب غلبه نام ایشان هم در جلد کتاب‌های و هم در السنه محققان به نام علی بن ابراهیم آورده شده است؛ مسئله دیگر این که کتاب گنجایش مسائل این گونه را ندارد.

می‌نماید و با تکیه بر عقل، اندیشه‌ها و یافته‌های عالمان را به نقد کشیده است. از دو تفسیر فوق ۲۵ فیش استخراج گردیده است.

از مفسران قرن پنجم، جوامع الجامع، اثر گرانمایه فضل بن حسن طبرسی بررسی گردید. این تفسیر بسیار موجز و ویژگی مهم آن، ادبی بودن آن است که با عبارات بسیار کوتاه، آیات قرآنی را تبیین می‌کند. از این تفسیر ۱۵ فیش درباره مباحث مهدویت بهره برداری گردید.

در قرن ششم، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، اثر ابوالفتوح رازی (م ۵۵۲ ق) مورد بررسی قرار گرفت. مفسر از نقل و عقل در تفسیر خود استفاده کرده و لذا در رده تفاسیر اجتهادی محسوب می‌شود. در زمینه اخبار و آثار، هم از منابع و جوامع روایی شیعی و هم از اهل سنت استفاده می‌کند و به همین دلیل، حجم انبوه روایات صحیح و سقیم و اسرائیلیات، به ویژه در بخش قصص و فضایل آیات و سوره‌ها، به این تفسیر راه یافته است. در ۲۴ مورد از این تفسیر در زمینه مهدویت استفاده شده است.

از تفاسیر قرن هشتم تفسیر جلاء الاذهان (گازر) به قلم حسین بن حسن جرجانی (۷۲۲ ق) ملاحظه شده است. این تفسیر در حقیقت، با اندک اصلاح و تغییر در عبارات و شیوه نگارش همان تفسیر ابوالفتوح رازی است. محدث ارموی که محقق و مصحح این تفسیر می‌باشد، سراسر این کتاب را با تفسیر روض الجنان ابوالفتوح مقایسه کرده و مدعی شده است: «تفسیر حاضر از آغاز تا انجام، یعنی بدون هیچ مبالغه و اغراق، به استثنای خطبه و سبب تألیف - که به ناچار باید مغایر باشد - از تفسیر ابوالفتوح رازی مأخوذ است.» مبنای مفسر این بوده است که تفسیری موافق اخبار اهل بیت بنویسد. از این تفسیر ۳۷ فیش استخراج شده است.

در قرن نهم، تفسیر مواهب علیه از حسین بن واعظ کاشفی (۸۴۰ - ۹۱۰ ق) مورد ملاحظه قرار گرفته و از بیست جای آن در خصوص بحث مهدویت بهره برداری شده

است. مفسر به تفسیر تبیان شیخ طوسی و کشاف زمخشری عنایت دارد و چون اهل معقول و سیر و سلوک است فتوحات مکيه ابن عربی را ارج می‌گذارد و به بیان سخنان شخصیت‌هایی همچون قشیری، عطار، سنایی و مولوی در نثر و نظم استناد می‌جوید. عقاید و جهت‌گیری کلامی در این تفسیر، بر وفق مذاق اهل سنت است و گفته شده، چون کاشفی در هرات، ملازم امیر علی شیرنواپی و جامی بوده و این کتاب را برای آنان و درخواست ایشان نگاشته، امکان ارائه عقاید شیعی خود را نداشته است. این تفسیر یک مرتبه توسط فیض کاشانی و یک مرتبه توسط ملا فتح الله کاشانی، مطابق با مذاهب شیعه اصلاح گردید.

تفسیر منهج الصادقین از ملا فتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ق) از قرن دهم بررسی و ۳۹ فیش استخراج شده است. ملا فتح الله کاشانی که از علمای برجسته دربار شاه طهماسب صفوی است این تفسیر را در واکنش به مواهب علیه که نسبت به اخبار اهل بیت بی‌توجهی کرده، به عنوان شرحی بر مواهب نوشته و اخبار اهل بیت را در آن گنجانده است.

از تفاسیر قرن یازدهم صافی از ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ق) و تفسیر لاهیجی اثر محمد بن علی لاهیجی (م ۱۰۸۸ ق) ملاحظه گردیده است. ملا محسن تفسیر خود را به شیوه روایی و مشرب عرفانی نوشته و بحث مفصلی را مطرح می‌کند که تمامی قرآن در حق خاندان عصمت و نبوت و مذمت دشمنان آنان است. مفسر از عبارات تفسیر بیضاوی استفاده می‌کند و دیدگاه‌های امامیه را به طور گسترده شرح داده و استدلال می‌کند و هر جا که شبهه‌ای باشد دفاع می‌کند. یکصد و چهل مطلب از این تفسیر در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری شده است.

تفسیر شریف لاهیجی، متأثر از فضای فرهنگی کشور بوده و از دو ویژگی آن دوران برخوردار است: نخست گرایش به حدیث و دیگری داشتن صبغه عرفانی. از این تفسیر ۱۵۷ مطلب استخراج گردیده است.

در قرن دوازده تفاسیر ذیل ملاحظه شد:

۱. البرهان فی تفسیر القرآن از سیدهاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق)؛ مفسر از علمای بحرین است که تفسیر خود را براساس تفاسیر روایی قدمای اصحاب امامیه مانند فرات کوفی، عیاشی، علی بن ابراهیم و استرآبادی، تنظیم نموده است. «آصفی» در مقدمه خود بر این تفسیر، ضمن انتقاد به روش بحرانی متأسف شده که مؤلف روایاتی را نقل کرده است که ضعیف، ساختگی و مشتمل بر غلو است، هم چنان که در این کتاب به منابعی استناد شده است که متهم به غلو، مجهول و غیر قابل اعتمادند. از این تفسیر ۲۵۶ فیش استخراج گردیده که همانند تفاسیر دیگر جای تحقیق و ارزیابی دارد. چنانچه گذشت مفسر در کتاب دیگری تحت عنوان المحجة فیما نزل من القرآن فی القائم المحجة به بررسی ۱۲۰ آیه از آیات قرآن در شأن حضرت حجت علیه السلام پرداخته است.

۲. نورالثقلین اثر علی ابن جمعه عروسی حویزی (م ۱۱۱۲ ق)، مفسر که از علمای ایران محسوب می شود، در این تفسیر - که به سبک و سیاق تفسیر البرهان نوشته شده - اخبار مربوط به آیات، بدون تأیید نقل شده است. مجموعه روایات این تفسیر یا جنبه توضیح معنای آیه را دارد یا در باب فضیلت اهل بیت و منطبق کردن مضامین آنها بر اهل بیت است یا شأن نزول را از اهل بیت گرفته است. در ۱۵۴ جا از این تفسیر به موضوعاتی در خصوص مهدویت اشاره شده است.

۳. کنزالدقائق و بحرالغرائب از میرزا محمد مشهدی قمی (م ۱۱۲۵ ق)؛ این تفسیر از نظر روایی بسیار متأثر از استاد خود فیض کاشانی و از نظر ادبی، از تفسیر بیضاوی تأثیر گرفته است. در ۲۰۰ جای این تفسیر، مباحث مربوط به مهدویت یافت می شود.

۴. فتح القدير از محمد بن علی شوکانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ ق)؛ مفسر از یک سو می کوشد خود را وابسته به اهل بیت نشان دهد و از طرف دیگر سعی دارد با دیدگاه مشهور عامه سازگاری داشته باشد. در آیات مهدویت نیز سعی می کند به سبک تفاسیر

عامه، به طرح مباحث مهدویت پردازد. در ۱۳ فیش به دست آمده از این تفسیر حاکمیت نهایی اسلام به دست حضرت عیسی علیه السلام دانسته شده و تنها در یک مورد (بقره/۱۱۴) خزی دنیوی کافرین موکول به ظهور حضرت مهدی علیه السلام گردیده است.

۵. الجوهر الثمین و تفسیر شبر، دو تفسیر سید عبدالله شبر (۱۱۸۸ - ۱۲۴۲ ق) هستند. مفسر از معاریف علمای امامیه در شهر کاظمین و نجف است که از جهت کثرت آثار و سخت کوشی به مجلسی دوم معروف شده است وی در الجوهر الثمین، میان روش نقلی و اجتهادی جمع نموده است. از دو تفسیر فوق ۹۲ مطلب استخراج شده است.

گرایش عمده تفاسیر فوق - تحت تأثیر گرایش عمومی قرن ۱۲ و ۱۱ - توجه فوق العاده به حدیث در برابر روش تفسیری اجتهادی و عقل گرا محسوب می شود. در بین تفاسیر قرن سیزدهم تفسیر بیان السعاده از سلطان محمد گنابادی (سلطان علی شاه) (۱۳۲۷ - ۱۲۵۱ ق) القرآن و العقل از نورالدین حسینی اراکی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۰ ق)، تفسیر آسان از محمد جواد نجفی (ت ۱۲۸۲ ق)، مقتضیات الدرر از میر سید علی حائری تهرانی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۰ ق) و نفحات الرحمن از محمد عبدالرحیم نهاوندی (۱۲۸۹ - ۱۳۷۰ ق) مورد ملاحظه قرار گرفته و در مجموع ۲۳۳ فیش استخراج گردیده است.

سلطان محمد گنابادی گرایش های صوفیانه دارد و تفسیر خود را با صبغه عرفانی و فلسفی نوشته است. در تفسیر وی همه آیاتی که مربوط به عقاید و کفر و ایمان است به مقام ولایت تفسیر شده و رب مطلق مقام الوهیت است و رب مضاف، منظور مقام ولایت است.

در تفسیر القرآن و العقل سورة حمد و چند سوره در میان تا سورة احزاب مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است. ویژگی مهم این تفسیر روش اجتهادی و عقل گرایی آن است. مفسر نامی این اثر مجتهدی زمان شناس و متعهد بود که در جنگ جهانی

دوم به همراه میرزا محمد تقی شیرازی فتوای جهاد علیه استعمار جهانی را صادر کرد.

تفسیر آسان، تفسیری است ساده و روان، آمیخته با بحث های اعتقادی و قابل استفاده برای عموم مردم. این تفسیر گزیده‌ای از تفسیرهاست. گزیده‌ای که تنها بیانگر دشواری های واژگان و ترکیب ها باشد.

المقتضیات الدرر نیز از تفاسیر تربیتی و هدایتی است که میر سید علی حائری با توجه به نیازهای اجتماعی و فکری مخاطبان خود بیان کرده است. این تفسیر جزء تفاسیر مختصر به حساب می آید که تنها به تبیین آیات پرداخته است.

در تفسیر نفحات الرحمن تفسیر عربی به صورت مفصل در بالای صفحه درج شده و در پایین صفحه تفسیر فارسی و مختصر آن آمده است. در این تفسیر همه آیات قرآن به گونه‌ای نسبتاً جامع و در موضوعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. روش تفسیر، اجتهادی و جامع بین عقل و نقل بوده و از تأمل در نکات دقیق کلامی برخوردار است. این تفسیر از تفاسیر امامیه مانند جوامع الجامع، صافی و حواشی شیخ بهایی بر انوار التنزیل بیضاوی استفاده می کند. هم چنین از تفاسیر فخر رازی، ابوالسعود و بروسوی بسیار نقل می کند.

در نیمه اول قرن چهارده نیز تفاسیر ذیل بررسی شده است:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن اثر سید عبدالحسین طیب (۱۳۱۲-۱۴۱۱ق)؛

تفسیری ساده و متقن و دقیق که برای توده مردم بازگو شده است. این تفسیر با شیوه مزجی و استدلالی و با رویکرد علمی - اجتماعی نوشته شده است.

۲. روان جاوید از محمد تقی تهرانی (۱۳۱۳-۱۴۰۶ق): این تفسیر با شیوه نقلی و

با رویکرد تربیتی - هدایتی نگاشته شده است. کتاب به زبانی ساده و متناسب با فهم توده نگارش شده و مفسر به مباحث کلاسیک تفسیر از قبیل مباحث ادبی، واژه شناسی، ریشه یابی لغت، فصاحت و بلاغت توجهی نکرده است.

۳. مخزن العرفان به قلم بانوی اصفهانی (۱۳۱۳ - ۱۴۰۳ق): بانو نصرت اصفهانی از نوادر دانشمندان زن مسلمان است که به درجه اجتهاد رسید. تفسیر وی از تفاسیر جامع قرآن محسوب می‌شود که به سبک بیانی و تحلیلی به تفسیر آیات پرداخته است. صبغه اصلی تفسیر، اخلاقی و عرفانی است.

۴. تفسیر اثنی عشری اثر حسین بن احمد شاه عبدالعظیمی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۴ق): این تفسیر به زبان فارسی و به جنبه های تحلیلی و هدایتی قرآن اهتمام می‌ورزد. با توجه به محیط مذهبی مخاطبان و علاقه مندان اهل بیت نگارش شده و به مناسبت، بحث‌های اعتقادی و کلامی را مطرح کرده و عقاید شیعه را در آن موضوع با گستردگی آورده است.

۵. الجدید به قلم شیخ محمد حبیب الله سبزواری (۱۳۱۸ - ۱۴۰۹ق): این تفسیر بیشتر به جنبه تحلیلی و توضیحی قرآن می‌پردازد و در جواب فهم آیات تلاش دارد که البته در مواردی، جهت توضیح بیشتر، از روایات اهل بیت علیهم السلام و در اندک مواردی از منابع اهل سنت استفاده می‌کند.

تقریباً اکثر تفاسیر معاصرین نیز در مجموعه پیش رو بررسی گردیده و مطالب مورد نظر استخراج شده است. از جمله این تفاسیر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: المیزان فی تفسیر القرآن اثر گران سنگ علامه طباطبائی، الکاشف به قلم محمد جواد مغنیه، تفسیر نمونه به همت آیه الله مکارم شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان از سید محمد حسینی شیرازی، الفرقان فی تفسیر القرآن اثر محمد صادقی تهرانی، احسن الحدیث از سید علی اکبر قرشی، تفسیر جامع به قلم سید ابراهیم بروجردی، پرتوی از قرآن از سید محمود طالقانی، من وحی القرآن اثر علامه فضل الله، و تسنیم به همت آیه الله جوادی آملی و دهها تفسیر دیگر!

۱. جهت آشنایی بیشتر با عناوین تفاسیر معاصرین به کتاب‌نامه پایانی مراجعه شود.

ب - تفاسیر غیر امامیه

در قرن اول تفسیر مجاهد اثر مجاهد بن جبر مکی (۲۱ - ۱۰۳ ق) دیده و چهار فیش استخراج شده است. وی از شاگردان ابن عباس و متأثر از فرهنگ وی بود، به همین دلیل برخی وی را از موالیان حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند. قاضی عبدالجبار در کتاب مغنی گفته که در مواردی از تفسیر، مجاهد آیاتی را دال بر افضلیت حضرت علی علیه السلام معنا کرده است. وی در کوفه می‌زیسته و این شهر مرکز شیعیان و موالیان بوده، ولی نمی‌توان گفت همه جا افکار شیعی داشته است.

تفسیر القرآن صنعانی نیز از تفاسیر قرن دوم دیده شده است. این تفسیر که به نام تفسیر صنعانی نیز شهرت دارد اثر «عبدالرزاق بن همام صنعانی» (۱۲۶ - ۲۱۱ ق) است. این تفسیر به سبک قرون دوم تا چهارم به نگارش در آمده است. به این معنا که گفته‌های صحابه و تابعین و احادیث نبوی گردآوری شده و به شکل جوامع حدیثی، همراه با ذکر نام راویان و سلسله طریق روایات آورده شده است. این روش مبنایی گردیده است برای کتاب‌های تفسیری مأثور، همانند تفسیر طبری و الدر المنثور در اهل سنت و تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم و بعدها تفسیر برهان و نور الثقلین در شیعه. به همین دلیل این تفسیر، یکی از مصادر مهم تفاسیر اهل سنت شمرده می‌شود.

در شیعه بودن یا نبودن مفسر حرف‌های زیادی مطرح است و تفسیر وی نیز بیانگر جهت‌گیری خاصی در مورد عقاید نیست. قدر مسلم آن است که وی شاگرد سفیان ثوری (م ۱۶۱ ق) و متأثر از افکار وی بوده است و می‌دانیم سفیان یکی از محدثین بزرگ اهل سنت و دارای روایات بسیار تفسیری و علاقه‌مند به اهل بیت و شاگرد امام صادق علیه السلام است، لذا می‌توان وی را از علاقه‌مندان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و دشمن مخالفان حضرت دانست؛ به ویژه آن که در این زمینه احادیثی نیز

نقل کرده است. در هفت جای این تفسیر، مصنف به مطالبی در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة اشاره کرده است.

در قرن سوم، دو تفسیر دیده شده است:

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر طبری (۲۴۴ - ۳۱۰ ق)، ابوجریر طبری از علمای بزرگ اهل سنت است که تفسیر وی از نخستین تفسیرهای آن دوره است که رسماً در کنار نقل حدیث و اثر، به نقد و ارزیابی نکات تفسیری و انتخاب برخی روایات می پردازد. شیوه او زمینه ای را فراهم کرد که پس از او تفاسیر بزرگی چون تبیان شیخ طوسی، کشاف زمخشری و مفاتیح الغیب رازی با سبک اجتهادی بنیان نهاده شد. جهت دیگر این تفسیر، فقهی بودن آن است که به طور مناسبی وارد مباحث فقهی می شود. ده فیش از این تفسیر برداشت گردیده اما در هیچ یک نامی از «حضرت مهدی علیه السلام» برده نشده و مباحث مربوط به نزول حضرت عیسی علیه السلام و غلبه اسلام در زمان ایشان به اجمال مطرح شده است.

۲. تفسیر کتاب الله العزیز به قلم شیخ هود بن محکم الهواری (م ۲۸۰ ق). این تفسیر یکی از قدیمی ترین تفاسیر به جای مانده از اباضیه است که تحت تأثیر شرایط خاص آن دوره اقدام به جمع آوری احادیث تفسیری و غیر تفسیری - بدون نقد و بررسی - نموده است، چنان که بعدها در مورد ضعف و ساختگی بودن آنها حساسیت ایجاد شد. مفسر با همین روش ذیل برخی آیات به نقل احادیث مربوط به مهدویت پرداخته و اکثر فیش های استخراجی این تفسیر مربوط به اشراف الساعة، پیشینه رجعت و نزول حضرت عیسی علیه السلام می باشد.

در قرن چهارم، پنج تفسیر به شرح ذیل بررسی گردیده است:

۱. بحر العلوم (تفسیر القرآن الکریم) اثر ابواللیث نصر بن محمد سمرقندی بلخی (۳۱۰ - ۳۷۵ ق)، تفسیری نقلی است که اسرائیلیات و روایات ضعیف مانند نقل از کلبی و سدی صغیر دیده می شود. چهارده فیش از مطالعه این تفسیر به دست آمده که

مربوط به نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة می باشد.

۲. حقائق التفسیر از محمد بن حسین نیشابوری (۳۳۰ - ۴۱۲ ق)، وی یکی از قدیمی ترین مفسران عارف مسلک ایرانی است. در این تفسیر تنها یک مورد در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری شده است.

۳. النکت و العیون به قلم ابوالحسن ماوردی بصری (۳۶۴ - ۴۵۰ ق)، ماوردی از جمله عالمان شافعی مذهب است که علاوه بر تفسیر، آثار فقهی، سیاسی و اجتماعی دیگری نیز از وی بر جای مانده است. در این تفسیر مباحث لغوی، اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. مفسر از کنار آیات مهدویت گذشته و تنها درباره اشراف الساعة، نزول حضرت عیسی علیه السلام و برخورد امام با دشمنان در زمان ظهور در چهارده جا اشاره نموده است.

۴. لطائف الاشارات اثر عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری (۳۷۶ - ۴۶۵ ق) از عالمان صوفی مسلک که در تفسیر خود به تأویلات عرفانی تفسیری توجه کرده است.

۵. الوسیط فی تفسیر القرآن المجید از ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (۳۹۸ - ۴۶۸ ق)، سه تفسیر از این مفسر بر جای مانده است: البسیط، الوسیط و الوجیز. جهت گیری واحدی کاملاً بر مذهب اهل سنت و جماعت است. در کلام بر مذهب اشاعره و در فقه بر مذهب شافعیه مشی می کند و در تثبیت و تأیید آن عقاید به شدت تلاش کرده تا جایی که در موضع گیری ها و نقد روایات فضل اهل بیت علیهم السلام در مجامع اهل سنت می کوشد.

در قرن پنجم تفاسیر ذیل بررسی گردیده است:

۱. تاج التراجم به قلم محمد بن احمد اسفراینی (م ۴۷۱ ق)، این تفسیر یکی از مهم ترین تفاسیر کهن فارسی مانند تفسیر منسوب به طبری و دومین حلقه زنجیر خراسانیان به شمار می رود که به علت قدمت زمانی و شیوه ای که در ترجمه آیات در

نظر مفسر بوده بر تفسیرهای فارسی تأثیر گزارده است. آیات مهدویت در پرتو استفاده به روایات رسول مکرم ﷺ تفسیر شده و در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة هفت فیش استخراج گردیده و در یک مورد به انکار عقاید شیعیان پرداخته است.

۲. معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل به قلم ابو محمد حسین بن مسعود بغوی (۴۳۸-۵۱۶ ق) این تفسیر گزیده تفسیر الکشف و البیان ثعالبی است با این تفاوت که بغوی بنا را بر اختصار گذاشته است. این تفسیر نیز مبتلا به نقل اسرائیلیات شده و به راویانی خبرساز و منحرف اعتماد کرده است.

۳. الکشاف (عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل) از محمود بن عمر زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ ق)، زمخشری یکی از دانشمندان بزرگ معتزله و در زمینه فن بلاغت و ادبیات از اطلاعات گسترده‌ای برخوردار است و تفسیر وی از متقن ترین و معروف ترین تفاسیر اهل سنت و از نظر اشمال بر نکات ادبی و بلاغی، در میان تفاسیر ممتاز است. با قطع نظر از جنبه های کلامی و افراط و تدروی ها در تطبیق آیات با اندیشه و آرای معتزله، تفسیر کشاف از بهترین تفاسیر قرآن محسوب می شود. در دو مورد از این تفسیر به مباحث مهدویت با محوریت نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده است.

۴. المحرر الوجیز به قلم ابو محمد بن عبدالحق، ابن عطیه المحاربی (۴۸۱-۵۴۲ ق)، به گفته خود مفسر، از تفسیر «مهدی مغربی» به نام التفصیل الجامع لعلوم التنزیل استفاده فراوان برده و از جهت سبک ادبی بسیار شبیه کشاف زمخشری است.

در قرن ششم تفاسیر ذیل دیده شده است:

۱. زادالمسیر، از ابوالفرج جمال الدین محمد جوزی (۵۰۸-۵۹۷ ق)، ابن جوزی فقیه حنبلی و حافظ قرآن و دارای تألیفات بسیاری در علوم قرآنی و غیر قرآنی است.

در پانزده جای این تفسیر به مطالبی در خصوص مهدویت با موضوعات پیشینه رجعت، اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته شده است.

۲. کشف الاسرار و عدة الابرار به قلم ابوالفضل رشیدالدین میبیدی (م ۵۲۰ ق)، وی در فروع مذهبی، پیرو شافعی و در مباحث اعتقادی، بر مذاق اصحاب حدیث و به تعبیری سلفی است. در سیر و سلوک بر مشرب عرفا سخن می گوید، با این همه علاقه و محبت وی به اهل بیت علیهم السلام چشم گیر و از خصیصه های تفسیر اوست. مباحث مهدویت در این تفسیر از جایگاه نسبتاً خوبی برخوردار بوده و در سی مورد از این تفسیر بهره برداری شده است که اهم موضوعات آن عبارتند از: نزول حضرت عیسی علیه السلام، اشراف الساعة، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، آینده بشریت و تحقق وعده الهی.

۳. مفاتیح الغیب از محمد بن عمر رازی (فخر رازی) (۵۴۴ - ۶۰۶ ق) معروف به تفسیر فخر رازی و تفسیر کبیر. مفسر در علم کلام ید طولایی داشته و در دانش تفسیر اثری سترگ به وجود آورد و با کاوش های عقلانی، روح دیگری در تفاسیر اشاعره دمید. کمتر مفسری است که پس از وی تفسیری نگاشته باشد و به این تفسیر مراجعه نکرده و از آن به گونه ای یاد ننموده باشد. مؤلف برای عقل، جایگاه بلندی در استنباط و استخراج پیام الهی قائل است. تنها در پنج مورد فخر رازی به مطالبی در خصوص مهدویت اشاره کرده و روایات نبوی در این زمینه را به نزول حضرت عیسی علیه السلام تفسیر و در آیه ۳ سوره بقره به نقد اعتقاد شیعه در تطبیق «غیبت» به حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است.

۴. رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن اثر محی الدین بن عربی (۵۶۰ - ۶۳۸ ق)، مفسر که بنیان گذار عرفان نظری محسوب می شود، بیشتر به تأویلات پرداخته تا شرح معانی کلمات و استنادسازی قواعد عرفانی از ظواهر لفظی کتاب. این تفسیر شامل همه آیات نمی شود، و تنها به آیه ها و سوره هایی پرداخته شده

که محل بحث و اشاره عرفانی بوده است. این اثر گردآوری شده از مجموعه مؤلفات ابن عربی به ویژه کتاب فتوحات و فصوص است.

کتاب دیگری منسوب به ابن عربی می‌باشد به نام تفسیر القرآن الکریم، ولی این کتاب در واقع تأویلات ملا عبدالرزاق کاشانی است. از میان نه فیشی که از رحمة من الرحمن برداشت شده است، دو مورد به نزول حضرت عیسی علیه السلام، چهار مورد به اشراف الساعة و ما بقی به معمرین پرداخته است.

۵. الجامع لاحکام القرآن از محمد بن احمد انصاری قرطبی (۵۷۸ - ۶۷۱) از تفاسیر گران سنگ عامه محسوب می‌شود که به لحاظ گستردگی مباحث فقهی در شمار آیات الاحکام وارد شده است. در این تفسیر مباحث مهدویت از دریچه روایات نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نگریسته شده و بیست و شش مطلب از این تفسیر در خصوص مهدویت فیش برداری شده است. قرطبی از کسانی است که آشکارا به قیام حضرت مهدی علیه السلام معتقد است و ایشان را از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌داند، وی در این باره وارد جزئیات نشده و شرح مباحث را به کتاب التذکره ارجاع داده است (توبه ۳۳، اسراء ۴ - ۶).

در قرن هفتم نیز پنج تفسیر از اهل سنت مورد بررسی قرار گرفت؛

۱. البحر المحيط به قلم محمد بن یوسف اندلسی (۶۵۴ - ۷۴۵ق): از تفاسیر متقن و مستدل اهل سنت محسوب می‌شود که به سبک ادبی و نقلی به رشته تحریر درآمده است. ۳۶ فیش از این تفسیر استخراج گردیده که بیشتر به مباحثی مانند اشراف الساعة، نزول حضرت عیسی علیه السلام و رجعت پرداخته است.

۲. تفسیر الکبیر از احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی (۶۶۱ - ۷۲۸ق)، مصنف دارای عقاید حنبلی سلفی بوده و با عقاید صوفیه، اشعری، معتزله و شیعه به شدت مبارزه کرده است. ابن تیمیه تفسیری به نام کبیر ننوشته، بلکه تنها چند سوره پراکنده را تفسیر نموده، اما میان آثار کلامی و اعتقادی او مباحث تفسیری بسیاری مطرح شده

است. گذشته از این که او معتقد نبود که باید تفسیری از آغاز تا پایان بنویسد، بلکه به نظر او می‌بایست تنها در مورد آیاتی که محل اختلاف و گفت و گو است و از نظر اعتقادی، جای توضیح و تبیین آن خالی است، نوشته شود. در این تفسیر مطلبی در خصوص مهدویت ذکر نشده است.

۳. باب التأویل فی معانی التزیل (تفسیر خازن) اثر علی بن محمد ابراهیم بغدادی (۶۷۸-۷۴۱ق): مصنف دارای عقاید شافعی - اشعری است و در برخی موارد مبتلا به نقل اسرائیلیات شده است. در ۱۸ مورد برداشت شده از این تفسیر در خصوص موضوعاتی از قبیل نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة، بحث شده است.

۴. انوار التزیل به قلم ابوسعید بیضاوی شیرازی (م ۶۸۵ق)، مفسر در نقل مطالب از روایات و اقوال کمک گرفته و در ذکر راوی حدیث یا قائل سخن اهمال ورزیده است. مباحث بی هیچ تحلیل و استدلالی نقل شده و سطحی نگری وی در مباحث مشهود است. آیات بارز مهدویت در این تفسیر مطرح نشده و علی رغم این که مفسر به بحث های کلامی و اعتقادی آیات عنایت دارد، در موضوع مهدویت تسامح ورزیده است. در مجموع شش فیش درباره پیشینه رجعت، نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة استخراج گردیده است.

۵. التسهیل لعلوم التزیل از محمد بن احمد الکلبی (۶۹۳-۷۴۱ق): این تفسیر با انگیزه ارائه تفسیری موجز و نوبه نگارش درآمده و جهت گیری عمده این تفسیر ارائه عقاید سلفیه و طرح مباحث مشکل و نقد آرای مفسرانی است که به نظر وی دچار اشتباه شده‌اند. نامی از حضرت مهدی علیه السلام در این تفسیر برده نشده و موضوعات مهدویت را با محوریت حضرت عیسی علیه السلام بیان داشته است.

شش تفسیر نیز از قرن هشتم دیده شده است:

۱. تفسیر القرآن العظیم به قلم عمادالدین ابوالفداء بن کثیر (ابن کثیر) (۷۰۱-۷۷۴ق): این تفسیر در میان تفاسیر ماثور عامه، پس از تفسیر طبری، از موقعیت

ممتازی برخوردار است و به دلیل توجه به تفسیر آیه به آیه و دقت در اسناد و نقد روایات مجعول و اسرائیلیات، هم چنین سادگی عبارات و کوتاهی آن، جایگاه شایسته ای یافته است. ۲۱ فیش از این تفسیر استخراج شده که از مطالب آن چنین برداشت می شود که منکر وجود حضرت مهدی علیه السلام که دوازدهمین امام شیعیان هستند، می باشد. در عین حال معتقد است «مهدی» نامی خواهد آمد که از جمله خلفای رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر امت اسلامی است.

۲. مدارک التنزیل و حقائق التأویل به قلم عبدالله بن احمد نسفی (م ۷۱۰ق):
تفسیری مختصر که وجوه اعراب، قرائات، لغت و اسباب نزول در آن آمده است. از این تفسیر ۱۳ مطلب استخراج شده که بیشتر مربوط به پیشینه رجعت، اعتلای اسلام بر دیگر ادیان و نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره دارد.

۳. غرائب القرآن اثر نظام الدین حسین قمی نیشابوری (م ۷۲۸ق): این تفسیر از ابعاد مختلف به آیات نگریسته و نسبت به تمام معارف دینی از جامعیت برخوردار است. مفسر به شدت مدافع اهل بیت علیهم السلام است و در تفسیر، روایات مرتبط را در شأن نزول، به همان طریق شیعه نقل می کند. تفسیرهای فخر رازی و کشاف از منابع اصلی تفسیری وی می باشد. نوزده مطلب از این تفسیر در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری گردیده و در برخی موارد تنها به نقل قول از شیعیان اکتفا کرده است. مابقی موارد نیز به اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام و رجعت پرداخته است.

۴. تبصیر الرحمن و تیسیر المنان از علی بن احمد بن ابراهیم مهامی (۷۷۶-۸۳۵ق)، مفسر از علمای متصوف هند است که تفسیر خود را نیز به شیوه عرفا و صوفیه نوشته است. در این تفسیر مطلبی راجع به مباحث مهدویت به دست نیامده است.

۵. جواهر الحسان به قلم ابوزید عبدالرحمن بن محمد ثعالبی (۷۸۶-۸۷۵ق):
ثعالبی این تفسیر را بر مبنای المحرر الوجیز ابن عطیه به رشته تحریر درآورده، بدین صورت که آن را مختصر کرده و روایات تفسیری بیشتری از تفسیر طبری برگزیده

است. در این تفسیر نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده و تحقق غلبه اسلام را با نزول حضرت عیسی علیه السلام می داند.

در قرن نهم تفسیر جلالین بررسی شده است. این تفسیر به قلم جلال الدین محمد بن احمد محلی (۷۹۱-۸۶۴ ق) و جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) می باشد. این دو از عالمان بزرگ اهل سنت می باشند. جلال الدین محمد محلی از سوره کهف آغاز و تا پایان قرآن پیش برده است. آن گاه از آغاز قرآن شروع و پس از تکمیل سوره حمد، دارفانی را وداع می کند. شاگرد وی، جلال الدین سیوطی به تکمیل این تفسیر همت می گمارد. بزرگی کار جلالین در ایجاز و دقت در معانی است که موجب شده بسیاری از دانشمندان این تفسیر را شرح کنند. از مشهورترین شرح ها، حاشیة الصاوی و فتوحات الالهیة است. تنها شش فیش از مجموع آیات به دست آمده که در خصوص اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام می باشد.

در قرن دهم، سه تفسیر به شرح ذیل دیده شده است:

۱. الفواتح الالهیة به قلم نعمت الله نخجوانی (م ۹۲۰ ق): تفسیری مختصر و عرفانی است که به بحث های ادبی، اعراب و قرائت تفسیری چندان توجهی نمی کند. چهار فیش از این تفسیر استخراج شده که درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراط الساعة می باشد.

۲. السراج المنیر، اثر محمد خطیب شربینی (م ۹۷۷ ق): مفسر به روایات با حساسیت و نگرش نقادانه چشم می دوزد. گرچه روایات ضعیف و اسرائیلی هم نقل می کند. اعتماد فراوانی به فخر رازی دارد و از وی در جای جای تفسیر نقل می کند. در بیست فیشی که از این تفسیر استخراج شده نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده و به اشراط الساعة و اندیشه نجات بخشی اشاره گردیده است.

۳. عنایة القاضی و کفایة الراضی اثر احمد بن محمد خفاجی (۹۷۷-۱۰۶۹ ق): این تفسیر یکی از مفصل ترین شرح ها و حاشیه های تفسیر انوار التنزیل است که به

ارزشمندی و گستردگی مباحث معروف شده است. ده فیش از این تفسیر استخراج شده که درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و مواردی از اشراف الساعة می باشد. چهار تفسیر مربوط به قرن دوازدهم از اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است از جمله:

۱. روح البیان به قلم اسماعیل حقی (م ۱۱۲۷ ق): این تفسیر اجتهادی و جامع نقل و عقل است. مفسر به بیان احادیث نبی اکرم صلی الله علیه و آله و آثار صحابه و تابعین می پردازد. نویسنده قول شیعه را در رجعت جسمانی امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب حضرت انکار می کند. در هفده فیش مصرحاً یا به طور ضمنی از حضرت مهدی علیه السلام سخن به میان آورده است.

۲. تفسیر مظهري از قاضی محمد مظهري (۱۱۴۳ - ۱۲۲۵ ق): روش کلی مفسر، توضیح مباحث اعتقادی، تاریخی و اخلاقی می باشد. وی با نقل روایاتی ذیل آیات مهدویت از آنها استنباطاتی کرده است.

۳. حاشیه الضاوی علی تفسیر جلالین اثر احمد بن محمد صاوی (۱۱۷۵ - ۱۲۴۱ ق): این تفسیر حاشیه‌ای بر تفسیر جلالین است که از تفسیر بیضاوی و خازن نیز بهره برده است. در دوازده موردی که از این تفسیر استخراج شده است مطالبی در خصوص رجعت کنندگان، اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است. در قرن سیزدهم نیز نه تفسیر دیده شده است از جمله:

الفتوحات الالهية از سلیمان بن عمر عجیلی (م ۱۲۰۴ ق)، روح المعانی از آلوسی بغدادی (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ ق)، تیسیر التفسیر به قلم محمد بن یوسف اطفیش (۱۲۳۶ - ۱۳۳۲ ق)، فتح البیان اثر ابوالطیب بخاری (۳۰۷ - ۱۲۴۸ ق)، الاکلیل علی مدارک التنزیل به قلم شیخ محمد عبدالحق (۱۲۵۲ - ۱۳۳۳ ق)، المنار اثر شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ ق) و رشید رضا (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ ق)، محاسن التأویل از محمد جمال الدین قاسمی (۱۲۸۳ - ۱۳۳۲ ق) و التحریر و التویر به قلم محمد طاهر بن عاشور

(۱۲۹۶-۱۳۹۳ ق).

روح المعانی از تفاسیری است که عنایت خاصی به آن است و مفسر همت خود را مصروف نقادی عقاید و آرای شیعه قرار داده و به برخی اعتقادات شیعه، از جمله «رجعت» حمله کرده است.

تفسیر المنار را تفسیری تحول آفرین در عالم اسلام و تفسیر قلمداد کرده‌اند. عبده تنها توانست تا آیه ۱۳۶ سوره نساء را تفسیر و از آن جا به بعد تا آیه ۵۳ سوره یوسف، توسط رشید رضا ادامه یافته است. این تفسیر مالا مال از بحث‌های مهم اعتقادی و اجتماعی و تحول آفرین است و بازتاب‌های موافق و مخالفی را داشته است. از این تفسیر نه فیش استخراج گردیده است.

تفسیر جواهر نیز نخستین تفسیر کاملی است که همراه با شرح و بیان آیات، به ارائه شگفتی‌های طبیعت و دانستنی‌های علمی پرداخته است. وی اعتقادات شیعی را با برداشت خود ترسیم نموده و تفکرات آنان را در محورهای انتظار، حضرت مهدی علیه السلام و رجعت، عامل رکود و جمود برمی شمرد و با تکیه به برخی مستندات تاریخی که ظهور مدعیان مهدویت و آثار و تبعات آن را در جهان مطرح نموده‌اند، عقاید مهدوی را مذمت کرده، احادیث مهدوی را به نقد نشسته و متن و اسناد آن را مورد خدشه قرار داده است.

التحریر و التنبؤ نیز تفسیر قرآن به قرآن است که از کنار آیات مهدویت عبور کرده است. نکته‌ای که در این تفسیر دیده می‌شود انکار نزول حضرت عیسی علیه السلام و اعتقاد به موت آن حضرت می‌باشد، بر این مبنا سعی بر تأویل احادیث نزول حضرت عیسی علیه السلام دارد.

در مابقی تفاسیر فوق به سبک دیگر تفاسیر اهل سنت، مطالبی در خصوص اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است.

در قرن چهاردهم، این تفاسیر از اهل سنت دیده شده است:

تفسیر القرآن الکریم از احمد مصطفی مراغی (۱۳۰۰ - ۱۳۷۱ ق)، اضواء البیان اثر محمد امین شنقیطی (۱۳۰۵-۱۳۹۳ ق)، تفسیر الحدیث از محمد عزه (۱۳۰۵ - ۱۴۰۴ ق)، کشف الاسرار النورانیه به قلم محمد بن احمد اسکندرانی (م ۵۲۰ ق) تفسیر الکریم الرحمن از عبدالرحمن بن ناصر سعدی (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ ق). مواهب الرحمن اثر عبدالکریم محمد مدرس (ت ۱۳۲۳ ق)، فی ظلال القرآن از سید قطب (۱۳۲۶ - ۱۳۸۶ ق)، تفسیر القرآن الحکیم اثر محمد عبدالمنعم خفاجی (ت ۱۳۳۴ ق)، تفسیر القرآنی للقرآن از عبدالکریم خطیب (ت ۱۳۳۹ ق)، التیسیر فی احادیث التفسیر اثر شیخ محمد مکی ناصری، بیان المعانی از عبدالقادر آل غازی.

از هر یک از تفاسیر فوق مطالبی در خصوص رجعت، اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام برداشت شده است اما به صورت صریح به مطالب مهدویت اشاره نشده است. حتی برخی آن را از خرافات و اکاذیب برشمرده‌اند (اضواء البیان، بقره، آیه ۳۰).

از معاصرین این تفاسیر دیده شده است: صفوة التفاسیر از محمد علی صابونی (ت ۱۳۴۷)، المنیر فی العقیده اثر وهبة الزحیلی (۱۳۵۱ ق)، الاساس فی التفسیر از سعید حوی (م ۱۴۱۱ ق)، ایسر التفاسیر به قلم ابوبکر جابر الجزایری، تفسیر شعراوی از شیخ محمود متولی شعراوی، تفسیر الفرید از محمد عبدالمنعم جمال، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانیه اثر شیخ محمد علی طه الدرّة الحمصی، و الوسیط به قلم محمد سید الطنطاوی. در میان تفاسیر فوق مطالبی در خصوص اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام آمده است و ضمناً علی رغم بررسی برخی از این تفاسیر حتی یک مطلب در خصوص مهدویت و مباحث پیرامونی آن یافت نشد مانند ایسر التفاسیر. «محمد علی طه الدرّة» نیز ذیل آیه ۳۱ سوره یس بطلان بحث رجعت را مطرح کرده است.

در اینجا لازم است از زحمات و همکاری بی‌شائبه مسئولان پژوهشکده انتظار

نور آقایان: حجج اسلام والمسلمین رضا اسکندری و علی اکبر حصاری و محمد تقی ربانی، و گروه قرآن و مهدویت، آقایان حجج اسلام والمسلمین زنده یاد شهید داود دهداری، محمود اباذری و علیرضا عظیمی فر، که این مجموعه با همکاری صمیمانه آنان آماده شده است تشکر نمایم.

بدیهی است اهمیت و گستردگی بحث، نگاه‌های نقادانه زیادی را به سوی این نوشتار متوجه خواهد کرد که نظر آنان را به دیده منت پذیرا می‌باشیم.

سید محسن طباطبائی فر

مرتضی عبدی چاری

و نفیسه فقیهی مقدس

سوره حمد

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾؛ مالک [و پادشاه] روز جزا [است]. (حمد/۴)

دو تن از مفسران مصداق ﴿يَوْمِ الدِّينِ﴾ را یوم خروج القائم ذکر نموده‌اند:

۱. تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی خمینی)، ج ۲، ص ۴۲۷ و ص ۴۶۰.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳.

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ﴾؛ به راه راست ما را راهبر باش، راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای، همانان که نه

درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان. (فاتحه/۷)

برخی از مفسران وجود شریف حضرت مهدی علیه السلام را ﴿الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

دانسته‌اند که همگان باید در آن مسیر گام بردارند:

تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۲، ص ۱۱۷.

مفسر البرهان نیز ذیل این آیه به ویژگی‌های اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

پرداخته است:

البرهان، ج ۱، ص ۱۰۹.

در تفسیر لاهیجی ﴿الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ به عنوان یکی از ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام

مطرح شده است:

تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۴-۵.

مرحوم جرجانی در تفسیر خود ضمیر «هم» در جمله ﴿أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ را به نبیین، صدیقین، شهدا، صالحین، و حضرت مهدی علیه السلام ارجاع داده است:

تفسیر گازر، ج ۱، ص ۲۵.

و مفسر تفسیر روان جاوید هم ذیل ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ آورده‌اند که وزر اول و آخر در زمان حضرت مهدی علیه السلام است:

روان جاوید، ج ۱، ص ۲۱-۲۷.

سوره بقره

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (بقره/۳). آنچه که در این آیه نظر مفسران را به خود جلب نموده است مصداق «غیب» و لزوم ایمان به آن است. درباره این که مصداق «غیب» کدام است مفسران شیعه احتمالات متعددی را مطرح نموده‌اند که موارد ذیل در زمینه مهدویت درخور توجه است:

برخی با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام که فرموده‌اند: ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾؛ ای آمن بقیام القائم علیه السلام «آنه حق» مصداق غیب را ایمان قیام حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲۱.
۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۷۹.
۳. البرهان، ج ۱، ص ۱۲۴.
۴. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱-۳۲.
۵. کنزالدقائق، ج ۱، ص ۱۲۰.
۶. تفسیر شبر، ص ۲.
۷. بیان السعاده، ج ۱، ص ۴۴۰.
۸. المقتنیات الدرر، ج ۱، ص ۴۰.

۹. تفحات الرحمن، ج ۱، ص ۵۱.
 ۱۰. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶.
 ۱۱. تفسیر اثنی عشری، ج ۱، ص ۵۴.
 ۱۲. تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲.
 ۱۳. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۷۴.
 ۱۴. آسان (منتخب تفاسیر)، ج ۱، ص ۳۶.
 ۱۵. روان جاوید، ج ۱، ص ۲۵-۲۶.
 ۱۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴.
 ۱۷. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۳.
 ۱۸. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۹.
 ۱۹. انوار العرفان، ج ۱، ص ۱۸۴.
 ۲۰. تسنیم، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۸۱.
- گروه دیگری از مفسران حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق **﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾** دانسته و یکی از ویژگی های آن حضرت را «غائب» قلمداد کرده اند:
۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۰۴.
 ۲. تفسیر گازر، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۳۲.
 ۳. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۷۳.
 ۴. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۸.
 ۵. البرهان، ج ۱، ص ۱۲۴.
 ۶. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸.
 ۷. کتزالدقائق، ج ۱، ص ۱۲۰.
 ۸. اثنی عشری، ج ۱، ص ۵۴.
 ۹. تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۲، ص ۴۶۸.

۱۰. احسن الحديث، ج ۱، ص ۴۸.
۱۱. مخزن العرفان، ج ۱، ص ۹۹.
۱۲. روان جاوید، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۶.
۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.
۱۴. الجديد، ج ۱، ص ۳۰.
۱۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۲.
۱۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۱ - ۱۲۳.
۱۷. تسنیم، ج ۲، ص ۱۵۷ - ۱۸۱.

برخی از مفسران زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق غیب دانسته‌اند که

زمان آن معلوم نیست:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵.
۲. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۷۳.
۳. تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۱، ص ۱۱۲.
۴. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۸.
۵. نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۸.
۶. کثر الدقائق، ج ۱، ص ۱۲۰.
۷. الآء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴۴.
۸. تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۲، ص ۴۵۰.
۹. الجديد، ج ۱، ص ۳۰.

و برخی دیگر از مفسران روز «رجعت» را به لحاظ این که از اموری است که از نظر

ما غائب است مصداق آیه شریفه دانسته و ایمان به غیبت در ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ را ایمان

به رجعت دانسته‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۲.

۲. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۲۰.
 ۳. الجوهر الثمین، ج ۱، ص ۶۶.
 ۴. تفسیر شبر، ص ۴۰.
 ۵. بیان السعاده، ج ۱، ص ۴۴۰.
 ۶. المقتنیات الدرر، ج ۱، ص ۴۰.
 ۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.
 ۸. تسنیم، ج ۲، ص ۱۵۷ - ۱۸۱.
- برخی دیگر زمان غیبت کبری را از امور غیبی و یکی از ویژگی های آن حضرت را «غائب» قلمداد نموده‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲۱.
 ۲. تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۱، ص ۵۵.
 ۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸.
- اما از مفسران اهل سنت صاحب غرائب القرآن به نقل از قول شیعیان در تعیین مصداق آیه اکتفا نموده است:

غرائب القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴.
مفسرانی نیز به نقد و رد آن پرداخته‌اند:

۱. تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۳۲.
۲. روح المعانی، ج ۱، ص ۱۱۴.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾؛ و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند. (بقره/۴).

سید مصطفی خمینی ذیل آیه مراد از ﴿مِنْ قَبْلِكَ﴾ را زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

قبل از قیامت دانسته است:

تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۳، ص ۹.

شریف لاهیجی نیز در تفسیر خود به ارزش ایمان در دوره غیبت کبری اشاره کرده است:

تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۹.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾؛ و برخی از مردم می‌گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند. (بقره/۸).

در این آیه، عبارت ﴿وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ در زمینه مهدویت، مورد توجه برخی از مفسران قرار گرفته و آن را به روز رجعت یا روز ظهور امام مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۳، ص ۲۰۸.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ﴾؛ و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطان‌های خود خلوت کنند، می‌گویند: «در حقیقت ما با شما ایم، ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم.» (بقره/۱۴)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، به «علم» ائمه معصومین و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۹.

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ

دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس - اگر راست می گوید - سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید. (بقره/۲۳)

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به نقد مدعیان مهدویت پرداخته است:

المنار، ج ۱، ص ۲۲۸.

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمَواتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ چگونه خدا را منکرید؟ با آن که مردگانی بودید و شما را زنده کرد باز شما را می میراند [و] باز زنده می کند [و] آن گاه به سوی او بازگردانده می شوید. (بقره/۲۸)

ذیل ﴿فَأَحْيَاكُمْ﴾ در این آیه، برخی از مفسران دو نوع احیاء را در نظر گرفته اند:

۱. احیای معنوی، که در این صورت ﴿ثُمَّ يُحْيِيكُمْ﴾ را به ظهور امام مهدی عج و حیات دوباره بشریت تفسیر نموده اند. ۲. احیای به معنای دوباره زنده شدن که در این صورت نیز رجعت ثابت می شود. هر دو بیان را در تفاسیر ذیل می توان دید:

۱. تفسیر القرآن الکریم (سید مصطفی)، ج ۵، ص ۱۸۹ - ۱۹۱ و ص ۱۹۴ - ۱۹۵.
۲. ابوالفضل داورپناه، انوار العرفان، ج ۱، ص ۳۷۸.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد، و خون ها بریزد؟ و حال آن که ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم.» فرمود: «من چیزی می دانم که شما نمی دانید.» (بقره/۳۰)

یکی از مفسران اهل سنت، ذیل این آیه به نقد تفکر شیعه درباره ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی عج پرداخته است:

اضواء البیان، ج ۱، ص ۵۹.

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشود آری، او [است که] توبه پذیر مهربان است. (بقره/۳۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه روایتی از حضرت رسول ﷺ در خصوص فضیلت پیامبر اسلام و آل او نقل می‌کنند که حضرت با اشاره به امام مهدی عج می‌فرمایند: «او کسی است که حضرت عیسی برای یاری او نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند.»

۱. البرهان، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۵۰.

صاحب تفسیر التبیان نیز ذیل این آیه در بیان قبول یا عدم قبول توبه در وقت ظهور به تعدادی از اشراط الساعة اشاره کرده است:

التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۷۱.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ * ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و چون گفتید: «ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.» پس - در حالی که می‌نگریستید - صاعقه شما را فرو گرفت. سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید. (بقره/۵۶)

مفسران ذیل ﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ﴾ از داستان مرگ گروهی از یاران حضرت موسی عج و زنده شدن دوباره آنها، بر پیشینه رجعت، اثبات امکان رجعت، و اثبات وقوع رجعت استدلال نموده‌اند.

الف - تفاسیری که از آیه فوق فقط بر پیشینه رجعت استدلال نموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۵۲.
 ۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۱۲۰.
- ب - استدلال به آیه فوق بر «اثبات امکان رجعت» را در تفاسیر زیر می توان مشاهده نمود:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴.
۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴۲.
۳. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۲۱۱.
۴. البرهان، ج ۱، ص ۲۳۱.
۵. بیان السعاده، ج ۲، ص ۵۸.
۶. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۸۱.
۷. اثنی عشری، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
۸. المنیر، ج ۱، ص ۷۶.
۹. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۱، ص ۴۲۱ - ۴۲۲.
۱۱. نمونه، ج ۱، ص ۲۵۹.
۱۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۷ - ۳۸.
۱۳. راهنما، ج ۱، ص ۶۴.
۱۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۱، ص ۱۵۹.
۱۵. تسنیم، ج ۴، ص ۴۹۶ و ۵۱۸.

ج - برخی تفاسیر آیه فوق را دلیل بر وقوع رجعت در امت محمد ﷺ دانسته و به ضمیمه روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ، «وقوع رجعت» را اثبات نموده اند. از قبیل:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷.
۲. صافی، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۸۱

۴. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴۴۱

۵. روان جاوید، ج ۱، ص ۸۷-۸۹

۶. مواهب الرحمن، ج ۱، ص ۲۷۵

۷. انوار درخشان، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳

۸. انوار العرفان، ج ۲، ص ۷۹ و ۱۰۳

اما مفسران اهل سنت مراد از ﴿بَعَثْنَا﴾ را احیاء بعد اموات دانسته‌اند که می‌تواند حاکی از تحقق رجعت در گذشته باشد:

۱. زاد المسیر، ج ۱، ص ۶۷

۲. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۷۱

۳. البحر المحیط، ج ۱، ص ۳۷۲

۴. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۶۴

۵. غرائب القرآن (در حاشیه تفسیر جامع البیان)، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱

۶. روح البیان، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۴۰

۷. تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۲۱

۸. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۱، ص ۱۵۹

۹. الوسیط، ج ۱، ص ۱۳۷

۱۰. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱، ص ۱۰۲

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾؛ و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: «با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.» پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت، [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست. [و

گفتیم:] «از روزی خدا بسخورد و بیاشامید، و [لی] در زمین سر به فساد برمدارید.»
(بقره/۶۰).

برخی از مفسران شیعه این آیه را چنین به مباحث مهدویت پیوند می‌دهند که آن سنگی که حضرت موسی علیه السلام، عصای خود را بر آن زد و آب از آن فوران نمود، به عنوان میراث نزد حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و در هنگام ظهور حضرت همراه ایشان خواهد بود:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۵۶-۵۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۱.
۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۳.
۴. کثر الدقائق، ج ۲، ص ۲۴.
۵. بیان السعاده، ج ۲، ص ۷۰.
۶. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۱۴۶.
۷. روان جاوید، ج ۱، ص ۹۴.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱، ص ۴۳۳.
۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۳.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی) ج ۱، ص ۱۷۱.
۱۱. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۶.
۱۲. تسنیم، ج ۴، ص ۶۲۴.

﴿فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛

پس فرمودیم: «پاره‌ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید» [تا زنده شود].

این‌گونه خدا مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما می‌نماید، باشد که بیندیشید.

(بقره/۷۳)

مفسران شیعه ذیل ﴿كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمَوْتَى﴾ بر پیشینه و اثبات رجعت استدلال نموده‌اند.

الف - پیشینه رجعت:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۶۷-۶۸.
۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۱۲۱.

ب - اثبات رجعت:

۱. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۴۲.
۲. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۷.
۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۰.
۴. راهنما، ج ۱، ص ۲۱۹.
۵. تسنیم، ج ۵، ص ۲۰۵.

اما مفسران اهل سنت از این آیه صرفاً بر قدرت خداوند در زنده کردن مردگان استدلال نموده‌اند:

۱. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۰.
۲. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۲۳۳.
۳. زادالمسیر، ج ۱، ص ۷۹.
۴. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱.
۵. البحر المحیط، ج ۱، ص ۴۲۵.
۶. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۰۳.
۷. غرائب القرآن در حاشیه جامع البیان، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۳.
۸. روح البیان، ج ۱، ص ۱۶۲.
۹. محاسن التاویل، ج ۱، ص ۱۵۶.
۱۰. تفسیر مراغی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۱۱. اضواء البیان، ج ۱، ص ۶۴.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾؛
همین کسانی که زندگی دنیا را به بهای دیگر خریدند، پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه ایشان یاری شوند. (بقره/۸۶)

برخی از مفسران شیعه از این آیه فلسفه برخورد حضرت با مخالفین را تبیین نموده‌اند:

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۶۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳. البرهان، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۴. بیان السعاده، ج ۲، ص ۱۳۰.

۵. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۳۵.

۶. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۲۰۶.

۷. تسنیم، ج ۵، ص ۴۳۶.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾؛ و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با «روح القدس» تأیید کردیم، پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خوش آیند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغ‌گو خواندید و گروهی را کشتید. (بقره/۸۷)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیه به اهداف حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

اشاره کرده‌اند، از جمله:

پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۲۲۴.

در روان جاوید به فلسفه و علل غیبت نیز اشاره شده است:

روان جاوید، ج ۱، ص ۱۳۷.

یکی از مفسران اهل سنت نیز این آیه را در زمینه نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقدامات آن حضرت دانسته است:

الا کیل علی مدارک التزیل، ج ۱، ص ۲۶۲ - ۲۶۳.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْمِنُوا بِمَا نُنزِلُ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ و چون به آنان گفته شود: به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید، می‌گویند: ما به آنچه بر پیامبر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم و غیر آن را - با آن که حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است - انکار می‌کنند. بگو: اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می‌کشتید. (بقره / ۹۱)

محمد جواد نجفی از ﴿تَأْمِنُوا بِمَا نُنزِلُ عَلَيْنَا﴾ مطالبی راجع به فلسفه برخورد حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان استفاده نموده است:

تفسیر آسان، ج ۱، ص ۲۰۶.

﴿مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می‌آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؟ (بقره/۱۰۶)

برخی از مفسران از این آیه جهت اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام استفاده کرده‌اند:

۱. من هدی القرآن، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۲، ص ۹۱ - ۹۲.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۰.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت آری، خدا به آنچه می‌کنید بیناست. (بقره/۱۱۰)

صاحب تفسیر المعین ذیل این آیه سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام نسبت به مانعین زکات را مورد اشاره قرار داده است:

تفسیر المعین، ص ۱۷.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾؛ و کیست بیدادگرتراز آن کسی که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن مسجدها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت، عذابی بزرگ است. (بقره/۱۱۴)

مفسران شیعه تحقق کامل ﴿خِزْيٌ﴾ در دنیا را موکول به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برخورد قاطع ایشان نموده‌اند. از جمله:

۱. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۷۳.

۲. تفسیر شبر، ص ۱۷.

۳. فتح القدير، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳.

مفسران اهل سنت نیز تحقق این آیه را به دست «مهدی» دانسته‌اند ولی مشخص نکرده‌اند به چه میزان با «مهدی» موجود در گفتمان امامت شیعی مطابقت دارد. مفسران فوق عبارتند از:

۱. کشف الاسرار و عدة الابوار، ج ۱، ص ۳۲۵.
۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۷۷.
۳. البحر المحيط، ج ۱، ص ۵۲۸.
۴. فتح البیان، ج ۱، ص ۲۵۸.
۵. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۰۴.

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾؛ و مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید، آن جا روی [به] خداست. آری، خدا گشایش گر داناست. (بقره/۱۱۵)

صاحب تفسیر لاهیجی ذیل این آیه؛ ﴿وَجْهُ اللَّهِ﴾ را به عنوان ویژگی عام ائمه هدی علیهم السلام و از جمله امام مهدی علیه السلام بر شمرده‌اند:

تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۰۴.

﴿وَإِذْ أُنزِلَتْ آيَاتُ الْكِتَابِ فَاتَّخَذَتْ لَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ عِزًّا وَآيَاتُ الْكِتَابِ تَتْلُوهُمْ هَدًى وَأُذُنًا غَصْبًا وَعَيْنًا﴾؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.» (بقره/۱۲۴)

اکثر مفسران شیعه ذیل این آیه با نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام «کلمات» را پنج تن آل عبا و «اتمهن» را به دوازدهمین امام از این نسل یعنی حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۸.
۲. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۲۹۳.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۰۹.
۴. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۵. البرهان، ج ۱، ص ۳۱۷.
 ۶. نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۲۰.
 ۷. کنزالدقائق، ج ۲، ص ۱۳۵.
 ۸. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۱۰۶.
 ۹. اثنی عشری، ج ۱، ص ۲۴۸.
 ۱۰. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۴۷۷.
 ۱۱. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۶۹.
 ۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.
 ۱۳. الغیب و الشهاده، ج ۱، ص ۴۳۳.
 ۱۴. الجدید، ج ۱، ص ۱۴۰.
 ۱۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱.
 ۱۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۱، ص ۳۰۴.
 ۱۷. مواهب الرحمن، ج ۲، ص ۱۸.
- یکی از مفسران اهل سنت با ذکر روایتی از امام باقر علیه السلام به بیان چگونگی قیام حضرت پرداخته است:
- البحر المحيط، ج ۱، ص ۵۴۹.

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛ آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبودی یگانه - را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم». (بقره/۱۳۳)

برخی از مفسران با نقل روایتی در ذیل این آیه، به اخذ پیمان از انبیا و اولیا بر

امامت حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۸۰
۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۹۲.
۳. البرهان، ج ۱، ص ۳۳۶.
۴. کنز الدقائق، ج ۲، ص ۱۶۵.
۵. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۲۶۵.
۶. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۷۵.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن روحانی، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۷.
۸. انوار العرفان، ج ۳، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۹. تسنیم، ج ۷، ص ۱۸۰.

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيُّهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست. (بقره/۱۴۸)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «الخيرات الولاية وقوله تعالى: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ یعنی اصحاب القائم علیه السلام الثلاث مائة والبضعة عشر. قال هم والله الامة المعدودة قال يجتمعون والله في ساعة واحدة قزع كقزع الخريف». روایت دیگری به همین مضمون از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است. مفسرانی که روایات فوق را ذکر کرده‌اند و مراد از آیه را حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت می‌دانند، عبارتند از:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۸۳-۸۵.
۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۹
۴. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۱۷۲.
۵. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۴۹.
۶. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.
۷. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۸۳.
۸. البرهان، ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۵۵.
۹. نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۸.
۱۰. کنزالدقائق، ج ۲، ص ۱۹۰.
۱۱. الجوهر الثمین، ج ۱، ص ۱۶۰.
۱۲. تفسیر شبر، ص ۲۳.
۱۳. بیان السعاده، ج ۲، ص ۲۹۱.
۱۴. آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۲۶۶.
۱۵. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۱۱۹.
۱۶. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۲۶۸ - ۲۷۳.
۱۷. اثنی عشری، ج ۱، ص ۲۸۴.
۱۸. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۲۷۵.
۱۹. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۴۶۷.
۲۰. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۳۱۹.
۲۱. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۹۱.
۲۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲، ص ۲۰۷.
۲۳. روشن، ج ۲، ص ۲۴۶ - ۲۴۷.
۲۴. الجدید، ج ۱، ص ۱۶۹.
۲۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۴۳.
 ۲۷. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۵۲.
 ۲۸. نور، ج ۱، ص ۲۹۵.
 ۲۹. انوار العرفان، ج ۳، ص ۲۵۱-۲۵۲ و ص ۲۰۶.
 ۳۰. تسنیم، ج ۷، ص ۴۶۵-۴۶۶.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مزده ده شکیبایان را. (بقره/۱۵۵)

بسیاری از مفسران با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام موارد ذکر شده در آیه را از نشانه‌های ظهور دانسته‌اند و از قول امام چنین روایت شده است:

إِنَّ لِقِيَامِ قَائِمٍ عَلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ - قُلْتُ: وَمَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟

قال: قول الله عزوجل: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾ یعنی امیرالمؤمنین قبل خروج القائم علیه السلام ﴿بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ قال- نبلوهم بشيء من الخوف من ملوك بني فلان في آخر سلطانتهم ﴿وَالْجُوعِ﴾ بغلاء أسعارهم، ﴿وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ﴾ قال: كساد التجارات وقلة الفضل، «وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَنْفُسِ» قال: موت ذريع «و نقص من الثمرات» قلة دبع ما يزرع، ﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ عند ذلك بتعجيل الفرج ثم قال لي-: يا محمد هذا تأويله إن الله عزوجل يقول: ﴿مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾.

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۸۷

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴. البرهان، ج ۱، ص ۳۵۸ - ۳۶۱.
۵. نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۴۲.
۶. کنزالدقائق، ج ۲، ص ۱۹۸.
۷. الجوهر الثمین، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.
۸. بیان السعاده، ج ۲، ص ۳۰۶.
۹. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۲۷۳.
۱۰. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۳۳۱.
۱۱. روان جاوید، ج ۱، ص ۱۹۸.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲، ص ۲۳۲.
۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۲، ص ۳.
۱۵. مواهب الرحمن، ج ۲، ص ۲۰۰.
۱۶. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۹.
۱۷. انوار العرفان، ج ۳، ص ۲۸۶.
۱۸. تسنیم، ج ۷، ص ۶۶۷ - ۶۶۸.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستم‌کاران روا نیست. (بقره/۱۹۳)

مفسران شیعه ذیل این آیه با نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام ﴿الظَّالِمِينَ﴾ را قاتلین و نسل آنها دانستند که به دست حضرت مهدی علیه السلام مورد انتقام قرار می‌گیرند:

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. البرهان، ج ۱، ص ۴۱۰.

۳. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۴. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۵. روان جاوید، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۶. انوار العرفان، ج ۳، ص ۵۶۱-۵۶۲.

برخی دیگر از مفسران «وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» را بر غلبه اسلام در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام یا شرایط تحقق ظهور تطبیق نموده‌اند، که عبارتند از:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳، ص ۹۷ و ص ۱۰۲-۱۰۵.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۵۷-۳۵۸.

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»؛ مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یک‌سره شود؟ و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود (بقره/۲۱۰)

برخی از مفسران شیعه ذیل «يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ» به امدادهای غیبی در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند. از جمله:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۱۴۹.

۵. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۲۰.

۶. الجدید، ج ۱، ص ۲۴۷.

۷. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۹.

۸. انوار العرفان، ج ۴، ص ۴۱-۴۲.

برخی دیگر از مفسران شیعه ﴿وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ را به رجعت تفسیر نموده‌اند. از جمله:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۴۴۸.

۲. بیان السعاده، ج ۲، ص ۴۳۲.

۳. ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۱۵۹ - ۱۶۳.

تنها صاحب تفسیر من هدی القرآن با استناد به این آیه وظایف شیعیان در دوره غیبت را تبیین نموده است:

من هدی القرآن، ج ۱، ص ۳۶۶.

اما مفسران اهل سنت ذیل این آیه به موضوعاتی در زمینه اشراط الساعة اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. تفسیر خازن، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. تفسیر شعراوی، ج ۲، ص ۸۹۰.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آن‌که هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: «یاری خدا کی خواهد بود؟» هش دار، که پیروزی خدا نزدیک است. (بقره/۲۱۴)

صاحب تفسیر الفرقان در تفسیر ﴿مَتَى نَصْرُ اللَّهِ﴾ به شرایط تحقق ظهور اشاره نموده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳، ص ۲۵۷ - ۲۵۸.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است. (بقره/۲۱۸)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین مصادیق ﴿وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۲۱.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾؛ آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن به مرگ بسپارید» آن گاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند. (بقره/۲۴۳)

برخی مفسران شیعه از این آیه بر اثبات امکان و وقوع رجعت استدلال نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. تفسیر نعمانی، ص ۸۷.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۳۰۵.

۵. منهج الصادقین، ج ۲، ص ۵۳.

۶. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

۷. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۱۴۳.

۸. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۱.

۹. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۴۵۵.

۱۰. تفسیر آسان، ج ۲، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۴، ص ۱۴۹.

۱۲. الغیب و الشهاده، ج ۲، ص ۱۴۴.

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۲۲.

۱۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹۷.

۱۵. راهنما، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۶. انوار العرفان، ج ۴، ص ۲۹۳.

گروه دیگری از مفسران شیعه، با ذکر داستانی از موت و احیاء افرادی در گذشته، رجعت را استخراج نموده‌اند:

۱. اثنی عشری، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳.

۳. آسان، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰.

۴. مواهب الرحمن، ج ۴، ص ۱۰۰.

۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۱۲۲.

مفسران اهل سنت این آیه را بر زنده شدن گروهی به درخواست حزقیل نبی اشاره نموده‌اند که با استشهاد به آن می‌توان امکان رجعت را اثبات نمود.

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۳. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۶۴۹.

۴. زاد المسیر، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰.

۵. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۲۰۸.

۶. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۹.

۷. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۶۶۱.

۸. البحر المحیط، ج ۲، ص ۲۵۹.

۹. غرائب القرآن، ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۰. روح البیان، ج ۱، ص ۳۷۷.
۱۱. محاسن التأویل، ج ۲، ص ۲۹۶.
۱۲. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۲، ص ۲۲۲.
۱۳. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱، ص ۳۸۱.

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛ و چون طالوت با لشکریان [خود] بیرون شد، گفت: «خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از [پیروان] من است، مگر کسی که با دستش کفی برگیرد. پس [همگی] جز اندکی از آنها، از آن نوشیدند. و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.» (بقره/۲۴۹)

برخی از مفسران شیعه، ذیل این آیه شرایط تحقق ظهور را بر شمرده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۳.
۲. البرهان، ج ۱، ص ۵۱۰.
۳. کنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۸۶-۳۸۷.

برخی دیگر نیز به مناسبت ﴿فِئَةٍ قَلِيلَةٍ﴾ به تعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۳۱۹.
۲. منهج الصادقین، ج ۲، ص ۶۸.

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾؛ پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داوود، جالوت را کشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می خواست به او آموخت. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین تباه می گردید. ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد. (بقره/۲۵۱)

برخی از مفسران در تفسیر ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور را استنتاج نموده اند:

۱. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۷۸ و ص ۱۸۱.

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾؛ برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم و اگر خدا می خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد، به کشتار یکدیگر نمی پرداختند، ولی با هم اختلاف کردند پس، بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند، و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر خدا می خواست با یکدیگر جنگ نمی کردند، ولی خداوند آنچه را می خواهد انجام می دهد. (بقره/۲۵۳)

صاحب تفسیر کشف الاسرار ذیل این آیه به مکان نزول حضرت عیسی علیه السلام و سیره و اقدامات ایشان اشاره کرده است:

کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۶۷۶-۶۸۴.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ * اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست. خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیان‌گران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند. (بقره/۲۵۷)

چند تن از مفسران شیعه ذیل ﴿فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ﴾ با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام به بیان وضعیت قیام‌ها در دوران غیبت کبری پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲. تفسیر اثنی عشری، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰.

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ یا چون آن کس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد [و با خود می] گفت: «چگونه خداوند، [اهل] این [ویرانکده] را پس از مرگشان زنده می‌کند؟». پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند. آن گاه او را برانگیخت، [و به او] گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم.» گفت: «[نه] بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و

نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تغییر نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن [که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم] و هم تو را [در مورد معاد] نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان‌ها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم.» پس هنگامی که [چگونگی زنده ساختن مرده] برای او آشکار شد، گفت: « [اکنون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.» (بقره/۲۵۹)

برخی از مفسران شیعه با استناد به زنده شدن پس از مرگ در گذشته امکان رجعت را ثابت کرده‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۳۴۷.

۲. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. منهج الصادقین، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۱۵۸.

۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰.

۶. ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۵۳.

۷. راهنما، ج ۲ ص ۲۲۵.

۸. مواهب الرحمن، ج ۴، ص ۲۷۱ و ص ۲۷۹.

۹. تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۲۴.

گروه دیگری از مفسران شیعه پیشینه رجعت را از آیه فوق استنباط کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۲۵۸ - ۲۶۳.

۲. تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۱۲۳.

صاحب الفرقان فی تفسیر القرآن نیز به موضوعات مختلفی از قبیل نزول حضرت

عیسی علیه السلام و ویژگی‌های خاص امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۴، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.

اما گروهی از مفسران اهل سنت زنده کردن عزیر بعد از صد سال را آیه ای از آیات الهی دانسته و نکته دیگری پیرامون رجعت^۱ ذیل این آیه نقل نکرده‌اند:

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۲۴۲.
۲. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۷۰۷-۷۰۹.
۳. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۲.
۴. البحر المحیط، ج ۲، ص ۳۰۲.
۵. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۸۷.
۶. غرائب القرآن، ج ۳، ص ۳۳-۳۴.
۷. روح البیان، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۳.
۸. محاسن التأویل، ج ۲، ص ۳۲۹.
۹. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹.
۱۰. فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۳۸-۴۳۹.
۱۱. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۳، ص ۳۵.
۱۲. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۲، ص ۳۱.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایش‌گر داناست. (بقره/۲۶۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «الحبة فاطمة علیها السلام والسبع السنابل

۱. منظور از رجعت به اصطلاح شیعیان است نه اهل سنت. چون زنده شدن عزیر نبی بعد از صد سال همان رجعت قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

سبعة من ولدها سابعها قائم. قلت: الحسن؟ قال ان الحسن امام من الله مفترض طاعته ولكن ليس من السنابل السبعة اولهم الحسين و آخرهم القائم...». برخی از مفسران با ذکر این روایت، به وجود حضرت مهدی علیه السلام و نسب آن حضرت اشاره کرده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. البرهان، ج ۱، ص ۵۴۲.

۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴. کنزالدقائق، ج ۲، ص ۴۳۱.

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾؛ پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند:] «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است.» (بقره/۲۸۵)

برخی از مفسران با نقل حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه، به اثبات امامت و فضایل اهل بیت، از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۵۷۰.

۲. کنزالدقائق، ج ۲، ص ۴۷۷.

مفسر تفسیر جامع نیز ذیل این آیه وضعیت سایر ادیان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را تبیین نموده است:

تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۹۷-۴۰۱.

سوره آل عمران

﴿فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آن‌که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. (آل عمران/۷)

جرجانی ذیل این آیه به ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام که با سایر امامان معصوم علیهم السلام مشترک است اشاره نموده است:

تفسیر گازر، ج ۲، ص ۷.

تعدادی از مفسران نیز به ذکر مطالبی در زمینه رجعت و ظهور پرداخته‌اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۴ - ۵.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۲.

۳. المقتنیات الدرر، ج ۲، ص ۱۶۵.

اما مفسران اهل سنت این آیه را اشاره‌ای به اشراف الساعة دانسته‌اند:

۱. النکت و العیون، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۲.

۳. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۲، ص ۱۸.

۴. الجامع لاحكام القرآن، ج ۴، ص ۹ - ۱۰.

۵. تفسير خازن، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

۶. البحر المحيط، ج ۲، ص ۳۸۱.

۷. السراج المنير، ج ۱، ص ۱۹۷.

۸. محاسن التأويل، ج ۲، ص ۱۲.

۹. بيان المعاني، ج ۳، ص ۳۲۰.

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ

بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندان که بعضی از آنها از نسل بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست. (آل عمران / ۳۳ و ۳۴)

برخی از مفسران شیعه از ﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾ به معرفی اجداد مبارک حضرت

مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۶۱۲.

۲. المقتنیات الدرر، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۶.

۴. مواهب الرحمن، ج ۵، ص ۲۶۷.

مفسر آلاء الرحمن آیه شریفه را از سخنان و پیام‌های حضرت مهدی علیه السلام در ایام

ظهور دانسته است:

آلاء الرحمن، ج ۲، ص ۴۸.

از این آیه بشارت به ظهور نیز استفاده شده است:

تفسیر گازر، ج ۲، ص ۳۸.

دو تن از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به اجداد حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۲. دوح البیان، ج ۲، ص ۲۵-۲۶.

یکی از مفسران اهل سنت نیز به مدت عمر حضرت آدم، نوح و ابراهیم علیهم السلام (معمربین) ^۱ پرداخته است:

تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۲، ص ۱۱۸.

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾؛ پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا، من دختر زاده‌ام - و خدا به آنچه او زاید داناتر بود - و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می‌دهم.» (آل عمران/۳۶)

مفسر البرهان ذیل ﴿وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾، به رجم ابلیس ^۲ در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

البرهان، ج ۱، ص ۶۱۹.

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا

۱. «معمربین» جمع معمر به معنای دراز زی، انسان دراز عمر و کسی است که عمر طولانی دارد. در منابع معتبر تاریخی، افراد فراوانی معرفی شده‌اند که از عمر بسیار طولانی برخوردار بوده‌اند، مانند: حضرت نوح علیه السلام (۲۵۰۰ سال)، سلیمان بن داود (۷۱۲ سال)، (خدایمرد سلیمان، فرهنگنامه مهدویت، ص ۳۶۰-۳۶۱) وجود نمونه‌های فوق، امکان طبیعی طول عمر و نفی استبعاد طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را می‌رساند.

۲. بنا بر مضمون برخی روایات، شیطان به دست حضرت حضرت صاحب الزمان علیه السلام به قتل خواهد رسید. اما بحث قتل شیطان به دست حضرت عیسی علیه السلام در منابع اهل سنت، بسیار مطرح شده است. برخی روایات نیز این امر را به دست رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند. (مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۵۸۸).

الْمَحْرَابِ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّنِي لَكَ هَذَا قَالَتُ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ پس پروردگارش وی را با حُسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب او وارد می‌شد نزد او نوعی از خوراک می‌یافت، می‌گفت: ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟ او در پاسخ می‌گفت: این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. (آل عمران/۳۷)

مفسران شیعه ذیل این آیه به میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اولیای گذشته اشاره کرده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۲. روان جاوید، ج ۱، ص ۴۱۰.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۴.

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به طرح مطالبی درباره «اشراط الساعه» پرداخته است:

تیسیر التفسیر، ج ۲، ص ۵۵.

﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ * ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾؛ ای مریم، فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و بارکوع‌کنندگان رکوع نما. این [جمله] از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و [گر نه] وقتی که آنان قلم‌های خود را [برای قرعه‌کشی به آب] می‌افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزد آنان نبودی و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند نزدشان نبودی. (آل عمران/۴۴)

بعضی از مفسران شیعه ذیل این آیات به بیان ویژگی‌های عام امام مهدی علیه السلام، پرداخته و میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیای گذشته را بیان نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۶۲۲.

۲. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۲۱۶.

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ؛
 [یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد، در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است.» «و در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.» (آل عمران/۴۶)

مفسران شیعه ذیل این آیات به بیان نزول حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اقدامات ایشان پرداخته‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۹.
۲. مواهب علیه، ج ۱، ص ۱۴۷.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۲۵.
۴. تفسیر شبر، ص ۵۶.
۵. اثنی عشری، ج ۲، ص ۱۰۱.
۶. روان جاوید، ج ۱، ص ۴۱۷.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۶.
 ۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۹.
- برخی دیگر نیز به اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور پرداخته است:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۳۵۱.
۲. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۴۷.
۳. منهج الصادقین، ج ۲، ص ۲۲۷.

اما مفسران اهل سنت این آیه را ناظر به مسائلی پیرامون نزول حضرت عیسی علیه السلام تفسیر کرده‌اند:

۱. بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، ج ۱، ص ۲۶۸.
۲. تفسیر سلمی (حقائق التفسیر)، ج ۱، ص ۱۰۰.
۳. لطائف الاشارات، ج ۱، ص ۲۴۳.
۴. تاج التراجم، ج ۱، ص ۳۵۸ و ص ۳۶۹.
۵. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۴۸.
۶. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۲، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.
۷. زادالمسیر، ج ۱، ص ۲۸۳.
۸. الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۹.
۹. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۶.
۱۰. تفسیر خازن، ج ۱، ص ۲۴۶.
۱۱. البحر المحیط، ج ۲، ص ۴۸۳.
۱۲. غرائب القرآن، ج ۳، ص ۱۹۹.
۱۳. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۱۹۹.
۱۴. السراج المنیر، ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۵. روح البیان، ج ۲، ص ۳۵.
۱۶. بیان المعانی، ج ۳، ص ۳۴۲.
۱۷. تفسیر القرآنی للقرآن، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

محمد رشید رضا هم به تبیین مفهوم دجال^۱ پرداخته است:

۱. با توجه به ویژگی‌هایی که برای «دجال» در متون دینی نقل شده، چهار احتمال درباره این مفهوم مطرح است:
الف - نام شخص معینی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حیل گری در صدد فریب

﴿وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾؛ و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد. (آل عمران/۴۸)

مفسر اطبیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه میراث بری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا را استنتاج اشاره نموده است:

اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰۵ - ۲۰۶.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ نَحْنُ اللَّهُ فَمَنْ تَتَّبِعُونَ﴾؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا گفت: «ای عیسی، من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می برم، و تو را از [آلایش] کسانی که کفر ورزیده اند پاک می گردانم، و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کرده اند، فوق کسانی که کافر شده اند قرار خواهم داد آن گاه فرجام شما به سوی من است، پس در آنچه بر سر آن اختلاف می کردید میان شما داوری خواهم کرد. (آل عمران/۵۵)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ عِيسَى لَمْ يَمُتْ وَأَنَّهُ رَاجِعٌ إِلَيْكُمْ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ صَحَّ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمُ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ». برخی از مفسران با نقل این روایت به نزول حضرت عیسی علیه السلام و سیره و اقدامات ایشان در

→ مردم باشد، دجال است.

ب - فردی معین و مشخص، در دوره غیبت، با همان ویژگی های دجال خروج خواهد کرد و مردم را به انحراف می کشاند.

ج - مراد همان سفیانی است که در کتاب های اهل سنت بیشتر به عنوان دجال و در کتب شیعی به عنوان سفیانی آمده است.

د - دجال کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر جهان است. (محمد بن علی بن بابویه صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۰).

آخر الزمان پرداخته‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۵۹.
۲. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۷۷.
۳. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۳۵۱.
۴. گازر، ج ۲، ص ۵۷.
۵. فتح القدیر، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.
۶. منهج الصادقین، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.
۷. المقتنیات الدرر، ج ۲، ص ۲۰۸.
۸. اثنی عشری، ج ۲، ص ۱۱۶.
۹. منشور جاوید، ج ۱۲، ص ۴۰۰-۴۱۲.
۱۰. احسن الحدیث، ج ۲، ص ۹۰.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۱۵۶-۱۶۱.
۱۲. الغیب و الشهادة، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۶.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۷۱.
۱۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۱.
۱۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۳، ص ۱۰۸.
۱۶. مواهب الرحمن، ج ۵، ص ۳۲۹.
۱۷. انوار العرفان، ج ۵، ص ۴۲۵-۴۲۶ و ص ۴۶۰.

بعضی نیز زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام را حجت و دلیلی برای منکرین طول عمر حضرت آورده است:

نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۲۲۷.

اکثر مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به مطالبی راجع به نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

١. جامع البيان في تفسير القرآن، ج ٣، ص ٢٨٩.
٢. بحر العلوم (تفسير سمرقندی)، ج ١، ص ٢٧٢.
٣. تاج التراجم، ج ١، ص ٣٦٨ - ٣٦٩.
٤. معالم التنزيل، ج ١، ص ٤٤٧ - ٤٤٨.
٥. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ١، ص ١٤١ - ١٤٤ و ص ١٣٦ - ١٣٧.
٦. المحرر الوجيز، ج ١، ص ٤٤٤.
٧. زادالمسير، ج ١، ص ٢٨٧.
٨. الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ٩٩ - ١٠١.
٩. مدارك التنزيل، ج ١، ص ٢٢٢.
١٠. لباب التأويل في معاني التنزيل (تفسير خازن)، ج ١، ص ٢٥١ - ٢٥٢.
١١. التسهيل لعلوم التنزيل، ج ١ - ٤، ص ١٠٨.
١٢. البحر المحيط، ج ٢، ص ٤٩٧.
١٣. تفسير القرآن العظيم، ج ٢، ص ٤٧.
١٤. غرائب القرآن، ج ٣، ص ٢٠٧.
١٥. الجواهر الحسان، ج ١، ص ٢٥٨ - ٢٥٩.
١٦. الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٢٥ - ٢٢٧.
١٧. السراج المنير، ج ١، ص ٢٢٠ - ٢٢١.
١٨. روح البيان، ج ٢، ص ٤١ - ٤٢.
١٩. روح المعاني، ج ٣، ص ١٧٩.
٢٠. فتح البيان، ج ٣، ص ٢٥١.
٢١. تيسير التفسير، ج ٢، ص ٨٣ - ٨٥.
٢٢. تفسير مراغی، ج ١، ص ١٦٩.
٢٣. تيسير الكريم الرحمن، ص ١٠٨.

۲۴. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۳، ص ۲۷۷.
 ۲۵. التحریر و التنویر، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹.
 ۲۶. الوسیط، ج ۲، ص ۱۲۲.
 ۲۷. زهرة التفاسیر، ج ۱۶، ص ۱۲۴۲-۱۲۴۵.
 ۲۸. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۲، ص ۱۴۴.
 ۲۹. تفسیر شعراوی، ج ۳، ص ۱۵۰۵ و ص ۱۵۰۴.

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛ در واقع، مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت: «باش» پس وجود یافت. (آل عمران/۵۹)

صاحب تفسیر انوار درخشان از سیاق آیات و روایاتی از اهل بیت علیهم السلام و هم‌چنین روایات اهل سنت درباره مفهوم آیه به این نتیجه رسیده که این آیه مربوط به نزول حضرت عیسی علیه السلام و بیعت ایشان با حضرت مهدی علیه السلام است:

انوار درخشان، ج ۳، ص ۹۴-۹۵.

ابن عربی ذیل این آیه به مطلب فوق اشاره نموده است:

رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ج ۱، ص ۴۴۵.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیاید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.» (آل عمران/۶۱)

برخی از مفسران از این آیه به اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام در خردسالی پرداخته‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۹.

۲. انوار العرفان، ج ۶، ص ۲۲.

﴿هَٰذَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجِبْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ هان، شما [اهل کتاب] همانان هستید که درباره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه کردید پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می‌کنید؟ با آن که خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (آل عمران/۶۶)

صاحب تفسیر المعین ذیل این آیه به یکی از سخنان حضرت مهدی علیه السلام در مورد ارجاع مردم به رواة احادیث در زمان غیبت اشاره کرده است:

المعین، ص ۵۸.

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است. (آل عمران/۶۸)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يُنْشِدُ اللَّهَ حَقَّهُ ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ مَنْ يُحَاجِّنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّاسُ؛ مَنْ يُحَاجِّنِي بِآدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ يُحَاجِّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ». برخی از مفسران با ذکر این روایت سخنان و پیام‌های امام مهدی علیه السلام در زمان ظهور را تبیین نموده‌اند:

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲. کز الدقائق، ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. تفسیر روشن، ج ۴، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاری‌اش کنید. [آن گاه] فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم.» فرمود: «پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.» (آل عمران/۸۱)

برخی مفسران شیعه ذیل آیه، رجعت‌کنندگان بعد از شهادت حضرت مهدی علیه السلام را بیان یا معرفی نموده‌اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۸۷.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۳. البرهان، ج ۱، ص ۶۴۶.

۴. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۲۳۶.

۵. تفسیر آسان، ج ۲، ص ۳۴۸.

۶. روان جاوید، ج ۱، ص ۴۴۴ - ۴۴۷.

۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۲۲۰ - ۲۲۲ و ص ۲۲۶ - ۲۲۷.

۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.

۹. مواهب الرحمن، ج ۶، ص ۱۱۴.

۱۰. انوار العرفان، ج ۶، ص ۲۰۹ - ۲۱۰ و ص ۲۱۶.

﴿أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾؛ آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آن‌که هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند. (آل عمران/۸۳)

بسیاری از مفسران شیعه در تفسیر آیه به غلبه اسلام در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۴۷.
۳. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۶.
۴. البرهان، ج ۱، ص ۶۵۰.
۵. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲.
۶. کتزالدقائق، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۷. بیان السعاده، ج ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶.
۸. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۴۵۰-۴۵۱.
۹. اثنی عشری، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۴.
۱۰. تفسیر آسان، ج ۲، ص ۳۵۰.
۱۱. روان جاوید، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۴۹.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۲۳۱-۲۳۳.
۱۳. الجدید، ج ۲، ص ۹۴.
۱۴. انوارالعرفان، ج ۶، ص ۲۱۷.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان

[مایه] هدایت است. (آل عمران/۹۶)

محمد صادقی در تفسیر خود ذیل آیه فوق به مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾؛ در آن، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد. و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. (آل عمران/۹۷)

امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ می‌فرماید: «من بايع قائمنا ودخل معه ومسح على يده ودخل في عقدة أصحابه كان آمناً». مفسرانی که این روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۵۵.
۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۳۲.
۳. البرهان، ج ۱، ص ۶۵۶.
۴. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۸.
۵. كثر الدقائق، ج ۳، ص ۱۷۰.
۶. الجوهر الثمين، ج ۱، ص ۳۵۰.
۷. تفسیر آسان، ج ۲، ص ۳۷۶ - ۳۷۷.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید. (آل عمران/۱۰۳)

برخی از مفسران ﴿بِحَبْلِ اللَّهِ﴾ را به ائمه اطهار و از جمله حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۶۶۹.

۲. آسان، ج ۲، ص ۳۸۸.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵، ص ۲۹۷-۲۹۸.

برخی دیگر وحدت مسلمین و تمسک به حبل الله را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند:

۱. الجدید، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰۴.

قرطبی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به انکار رجعت پرداخته است:

الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹-۱۶۴.

﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ [ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درست کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌رفتند. به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک، شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند. (آل عمران/۱۱۳)

محمد جواد نجفی از این آیات نزول حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشریف اهل کتاب به دین اسلام را منتج گردیده است:
تفسیر آسان، ج ۲، ص ۴۰۹.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾؛ و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آن که ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاس‌گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (آل عمران/۱۲۵)

مفسران شیعه با نقل روایتی از امام محمد باقر علیه السلام ذیل این آیات، اظهار داشته‌اند: ملائکه‌ای که روز بدر به امداد مسلمین آمده بودند بالا نرفتند و در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام وی را یاری خواهند کرد:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲. البرهان، ج ۱، ص ۶۸۶.
۳. المقتنیات الدرر، ج ۲، ص ۲۶۳.
۴. احسن الحدیث، ج ۲، ص ۱۸۱.
۵. روان جاوید، ج ۱، ص ۴۹۲.
۶. تفسیر روشن، ج ۵، ص ۱۶-۱۷.
۷. الجدید، ج ۲، ص ۱۳۷.
۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۳۸-۳۳۹.

﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ * أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾؛ اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستم‌کاران را دوست نمی‌دارد. و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد. آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، بی آن‌که خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟ (آل عمران/۱۴۲)

گروهی از مفسران شیعه ذیل آیه ۱۴۱ به فلسفه و علل غیبت اشاره نموده‌اند، از جمله:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۸۳.
 ۲. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۹۵.
 ۳. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۲۳۰ و ص ۲۳۲.
 ۴. آسان، ج ۳، ص ۱۶.
 ۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۶، ص ۱۴ - ۱۶.
- گروه دیگری در تفسیر آیات، محقق و نابودی کافران و ﴿وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ غلبه اسلام در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را مطرح کرده‌اند:
۱. الجدید، ج ۲، ص ۱۵۳.
 ۲. مواهب الرحمن، ج ۶، ص ۳۳۶، ص ۳۵۲ و ص ۳۵۷.
 ۳. مفسر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز به وضعیت احکام شرعی در زمان غیبت کبری اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۲.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾؛ و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی‌گردید؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاس‌گزاران را پاداش می‌دهد. (آل عمران/۱۴۴)

برخی از مفسران با نقل روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ به القاب و کنیه حضرت مهدی علیه السلام اشاره داشته‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۹۵.

۲. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۶.

﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ * وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ﴾؛ و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می‌کنند بهتر است. و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خدا گردآورده خواهید شد. (آل عمران/۱۵۸)

گروهی از مفسران شیعه ذیل این آیه به وقوع رجعت اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲. تفسیر آسان، ج ۳، ص ۴۸.

۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۶۳.

گروه دیگری، از به همراه اثبات وقوع رجعت، به بیان رجعت‌کنندگان نیز

پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲. البرهان، ج ۱، ص ۷۰۵.

۳. انوارالعرفان، ج ۷، ص ۲۱۱-۲۱۴.

صاحب تفسیر المعین نیز با نقل روایتی از امام زین العابدین علیه السلام، به ارزش ایمان در زمان غیبت پرداخته است:

المعین، ص ۷۰.

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾؛ پس
به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از
پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان
مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.
(آل عمران/۱۵۹)

صاحب تفسیر پیام قرآن ذیل این آیه درباره ماهیت حکومت در زمان غیبت کبری
بحث کرده است:

پیام قرآن، ج ۱، ص ۵۵-۶۲.

و صاحب تفسیر اثنی عشری نیز به لغزش گاه های دوره غیبت کبری اشاره می نماید:

اثنی عشری، ج ۲، ص ۲۸۷.

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا
وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾؛ خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید،
واگذارد، تا آن که پلید را از پاک جدا کند. و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند، ولی خدا

از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزینند. پس، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. (آل عمران/۱۷۹)
صاحب تفسیر الفرقان این آیه را به فلسفه و علل غیبت تطبیق داده است:
الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۶، ص ۱۰۱-۱۰۲.

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾؛ مسلماً خداوند، سخن کسانی را که گفتند:
«خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و به ناحق کشتن آنان پیامبران
را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را.» (آل عمران/۱۸۱)

محمد جواد نجفی در تفسیر خود، ذیل این آیه به فلسفه برخورد امام با دشمنان در
ایام ظهورش اشاره می‌نماید:
تفسیر آسان، ج ۳، ص ۹۰.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ
الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾؛ هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است، و
همانا روز رستاخیز پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش به دور
دارند و در بهشت درآورند قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. (آل
عمران/۱۸۵)

گروهی از مفسران ذیل این آیه درباره اثبات وقوع رجعت بحث کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۴۱۵.

۲. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۵۱۱.

۳. مواهب الرحمن، ج ۷، ص ۱۳۹.

برخی از مفسران نیز این آیه را به اثبات امکان رجعت تفسیر نموده‌اند:

۱. روان جاوید، ج ۱، ص ۵۴۴.

۲. انوارالعرفان، ج ۷، ص ۳۶۲.

تنها مفسر البرهان، این آیه را در زمینه رجعت کنندگان تفسیر نموده است:

البرهان، ج ۱، ص ۷۲۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی

که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهداری کنید و از خدا پروا نمایید، امید

است که رستگار شوید. (آل عمران/۲۰۰)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «اصبروا علی أداء الفرائض وصابروا

عدوكم و رابطوا امامكم المنتظر». برخی از مفسران همین روایت را نقل کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۱، ص ۷۳۰.

۲. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۵۲۰.

۴. روان جاوید، ج ۱، ص ۵۵۷-۵۵۸.

۵. مواهب الرحمن، ج ۷، ص ۱۸۸.

۶. انوارالعرفان، ج ۷، ص ۴۳۳.

علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود به غلبه اسلام بر سایر ادیان در حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۲۰۸-۲۱۱.

سوره نساء

﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍ وَصِيَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾؛ و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم ما ترک آنان از آن شماست، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استثنا شود]، و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید، یک هشتم از میراث شما برای ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود]، و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند کلاله [بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد، پس برای هر یک از آن دو، یک ششم [ما ترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ما ترک] مشارکت دارند، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود]، به شرط آن‌که از این طریق [زیانی [به ورثه] نرساند. این است سفارش خدا، و خداست که دانای بردبار است.

محمد جواد نجفی در تفسیر خود در ذیل این آیه به اجداد و جدات حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

تفسیر آسان، ج ۳، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛ و زنان شوهر دار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زنا کار نباشید - و زنانی را که مُتعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید] مسلماً خداوند دانای حکیم است. (نساء/۲۴)

برخی از مفسران این آیه را در زمینه اثبات وقوع رجعت و رجعت کنندگان تفسیر نموده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. الجدید، ج ۲، ص ۲۷۹.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾؛ خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است. (نساء/۲۸)

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه پس از بیان یک قرائت انحرافی از مهدویت به انکار آن پرداخته است:

الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۳ - ۴۴.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾؛
و زنهار، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید.
برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار]
کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست.
(نساء/۳۲)

برخی از مفسران به مناسبت ﴿وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ روایتی از رسول گرامی
اسلام ﷺ نقل کرده‌اند که حضرت فرموده است: «سلوا الله من فضله فانه يحب ان
يسأل وان افضل العبادۃ انتظار الفرج».

۱. مجمع البيان، ج ۳، ص ۶۴.

۲. المقتنيات الدرر، ج ۳، ص ۹۴.

۳. الغيب و الشهاده، ج ۲، ص ۲۹۰.

مفسر مواهب الرحمن ضمن نقل روایت بالا، به مفهوم انتظار نیز اشاره کرده است:

مواهب الرحمن، ج ۸، ص ۱۷۲.

الجامع لاحكام القرآن، ج ۵، ص ۱۶۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا
فَنَرُّهَا عَلَىٰ أَذْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾؛ ای کسانی که
به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده همان چیزی است که با
شماست ایمان بیاورید، پیش از آن که چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم
یا هم چنان که «اصحاب سبت» را لعنت کردیم آنان را [نیز] لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق
یافته است. (نساء/۴۷)

مفسران شیعه ذیل این آیه به اموری از قبیل خروج سفیانی^۱ و خسف به بیداء^۲ اشاره کرده و آن را از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام قلمداد کرده اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۲. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۶.

۳. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۴۲۰.

۴. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۷۳-۷۵.

۵. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۶۰۴.

۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۷، ص ۹۶.

۷. الجدید، ج ۲، ص ۲۹۷.

صاحب تفسیر البرهان علاوه بر موضوع فوق به حوادث دوران ظهور نیز پرداخته است:

البرهان، ج ۲، ص ۸۷-۸۹

و مفسر انوار العرفان نیز دعوت جهانیان به اسلام در ایام ظهور را بیان استفاده کرده است:

انوار العرفان، ج ۱، ص ۳۳۷.

اما بعضی دیگر از مفسران اهل سنت خروج سفیانی و خسف بیداء را به عنوان

۱. پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دینداری گروه زیادی از مسلمانان را فریب می دهد. پس از ظهور حضرت، وی در منطقه بیداء (بین مکه و مدینه) با سپاه امام برخورد کرده و شکست می خورد. از روایات استفاده می شود خروج سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است. (جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۸۰).

۲. «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. ظاهراً منظور آن است که سفیانی با لشکر عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می شود، اما در بین مکه و مدینه، به امر خداوند در دل زمین فرو می روند. این حادثه در روایات بسیاری به عنوان یکی از نشانه های ظهور بیان شده است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۱، ص ۲۷۷).

اشراط الساعة نقل نموده‌اند:

۱. حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۲، ص ۵۳.

۲. روح المعانی، ج ۵، ص ۵۰.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾؛ آیا به کسانی که خویشان را پاک می‌شمارند ننگریسته‌ای؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند، و به قدر نخ روی هسته خرما می‌ستم نمی‌بینند. (نساء/۴۹)

محمد صادقی در تفسیر خود از این آیه نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا ایشان به حضرت مهدی علیه السلام را استفاده نموده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۷، ص ۱۱۲.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا﴾؛ آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای؟ که به «جبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و در باره کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه‌یافته‌ترند.» (نساء/۵۱)

برخی از مفسران به مناسبت کلمه «طاغوت» در این آیه به نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام پرداخته‌اند که حضرت فرموده‌اند: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم علیه السلام فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عزوجل»^۱. این مفسران عبارتند از:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۹۲.

۲. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۷۶-۷۷.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۰۱.

۱. شایان ذکر است در این‌که چه نهضت‌هایی در زمان غیبت طاغوتی و یا غیر طاغوتی است علما و مفسران مطالب تفصیلی بیان نموده‌اند که لازم است به منابع آن مراجعه گردد.

۴. مواهب الرحمن، ج ۱، ص ۲۹۷.

۵. انوار العرفان، ج ۱، ص ۴۰۲.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾؛ خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست. (نساء/۵۸)

گروهی از این مفسران شیعه ذیل آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ به میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اوصیا اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۷۹.

۲. مواهب الرحمن، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳. انوار العرفان، ج ۱، ص ۴۰۵.

سید عبدالحسین طیب و مفسر روان جاوید نیز حکومت ولی فقیه در دوره غیبت کبری را ذکر کرده‌اند:

۱. روان جاوید، ج ۲، ص ۷۰.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۱۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است. (نساء/۵۹)

مفسران از این آیه جهت اثبات امامت امامان دوازده گانه و از جمله حضرت مهدی علیه السلام استفاده کرده‌اند. (برخی از مفسران در کنار موضوع قبل به موضوعاتی از قبیل فواید امام غائب و حکومت جهانی مهدوی اشاره نموده‌اند):

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۰.
۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۴۱۲.
۳. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۲۳۴.
۴. منهج الصادقین، ج ۳، ص ۵۴.
۵. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۴۹۶.
۶. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۲۹.
۷. البرهان، ج ۲، ص ۱۰۳.
۸. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۸.
۹. کنزالدقائق، ص ۴۳۸ - ۴۳۹ و ص ۴۴۵ و ص ۴۵۲.
۱۰. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۵۸.
۱۱. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۵۵۳ - ۵۵۵.
۱۲. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۳۳۳ و ص ۳۳۵.
۱۳. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۵، ص ۴۸.
۱۴. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۷۹ - ۸۰.
۱۵. اثنی عشری، ج ۲، ص ۴۸۰ - ۴۸۱.
۱۶. تفسیر عاملی، ج ۳، ص ۱۷.
۱۷. احسن الحدیث، ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۸. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۶۵۳ - ۶۵۷.
۱۹. تفسیر آسان، ج ۳، ص ۲۸۱.
۲۰. روان جاوید، ج ۲، ص ۷۲ - ۷۳.

۲۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۷، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۲۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲۳. مواهب الرحمن، ج ۸، ص ۳۳۴.

۲۴. انوار درخشان، ج ۴، ص ۹۴ و ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲۵. انوارالعرفان، ج ۸، ص ۴۷۱ و ص ۴۷۵.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند، مگر آن که تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. (نساء/۶۵)

بعضی از مفسران با نقل حدیثی از امام سجاد علیه السلام که فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ عليه السلام مِنْهَا غَيْبَتَيْنِ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرَى، أَمَّا الْأُولَى فَمَسْتَةٌ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ، وَأَمَّا الْآخِرَى فَيَطْوِلُ أَمْدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ مِنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَى يَقِينَهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.»، درباره اثبات غیبت و لغزش گاه‌های دوران غیبت سخن گفته‌اند:

۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲. کتزالدقائق، ج ۳، ص ۴۵۹.

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. (نساء/۶۹)

امام باقر علیه السلام در بیان مصادیق آیه فوق می‌فرمایند: ﴿النَّبِيِّينَ﴾ رسول‌الله، ﴿وَالصِّدِّيقِينَ﴾

علیؑ ﴿وَالشُّهَدَاءِ﴾ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنِؑ ﴿وَالصَّالِحِينَ﴾ الْاِنْمَةِ، ﴿وَحَسُنَ اُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍؑ. بسیاری از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳.
۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۶، ص ۱۳.
۳. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۲۴۳.
۴. منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۶.
۵. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۵۰۶-۵۰۷.
۶. البرهان، ج ۲، ص ۱۲۷.
۷. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۵.
۸. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۴۶۲ و ص ۴۶۷.
۹. تفسیر صفی، تهران: سعید، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰.
۱۰. تفسیر آسان، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۸.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۴، ص ۱۵۸.
۱۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۵، ص ۳۳۵.

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ * وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾؛ پس، باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یاوری برای ما

تعیین فرما». (نساء/۷۵)

میرزا محمد ثقفی مراد از «ولی» و «نصیر» را حضرت مهدی علیه السلام دانسته که ولی دم مظلوم کربلا و ناصر دین حق است:

روان جاوید، ج ۲، ص ۸۳

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز ذیل این آیه به بیان وضعیت و حکم جهاد در دوران غیبت کبری پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۳۴.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يُخَشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا﴾؛ آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد: «[فعلاً] دست [از جنگ] بدارید، و نماز را برپا کنید و زکات بدهید»، و [الی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد، بناگاه گروهی از آنان از مردم [مشرکان مکه] ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت تر. و گفتند: «پروردگارا، چرا بر ما کارزار مقرر داشتی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟» بگو: «برخورداری [از این] دنیا اندک، و برای کسی که تقوا پیشه کرده، آخرت بهتر است، و [در آنجا] به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت.» (نساء/۷۷)

مفسران ذیل ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ...﴾ با نقل روایتی، خواست برخی از مردم در خصوص تأخیر جهاد تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بیان کرده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۳۶.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۵۱۳.

۴. البرهان، ج ۲، ص ۱۳۰.
۵. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۸.
۶. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۴۷۹.
۷. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۷۱.
۸. بیان السعاده، ج ۴، ص ۱۴۵.
۹. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۹۱-۹۲.
۱۰. روان جاوید، ج ۲، ص ۸۵.
۱۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۵.
۱۲. انوارالعرفان، ج ۱، ص ۵۴۵.

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾؛ پس در راه خدا پیکار کن جز عهده دار شخص خود نیستی. و [لی] مؤمنان را [به مبارزه] برانگیز. باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده‌اند [از آنان] باز دارد، و خداست که قدرتش بیشتر و کیفرش سخت‌تر است. (نساء/۸۴)

مفسران شیعه زمان تحقق وعده الهی در این آیه را، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۶، ص ۳۸.
۲. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۲۵۲.
۳. منهج الصادقین، ج ۳، ص ۷۸.
۴. اثنی عشری، ج ۲، ص ۵۲۳.

اما رشید الدین میبیدی از مفسران اهل سنت یکی از مصادیق تحقق این وعده الهی را حضرت عیسی علیه السلام دانسته است:

کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۲، ص ۶۰۹.

﴿إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا﴾؛ [مشركان]، به جای او، جز بت‌های مادینه را [به دعا] نمی‌خوانند، و جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند. (نساء/۱۱۷)

مفسران در ذیل آیه با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام - مبنی بر این که القاب خاص مانند امیرالمؤمنین و بقیه‌الله مخصوص اشخاص خاصی همانند امام علی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام است و برای دیگری نباید استفاده کرد - بقیه‌الله را به عنوان لقب خاص حضرت معرفی نموده‌اند.

۱. البرهان، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۱.

۳. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۴. انوارالعرفان، ج ۹، ص ۲۶۹-۲۷۰.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾؛ و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت. (نساء/۱۲۵)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به نسب حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۲۱.

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾ * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾؛ و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آن‌که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و

کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتمند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا بُرد، و خدا توانا و حکیم است. (نساء/۱۵۸)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیات با ذکر حدیثی مبنی بر حمایت حضرت مهدی علیه السلام توسط ملائکه ای که همراه حضرت عیسی علیه السلام بالا رفتند، به امدادهای غیبی در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۹.

۲. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۵۸۱-۵۸۲.

۳. صاحب تفسیر اثنی عشری شباهت حضرت مهدی علیه السلام به انبیا را بیان کرده است:

۱. اثنی عشری، ج ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳.

۲. صاحب تفسیر انوار در خشان علاوه بر آن به بیان نزول حضرت عیسی علیه السلام در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

انوار در خشان، ج ۴، ص ۲۷۹.

و صاحب تفسیر مواهب الرحمن نیز فلسفه نزول حضرت عیسی علیه السلام را مطرح کرده است:

مواهب الرحمن، ج ۱، ص ۱۵۹ و ص ۱۲۰.

اما مفسران اهل سنت این آیات را درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و مطالب پیرامون آن تفسیر نموده‌اند:

۱. التسهیل لعلوم التزیل، ج ۱-۴، ص ۱۶۳.

۲. البحر المحيط، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳. الجواهر الحسان، ج ۱، ص ۴۰۲.

۴. نظم الدرر، ج ۲، ص ۳۵۱.

۵. روح البیان، ج ۲، ص ۳۱۹.
 ۶. روح المعانی، ج ۶، ص ۱۲.
 ۷. تیسیر التفسیر، ج ۲، ص ۴۶۲.
 ۸. محاسن التأویل، ج ۳، ص ۵۵۰ و ص ۵۷۸.
 ۹. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۳.
 ۱۰. فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۵۸۷.
 ۱۱. صفوة التفاسیر، ج ۱، ص ۳۱۷.
 ۱۲. مواهب الرحمن، ج ۳، ص ۸۲.
 ۱۳. المنیر، ج ۲، ص ۳۵۱.
 ۱۴. الاساس فی التفسیر، ج ۲، ص ۱۲۳۲-۱۲۳۳.
 ۱۵. تفسیر شعراوی، ج ۵، ص ۲۷۹۶-۲۷۹۸.
- مفسران المنار پس از نقل روایات ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام به نقد مدعیان مهدویت پرداخته‌اند:
- المنار، ج ۶، ص ۵۷-۵۹.

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾؛ و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن‌که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. (نساء/۱۵۹)

گروهی از مفسران ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام و وقایع آن زمان پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۸.
۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۸۶.
۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۴. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۰۲.
۵. تفسیر گازر، ج ۲، ص ۳۰۵.
۶. مواهب علیه، ج ۱، ص ۲۹۱.
۷. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۵۸۶.
۸. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۸۰.
۹. البرهان، ج ۲، ص ۱۹۷.
۱۰. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۱.
۱۱. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۵۸۴.
۱۲. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۱۲۵.
۱۳. تفسیر شبر، ص ۱۰۳.
۱۴. فتح القدیر، ج ۱، ص ۶۱۶.
۱۵. تفسیر صفی، ص ۱۷۱.
۱۶. بیان السعاده، ج ۴، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.
۱۷. المقتنیات الدرر، ج ۳، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.
۱۸. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۳۵۷.
۱۹. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۳۷۱.
۲۰. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۶، ص ۱۹.
۲۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۱۳۹ - ۱۴۰.
۲۲. اثنی عشری، ج ۳، ص ۶۴۴ - ۶۴۵.
۲۳. من وحی القرآن، ج ۷، ص ۵۳۵.
۲۴. حجة التفاسیر، ج ۲، ص ۱۷.
۲۵. منشور جاوید، ج ۱۲، ص ۴۰۰ - ۴۱۴.
۲۶. احسن الحدیث، ج ۲، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.

۲۷. ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۲۳۳.
۲۸. المنیر، ج ۲، ص ۳۲۲.
۲۹. مخزن العرفان، ج ۴، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.
۳۰. تفسیر آسان، ج ۴، ص ۶۰ - ۶۱.
۳۱. روان جاوید، ج ۲، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
۳۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۷، ص ۴۴۴ و ص ۴۴۱ و ص ۴۳۹.
۳۳. الجدید، ج ۲، ص ۳۹۵.
۳۴. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰۴ - ۲۰۵.
۳۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.
۳۶. تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۱۶۰.
۳۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی) ج ۴، ص ۳۲۹ - ۳۳۳.
۳۸. مواهب الرحمن، ج ۱۰، ص ۱۲۱ - ۱۴۱.
۳۹. تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۹۱.
۴۰. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۳۹.
۴۱. انوار درخشان، ج ۴، ص ۲۸۳ - ۲۸۴.
۴۲. انوار العرفان، ج ۹، ص ۴۹۹ و ص ۴۸۹ - ۴۹۰.
- مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به مطالبی در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان اشاره کرده اند:
۱. تفسیر مجاهد، ص ۱۲۵.
 ۲. تفسیر القرآن (تفسیر صنعانی)، ج ۱، ص ۱۷۷.
 ۳. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶.
 ۴. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۵۶.
 ۵. بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۰۳.

٦. النكت والعيون، ج ١، ص ٥٤٤.
٧. الوسيط، ج ٢، ص ١٣٧.
٨. معالم التنزيل، ج ١، ص ٧١٩ - ٧٢٠.
٩. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ٢، ص ٧٦٣ - ٧٦٤.
١٠. المحرر الوجيز، ج ٢، ص ١٣٤.
١١. زاد المسير، ج ١، ص ٤٩٦.
١٢. رحمة من الرحمن في تفسير و اشارات القرآن، ج ١، ص ٥٦١.
١٣. الجامع لاحكام القرآن، ج ٦، ص ١٠ - ١١.
١٤. انوار التنزيل، ج ١، ص ٣٩٩.
١٥. مدارك التنزيل، ج ١، ص ٣٦٦.
١٦. تفسير خازن، ج ١، ص ٤٤٥ - ٤٤٦.
١٧. التسهيل لعلوم التنزيل، جزء ١، ص ١٦٤.
١٨. البحر المحيط، ج ٣، ص ٤٠٨.
١٩. تفسير القرآن العظيم، ج ٢، ص ٢٥٢ - ٢٦٢.
٢٠. غرائب القرآن، ج ٤، ص ٢١.
٢١. الجواهر الحسان، ج ١، ص ٤٢٠.
٢٢. تفسير جلالين، ص ١٣٠.
٢٣. الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٤١.
٢٤. الفواتح الالهيه و المفاتيح، ج ١، ص ١٧٧.
٢٥. السراج المنير، ج ١، ص ٣٤٤.
٢٦. ارشاد العقل السليم، ج ٢، ص ٢٥٢.
٢٧. روح البيان، ج ٢، ص ٣٢٠.
٢٨. الفتوحات الالهيه، ج ١، ص ٤٤٥.

۲۹. المظهری، ج ۲، ص ۲۷۲.
۳۰. حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۲، ص ۴۵۶.
۳۱. تیسیر التفسیر، ج ۲، ص ۴۶۳.
۳۲. محاسن التأویل، ج ۳، ص ۶۲۳-۶۲۷.
۳۳. تیسیر الکریم الرحمن، ص ۱۷۷.
۳۴. فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۱۰۲.
۳۵. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۶، ص ۱۹.
۳۶. التحریر و التنویر، ج ۴، ص ۳۰۹.
۳۷. الوسیط، ج ۳، ص ۳۸۳.
۳۸. زهرة التفاسیر، ج ۲۵، ص ۱۹۵۴.
۳۹. صفوة التفاسیر، ج ۱، ص ۳۱۷.
۴۰. تفسیر القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۸۳.
۴۱. مواهب الرحمن، ج ۳، ص ۸۳.
۴۲. المنیر فی العقیدة و الشریعة، ج ۶، ص ۲۰-۲۳.
۴۳. تفسیر شعراوی، ج ۵، ص ۲۸۰۳-۲۸۰۶.

سوره مائده

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ
وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا
بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَتَسَاءَلُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ
مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ بر شما حرام شده است: مردار، و خون، و گوشت خوک، و
آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد، و [حیوان حلال گوشت] خفه شده، و به چوب مرده، و از
بلندی افتاده، و به ضرب شاخ مرده، و آنچه درنده از آن خورده باشد - مگر آنچه را [که زنده
دریافته و خود] سر ببرید - و [هم چنین] آنچه برای بتان سر بریده شده، و [نیز] قسمت کردن شما
[چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه این [کارها همه] نافرمانی [خدا] ست. امروز کسانی که کافر
شده اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز
دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان]
آیینی برگزیدم. و هر کس دچار گرسنگی شود، بی آن که به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده
است بخورد]، بی تردید، خدا آمرزنده مهربان است. (مائده/۳)

گروهی از مفسران شیعه ذیل این آیه با توجه به ﴿الْيَوْمَ يَتَسَاءَلُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
دِينِكُمْ﴾ به آثار ظهور اشاره کرده اند:

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۶۰۹.
۳. البرهان، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۲۹.
۴. نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۶.
۵. کتزالدقائق، ج ۴، ص ۳۲.
۶. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۱۴۰.
۷. مواهب الرحمن، ج ۱۰، ص ۳۳۲.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۸، ص ۷۰ - ۷۸.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (مائده/۸)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین مفهوم ﴿قَوَّامِينَ﴾، به «قائم» به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۱۳.

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾؛ در حقیقت، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت. و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. و خدا فرمود: «من با شما هستم.» اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید، قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم، و

شمارا به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم. پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد، در حقیقت از راه راست گمراه شده است. (مائده/۱۲)

بعضی از مفسران شیعه با توجه به ﴿أَتْنَىٰ عَشَرَ نَقِيبًا﴾ به نقل روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ مبنی بر اسامی جانشینان ایشان، پرداخته و نام امام مهدی عجل الله فرجه را به عنوان دوازدهمین خلیفه رسول خدا ذکر کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۲.

ابن کثیر در تفسیر خود، ذیل این آیه؛ تفسیر انحرافی از جانشینان پیامبر ﷺ و بحث مهدویت را ذکر نموده است:

تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۶۵.

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾؛ و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و [الی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه می‌کرده‌اند [و می‌ساخته‌اند] خبر می‌دهد. (مائده/۱۴)

گروهی از مفسران ذیل این آیه چگونگی غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه را ذکر کرده‌اند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۸، ص ۲۲۷ - ۲۲۹.

۲. الجدید، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۱۸ - ۳۱۹.

۴. انوارالعرفان، ج ۱۰، ص ۱۵۳.

گروه دیگری از مفسران با توجه به ﴿حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ با نقل روایتی از

امام صادق علیه السلام: «أما إنهم سَيَذْكُرُونَ ذَلِكَ الْحِظَّ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام مَنَا عِصَابَةً مِنْهُمْ» بهره بردن اصحاب عام امام مهدی علیه السلام^۱ در کنار حضرت را متذکر شده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۶۲۷.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۲۶۴.

۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۱.

۴. کنزالدقائق، ج ۴، ص ۶۳.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فِتْرَةٍ مِنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان [حقایق را] برای شما بیان می‌کند، تا مبادا [روز قیامت] بگویید: «برای ما بشارت‌گر و هشداردهنده‌ای نیامد.» پس قطعاً برای شما بشارت‌گر و هشداردهنده‌ای آمده است. و خدا بر هر چیزی تواناست. (مائده/۱۹)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ضرورت وجود امام در هر دوره و زمانی اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴.

۲. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۳۸۹.

۳. تفسیر آسان، ج ۴، ص ۱۳۳.

۴. روان جاوید، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۵. الجدید، ج ۲، ص ۴۴۳.

۱. اصحاب و یاوران حضرت دو دسته‌اند: الف - اصحاب خاص: همان ۳۱۳ نفری که ائمه علیهم السلام از آنان به عنوان پرچمداران تعبیر فرموده‌اند. ب - اصحاب عام: مؤمنان صالحی که در مکه و غیر آن ملحق می‌شوند. از روایات استفاده می‌شود، حضرت مهدی علیه السلام از مکه خارج نخواهد شد، مگر آن‌که همراهشان ده هزار تن از یاوران خواهند بود.

۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۳۳ - ۳۳۴.

۷. انوارالعرفان، ج ۱۰، ص ۲۰۰.

اما بهاء الدین شریف لاهیجی میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اوصیاء را استنباط نموده است:

تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۶۳۱.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾؛ و [یاد کن] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد.» (مائده/۲۰) برخی از مفسران با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام، آیه فوق را در زمینه رجعت تفسیر نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۱۸۹.

﴿وَلِيُخَكِّمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند، و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود، نافرمانند. (مائده/۴۷)

سید عبدالحسین طیب ذیل این آیه به میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اوصیا اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸۳.

﴿فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى

اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ؛ می بینی کسانی که در دل هایشان بیماری است، در [دوستی] با آنان شتاب می ورزند. می گویند: «می ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد.» امید است خدا از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد، تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته اند پشیمان گردند. (مائده/۵۲)

صاحب تفسیر الفرقان از آیه ﴿فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ﴾، بشارت ظهور را استنباط نموده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۹، ص ۳۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت گری نمی ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می دهد، و خدا گشایشگر داناست. (مائده/۵۴)

مفسران شیعه در تفسیر آیه ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ این مطلب را در شأن اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام وارد دانسته اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۶۶۸ - ۶۶۹.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳.

۴. البرهان، ج ۲، ص ۳۱۵.

۵. نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱.

۶. کنزالدقائق، ج ۴، ص ۱۴۱.

۷. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۱۸۸.
 ۸. تفسیر شبر، ص ۱۱۶.
 ۹. المقتنیات الدرر، ج ۴، ص ۳۸.
 ۱۰. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۴۰۴.
 ۱۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵.
 ۱۲. اثنی عشری، ج ۳، ص ۱۱۳.
 ۱۳. تفسیر آسان، ج ۴، ص ۱۹۵-۱۹۶.
 ۱۴. کاشف، ج ۳، ص ۱۳۶.
 ۱۵. روان جاوید، ج ۲، ص ۲۲۹.
 ۱۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۹، ص ۴۰-۴۳.
 ۱۷. الجدید، ج ۲، ص ۴۸۲.
 ۱۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۹.
 ۱۹. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۸.
 ۲۰. انوار العرفان، ج ۱۰، ص ۴۲۳-۴۲۴.
- اما مفسر انوار درخشان این آیه را در زمینه شرایط تحقق ظهور تفسیر نموده است:

انوار درخشان، ج ۵، ص ۴۷.

برخی از مفسران اهل سنت، ذیل این آیه یک قرائت انحرافی از بحث مهدویت را ذکر کرده‌اند:

۱. غرائب القرآن، ج ۴، ص ۱۶۵-۱۶۶.
۲. روح المعانی، ج ۴، ص ۲۳۹.
۳. تفسیر شعراوی، ج ۵، ص ۳۲۲۳-۳۲۲۶.
۴. التفسیر الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۳۴.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾؛ ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (مائده/۶۷)

صاحب تفسیر انوار در خشان ذیل این آیه به اثبات نقلی امامت حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد:

انوار در خشان، ج ۵، ص ۹۰

تفاسیر المعین و کتزالدقائق نیز حجت الهی بودن حضرت مهدی علیه السلام را استنباط نموده‌اند:

۱. کتزالدقائق، ج ۴، ص ۱۷۲، ص ۱۷۹، ص ۱۸۲ و ص ۱۸۴.

۲. المعین، ص ۱۱۹.

صاحب تفسیر الفرقان علاوه بر موضوع قبل، به حکومت ولی فقیه در زمان غیبت کبری پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۹، ص ۱۰۱.

﴿وَحَسِبُوا إِلَّا تَكُونَنَّ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾؛ و پنداشتند کیفری در کار نیست. پس کور و کر شدند. سپس خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند، و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (مائده/۷۱)

در تفسیر جامع ذیل این آیه اشاره ای به بحث ظهور شده است:

تفسیر جامع، ج ۲، ص ۲۴۶.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَخْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين﴾؛ و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] بر حذر باشید، پس اگر روی گردانید، بدانید که بر عهده پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است. (مائده/۹۲)

برخی مفسران با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «أما والله ما هلك من كان قبلكم وما هلك من هلك حتى يقوم قائمنا إلا في ترك ولايتنا وحجود؟ حقنا وما خرج رسول الله صلى الله عليه وآله من الدنيا حتى الزم رقاب هذه الامة حقنا والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم». به عواقب انکار امامت حضرت مهدی علیه السلام ذیل این آیه اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۴

۲. کنز الدقائق، ج ۴، ص ۲۲۳.

۳. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۴۲۳.

۴. اثنی عشری، ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۵. روان جاوید، ج ۲، ص ۲۶۶.

۶. الجدید، ج ۲، ص ۵۱۶.

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وضعیت آینده زمین در آخر الزمان را بیان کرده است:

زهرة التفاسیر، ج ۳۲، ص ۲۵۳۹.

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده‌اند نیست، در صورتی که تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند آن گاه تقوا پیشه کنند و احسان نمایند، و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مائده/۹۳)

سید عبدالحسین طیب ذیل این آیه به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در زمان حکومت جهانی اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۶۸.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُتِدَّتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور، آن گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن گفתי و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آن گاه که به اذن من، از گِل، [چیزی] به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی، و به اذن من پرنده ای می شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می دادی و آن گاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می آوردی و آن گاه که [آسیب] بنی اسرائیل را - هنگامی که برای آنان حجّت های آشکار آورده بودی - از تو باز داشتم». پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست. (مائده/۱۱۰)

علامه طباطبایی ذیل ﴿وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي﴾ بر پیشینه رجعت استدلال نموده است:

ترجمه المیزان، ج ۶، ص ۳۱۹.

نویسندگان مواهب علیه و الجوهر الثمین، میزان سن و چگونگی تکلم حضرت عیسی علیه السلام پس از نزول را؛ به وسیله چگونگی سخن گفتن در گهواره؛ ثابت نموده اند.

۱. مواهب علیه، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. الجواهر الثمین، ج ۲، ص ۲۲۶.

صاحب تفسیر پیام قرآن نیز ذیل «روح القدس» به یکی از ویژگی های امام زمان علیه السلام اشاره نموده است:

۱. پیام قرآن، ج ۷، ص ۲۱۸.

مفسران اهل سنت نیز با همان استدلال، نزول حضرت عیسی علیه السلام را ذکر کرده اند:

۱. تفسیر جلالین، ص ۱۶۰.

۲. السراج المنیر، ج ۱، ص ۴۰۴.

۳. حاشیه الشهاب، ج ۳، ص ۵۷۶.

۴. روح البیان، ج ۲، ص ۴۶۰.

۵. حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۲، ص ۵۵۱.

۶. تیسیر التفسیر، ج ۳، ص ۲۱۱.

﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا
وَأَخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾؛ عیسی پسر مریم گفت: «بار الها، پروردگارا،
از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه ای از جانب تو. و ما را
روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.» (مائده/۱۱۴)

محمد جواد نجفی ذیل این آیه به مناسبت کلمه «عید» بحث عید ظهور را مطرح
می نماید:

تفسیر آسان، ج ۴، ص ۲۹۶ - ۲۹۸.

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ آعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دُمْتُ
فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ جز آنچه مرا بدان
فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم [گفته ام] که: خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت

کنید، و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی، و تو بر هر چیز گواهی. (مائده/۱۱۷)

سید علی اکبر قرشی در تفسیر خود ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقامه نماز پشت سر حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

احسن الحدیث، ج ۳، ص ۱۶۹.

یکی از مفسران اهل سنت نیز به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام اشاره نموده است:

الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۳۷۶ - ۳۷۷.

سوره انعام

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾؛ اوست کسی که شما را از گِل آفرید. آن گاه مدتی را [برای شما عمر] مقرر داشت. و اجل حتمی نزد اوست. با این همه، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می‌کنید. (انعام/۲)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به مناسبت ﴿وَأَجَلٌ مُّسَمًّى﴾، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از حتمیات، دانسته است: اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷.

﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ و گفتند: «چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی تردید، خدا قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد، لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.» (انعام/۳۷)

مفسران شیعه با نقل روایتی از امام محمد باقر علیه السلام اموری از قبیل دابة الارض^۱،

۱. خروج دابة الارض به معنای بیرون آمدن جنبنده زمین است. این پدیده در روایات امامیه و غیر امامیه به عنوان اشراط الساعة قلمداد گردیده است. در مورد تطبیق این کلمه بنای قرآن بر اجمال بوده، اما در سخنان مفسران، بحث‌های فراوانی دیده می‌شود که در یک جمع‌بندی می‌توان آن را در دو تفسیر خلاصه کرد: الف - یک موجود جاندار و جنبنده غیر عادی از غیر جنس انسان، با شکل عجیب و خارق عادات و معجزه انبیاست. ب - یک انسان

خروج دجال و نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام را از اشراط الساعة برشمرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۸.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۱۸.
۳. البرهان، ج ۲، ص ۴۱۶.
۴. کنز الدقائق، ج ۴، ص ۳۲۱.
۵. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۲۵۵.
۶. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۴۴۹.
۷. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۳۰۵.
۸. اثنی عشری، ج ۳، ص ۲۶۱ - ۲۶۲.
۹. روان جاوید، ج ۱، ص ۳۱۷.
۱۰. الجدید، ج ۳، ص ۲۸.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۶، ص ۶۸.
۱۲. انوار العرفان، ج ۱۲، ص ۲۵۵.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند. (انعام/۴۴)

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ یعنی ترکوا و لایة علی بن ابی طالب و قد أمروا بها ﴿فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ دونه‌ها در دنیا و ما بسط لهم فیها ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً﴾ یعنی بذلك قیام القائم حتی كأنهم لم یکن لهم سلطان قط. مفسرانی

→ متحرک و جنبنده و فعال که یکی از کارهای اصلی اش جدا ساختن صفوف مسلمین از کفار و منافقان و علامت‌گذاری آنان است. (خدایم‌امراد سلیمان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۱۷۳ - ۱۷۴).

که این روایت را در تفسیر آیه فوق نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۷۵۸.
۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۲۱.
۴. البرهان، ج ۲، ص ۴۱۹.
۵. نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۱۸.
۶. کنزالدقائق، ج ۴، ص ۳۳۰.
۷. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۴۵۱.
۸. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۹. اثنی عشری، ج ۳، ص ۲۷۱-۲۷۲.
۱۰. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۲۱.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۰، ص ۲۷-۲۹.
۱۲. انوارالعرفان، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾؛ بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند.» بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند. (انعام/۶۵)

برخی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به مصادیقی از اشراط الساعة اشاره کرده‌اند:

۱. تیسیر التفسیر، ج ۳، ص ۳۳۲-۳۳۳.
۲. محاسن التأویل، ج ۴، ص ۵۷۳.

﴿لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾؛ برای هر خبری هنگام [وقوع] است، و به زودی خواهید دانست. (انعام/۶۷)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن از این آیه بشارت ظهور را استنباط نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۰۴.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾؛
و این گونه، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد.
(انعام/۷۵)

برخی از مفسران با نقل روایت تفسیری از امام محمد باقر علیه السلام، ذیل این آیه، در زمینه اثبات وجود امام مهدی علیه السلام سخن گفته اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۴۳۴ - ۴۳۵.

۲. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۳۲۸ - ۳۳۰.

۳. انوار العرفان، ج ۱۲، ص ۳۸۵ - ۳۸۶.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَنْفُسِهِمْ فَتَنْجِيهِمْ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ﴾؛ آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم و اگر اینان [مشرکان] بدان کفر ورزند، بی گمان، گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند.
(انعام/۸۹)

مفسر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل ﴿أَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ﴾ را به جعل الهی می داند:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۳۳.

بحرانی و محمد صادقی ذیل این آیه به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

اما مفسر المنار ذیل این آیه یک قرائت انحرافی از مهدویت را نقل می‌نماید:
المنار، ج ۷، ص ۵۹۵.

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ و سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است و هیچ تغییر دهنده‌ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. (انعام/۱۱۵)

مفسر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به ضرورت امامت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۸۰.

در تفسیر روان جاوید نیز با استفاده روایتی از امام صادق علیه السلام به ویژگی‌های جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است:

روان جاوید، ج ۲، ص ۳۷۲.

مفسر حاشیه الشهاب نیز ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته است:
حاشیه الشهاب، ج ۴، ص ۱۸۹.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛ باری، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف می‌شود داناتر است، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.
(انعام/۱۱۷)

در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن «مهدی» به عنوان یکی از القاب و کنیه‌های

امام دوازدهم معرفی شده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۸۴.

﴿إِنَّ مَا تُوَعَدُونَ لَأَتِي وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾؛ قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود آمدنی

است، و شما درمانده کنندگان [خدا] نیستید. (انعام/۱۳۴)

سید عبدالحسین طیب از این آیه حتمیت ظهور را استنباط کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۱۲.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي

بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ

أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت

بیاید، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت

[پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان

آوردنش سود نمی‌بخشد. بگو: «منتظر باشید که ما [هم] منتظریم.» (انعام/۱۵۸)

مفسران شیعه ذیل این آیه به ذکر مصادیق متعددی از اشراط الساعة پرداخته‌اند.

برخی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام را برشمرده‌اند

و گروه دیگر طلوع خورشید از مغرب یا خروج دجال یا... را نیز اضافه

می‌نمایند:

۱. تفسیر فوات کوفی، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. العیاشی، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳. تفسیر نعمانی، ص ۱۰۳ و ص ۱۳۸.

۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۲۷.

۵. مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۹۹.

۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۰۵.
 ۷. تفسیر گازر، ج ۳، ص ۱۳۹.
 ۸. مواهب علیه، ج ۱، ص ۴۲۴.
 ۹. منهج الصادقین، ج ۳، ص ۴۷۲.
 ۱۰. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۸۵۰.
 ۱۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳.
 ۱۲. البرهان، ج ۲، ص ۵۰۰.
 ۱۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۸۱-۷۸۲.
 ۱۴. کنزالدقائق، ج ۴، ص ۴۹۰.
 ۱۵. المقتنیات الدرر، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.
 ۱۶. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۴۹۴.
 ۱۷. اثنی عشری، ج ۳، ص ۴۱۴-۴۱۶.
 ۱۸. منشور جاوید، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۵۲.
 ۱۹. احسن الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۹.
 ۲۰. ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۵۴۰.
 ۲۱. کاشف، ج ۳، ص ۴۹۳.
 ۲۲. روان جاوید، ج ۲، ص ۴۰۲.
 ۲۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۰، ص ۳۵۲-۳۵۵.
 ۲۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۵۵.
 ۲۵. تفسیر راهنما، ج ۵، ص ۴۳۵.
 ۲۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۶، ص ۲۸۱-۲۸۶.
 ۲۷. انوارالعرفان، ج ۱۳، ص ۳۳۱ و ص ۳۷۳-۳۷۴.
- دو تن از مفسران نیز «آیه منتظره» را به حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده‌اند:

۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۳۷۸ - ۳۷۹.

۲. تفسیر عاملی، ج ۴، ص ۸۷.

مفسران اهل سنت نیز از این آیه اشراط الساعة را استنباط نموده‌اند. آنها فقط به مواردی از قبیل طلوع خورشید از مغرب، دابة الارض یا دخان یا... اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر مجاهد، ص ۳۳۱.

۲. تفسیر القرآن (تفسیر صنعانی)، ج ۲، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.

۳. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۵۷۵.

۴. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۰۴ - ۴۱۲.

۵. بحر العلوم، ج ۱، ص ۵۲۶.

۶. النکت والعیون، ج ۲، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

۷. تاج التراجم، ج ۲، ص ۷۰۲ - ۷۰۶.

۸. معالم التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۳ - ۱۷۵.

۹. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۳، ص ۵۲۷.

۱۰. زاد المسیر، ج ۲، ص ۹۵ - ۹۶.

۱۱. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۸ (از سوره انعام).

۱۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، ص ۱۴۴ - ۱۴۸.

۱۳. انوار التنزیل، ج ۲، ص ۶۳.

۱۴. تفسیر خازن، ج ۲، ص ۱۷۵.

۱۵. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۲، ص ۲۷.

۱۶. البحر المحیط، ج ۴، ص ۲۵۸ - ۲۵۹.

۱۷. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۷۱.

۱۸. غرائب القرآن، ج ۵، ص ۵۰.

١٩. الجواهر الحسان، ج ١، ص ٥٢٤.
٢٠. نظم الدرر، ج ٢، ص ٧٤٩.
٢١. تفسیر جلالین، ص ١٩١.
٢٢. الدر المتثور، ج ٣، ص ٣٨٩.
٢٣. السراج المنیر، ج ١، ص ٤٦٠.
٢٤. حاشیة الشهاب، ج ٤، ص ٢٣١-٢٣٢.
٢٥. روح البیان، ج ٣، ص ١٢٢-١٢٤.
٢٦. الفتوحات الالهیه، ج ٢، ص ١١٣-١١٥.
٢٧. المظهری، ج ٣، ص ٣١٠-٣١٤.
٢٨. حاشیة الصاوی، ج ٢، ص ٦٤٨.
٢٩. تیسیر التفسیر، ج ٣، ص ٥٠٧-٥١٢.
٣٠. محاسن التأویل، ج ٤، ص ٢٩٤-٢٩٧.
٣١. الاکلیل علی مدارک التزیل، ج ٤، ص ٧٠.
٣٢. بیان المعانی، ج ٣ مکی، ص ٤٢٨.
٣٣. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ٢، ص ٢٤ او ص ١٣٠.
٣٤. تفسیر مراغی، ج ٣، ص ٨١-٨٢.
٣٥. تیسیر الکریم الرحمن، ص ٢٤٤.
٣٦. تفسیر القرآن الحکیم، ج ١، ص ٥٣.
٣٧. التفسیر الفرید للقرآن المجید، ج ٢، ص ٩٥٤-٩٥٥.
٣٨. التحریر و التویر، ج ٧، ص ١٣٩.
٣٩. الوسیط، ج ٥، ص ٢٢٧.
٤٠. زهرة التفاسیر، ج ٣٥، ص ٢٧٥٢-٢٧٥٣.
٤١. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ٤، ص ٣٢٦.

۴۲. التفسیر الحدیث، ج ۴، ص ۲۴۲.

۴۳. الاساس فی التفسیر، ج ۳، ص ۱۷۹۶-۱۷۹۷، ص ۴۰۴۷ و ص ۵۱۹۸.

۴۴. تفسیر شعراوی، ج ۷، ص ۴۰۱۳.

﴿قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ أَبْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾؛ بگو: «آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با این که او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد. (انعام/۱۶۴)

امام رضا علیه السلام در روایتی رضایت فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام از فضل پدرانشان را دلیل قتل آنها توسط حضرت مهدی علیه السلام می داند حضرت چنین می فرمایند فرمودند: «صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ اقْوَالِهِ، وَلَكِنْ ذَرَارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَرْضَوْنَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ، وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا، وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ آتَاهُ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِي بِقَتْلِهِ رَجُلًا فِي الْمَغْرَبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَإِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ». مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۸۵۴-۸۵۵.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۷۷.

۳. البرهان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۴. کنز الدقائق، ج ۴، ص ۵۰۳.

۵. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۳۸۵.

۶. اثنی عشری، ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۴.

۱۵۰ • معجم مهدویت در تفاسیر

۷. آسان، ج ۵، ص ۱۴۸.

۸. البجدید، ج ۳، ص ۱۱۵.

۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۶، ص ۳۰۳-۳۰۴.

۱۰. انوار العرفان، ج ۱۳، ص ۳۷۶-۳۷۷.

سوره اعراف

﴿التص﴾ (اعراف/۱)

بعضی از مفسران ذیل این آیه با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «... ولیس من حروفٍ مُقَطَّعةٍ حرفٍ یَنقُضی اَیَّامَهُ إِلَّا وَقائِمٌ من بنی هاشمٍ عندَ انقِضائِهِ. ثمَّ قال: «الألف» واحد، و«اللّام» ثلاثون، و«المیم» أربعون، و«الضاد» تسعون. فذلك مائة واحدی وستون. ثمَّ كان بدءُ خروجِ الحسینِ علیه السلام «الم، الله». فلما بلغت مدته، قام قائمٌ وُلد العباس عند «المص». ویقوم قائمنا عند انقضاؤها [«بالر»] به مطالبی در زمینه خصوصیات حروف مقطعه و رابطه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲.

۳. کترالدقائق، ج ۵، ص ۳۵.

﴿قال أنظرنی إلى یومٍ یبعثون * قال إنک من المنظرین﴾؛ گفت: «مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی.» (اعراف/۱۵)

در تفاسیر شیعه ذیل این آیه به وضعیت ابلیس در ایام ظهور پرداخته شده است:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۴۹.
۴. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۳۵۰.
۵. القرآن و العقل، ج ۲، ص ۱۲.
۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۶.
۷. احسن الحديث، ج ۳، ص ۳۸۰.
۸. تفسیر آسان، ج ۵، ص ۱۶۵.
۹. روان جاوید، ج ۲، ص ۴۱۲.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۱، ص ۴۹ - ۵۰.
۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۴.

﴿وَيَا آدَمُ أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾؛ و ای آدم! تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر، و از هر جا که خواهید بخورید، و [الی] به این درخت نزدیک مشوید که از ستم کاران خواهید شد. (اعراف/۱۹)

صاحب تفسیر القرآن و العقل ذیل این آیه به انسان کامل بودن حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

القرآن و العقل، ج ۲، ص ۱۷.

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ آيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾؛ [ای پیامبر] بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد.» این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم. (اعراف/۳۲)

برخی از مفسران با توجه به احادیث معصومین علیهم السلام ذیل این آیه به سیره و اقدامات و پوشیدن لباس حضرت علی علیه السلام در هنگام ظهورشان اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۹۲.
۲. کنز الدقائق، ج ۵، ص ۷۳.
۳. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۱۲.
۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۷، ص ۴۸.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾؛ آیا [آنان] جز در انتظار تأویل آنند؟ روزی که تأویلش فرارسد، کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده‌اند می‌گویند: «حقاً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند. پس آیا [امروز] ما را شفاعت‌گرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] بازگردانیده شویم، تا غیر از آنچه انجام می‌دادیم انجام دهیم؟» به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند، و آنچه را به دروغ می‌ساختند از کف دادند. (اعراف/۵۳)

گروهی از مفسران ﴿يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ﴾ را به عنوان بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۰۳.
۳. نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۸.
۴. کنز الدقائق، ج ۵، ص ۱۰۴.
۵. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۳۷۱.
۶. روان جاوید، ج ۲، ص ۴۳۲.
۷. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۴۱.

۸. البرهان، ج ۲، ص ۵۵۸.

محمد بن ابراهیم نعمانی نیز از این آیه در زمینه اثبات وقوع رجعت استفاده کرده است:

تفسیر نعمانی، ص ۷۷ - ۷۸.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِلَّا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾؛ در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش، استیلا یافت. روز را به شب - که شتابان آن را می‌طلبد - می‌پوشاند و نیز خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [بیدید آورد] آگاه باش که عالم خلق و امر، از آن اوست. فرخنده خدایی است که پروردگار جهانیان. (اعراف/۵۴)

مفسر القرآن و العقل مراد از «ایام» را ایام ظهور حضرت دانسته است.

القرآن و العقل، ج ۲، ص ۴۳.

«ابن عربی» نیز به مطالبی در خصوص ظهور پرداخته است:

تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۱، ص ۲۴۰.

﴿قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَضِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾؛ گفت: «راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است. آیا درباره نام‌هایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نام‌گذاری کرده‌اید، و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نرستاده با من مجادله می‌کنید؟ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.» (اعراف/۷۱)

به مناسبت ﴿فَانْتَضِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ برخی از مفسران روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل نموده‌اند که حضرت فرموده است: «ما أحسن الصبر و انتظار الفرج،

اما سمعت قول العبد الصالح ﴿إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۳.
۲. البرهان، ج ۲، ص ۵۶۱.
۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۴.
۴. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۱۲۰.
۵. الجوهر الثمین، ج ۲، ص ۳۸۱.
۶. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۲۷.

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾؛ سران قوم او که استکبار می ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟» گفتند: «بی تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم.» (اعراف/۷۵)

امام صادق علیه السلام در حدیثی، حضرت مهدی علیه السلام را مانند حضرت صالح دانسته که مردم در تعامل وی سه دسته خواهند شد. برخی از مفسران همین روایت را ذیل این آیه آورده اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۵۶۱.
۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۶.
۳. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۱۲۶.
۴. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۲۷-۴۲۸.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها

[گریبان] آنان را گرفتیم. (اعراف/۹۶)

بعضی از مفسران ذیل این آیه به آثار حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. آشنایی با قرآن، ج ۵، ص ۲۳۵.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

﴿فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾؛ پس [موسی] عصایش را افکند و به ناگاه ازدهایی آشکار شد. (اعراف/۱۰۷)

امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی آورده است که عصای موسی علیه السلام در دست ماست تا به دست قائم آل محمد علیه السلام برسد. دو تن از مفسران این حدیث را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۳.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۱۰.

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾؛ و به موسی وحی کردیم که: «عصایت را بینداز» پس [انداخت و ازدها شد] و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید. (اعراف/۱۱۷)

صاحب تفسیر البرهان حدیث قبل را ذیل این آیه آورده و میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اوصیا علیهم السلام را استنباط نموده است:

البرهان، ج ۲، ص ۵۶۸.

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از

آن خداست آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.» (اعراف/۱۲۸)

مفسران ذیل ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده اند که در آن امام علی علیه السلام خود و اولاد گرامیشان را مصداق وارثان زمین ذکر فرموده است:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳. البرهان، ج ۲، ص ۵۶۹ - ۵۷۱.

۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۶.

۵. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۱۵۵.

۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۳۷.

۷. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۴۵ - ۴۴۶.

۸. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۱۲ - ۳۱۳.

۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۷، ص ۱۶۸.

اما محمد صادقی ذیل ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ یکی از ویژگی های دولت حضرت را بیان نموده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۱، ص ۲۵۷.

﴿فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾؛ سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم، چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند. (اعراف/۱۳۶)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه از «منتقم» به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام یاد می کند:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۳۹.

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن نَرَاكَ وَلَكِن نُنظِرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بی هوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به درگاہت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم.» (اعراف/۱۴۳)

دو تن از مفسران ذیل این آیه به اثبات نقلی امامت ائمه هدی و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۵۸۱-۵۸۴.

۲. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۶۱.

ملا محسن فیض کاشانی نیز کلامی را از حضرت مهدی علیه السلام درباره نبوت حضرت موسی علیه السلام ذیل این آیه نقل کرده است:

تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۳۳.

﴿وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِن هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾؛ و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید، و چون زلزله، آنان را فرو گرفت، گفت: «پروردگارا، اگر می‌خواستی، آنان را و مرا پیش از این هلاک می‌ساختی. آیا ما را به [سزای] آنچه کم‌خردان ما

کرده‌اند هلاک می‌کنی؟ این جز آزمایش تو نیست هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می‌کنی تو سرور مایی پس ما را پیامرز و به ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان.»
(اعراف/۱۵۵)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیه به پیشینه رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۸۷
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۰۴
 ۳. ترجمه المیزان، ج ۸، ص ۳۷۲ و ص ۳۵۱-۳۵۲
- دو تن از مفسران، روایتی از امام مهدی علیه السلام درباره انتصاب امام و پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۱، ص ۳۲۴-۳۲۸.

۲. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۶۹.

برخی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به پیشینه رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۹۸.
۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۸۰.
۳. محاسن التأویل، ج ۵، ص ۲۶۱-۲۶۲.

هُوَ أَكْتُبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز]، زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم.» فرمود: «عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم، و

رحمتهم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم.» همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند. (اعراف/۱۵۷)

برخی از مفسران با نقل حدیثی در تفسیر ﴿فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾ به آثار ظهور اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۵۹۳-۵۹۴.

۳. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۹، ص ۶۱.

بعضی از مفسران نیز ذیل ﴿الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ مصداق آیه را پیامبران و امامان و اوصیا معرفی می‌کنند و در انتها بشارت به ظهور حضرت را استنباط نموده‌اند:

۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۷۱-۴۷۲.

۲. انوار العرفان، ج ۱۵، ص ۱۷۹-۱۸۰.

بعضی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به ظهور یک مهدی در آینده و حوادث آن زمان اشاره کرده‌اند:

۱. روح البیان، ج ۳، ص ۲۵۱-۲۵۳.

۲. فتح البیان، ج ۵، ص ۵۱-۵۲.

۳. المنار، ج ۹، ص ۲۵۴-۲۵۵، ص ۲۶۸ و ص ۲۸۴.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾؛ بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس‌نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید.» (اعراف/۱۵۸)

مفسر نورالثقلین با نقل روایتی از این آیه در زمینه اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام بهره برده است:

نورالثقلین، ج ۲، ص ۸۴

﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾؛ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. (اعراف/۱۵۹)

بیشتر مفسران شیعه با نقل روایتی از امام محمد باقر علیه السلام این آیه را به اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهورشان تطبیق می‌دهند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۳۵.

۲. مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۷۵ و ص ۷۷۳.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۴. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴۴.

۵. البرهان، ج ۲، ص ۵۹۶.

۶. نورالثقلین، ج ۲، ص ۸۵-۸۶.

۷. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۲۱۱.

۸. تفسیر شبر، ص ۱۷۰.

۹. المقتنیات الدرر، ج ۵، ص ۳۷.
۱۰. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۵۱.
۱۱. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۷۵ - ۴۷۶.
۱۲. اثنی عشری، ج ۴، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.
۱۳. روان جاوید، ج ۲، ص ۴۸۴.
۱۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۱، ص ۳۵۶.
۱۵. الجدید، ج ۳، ص ۲۲۴.
۱۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴ - ۵.
۱۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (روحانی)، ج ۷، ص ۲۲۳.

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمْ آثَنَىٰ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾؛ و آنان را به دوازده عشیره که هر یک امتی بودند تقسیم کردیم، و به موسی -وقتی قومش از او آب خواستند- وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن. پس، از آن، دوازده چشمه جوشید. هر گروهی آبشخور خود را بشناخت و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم، و گزندگان و بلدرچین برایشان فرو فرستادیم. از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کرده‌ایم بخورید. و بر ما ستم نکردند، لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. (اعراف/۱۶۰)

برخی از مفسران با اشاره به این که عصای حضرت موسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام خواهد رسید، به میراث داری ایشان از انبیای گذشته اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۱۲.
۲. البرهان، ج ۲، ص ۵۹۷.
۳. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (روجانی)، ج ۷، ص ۲۲۳.

صاحب تفسیر انوار درخشان ذیل این آیه به بیان حدیثی از امام مهدی علیه السلام در پاسخ به علت عدم تعیین امام توسط مردم، پرداخته است:

انوار درخشان، ج ۷، ص ۸۵-۸۷

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾؛ و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم. (اعراف/۱۷۲)

برخی در تفسیر آیه با استناد به روایتی به اخذ پیمان از انبیا بر امامت حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۲، ص ۶۰۷.

۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۹۴ و ص ۹۹.

۳. تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۸۴.

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به

تدریج، از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت. (اعراف/۱۸۱)

مفسران ذیل این آیه روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که حضرت

می‌فرمایند: «إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ قَوْمًا عَلَى الْحَقِّ حَتَّىٰ يَنْزِلَ عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ»:

۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۷۳.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۶۱۹.

۳. فتح القدير، ج ۲، ص ۳۱۰
 ۴. ترجمه الميزان، ج ۸، ص ۴۷۸.
- در برخی از کتب تفسیری اهل سنت نیز همین مطلب، ذیل این آیه دیده می شود:
۱. تاج التراجم، ج ۲، ص ۷۹۴.
 ۲. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۳، ص ۸۰۱
 ۳. الكشف عن حقائق، ج ۲، ص ۱۸۱.
 ۴. الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، ص ۳۲۹.
 ۵. البحر المحيط، ج ۴، ص ۴۲۸.
 ۶. غرائب القرآن، ج ۶، ص ۸۵
 ۷. الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ج ۳، ص ۶۱۷.
 ۸. روح البيان، ج ۳، ص ۲۸۶.
 ۹. محاسن التأويل، ج ۵، ص ۳۰۹.
 ۱۰. الوسيط، ج ۵، ص ۴۴۳.
 ۱۱. المنير في العقيدة و الشريعة، ج ۲۵، ص ۱۷۶.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ از تو در باره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.» [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو: «علم آن، تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (اعراف/۱۸۷)

امام رضا علیه السلام در روایتی از امام علی علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ النَّبِيَّ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ

مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّيهَا لَوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».

برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۲۶۰.

بعضی از مفسران به ذکر مطالبی درباره علم امام پرداخته و به مناسبت، ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ﴾ اموری از قبیل طلوع خورشید از مغرب یا دابة الارض را جزء اشراط الساعة قلمداد کرده‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۸-۴۹.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (روحانی)، ج ۷، ص ۲۶۴.

اما مفسران اهل سنت امور مختلفی از قبیل باور به مهدی نوعی،^۱ ظهور مهدی علیه السلام به عنوان یکی از اشراط الساعة و نیز عدم تعیین وقت ظهور را بیان می‌نمایند:

۱. بحر العلوم، ج ۱، ص ۵۸۷.

۲. تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۲۱.

۴. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۳۵.

۵. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۵، ص ۱۵۰.

برخی از مفسران اهل سنت نیز در تفسیر خود، ذیل این آیه به نقد و انکار بعضی از

۱. مقصود از مهدی نوعی، آن است که فردی نامعین که در زمانی مناسب زاده خواهد شد و قیام کرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و آن مفهومی کلی است. در مقابل مقصود از مهدی شخصی آن است که حضرتش فردی معین، زنده، موجود و شناخته شده از نظر تبار و خاندان. (خدایمیراد سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۳۸۸-۳۸۹).

۱۶۶ • معجم مهدویت در تفاسیر

روایات مهدویت پرداخته‌اند:

۱. المنار، ج ۹، ص ۴۶۳-۵۰۷.

۲. تفسیر مراغی، ج ۳، ص ۱۳۲-۱۳۴.

سوره انفال

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ [ای پیامبر،] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند. بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (انفال/۱)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مناسبت بحث انفال به وضعیت احکام شرعی در دوران غیبت کبری پرداخته اند:

۱. تفسیر گازر، ج ۳، ص ۳۱۲.
۲. روان جاوید، ج ۲، ص ۵۱۰.
۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۳ - ۷۴.

﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونَ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾؛ و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارتی قریش یا سپاه ابو سفیان] را به شما وعده داد که از آن شما باشد، و شما دوست داشتید که دسته بی سلاح برای شما باشد، و [لی] خدای خواست حق [اسلام] را با کلمات خود ثابت، و کافران را ریشه کن کند. تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هرچند بزهکاران خوش نداشته باشند. (انفال/۸)

گروهی از مفسران با نقل روایتی از امام باقر علیه السلام این آیه را در زمینه احقاق حق و انهدام باطل از سوی امام مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۵۴-۵۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۳. البرهان، ج ۲، ص ۶۵۹.

۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۳۶.

۵. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۲۸۱.

اما مفسر الفرقان ذیل این آیه به امدادهای غیبی در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۲، ص ۱۴۳-۱۴۴.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یک‌سره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (انفال/۳۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَمْ يَجِيءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَد قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَ سَيْرِي مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَيُبَلِّغُنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شَرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ».

مفسرانی که این روایت را نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۶۵ و ص ۶۱-۶۲.

۲. مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۳۴.

۳. جوامع الجامع، ج ۲، ص ۲۱.

۴. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۵. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۶. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۰۳.
۷. البرهان، ج ۲، ص ۶۸۵.
۸. نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۵۴.
۹. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۳۴۲.
۱۰. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۲۴.
۱۱. تفسیر صفی، ص ۲۸۲.
۱۲. المقتنیات الدرر، ج ۵، ص ۹۱.
۱۳. القرآن و العقل، ج ۲، ص ۱۵۶.
۱۴. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۵۴.
۱۵. تفسیر عاملی، ج ۴، ص ۳۲۳.
۱۶. احسن الحدیث، ج ۴، ص ۱۳۲.
۱۷. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۱۴.
۱۸. تفسیر آسان، ج ۶، ص ۱۱۵.
۱۹. روان جاوید، ج ۲، ص ۵۳۴.
۲۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۲، ص ۲۱۱-۲۱۳.
۲۱. تفسیر روشن، ج ۹، ص ۳۴۶.
۲۲. الجدید، ج ۳، ص ۲۸۱.
۲۳. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۶۶-۱۶۷.
۲۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۲۵. تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۹۰-۴۹۱.

چهار تن از مفسران اهل سنت نیز تحقق این آیه را موکول به زمان مهدی علیه السلام

نموده‌اند:

۱. روح المعانی، ج ۹، ص ۲۰۷.

۲. تیسیر التفسیر، ج ۴، ص ۳۶۳.

۳. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۴۷۱.

۴. الاساس فی التفسیر، ج ۴، ص ۲۱۶۴.

مفسران المنار نیز ذیل این آیه به بیان یک تفکر انحرافی درباره مهدویت پرداخته‌اند:

المنار، ج ۹، ص ۶۶۶.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَلْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] - روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند - نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خدا بر هر چیزی تواناست. (انفال/۴۱)

به مناسبت بحث خمس، تفاسیر زیر وضعیت احکام شرعی در دوران غیبت را تشریح نموده‌اند:

۱. اثنی عشری، ج ۴، ص ۳۴۴.

۲. حجة التفاسیر، ج ۳، ص ۴۳.

۳. احسن الحدیث، ج ۴، ص ۱۳۴.

۴. روان جاوید، ج ۲، ص ۵۳۵ - ۵۳۶.

۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

از مفسران اهل سنت نیز طنطاوی به موضوع فوق اشاره می‌نماید:

الوسیط، ج ۶، ص ۱۰۴.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾؛ و زنهار كسانى كه كافر شده‌اند گمان
نکنند كه پيشى جسته‌اند، زيرا آنان نمى‌توانند [ما را] در مانده كنند. (انفال/۵۹)

مفسر اطيب البيان فى تفسير القرآن ذيل ﴿لَا يُعْجِزُونَ﴾ به بيان وضعيت شيعيان در
دوره غيبت كبرى پرداخته است:

اطيب البيان فى تفسير القرآن، ج ۶، ص ۱۵۰.

سوره توبه

﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛ و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده. (توبه/۳)

امام در تفسیر ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ﴾ می فرمایند: «خروج القائم و اذان دعوته الی نفسه».

مفسرانی که این روایت را نقل کرده اند عبارتند از:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۸۲
 ۲. البرهان، ج ۲، ص ۷۳۲ و ص ۷۳۶.
 ۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۴.
 ۴. کترالدقائق، ج ۵، ص ۴۰۱.
 ۵. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۲۴۵ و ص ۲۳۸ - ۲۳۹.
- سید ابراهیم بروجردی ذیل این آیه به وضعیت مردم در آستانه ظهور می پردازد:
- تفسیر جامع، ج ۳، ص ۸۲ - ۸۳

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾؛ و یهود گفتند: «عزیر، پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح، پسر خداست.» این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می شوند؟ (توبه/۳۰)

دو تن از مفسران نیز ذیل این آیه به آثار ظهور پرداخته‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۹۲.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۶۷۶.

صاحب تفسیر کنزالدقائق به مناسبت بحث عزیر به عنوان نمونه‌ای از زنده شدن پس از مرگ در گذشته اشاره نموده است:

کنزالدقائق، ج ۵، ص ۴۳۴.

اما مفسران اهل سنت با بیان داستان عزیر نوشته کنزالدقائق را تایید کرده‌اند:

۱. روح البیان، ج ۳، ص ۴۱۴.

۲. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۱۱، ص ۳۷.

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛

می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. (توبه/۳۲)

مفسران با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام به تلاش فرعون برای از بین بردن حضرت موسی علیه السلام، و سعی بنی امیه و بنی عباس برای از بین بردن نسل اهل بیت علیهم السلام اشاره، نموده و شباهت حضرت مهدی علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام را در ولادت بیان کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۰.
 ۳. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۴۴۴.
 ۴. اثنی عشری، ج ۵، ص ۶۸-۶۹.
 ۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۴۴.
- برخی دیگر از مفسران با نقل روایتی از امام کاظم علیه السلام حاکمیت دین حق بر تمام ادیان در وقت قیام حضرت مهدی علیه السلام را مطرح نموده‌اند.
۱. اثنی عشری، ج ۵، ص ۶۸-۶۹.
 ۲. روان جاوید، ج ۲، ص ۵۷۵.
 ۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۴۴.
- «رشید رضا» ذیل این آیه به نقد و انکار تفکر شیعه و بعضی از علمای اهل سنت در مورد مهدویت پرداخته است:
- المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۴

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. (توبه/۳۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «و الله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم. فاذا خرج القائم علیه السلام لن يبق كافر بالله العظيم و لا شرك بالامام الا كره خروجه حتى لو كان كافر او مشرك في بطن صخرة، قالت: يا مؤمن في بطني كافر فاكسرنى واقتله...».

اکثر مفسران با نقل این روایت یا روایات مشابه، تحقق این آیه را موکول به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۹۳.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸۹.
۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹.
۴. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.
۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۹، ص ۲۲۶.
۶. تفسیر گازر، ج ۴، ص ۶۰.
۷. مواهب علیہ، ج ۲، ص ۵۷.
۸. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۲۵۰ - ۲۵۱.
۹. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۰. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ - ۳۳۹.
۱۱. البرهان، ج ۲، ص ۷۷۰.
۱۲. نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱.
۱۳. کتر الدقائق، ج ۵، ص ۴۴۶.
۱۴. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۷۰.
۱۵. تفسیر شبر، ص ۱۹۲.
۱۶. المقتنیات الدرر، ج ۵، ص ۱۳۲.
۱۷. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۱۲۳.
۱۸. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۱۱.
۱۹. اثنی عشری، ج ۵، ص ۷۱ - ۷۳.
۲۰. تفسیر عاملی، ج ۴، ص ۳۸۴.
۲۱. احسن الحدیث، ج ۴، ص ۲۲۴.
۲۲. تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.
۲۳. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۳۶ - ۳۷.
۲۴. تفسیر آسان، ج ۶، ص ۲۵۳ - ۲۵۶.

۲۵. کاشف، ج ۵، ص ۳۳۳-۳۳۴ و ص ۳۲۸.
۲۶. روان جاوید، ج ۲، ص ۵۷۶.
۲۷. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۵-۴۹.
۲۸. الجدید، ج ۳، ص ۳۳۲.
۲۹. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۳-۳۸۹.
۳۰. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۱۱.
۳۱. تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۹۰.
۳۲. تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۲.
۳۳. پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۲۱ الی آخر کتاب.
۳۴. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶، ص ۲۴.
- مفسران اهل سنت نیز از این آیه غلبه و حاکمیت اسلام بر سایر ادیان را استدلال کرده‌اند اما زمان تحقق آن را در زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام دانسته‌اند:
۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۸.
 ۲. النکت والعیون، ج ۲، ص ۳۵۵.
 ۳. معالم التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۱.
 ۴. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۲۰.
 ۵. زاد المسیر، ج ۲، ص ۲۵۴.
 ۶. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۴۲.
 ۷. الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱-۱۲۲.
 ۸. مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۴.
 ۹. تفسیر خازن، ج ۲، ص ۳۵۳-۳۵۴.
 ۱۰. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۲، ص ۷۵.
 ۱۱. البحر المحیط، ج ۵، ص ۳۴.

۱۲. غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۲-۷۳.

۱۳. الدر المتثور، ج ۴، ص ۱۷۶.

۱۴. السراج المنير، ج ۱، ص ۶۰۶.

۱۵. روح البيان، ج ۳، ص ۴۱۶.

۱۶. الفتوحات الالهيه، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۱۷. المظهری، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۱۸. فتح البيان، ج ۵، ص ۲۸۹.

۱۹. تيسير التفسير، ج ۴، ص ۵۰۲-۵۰۳.

۲۰. محاسن التأويل، ج ۵، ص ۱۸۹ و ص ۱۹۱.

۲۱. الاكليل على مدارك التنزيل، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲۲. التيسير في احاديث التفسير، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲۳. تفسير القرآن الحكيم، ج ۱۰، ص ۴۰.

۲۴. زهرة التفاسير، ج ۴۲، ص ۳۲۸۷-۳۲۸۸.

۲۵. تفسير القرآن الكريم، ج ۵، ص ۳۴۹.

برخی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به نقد و انکار بحث مهدویت اشاره کرده‌اند:

۱. المنار، ج ۱۰، ص ۳۸۹-۳۹۴.

۲. الاساس في التفسير، ج ۴، ص ۲۲۷۵-۲۲۷۶.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروامی خورند، و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن

را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. (توبه/۳۴)

به مناسبت طرح موضوع «کنز» در این آیه برخی از مفسران روایتی از امام صادق علیه السلام نقل نموده‌اند که حضرت می‌فرمایند: «موسع علی شيعتنا ان ينفقوا مما في ايديهم بالمعروف فاذا قام قائمنا حرم على كل ذي كنز كنزه حتى ياتيه به فيستعين به على عدوه وهو قول الله عزوجل والذين يكنزون الذهب والفضة...».

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۹۳.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۴۱.
۳. البرهان، ج ۲، ص ۷۷۱.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۳.
۵. کنزالدقائق، ج ۵، ص ۴۴۸.
۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۱۲۴.
۷. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۱۲.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۵۲.
۹. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۹۵.
۱۰. تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۹۳.
۱۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۴.

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾؛ در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است. این است آیین استوار، پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید، و همگی با مشرکان بجنگید، چنان‌که آنان همگی با شما می‌جنگند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران

است. (توبه/۳۶)

مفسران روایتی مفصل از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده‌اند و در ضمن آن، این آیه را در زمینه اثبات امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام تأویل نموده‌اند:

۱. دوض الجنان و روح الجنان، ج ۹، ص ۲۴۰.
۲. تفسیر گازر، ج ۴، ص ۶۸-۶۹.
۳. البرهان، ج ۲، ص ۷۷۲.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۴.
۵. کترالدقائق، ج ۵، ص ۴۵۲-۴۵۵.
۶. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۱۴-۱۱۸.
۷. تفسیر آسان، ج ۶، ص ۲۷۱.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۶۹.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خداوند او را یاری کرد؛ هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود، آن‌گاه که در غار ثور بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت اندوه مدار که خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌یانی که آنها را نمی‌دیدند تأیید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است. (توبه/۴۰)

بعضی از مفسران ذیل این آیه روایتی از پاسخ حضرت مهدی علیه السلام به سؤال سعد بن عبدالله قمی، مبنی بر فضیلت خلیفه اول به خاطر همراهی ایشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غار را نقل نموده‌اند.

۱. تفسیر آسان، ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۷۶.

صاحب تفسیر بیان السعاده نیز ذیل این آیه به مطالبی درباره ظهور اشاره کرده است:

بیان السعاده، ج ۲، ص ۲۵۷.

﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾؛ بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم.» (توبه/۵۲)

بعضی از مفسران شیعه با استناد به مضمون روایتی از امام باقر علیه السلام ﴿إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ﴾ را به فضیلت انتظار و منزلت منتظران تفسیر نموده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۷۹۲.

۳. نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۲۵.

۴. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۳۱.

۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۱، ص ۳۹۲.

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد.

[این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است. (توبه/۶۰)

سه تن از مفسران، به مناسبت بحث «صدق» به وضعیت احکام شرعی در دوره غیبت کبری اشاره کرده‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۹، ص ۲۲۶.
۲. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.
۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۳، ص ۱۸۷.

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است. (توبه/۱۱۱)

امام باقر علیه السلام ذیل این آیه به وقوع رجعت مؤمنین در آینده اشاره نموده و برخی از مفسران همین مضمون را نقل کرده‌اند:

۱. البرهانه، ج ۲، ص ۸۵۶ - ۸۵۷.
۲. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید. (توبه/۱۱۹)

سید عبدالله شبر ذیل ﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ با نقل روایتی از امام محمد باقر علیه السلام به ضرورت وجود امام در هر عصر و زمانی اشاره کرده است:

الجواهر الثمین، ج ۳، ص ۱۲۶

سوره یونس

﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾؛ و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد. (یونس/۱۹)

مفسر روح البیان ذیل این آیه به مطالبی راجع به نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره کرده است:

روح البیان، ج ۴، ص ۲۷.

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ * وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ * هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَينَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾؛ و می‌گویند: «چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟» بگو: «غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.» و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده است، رحمتی بچشانیم، بناگاه آنان را در آیات ما نیرنگی است. بگو:

«نیرنگ خدا سریع تر است.» در حقیقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند. او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند، تا وقتی که در کشتی‌ها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که: «اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاس‌گزاران خواهیم شد.» (یونس/۲۲)

برخی از مفسران به مناسبت ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ به فضیلت انتظار اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. روان جاوید، ج ۳، ص ۱۲.

۴. تفسیر روشن، ج ۱۰، ص ۳۵۸.

۵. تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۴۱۰.

دو تن از مفسران نیز علاوه بر موضوع قبلی، «غیبت» را به عنوان یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام بر شمرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۲۱.

۲. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ در حقیقت، مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فروریختیم، پس گیاه زمین - از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند - با آن درآمیخت، تا آن گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان

درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم. (یونس/۲۴)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مباحثی در زمینه ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۴۷.

۳. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۲.

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾؛ بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حق رهبری می‌کند» پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آن که هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ (یونس/۳۵)

دو تن از مفسران ذیل این آیه به ندای آسمانی^۱ به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۲۹.

۲. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۱۰.

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾؛ بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران را] تکذیب کردند. پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است. (یونس/۳۹)

۱. صدایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان شنیده می‌شود. در روایات تعبیرهای «ندا»، «صیحه» و «صوت» بیانگر این نشانه ظهور است. (محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳ و ۲۵۷).

مفسران ذیل این آیه به امکان رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۳۶۳.
۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۳.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۳۱.
۵. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۰۴.
۶. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۶۰.
۷. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۱۵۹.
۸. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۱۳.
۹. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۱.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۹۸.
۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۸۷-۳۸۸.

﴿وَأَمَّا نُرْيِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفِّيكَ فَأَلَيْنَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ﴾؛ و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم [در هر دو صورت] بازگشتشان به سوی ماست. سپس خدا بر آنچه می‌کنند گواه است. (یونس/۴۶)

مفسران ذیل این آیه به بیان کلیاتی در زمینه ظهور و رجعت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۴.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۳۶۷.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۳۲.
۵. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۱۶۲.
۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۹۵-۳۹۶.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتاً أَوْ نَهَاراً ماذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ﴾ * أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ
 آمَنْتُمْ بِهِ الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ؛ بگو: «به من خبر دهید، اگر عذاب او شب یا روز به
 شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می‌خواهند؟» سپس، آیا هنگامی که [عذاب بر
 شما] واقع شد، اکنون به آن ایمان آوردید، در حالی که به [آمدن] آن شتاب می‌نمودید؟
 (یونس/۵۱)

برخی از مفسران ذیل این آیات با ذکر روایت به مطالبی در خصوص رجعت
 اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۳.

﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ
 وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛ و اگر، برای هر کسی که ستم کرده است، آنچه در زمین
 است می‌بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخرید خود می‌داد. و چون عذاب را ببینند پشیمانی
 خود را پنهان دارند، و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود. (یونس/۵۴)
 «رجعت» از موضوعاتی است که برخی از مفسران ذیل آیه فوق به آن پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۶.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۳۷۱.

۴. البرهان، ج ۳، ص ۳۴.

۵. کنز الدقائق، ج ۶، ص ۶۶.

۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۱۶۷.

۷. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۶.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند. در زندگی دنیا و در آخرت مزده برای آنان است. وعده‌های خدا را تبدیلی نیست این همان کامیابی بزرگ است. (یونس/۶۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «طوبی لشیعۀ قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ، المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء اللہ الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون».

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ می‌فرماید: «يُبَشِّرُ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَبظهوره وبقتل أعدائهم وبالنجاة في الآخرة والورود على محمد وآله الصادقين على الحوض». برخی از مفسران هر دو روایت یا یکی از آنها را ذیل آیات فوق نقل نموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۷.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۰۹.

۳. البرهان، ج ۲، ص ۵۹۳-۵۹۴.

۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۰۹.

۵. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۷۳ و ص ۷۴.

۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۱۷۱.

۷. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۸. روان جاوید، ج ۳، ص ۳۱.

۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۱۲۵.

سید عبدالحسین طیب نیز ذیل ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ایمان به وجود امام مهدی علیه السلام را بیان

کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۱۷-۴۱۸.
 اما صاحب تفسیر المنار ذیل این آیات، به نقد بعضی از مباحث مهدویت پرداخته
 است:

المنار، ج ۱۱، ص ۴۳۴-۴۳۶.

﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
 الْمُنْتَظِرِينَ﴾؛ پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند، انتظار می‌برند؟
 بگو: «انتظار برید که من [نیز] با شما از منتظرانم.» (یونس/۱۰۲)

مفسران به مناسبت ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ با نقل روایتی از امام
 رضا علیه السلام نقش و فضیلت انتظار در زندگی شیعیان را تبیین نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۲۸.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۶۸.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۳۳.
۵. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۱۱۴.
۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۱۹۱.
۷. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۲۱۰.
۸. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۴۵.
۹. روان جاوید، ج ۳، ص ۵۳-۵۴.
۱۰. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۶۶.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ سپس فرستادگان خود و
 کسانی را که گرویدند می‌رهانیم، زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم. (یونس/۱۰۳)

ابراهیم بروجردی ذیل این آیه به نقش انتظار در زندگی شیعیان اشاره کرده است:
تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۴۵.

صاحب تفسیر روح البیان نیز به ذکر مفاهیمی در زمینه انتظار پرداخته است:
روح البیان، ج ۴، ص ۸۶

سوره هود

﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾؛ و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا این که] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (هود/۳)

برخی از مفسران ذیل ﴿عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾ به «دخان» به عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۷۸.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

﴿وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيْقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَخَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾؛ و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: «چه چیز آن را باز می‌دارد؟» آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست، و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. (هود/۸)

امام علی علیه السلام در تفسیر ﴿أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ می‌فرمایند: «أصحاب القائم الثلاث مائة»

والبضعة عشر» برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.
۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۱۸.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۴۱۴.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۴۱.
۵. تفسیر شبر، ص ۲۲۲.
۶. اثنی عشری، ج ۶، ص ۲۷.
۷. ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۲۶۷ و ص ۲۳۰.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۲۱۷ - ۲۱۹.
۹. الجدید، ج ۳، ص ۴۶۸.
۱۰. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۲ - ۳۳.
۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۴.

گروهی از مفسران علاوه بر موضوع فوق، به مناسبت «یَسْتَهْزِئُونَ» به این نکته پرداخته‌اند که برخی از مردم، ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اجرای عذاب الهی به دست وی را به استهزا می‌گیرند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.
۲. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۴۰۴.
۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۸۲.
۵. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۱۳۳.
۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۲۰۰.
۷. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.
۸. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۵۵ - ۲۵۶.

۹. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۲۳۰.

۱۰. کاشف، ج ۷، ص ۷۶-۷۸.

۱۱. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۲.

بعضی از مفسران نیز ذیل ﴿أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ﴾ به طور عام به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر صفی، ص ۳۳۵.

۲. تفسیر آسان، ج ۷، ص ۲۳۶.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ﴾؛ شک نیست که آنان در آخرت زیان‌کارترند.
(هود/۲۲)

یکی از مفسران ذیل این آیه به سیره حضرت مهدی علیه السلام در زمان حکومت جهانی اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۱-۳۲.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةٌ مِّن عِنْدِهِ فَفَعُمِيتُ عَلَيْكُمْ أَنزَلِمُكُمْ مَّا هِيَ وَآتَيْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ﴾؛ گفت: «ای قوم من، به من بگویید، اگر از طرف پروردگارم حاجتی روشن داشته باشم، و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده است، آیا ما [باید] شما را در حالی که بدان اکراه دارید، به آن وادار کنیم؟» (هود/۲۸)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به معمرین اشاره کرده و امکان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام تا زمان حاضر را استنباط است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۹.

﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ

تَزِدْرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنْ لَمْ يَأْمُرْ بِالظَّالِمِينَ؛ و به شما نمی گویم که گنجینه های خدا پیش من است، و غیب نمی دانم، و نمی گویم که من فرشته ام، و در باره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می نگرد، نمی گویم خدا هرگز خیرشان نمی دهد. خدا به آنچه در دل آنان است آگاهتر است. [اگر جز این بگویم] من در آن صورت از ستم کاران خواهم بود. (هود/۳۱)

سید عبدالحسین طیب در تفسیر خود غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق «غیب» مذکور در آیه قلمداد نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۲ - ۴۳.

﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ أَرْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾؛ و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه آسا می بُرد، و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد: «ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش.» (هود/۴۲)

برخی از مفسران با نقل حدیثی، به امدادهای غیبی در زمان ظهور اشاره نموده اند:

۱. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۱۶۵.

علامه طباطبائی نیز به مناسبت ذکر نام حضرت نوح علیه السلام در این آیه، طول عمر ایشان و امکان عمر طولانی را بیان می دارد:

ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۴۱۳.

﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ﴾؛ پس آن [ماده شتر] را پی کردند، و [صالح] گفت: «سه روز در خانه هایتان برخوردار شوید. این وعده ای بی دروغ است.» (هود/۶۵)

محمد جواد نجفی در تفسیر خود ذیل این آیه به فلسفه برخورد امام مهدی علیه السلام با

فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام در ایام ظهور پرداخته است:
تفسیر آسان، ج ۷، ص ۳۲۳ - ۳۲۴.

﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾؛ گفتند: «آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد. بی‌گمان، او ستوده‌ای بزرگوار است.» پس وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مزده [فرزنددار شدن] به او رسید، درباره قوم لوط با ما [به قصد شفاعت] چون و چرا می‌کرد. (هود/۷۳)

برخی از مفسران ذیل این آیه به تبیین وظایف شیعیان در دوره غیبت کبری پرداخته‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۰.
۲. اثنی عشری، ج ۶، ص ۱۰۵.
۳. ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۵۰۵.

﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾؛ [لوط] گفت: «کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم.» (هود/۸۰)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: منظور از ﴿قُوَّةٌ﴾ قائم است و رکن شدید ۳۱۳ نفر یارانش. این حدیث را گروهی از مفسران ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۴۶۴ - ۴۶۵.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۱۲۳ و ص ۱۲۷.
۵. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۸۷.
۶. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۷. تفسیر آسان، ج ۷، ص ۳۴۲.

۸. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۸۵.

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾؛ اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم. (هود/۸۶)

امام باقر علیه السلام در روایتی چنین می فرماید: «أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ الْقَائِمُ عليه السلام حِينَ خَرَجَ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾.

گروهی از مفسران با نقل این روایت به ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ﴾ به عنوان یکی از ویژگی های خاص امام مهدی علیه السلام اشاره نموده اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۱۱۹ و ص ۱۰۶.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۴۶۹ - ۴۷۰.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۹۰.

۵. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۲۲۴ و ص ۲۲۶.

۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۲۴۰.

۷. تفحات الرحمن، ج ۲، ص ۲۴۵.

۸. اثنی عشری، ج ۶، ص ۱۲۱.

۹. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۲۹۹.

۱۰. تفسیر آسان، ج ۷، ص ۳۶۳ - ۳۶۴ و ج ۸، ص ۳۸.

۱۱. کاشف، ج ۷، ص ۲۹۵.

۱۲. روان جاوید، ج ۳، ص ۱۰۵.

۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۳۶۷ - ۳۷۰.

۱۴. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴ - ۲۰۵.

۱۵. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۵۹.

۱۶. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۹.

﴿وَيَا قَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾؛ وای قوم من، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید، من [نیز] عمل می‌کنم. به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغ‌گو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم. (هود/۹۳)

امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «أَحْسَنُ الصَّبْرِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ ﴿وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾. گروهی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده و فضیلت انتظار را نتیجه گرفته‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۱۶۸.
۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۷۰.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۱۳۰.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۳.
۵. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۲۳۳.
۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۲۴۷.
۷. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴.
۸. اثنی عشری، ج ۶، ص ۱۳۰.
۹. تفسیر عاملی، ج ۵، ص ۱۲۸.
۱۰. احسن الحدیث، ج ۵، ص ۴۶.
۱۱. تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۶۳.
۱۲. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۳۰۶.
۱۳. روان جاوید، ج ۳، ص ۱۰۵.

۱۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۳۷۸ - ۳۷۹.

۱۵. الجدید، ج ۳، ص ۵۱۳.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾؛ و به حقیقت، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد، و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود، قطعاً میان آنها داوری شده بود، و بی‌گمان، آنان درباره آن در شکی بهتان آمیزند. (هود/۱۱۰)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «اختلفوا كما اختلف هذه الامة وسيختلفون في الكتاب الذي مع القائم الذي يأتيهم به حتى ينكره ناس منهم فيقدمهم ويضرب اعناقهم». مفسرانی که ذیل آیه فوق، این روایت را نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۴۸۱.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۰۰.

۴. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۲۴۹.

۵. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۲۵۰.

۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۱۱۲.

۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۴، ص ۴۰۸.

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَأَتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾؛ پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند، و آنان بزهکار بودند. (هود/۱۱۶)

در تفاسیر نمونه و آسان به مناسبت ﴿أُولُو بَقِيَّةٍ﴾ فلسفه نام گذاری «بقیت الله» به عنوان یکی از ویژگی های خاص امام مهدی علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. تفسیر آسان، ج ۸، ص ۳۷-۳۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۷۷.

سوره يوسف

﴿وَجَاءَ إِخْوَتُهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾؛ و برادران يوسف آمدند و بر او وارد شدند. [او] آنان را شناخت ولی آنان او را نشناختند. (یوسف/۵۸)
یکی از مفسران ذیل این آیه به مفهوم غیبت پرداخته است:
اثنی عشری، ج ۶، ص ۲۴۶ - ۲۴۷.

﴿قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَسْتَقِي وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ گفتند: «آیا تو خود، یوسفی؟» گفت: «[آری،] من یوسفم و این برادر من است. به راستی خدا بر ما منت نهاده است. بی گمان، هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.» (یوسف/۹۰)

امام صادق علیه السلام در روایتی به بیان شباهت امام مهدی علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام پرداخته، و برخی از مفسران این روایت را ذیل آیه فوق آورده اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۲۰۴.
۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۵۹.
۳. اثنی عشری، ج ۶، ص ۲۸۶.
۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۱۵، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.
۵. تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۱۵.

﴿إِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾؛ این پیراهن مرا بپسند و آن را بر چهره پدرم بیفکنید [تا] بینا شود، و همه کسان خود را نزد من آورید. (یوسف/۹۳)

مفسران شیعه با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام به میراث‌داری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اولیا اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۵۵۶-۵۵۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۵.
۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۶۳-۴۶۴.
۴. کنزالدقائق، ج ۶، ص ۳۷۷.
۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۱۹۶-۱۹۷.
۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۶۷.

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾؛ بگو: «این است راه من، که من و هر کس (پیروی‌ام) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.» (یوسف/۱۰۸)

صاحب تفسیر الفرقان ذیل این آیه به اثبات امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۲۲۷-۲۲۸.

سوره رعد

﴿الْقُرْآنُ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ الف، لام، میم، راء. این است آیات کتاب، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است، ولی بیشتر مردم نمی‌گروند. (رعد/۱)

برخی از مفسران با نقل روایتی ذیل «المر» دوره آغاز بعثت تا پایان امامت را محاسبه نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۲۲۳ - ۲۲۴.
۲. نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۸۰.
۳. کنز الدقائق، ج ۶، ص ۴۰۶.
۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.
۵. تفسیر روشن، ج ۱۲، ص ۱۲۳.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾؛ و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر،] تو فقط هشداردهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است. (رعد/۷)

گروهی از مفسران ذیل این آیه به مناسبت ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ به اثبات امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۹.
 ۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۳.
 ۳. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۱، ص ۱۸۶.
 ۴. تفسیر گازر، ج ۵، ص ۶۰.
 ۵. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۵۹.
 ۶. البرهان، ج ۳، ص ۲۲۶.
 ۷. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۸۶.
 ۸. اثنی عشری، ج ۶، ص ۳۴۱.
 ۹. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰.
 ۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۲۶۷-۲۶۵.
 ۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۱۰.
- یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به نسب امام مهدی علیه السلام و ظهور و اتفاقات آن زمان پرداخته‌اند:

روح البیان، ج ۴، ص ۳۴۶.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند. (رعد/۲۹)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «طُوبَىٰ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا». برخی از مفسران با نقل این روایت، ارزش ایمان در دوره غیبت را استنباط کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۷۰.
۲. البرهان، ج ۳، ص ۲۵۴.
۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۰۴ و ص ۲۵۹.
۴. کنز الدقائق، ج ۶، ص ۴۵۱.

۵. اثنی عشری، ج ۶، ص ۳۸۳.

۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۰۶.

﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلُّمٌ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لَلِلهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَوْ يَشَاءُ اللهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللهِ إِنَّ اللهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾؛ و اگر قرآنی بود که کوهها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی آمدند [باز هم در آنان اثر نمی کرد.] نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعاً تمام مردم را به راه می آورد؟ و کسانی که کافر شده اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده اند مصیبت کوبنده ای به آنان می رسد یا نزدیک خانه هایشان فرود می آید، تا وعده خدا فرارسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی کند. (رعد/۳۱)

یکی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی در زمینه رجعت اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۴۰.

﴿يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾؛ خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات

می کند، و اصل کتاب نزد اوست. (رعد/۳۹)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی راجع به ظهور پرداخته اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۴۹.

﴿وَإِنْ مَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾؛ و

اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم، جز این نیست که بر

تو رساندن [پیام] است و بر ما حساب [آنان]. (رعد/۴۰)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن این آیه را در خصوص برخورد امام مهدی علیه السلام با مخالفین در حکومت جهانی تفسیر نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۵۰.

سوره ابراهیم

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾؛ و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایی سپاس‌گزاری عبرت‌هاست.
(ابراهیم/۵)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است، «أَيَّامُ اللَّهِ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ». بسیاری از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۲۰.
۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۸۰.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۲۸۶.
۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶.
۵. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۲۹.
۶. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.
۷. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۳۳۹.
۸. اثنی عشری، ج ۷، ص ۱۷.

۹. احسن الحدیث، ج ۵، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.
 ۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۲۴.
 ۱۱. تفسیر آسان، ج ۱، ص ۳۲۲.
 ۱۲. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۲۰.
 ۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۱۷.
 ۱۴. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۵.
 ۱۵. تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۲۳.
 ۱۶. تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۱.
 ۱۷. انوار درخشان، ج ۹، ص ۲۵۸.
- در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ الْقِيَامَةِ، يَوْمُ الْمَوْتِ، وَ يَوْمُ الْقَائِمِ علیه السلام» برخی از مفسران این روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۲۱.

۳. الجدید، ج ۴، ص ۱۴۰.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ * وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِي﴾ و کسانی که کافر شدند به پیامبرانشان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد، مگر این که به کیش ما بازگردید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد. و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد.

(ابراهیم/۱۴)

مفسر الفرقان ذیل این آیات به آثار حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۴۳.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلِ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾؛ و خدا را از آنچه ستم‌کاران می‌کنند غافل مپندار. جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تأخیر می‌اندازد که چشم‌ها در آن خیره می‌شود. (ابراهیم/۴۲)

سید عبدالحسین طیب ذیل این آیه اشاعه ظلم و فساد را، به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور، برمی‌شمرد:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۰۰.

﴿وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُبِئْ دَعْوَتِكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُلَ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ﴾؛ و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان. پس آنان که ستم کرده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم.» [به آنان گفته می‌شود: «مگر شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که شما را فنا می‌نماید؟ (ابراهیم/۴۴)»]

صاحب تفسیر الفرقان ذیل این آیه دو احتمال در ﴿يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ﴾ ذکر نموده است: ۱. روز رجعت ۲. روز قیام قائم آل محمد علیهم السلام.

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۹۷ - ۹۸.

اما مفسران تفسیر البرهان و عیاشی با نقل روایتی از امام باقر علیه السلام با استناد به ﴿أَخْرِنا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾ اطاعت از امام حسین علیه السلام و جنگیدن به همراه ایشان را تا زمان قیام قائم به تأخیر انداخته است:

۱. العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۱۷.

﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ
الْأَمْثَالَ﴾؛ و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید، و برای شما آشکار
گردید که با آنان چگونه معامله کردیم، و مثلها برای شما زدیم. (ابراهیم/۴۵)
برخی از مفسران با نقل روایتی در ذیل این آیه، به سیره و اقدامات حضرت
مهدی علیه السلام در حکومت جهانی پرداخته‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۱۷.

۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۵۳.

۴. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۸۶.

﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾؛ و به یقین
آنان نیرنگ خود را به کار بردند، و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای
کنده می‌شد. (ابراهیم/۴۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ می‌فرمایند: «وإن مكر
بني العباس بالقائم لتزول منه قلوب الرجال» برخی از مفسران این حدیث را ذیل آیه
فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۴۸.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۱۸.

۳. الجوهر الثمین، ج ۳، ص ۳۶۸.

۴. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۴۶.

سوره حجر

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ﴾؛ و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر این که برای آن اجلی معین بود. (حجر/۴)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به مطالبی در زمینه ظهور و رجعت اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛ بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. (حجر/۹)

برخی از مفسران ذیل ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ به میراث داری حضرت مهدی علیه السلام از ائمه در حفظ قرآن کریم، اشاره کرده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۵۸.

۲. تفسیر شبر، تک جلدی، ص ۲۶۲.

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾؛ تا روز [و] وقت معلوم. (حجر/۳۸)

مفسران با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام در ابتدا ﴿يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ را روز ظهور حضرت دانسته و سپس به بیان اتفاقاتی که در آن روز می افتد می پردازد که در آن روز

شیطان به شکل خاصی در بیت المقدس کشته خواهد شد.

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۷۱.

۳. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳-۱۴.

۴. القرآن و العقل، ج ۳، ص ۱۰۱.

۵. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۷۰.

۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۵۳.

۷. الجدید، ج ۴، ص ۱۸۳.

بعضی از مفسران با نقل روایتی، علاوه بر موضوع فوق، ﴿يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ را

به «یوم الرجعة» تطبیق داده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۶۵.

۳. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۱۲۹.

۴. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۱۸۲-۱۸۵.

۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷.

یکی از مفسران اهل سنت این آیه ﴿يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ را به روز نزول حضرت

عیسی علیه السلام و خروج دابّه و کشته شدن شیطان تفسیر نموده‌اند:

روح البیان، ج ۴، ص ۴۴۵-۴۴۶.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ * وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾؛ به یقین، در این [کیفر]

برای هوشیاران عبرت‌هاست. و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سر راهی [دایر] برجاست.

(حجر/۷۶)

گروهی از مفسران ذیل این آیات با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام به یکی از ویژگی‌های خاص امام مهدی علیه السلام که مشترک است بین ایشان و حضرت داود نسبت به چگونگی حکم نمودنشان بین مردم؛ پرداختند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۸۳.
۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۱۸.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۳۸۰.
۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۴ - ۲۵.
۵. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.
۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۶۱.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۲۲۵.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾؛ و به راستی، به تو سبع المثنی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم. (حجر/۸۷)

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق آمده است: «ان ظاهرها الحمد وباطنها ولد الوالد السابع منها القائم» برخی از مفسران همین روایت را ذیل این آیه آورده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۰.
۲. البرهان، ج ۳، ص ۳۸۶.
۳. نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۷.
۴. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۱۵۷.

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾؛ پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب. (حجر/۹۴)

برخی از مفسران با نقل روایتی به امدادهای غیبی در ایام ظهور آن حضرت اشاره کرده‌اند:

۱. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

سوره نحل

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ [هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزّه و فراتر است از آنچه [یا وی] شریک می‌سازند. (نحل/۱)
گروهی از مفسران با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام به سه موضوع اشاره کرده‌اند:
الف) ندای آسمانی به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور.
ب) نزول جبرئیل از آسمان و به عنوان اولین بیعت کننده با امام مهدی علیه السلام.
ج) بیعت سایر بیعت کنندگان با حضرت.

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۶۹۴.

۳. البرهان، ج ۳، ص ۴۰۳.

۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۸.

۵. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۱۷۷.

۶. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۴ - ۱۵.

۷. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۷.

۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۲۶۶ - ۲۶۹.

برخی از مفسران تنها به تحقق ظهور در آینده اشاره کرده‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۰.

۲. احسن الحدیث، ج ۵، ص ۴۰۸.

۳. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۲۰.

ابن عربی نیز ذیل این آیه به مطالبی در زمینه ظهور پرداخته است:

تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۱، ص ۳۵۳

﴿إِنَّهُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾؛ معبود شما معبودی است یگانه. پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان انکارکننده [حق] است و خودشان متکبرند. (نحل/۲۲)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: ﴿فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ بالرجعة آنها حق» برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۰۵.

۳. البرهان، ج ۳، ص ۴۱۱.

۴. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۳۸۴.

۵. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۷۹.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾؛ آیا [کافران] جز این که فرشتگان [جان‌ستان] به سویشان آیند، یا فرمان پروردگارت [دایر بر عذابشان] در رسد، انتظاری می‌برند؟ کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این گونه رفتار کردند، و خدا به ایشان ستم نکرد، بلکه آنان به خود ستم می‌کردند. (نحل/۳۳)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی درباره ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۰۹.

۳. الجدید، ج ۴، ص ۲۲۴.

برخی دیگر از مفسران افزودن بر آن، به رجعت نیز پرداخته‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۳۴.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۲۰۶.

۴. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۴.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید: «خدا را پرستید و از طاغوت [فریبگر] پرهیزید.»] پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنا بر این در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. (نحل/۳۶)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیه به توضیح پیرامون وضعیت قیام‌ها در دوره غیبت کبری پرداخته است:

البرهان، ج ۳، ص ۴۱۹

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ * إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛ و با سخت‌ترین سوگندهایشان بخدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگيخت. آری، [انجام] این وعده بر او حق است، لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند، برای آنان توضیح دهد،

و تا کسانی که کافر شده‌اند، بدانند که آنها خود دروغ می‌گفته‌اند. ما وقتی چیزی را اراده کنیم، همین قدر به آن می‌گوییم: «باش»، بی‌درنگ موجود می‌شود. (نحل/۴۰)

گروهی از مفسران شیعه با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام این آیات را در زمینه اثبات وقوع رجعت در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام نموده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۱.
۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۱۲ - ۷۱۴.
۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۳.
۵. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۲ - ۳۳.
۶. اثنی عشری، ج ۷، ص ۲۰۲.
۷. تفسیر عاملی، ج ۵، ص ۳۴۱.
۸. تفسیر آسان، ج ۹، ص ۱۷۸.
۹. روان جاوید، ج ۳، ص ۲۸۶ - ۲۸۷.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۳۳۷ و ص ۳۳۹ - ۳۳۷.
۱۱. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۴۹.

گروه دیگری از مفسران به رجعت کنندگان در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۴۲۰ - ۴۲۲.
۲. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۲۱۰.

برخی دیگر نیز به ذکر کلیاتی درباره رجعت بسنده کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۵.
۲. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۳۹۰.

برخی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به نقد بحث رجعت پرداخته‌اند:

۱. جامع البيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۵۸۴.
۲. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۵، ص ۳۸۲.
۳. المحرر الوجيز، ج ۳، ص ۳۹۳.
۴. البحر المحيط، ج ۵، ص ۴۷۶.
۵. روح المعاني، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾؛ آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ (نحل/۴۵)

مفسران ذیل این آیه خسف به بیداء را به عنوان یکی از نشانه های ظهور بر شمرده‌اند:

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۱.
۲. البرهان، ج ۳، ص ۴۲۹.
۳. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۹.
۴. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۲۱۸.
۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۳۶۳ - ۳۶۴.

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾؛ و خدا شما را آفرید، سپس [جان] شما را می‌گیرد، و بعضی از شما تا خوارترین [دوره] سال‌های زندگی [فرتوتی] بازگردانده می‌شود، به طوری که بعد از [آن همه] دانستن، [دیگر] چیزی نمی‌دانند. قطعاً خدا دانای تواناست. (نحل/۷۰)

برخی از مفسران ذیل این آیه وجود معمرین را به عنوان یکی از ادله امکان طول عمر مطرح می‌نمایند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۶، ص ۴۱۲-۴۱۳.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۵۳.

۳. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۷۶.

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه با ذکر روایتی از پیامبر اسلام ﷺ به فتنه دجال اشاره نموده است:

تفسیر مراغی، ج ۵، ص ۱۱۰.

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾؛ و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیک‌تر [از آن] نیست، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. (نحل/۷۷)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه توضیحی درباره غیبت داده‌اند و گفتند اگر اهل بیت رسول گرامی ﷺ به همه ماکان و مایکون علم دارند پس ظهور حضرت مهدی ﷺ و قیام قیامت، بهشت، جهنم، دوره غیبت و امثال آن برای آنها غیب نیست:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۶۰.

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾؛ و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم، و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم، و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم. (نحل/۸۹)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ضرورت وجود امام معصوم و از جمله امام مهدی ﷺ اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۴۴۳.
۲. اثنی عشری، ج ۷، ص ۲۶۵.
۳. روان جاوید، ج ۳، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۷۴.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾؛ هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. (نحل/۹۸)

برخی از مفسران با نقل روایتی از امام هادی علیه السلام به وضعیت ابلیس در ایام ظهور پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۵۲ - ۷۵۳.
۲. نورالثقلین، ج ۳، ص ۸۵.
۳. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۲۷۱.

سوره اسراء

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾؛ منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم - سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست. (اسراء/۱)

بعضی از مفسران با نقل روایتی، از این آیه جهت اثبات امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام استفاده کرده اند:

۱. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۱۹.

۲. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۳۳۳ - ۳۴۰.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۱۹.

صاحب تفسیر البرهان با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقدامات حکومتی حضرت مهدی علیه السلام را ذکر می نماید:

البرهان، ج ۳، ص ۴۸۸.

اسماعیل حقی در تفسیر خود، نیز به نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره نموده است:
روح البیان، ج ۵، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ *

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: «قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست.» پس آن گاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند، و این تهدید تحقق یافتنی است. پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم. (اسراء/۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیات فرموده‌اند: «الإفساد مرتین بقتل علي عليه السلام و طعن الحسن عليه السلام والعلو الكبير بقتل الحسين عليه السلام والعباد أولي بأس بقوم يبعثهم الله قبل خروج القائم عليه السلام فلا يدعون وتراً لآل محمد إلا قتلوا وعدالله بخروج القائم عليه السلام ورد الكرة عليهم بخروج الحسين عليه السلام في سبعين في أصحابه» برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۷۷۷-۷۷۹.

۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۴. البرهان، ج ۳، ص ۵۰۲-۵۰۷.

۵. نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۷.

۶. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۳۶۱.

۷. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۱۰.

۸. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۴۴۰.

۹. اثنی عشری، ج ۷، ص ۳۳۰.

۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۵۷.

۱۱. روان جاوید، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۵.

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر ﴿عِبَاداً لَّنْ﴾ فرموده‌اند: «و هو القائم واصحابه اولی باس شدید». دو تن از مفسران این روایت را در تفسیر آیات فوق نقل کرده‌اند:

۱. احسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۳-۳۴.

برخی دیگر از مفسران به اموری از قبیل مقام و منزلت منتظران، رجعت و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر گازر، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۳۲.

بعضی دیگر از مفسران اهل سنت نیز به مطالبی در زمینه ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۱.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۳. تیسیر التفسیر، ج ۷، ص ۱۴۴.

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا﴾؛ اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده‌اید]. و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنان که بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یک‌سره [آن را] نابود کنند. (اسراء/۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه به وقایع و حوادث آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۰

۳. البرهان، ج ۳، ص ۵۰۸

۴. نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۵۵

۵. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۴۴۰

۶. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۳

صاحب تفسیر کنز الدقائق و الفرقان فی تفسیر القرآن نیز به سیره و اقدامات حضرت در حکومت جهانی پرداخته‌اند:

۱. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۳۶۳

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۵۳-۵۵

برخی از مفسران اهل سنت نیز موضوع فوق را ذکر کرده‌اند:

۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۲-۲۲۳

۲. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۸، ص ۲۰

﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾؛ امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند، و [الی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کیفر شما] باز می‌گردیم، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم. (اسراء/۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به حتمیت ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۰

۳. البرهان، ج ۳، ص ۵۰۸

۴. نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۷

۵. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۳۶۳

۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۴۴۰

صاحب تفسیر الفرقان نیز طی بحث مفصلی ذیل این آیه به مطالبی در زمینه ظهور و غیبت پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۵۶-۷۴.

یکی از مفسران اهل سنت نیز به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام، و نزول ایشان در آخرالزمان اشاره کرده است:

بیان المعانی، ج ۱، ص ۴۴۹.

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا﴾؛ پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است. (اسراء/۲۵)

صاحب تفسیر اطبیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به مطالبی درباره رجعت اشاره کرده است:

اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۰.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾؛ و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است. (اسراء/۳۳)

امام صادق علیه السلام در روایتی در خصوص تفسیر این آیه می‌فرمایند: «هو الحسین بن علی علیه السلام قد أسرف في القتل» مفسرانی که این روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۵۲۸.

۳. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۶۲.

۴. کنز الدقائق، ج ۷، ص ۴۰۴.
 ۵. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۲۰.
 ۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۳۸۵.
 ۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۱۸۶ - ۱۸۷.
 ۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.
 ۹. تفسیر راهنما، ج ۱۰، ص ۹۴.
 ۱۰. تفسیر نور، ج ۷، ص ۵۵.
- در تفسیر فرات کوفی نیز به مناسبت ﴿إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا﴾ «منصور» را به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام ذکر نموده است:
- تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۲۴۰.

﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾؛ و هیچ شهری نیست مگر این که ما آن را [در صورت نافرمانی،] پیش از روز رستاخیز، به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم. این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است. (اسراء/۵۸)

محمد جواد مغنیه ذیل این آیه به حتمیت ظهور اشاره نموده است:

الکاشف، ج ۵، ص ۵۷ - ۵۸.

﴿قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ [سپس] گفت: «به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود]؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را - جز اندکی [از آنها] - ریشه کن خواهم کرد.» (اسراء/۶۲)

مفسر الفرقان، ذیل این آیه به وضعیت ابلیس در ایام ظهور پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۲۴۵ - ۲۵۵.

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِسَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾؛ یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرامی خوانیم، پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود. (اسراء/۷۱)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ضرورت وجود ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۰۶.

۲. القرآن و العقل، ج ۱، ص ۵۶۸-۵۷۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۰۶.

برخی دیگر از مفسران به لزوم شناخت امامان معصوم علیهم السلام پرداخته اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۵۵۲.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۴۱.

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾؛ و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد بود. (اسراء/۷۲)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی در زمینه رجعت اشاره کرده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۸۳۲.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۵۵۹.

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾؛ و بگو: پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده. (اسراء/۸۰)

نویسنده تفسیر الفرقان ذیل این آیه ریشه کنی ظلم و فساد در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را مطرح است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۵، ص ۳۰۵-۳۰۶.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد، آری باطل همواره نابودشدنی است. (اسراء/۸۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرموده‌اند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ» گروهی از مفسران این روایت را همراه با شرحی در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۸۴۲

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳. البرهان، ج ۳، ص ۵۷۶.

۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲.

۴. کنزالدقائق، ج ۷، ص ۴۹۲.

۵. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۴۳.

۶. نفحات الرحمن، ج ۲، ص ۴۷۲.

۷. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۵۵.

۸. اثنی عشری، ج ۷، ص ۴۳۰.

۹. احسن الحدیث، ج ۶، ص ۱۲۹.

۱۰. روان جاوید، ج ۳، ص ۳۸۳.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۷، ص ۳۰۶-۳۰۸.

تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۳۵ و ص ۲۳۴

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن به مطالبی در زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۶

از مفسران اهل سنت، قرطبی این آیه را در زمینه سیره و اقدامات حضرت
عیسی علیه السلام تفسیر نموده است:

الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

سوره كهف

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾؛ مگر پنداشتی اصحاب كهف و رقيم [خفتگان غار لوحه دار] از آیات ما شگفت بوده است؟ (كهف/۹)

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «اصحاب الكهف اعوان المهدي عليه السلام» برخی از مفسران ضمن ذکر این روایت و موارد مشابه، تأکید کرده اند که اصحاب كهف از یاران حضرت مهدی عليه السلام می باشند:

۱. تفسیر گازر، ج ۵، ص ۳۶۰.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۶۲۰.

۳. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۷۹-۱۸۱.

۴. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۴۰۱.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به طول عمر حضرت مهدی عليه السلام اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۰.

از مفسران اهل سنت نیز سیوطی در روایت فوق را نقل نموده است:

الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۳۷۰.

﴿وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُغْلَبُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ

بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا؛ و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست، هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می کردند، پس [عده ای] گفتند: «بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است.» [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: «حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد.» (کهف/۲۱)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی در زمینه رجعت اشاره کرده اند:

۱. مواهب علیه، ج ۲، ص ۴۶۵ - ۴۶۶.

۲. بیان السعاده، ج ۲، ص ۴۶۲.

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾؛ به زودی خواهند گفت: «سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود.» و می گویند: «پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود.» تیر در تاریکی می اندازند. و [عده ای] می گویند: «هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگارم به شماره آنها آگاه تر است، جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی داند.» پس درباره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جويا مشو. (کهف/۲۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «يُخْرَجُ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا، خَمْسَةٌ عَشْرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عليه السلام الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَيَعْدِلُونَ، وَسَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَيُوشَعُ بْنُ نُونٍ وَسُلَمَانُ وَأَبَا دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَالْمَقْدَادُ وَمَالِكُ الْأَشْطَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَحُكَّامًا.»

برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر این آیه آورده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۸۸۴

۲. نور الثقلين، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳. الجواهر الثمين، ج ۴، ص ۶۹.

۴. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۳.

۵. ترجمه الميزان، ج ۱۳، ص ۴۰۱.

۶. روان جاويد، ج ۳، ص ۴۱۹.

﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾؛ مگر آن که خدا بخواهد، و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک تر از این به صواب است، هدایت کند.» (الکھف/۲۴) در یکی از تفاسیر، ذیل این آیه به مطالبی راجع به رجعت اشاره شده است:
العیاشی، ج ۲، ص ۳۵۲

﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا * قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾؛ و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن] افزودند. بگو: «خدا به آنچه درنگ کردند داناتر است. نهان آسمان‌ها و زمین به او اختصاص دارد. وه! چه بینا و شنواست. برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد.» (کھف/۲۶) برخی از مفسران با ذکر حدیثی ذیل این آیات به مطالبی راجع به رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. کنز الدقائق، ج ۸، ص ۶۳.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۴۵.

برخی دیگر از مفسران، در کنار موضوع قبل، به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و جهان بعد از شهادت ایشان پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۶۲۹.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۱۹۷-۱۹۸.

صاحب تفسیر المیزان نیز در تفسیر خود به امکان طول عمر اشاره نموده است:

ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۳۸۳.

در میان مفسران اهل سنت، سه تن به مطالبی از قبیل رجعت و نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۶.

۲. حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۴، ص ۱۱۹۳.

۳. تیسیر التفسیر، ج ۷، ص ۳۶۸.

﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾؛ و [یاد کن] روزی را که کوه‌ها را به حرکت درمی‌آوریم، و زمین را آشکار [و صاف] می‌بینی، و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی‌کنیم. (الکهف/۴۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی درباره رجعت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۶۴۱.

۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۶۶.

۴. کنزالدقائق، ج ۱، ص ۱۹.

﴿مَا أَشْهَدُتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾؛ [من] آنان را نه در آفرینش آسمان‌ها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان. و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم. (کهف/۵۱)

طنطاوی در تفسیر خود، ذیل این آیه تفکر شیعیان درباره وجود امام مهدی علیه السلام را به نقد کشیده است:

الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

﴿فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا﴾؛ پس چون به محل برخورد دو [دریا] رسیدند، ماهی خودشان را فراموش کردند، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت]. (کهف / ۶۱)

بعضی از مفسرین ذیل این آیه با نقل روایتی از امام رضا علیه السلام مبنی بر این که علت زنده ماندن حضرت خضر علیه السلام خوردن از آب حیات بوده، اشاره به زنده بودن ایشان و ظهورشان با حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

۱. روان جاوید، ج ۳، ص ۴۳۸.

۲. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن (روحانی)، ج ۱۱، ص ۱۶۳.

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾؛ تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم. (کهف / ۶۵)

برخی از مفسران ذیل این آیه ویژگی های اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده‌اند:

۱. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۲۸.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۸۱.

برخی از مفسران نیز ضمن بیان طول عمر و حیات حضرت خضر علیه السلام به امکان عمر طولانی اشاره کرده‌اند:

۱. فتح القدیر، ج ۳، ص ۳۵۴.

۲. مخزن العرفان، ج ۱، ص ۶۰.
 ۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۸، ص ۱۴۷.
- در کتب تفسیری اهل سنت نیز مطلب فوق مشاهده می شود:
۱. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۵، ص ۷۱۸-۷۱۹.
 ۲. رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ج ۳، ص ۲۰.
 ۳. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۴۱-۴۵.
 ۴. روح البیان، ج ۵، ص ۲۶۸-۲۷۰.
 ۵. اضواء البیان، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۲۷.
 ۶. الوسیط، ج ۱، ص ۵۵۱.
- صاحب تفسیر البحر المحیط هم به مطالبی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته است:

البحر المحیط، ج ۶، ص ۱۳۹.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾؛ و از تو درباره «ذوالقرنین»

می پرسند. بگو: «به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند.» (کهف/۸۳)

بعضی از مفسران شیعه ذیل این آیه درباره پیشینه رجعت بحث کرده اند:

۱. نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۹۴-۲۹۵.
 ۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۸، ص ۱۷۹-۱۸۳.
- برخی دیگر از مفسران به اموری از قبیل امدادهای غیبی و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۶۶۱.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۱۹.

در مفسران اهل سنت نیز گروهی به پیشینه رجعت پرداخته اند:

۱. معالم التنزيل، ج ۳، ص ۲۱۲.
 ۲. زادالمسير، ج ۳، ص ۱۰۵.
 ۳. مدارك التنزيل، ج ۲، ص ۲۶-۲۷.
 ۴. البحر المحيط، ج ۶، ص ۱۵۷-۱۵۸.
 ۵. غرائب القرآن، ج ۱، ص ۱۹.
 ۶. روح البيان، ج ۵، ص ۲۹۰.
- در برخی تفاسیر اهل سنت ذیل این آیه آمده است: «فَقَدْ رُوي أَنَّ الَّذِينَ مَلَكَوا الدُّنْيَا كُلَّهَا أَرْبَعَةً، مُؤْمِنَانِ وَكَافِرَانِ، فَالْمُؤْمِنَانِ سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ وَالْإِسْكَندَرُ وَالْكَافِرَانِ نَمْرُودُ وَبِخْتِ نَصْرٍ، وَسَيَمْلِكُهَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ خَامِسٌ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ وَهُوَ الْمَهْدِيُّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَحِينَ نَزَلَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۱. الجامع لاحكام القرآن، ج ۱۲، ص ۴۶-۴۸.
۲. الفتوحات الالهيه، ج ۳، ص ۴۳.
۳. حاشية الصاوي على تفسير الجلالين، ج ۴، ص ۱۲۱۶.
۴. فتح البيان، ج ۱، ص ۱۰۵.
۵. تفسير القرآن الكريم (محمد طه)، ج ۱، ص ۳۱۴.

﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجاً عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا؟﴾ گفتند: «ای ذو القرنین، یا جوج و مأجوج سخت در زمین فساد می کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی قرار دهی؟» (کهف/۹۴)

سید ابراهیم بروجردی در تفسیر خود «ولایت» را به عنوان یکی از ویژگی های عام امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

۱. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۲۹-۲۳۱.

صاحب تفسیر البرهان نیز به اجداد و جدات امام مهدی علیه السلام ذیل این آیه پرداخته است:

البرهان، ج ۳، ص ۶۷۵.

مفسران اهل سنت ذیل این آیه، خروج یاجوج و ماجوج^۱ را به عنوان اشراط الساعة ذکر کرده‌اند:

۱. رحمة من الرحمن، ج ۳، ص ۳۲.

۲. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۴۶۲ - ۴۶۳.

۳. السراج المنیر، ج ۲، ص ۴۰۵.

۴. الوسیط، ج ۱، ص ۵۷۳.

۵. التفسیر الحدیث، ج ۶، ص ۴۸.

﴿فَمَا أَشْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا﴾؛ [در نتیجه، اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. (کهف/۹۷)

محمد خطیب شربینی ذیل این آیه به خروج یاجوج و ماجوج به عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره نموده است:

۱. السراج المنیر، ج ۲، ص ۴۰۶ - ۴۰۷.

﴿قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا﴾؛ گفت: «این رحمتی از جانب پروردگار من است، و[الی] چون وعده پروردگارم فرا رسد، آن [سد] را

۱. یاجوج و ماجوج، نام دو قبیله وحشی خونخوار بوده که مزاحمت شدیدی برای ساکنان اطراف مرکز سکونت خود داشتند. در برخی روایات پراکنده شدن یاجوج و ماجوج بر روی زمین، در کنار خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة ذکر شده است. (محمد بن علی بن بابویه صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶).

درهم کوبد، و وعده پروردگام حق است.» (کهف/۹۸)

گروهی از مفسران شیعه ذیل این آیه، خروج یاجوج و ماجوج را به عنوان اشراط الساعة ذکر نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰-۴۵.

۲. مواهب علیه، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۹۳۸.

۴. البرهان، ج ۳، ص ۶۶۰-۶۶۱.

۵. نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۶. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۶۹.

۷. المقتنیات الدرر، ج ۶، ص ۳۳۲.

۸. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۳۷.

۹. منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۴۲-۲۵۲.

۱۰. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۸۶.

برخی از مفسران نیز خروج یاجوج و ماجوج را از نشانه های ظهور تلقی کرده‌اند:

۱. اثنی عشری، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. من هدی القرآن، ج ۶، ص ۴۸۶.

۳. روان جاوید، ج ۳، ص ۴۵۳.

برخی از مفسران ذیل این آیه به سیره و اقدامات حضرت موسی علیه السلام پس از نزول

در آخر الزمان اشاره کرده‌اند:

۱. التبیان، ج ۷، ص ۹۴.

الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۱۱، ص ۱۸۱ و ص ۱۸۲.

گروهی از مفسران اهل سنت خروج یاجوج را از اشراط الساعة دانسته‌اند:

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. البحرالمحیط، ج ۶، ص ۱۵۶.
 ۳. التفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۹۷.
 ۴. الجواهر الحسان، ج ۲، ص ۳۱۴.
 ۵. نظم الدرر، ج ۴، ص ۵۰۵-۵۰۶.
 ۶. الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، ج ۱، ص ۴۹۱.
 ۷. السراج المنیر، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۰۸.
 ۸. روح البیان، ج ۵، ص ۲۹۹-۳۰۰.
 ۹. تیسیر التفسیر، ج ۷، ص ۴۹۴.
 ۱۰. التفسیر الفرید للقرآن المجید، ج ۳، ص ۱۸۱۹.
- برخی دیگر از مفسران اهل سنت نیز به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۲، ص ۴۸۱.
۲. النکت والعیون، ج ۳، ص ۳۴۵.
۳. معالم التنزیل، ج ۳، ص ۲۱۸-۲۱۹.

هُوَ تَرَکْنَا بَعْضَهُمْ یَوْمَئِذٍ یَمُوجُ فِی بَعْضٍ وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا؛ و در آن روز آنان را رها می‌کنیم تا موج آسا بعضی با برخی درآمیزند و [همین که] در صور دمیده شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد. (کهف/۹۹)

گروهی از مفسران شیعه، ذیل این آیه خروج یا جوج و مأجوج را به عنوان اشراط لساعة نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۹۳۹.
۲. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۷۱.
۳. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۱۰۲.

۴. تفسير عاملى، ج ۶، ص ۳۸.
 ۵. حجة التفسير، ج ۳، ص ۱۳۳، ج ۴، ص ۱۳۴ و ج ۵، ص ۱۳۵.
 ۶. روان جاويد، ج ۳، ص ۴۵۴.
 ۷. الفرقان فى تفسير القرآن (محمد صادق)، ج ۱۸، ص ۲۱۲ - ۲۰۶.
 ۸. تفسير راهنما، ج ۱۰، ص ۵۲۳.
 ۹. الفرقان فى تفسير القرآن (نجفى) ج ۱۱، ص ۱۸۹.
- از تفاسير اهل سنت نيز، تيسير التفسير به اين نکته اشاره کرده است:
۱. تيسير التفسير، ج ۷، ص ۴۹۵ - ۴۹۶.

سوره مریم

﴿كَهَيِّعَصَ﴾ (مریم/۱)

از امام حسن عسکری علیه السلام درباره تأویل آیه فوق سؤال شد، حضرت پاسخ این سؤال را به فرزند بزرگوارشان واگذار نمودند. حضرت مهدی علیه السلام نیز فرمودند: «هذه الحروف من انباء الغیب اطلع الله علیها عبده زکریا ثم قصها علی محمد...» سپس به ذکر داستان زکریا پرداختند. گروهی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۷۲.
۲. البرهان، ج ۳، ص ۶۹۷.
۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۱۹.
۴. کنزالدقائق، ج ۱، ص ۱۹۰.
۵. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.
۶. اثنی عشری، ج ۱، ص ۱۴۰.
۷. احسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۰۴.
۸. تفسیر آسان، ج ۱۱، ص ۵۵ - ۵۷.
۹. روان جاوید، ج ۳، ص ۴۵۹ - ۴۶۰.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۸، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

۱۱. الجدید، ج ۴، ص ۳۷۳.

﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾؛ ای یحیی، کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر، و از کودکی به او نبوت دادیم. (مریم/۱۲)

بعضی از مفسران به مناسبت آیه فوق امامت حضرت مهدی علیه السلام در خردسالی را بیان می‌دارند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۸، ص ۲۶۷ - ۲۷۰.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۳.

۳. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۵۰.

﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا﴾
گفت: « [فرمان] چنین است، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم، و [این] دستوری قطعی بود.» (مریم/۲۱)
صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ذیل این آیه به مطالبی در زمینه نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۳۰.

﴿فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا﴾؛ پس [مریم] به او [عیسی] آستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست. (مریم/۲۲)

در تفسیر لاهیجی به نقل از کمال‌الدین و تمام النعمة از قول حضرت مهدی علیه السلام آمده است «وكان حملُ يحيى عليه السلام ستة أشهرٍ وحملُ الحسين عليه السلام كذلك».

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۳.

اسماعیل حقی از مفسران اهل سنت به مطالبی در زمینه نزول حضرت عیسی علیه السلام

ذیل این آیه اشاره نموده است:

۱. روح البیان، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۵.

﴿وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾؛ و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (مریم/۳۱)

همه مفسران (شیعه و اهل سنت) طول عمر و زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان یکی از برکات الهی برشمرده‌اند، تنها مفسران شیعه تحقق این امر را موکول به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۳۶.

۲. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۶۲.

اما مفسران اهل سنت، تحقق این امر را منوط به آینده می‌دانند:

۱. رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ج ۳، ص ۴۸.

۲. تفسیر خازن، ج ۳، ص ۱۸۷.

۳. السراج المنیر، ج ۲، ص ۴۲۵.

﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾؛ و درود بر من، روزی که زاده

شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم. (مریم/۳۳)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به رحلت حضرت

عیسی علیه السلام در آخرالزمان پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۳۷-۴۳۸.

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾؛ اما

دسته‌ها [ی‌گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از

مشاهده روزی دهشتناک. (مریم/۳۷)

در تفسیر البرهان، ذیل این آیه به خروج سفیانی اشاره شده است:

البرهان، ج ۳، ص ۷۱۲.

مفسر الفرقان نیز ذیل این آیه مطلبی در خصوص رجعت ذکر کرده است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۴۲ - ۴۳.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾؛ و از رحمت خویش به آنان

ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم. (مریم/۵۰)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیات شباهت حضرت مهدی علیه السلام به حضرت

ابراهیم در غیبت را بیان نموده و به روایتی از حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند که «انه

تكون له غيبة وحيرة يضل فيها اقوام ويهتدى فيها آخرون.»

البرهان، ج ۳، ص ۷۱۴.

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾؛ و در این کتاب از

اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. (مریم/۵۴)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی درباره رجعت کنندگان اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۷۲۰.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۵۹ - ۲۶۱.

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا * وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾؛ و در این کتاب از

ادریس یاد کن که او راست‌گویی پیامبر بود. و [ما] او را به مقامی بلند ارتقا دادیم. (مریم/۵۷)

ذیل این آیات دو تن از مفسران به صعود حضرت ادريس علیه السلام به آسمان و نزول آن

حضرت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۵۷ - ۴۵۸.

۲. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۸۵.

برخی از مفسران هم به معمرین پرداخته‌اند:

۱. روح البیان، ج ۵، ص ۳۴۲.

۲. الفتوحات الالهیه، ج ۳، ص ۶۸.

۳. تفسیر قاسمی، ج ۷، ص ۱۳۵.

۴. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۸، ص ۴۱۶.

﴿قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ * وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدَلًا؛ هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود: یا عذاب، یا روز رستاخیز را ببینند پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است. و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید، و نیکی‌های ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است. (مریم/۷۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیات می‌فرماید: «أَمَّا قَوْلُهُ: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾، فَهُوَ خُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام وَهُوَ السَّاعَةُ فَسَيَعْلَمُونَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَمَا نَزَلَ بِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَىٰ يَدِ قَائِمِهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا﴾ يَعْنِي عِنْدَ الْقَائِمِ عليه السلام وَأَضْعَفُ جُنْدًا» گروهی از مفسران این روایت را در تفسیر آیات فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۹۱.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۷۲۷.

۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۵۵.

۴. کنز الدقائق، ج ۸، ص ۲۶۲.

۵. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۵۵.

۶. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.

۷. اثنی عشری، ج ۸، ص ۲۱۷.

۸. تفسیر نور، ج ۷، ص ۳۰۲.

گروهی از مفسران نیز با ذکر روایتی «أما الساعة» را به قیام حضرت مهدی علیه السلام و برخورد امام با دشمنان تأویل نموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۳۷.

۲. الجدید، ج ۴، ص ۴۰۹.

در تفسیر نفحات الرحمن، ذیل این آیه آمده است: «عن الصادق علیه السلام: ویزیدُ الله قال یزیدُهم یومَ خروجِ القائمِ هدیّ علی هدیّ باتّباعِهم القائمِ حیث لا یجحدونه ولا ینکرونه».

نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۵۹.

صاحب تفسیر البحر المحیط نیز به موضوع آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی اشاره کرده است:

۱. البحر المحیط، ج ۶، ص ۱۹۹.

سوره طه

﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾؛ و آیا خبر موسی به تو رسید؟ (طه/۹)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه شباهت ولادت حضرت مهدی علیه السلام به انبیا و اوصیا را عنوان می نماید:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۱.

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾؛ این منم پروردگار تو، پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس «طوی» هستی. (طه/۱۲)
حضرت مهدی علیه السلام در حدیث طولانی ای در تفسیر آیه فوق، در رد افرادی که می گویند: کفش حضرت موسی علیه السلام از پوست الاغ مرده بوده است، می فرمایند:
﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾ ای انزع حبّ اهلك من قلبك ان كانت محبتك لی خالصة و قلبك من الميل الی من سوی مغسولاً» گروهی از مفسران هم به نقل همین روایت در تفسیر آیه فوق بسنده نموده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۵۰-۵۱.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۰۲.

۳. البرهان، ج ۳، ص ۷۵۸.

۴. نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۷۳.

۵. الجوهر الثمين، ج ۴، ص ۱۴۳.

۶. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۷. اثنی عشری، ج ۸، ص ۲۵۰.

۸. احسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۸۲.

۹. تفسیر آسان، ج ۱۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۴۲-۴۳.

یکی از مفسران اهل سنت معتقد است ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾ را به نوعی قیام الساعه دانسته است؛ به اعتبار این که انسان وقتی سفرش به پایان رسیده است، کفش و عصای خود را در می آورد.

رحمة من الرحمن و اشارات القرآن، ج ۳، ص ۷۶.

﴿قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى﴾؛ گفت: «این عصای من است، بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم، و کارهای دیگری هم برای من از آن بر می آید.» (طه/۱۸)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «کانت عصا موسى لآدم، فصارت الى شعيب، ثم صارت الى موسى بن عمران وانها لعندنا وان عهدى بها أنفا وهى خضراء كهينتها حين انتزعت من شجرتها وانها لتنطق اذا استنطقت اعدت لقائنا يصنع بها ما كان يصنع بها موسى...». برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۷۵۹.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۸۴.

۳. اثنی عشری، ج ۸، ص ۲۵۶.

۴. تفسیر آسان، ج ۱۱، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۶۴-۶۵.

۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۸.
ابن کثیر هم در تفسیر خود به خروج دابة الارض پرداخته است:
تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۲۷۹.

﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ * قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾؛ و موسی در خود
بیمی احساس کرد. گفتیم: «مترس که تو خود برتری.» (طه/۶۸)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیات نصرت و اقتداء حضرت عیسی علیه السلام به
حضرت مهدی علیه السلام عنوان کرده است:
البرهان، ج ۳، ص ۷۶۸.

﴿وَمَا يَخْفَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾؛ آنچه را که آنان در پیش دارند و
آنچه را که پشت سر گذاشته‌اند می‌داند، و حال آن‌که ایشان بدان دانشی ندارند. (طه/۱۱۰)
گروهی از مفسران اخبار قائم علیه السلام که در آینده تحقق خواهد یافت را از مصادیق
﴿وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ دانسته‌اند، از جمله:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۸۸.
۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۱.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۷۷۸.
۵. نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۵.
۶. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۵۳.
۷. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۱۷۳.
۸. اثنتی عشری، ج ۱، ص ۳۳۰.
۹. روان جاوید، ج ۳، ص ۵۲۸.

﴿وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾؛ و چهره‌ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می‌کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می‌ماند. (طه/۱۱۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ذیل این آیه به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۰۴.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾؛ و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. (طه/۱۱۳)

برخی از مفسران با ذکر روایتی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و خروج سفیانی را از مصادیق «یحدث لهم ذكراً» دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۷۸۰.

۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۹۵.

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾؛ و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم. (طه/۱۱۵)

امام باقر علیه السلام ذیل این آیه اخذ پیمان از انبیای گذشته بر امامت ائمه دوازده گانه را بیان فرموده‌اند. برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۶.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۳. البرهان، ج ۳، ص ۷۸۰.

۴. نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۰۰.
۵. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.
۶. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۰۶ - ۳۰۷.
۷. ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۱.
۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۰۸ - ۱۱۰.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم. (طه/۱۲۴)

برخی از مفسران ذیل این آیه با نقل روایتی ﴿مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ را مربوط به عذاب گروهی در دوران رجعت دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵.
۲. البرهان، ج ۳، ص ۷۸۵.
۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۰۵.

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾؛ بگو: «همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.» (طه/۱۳۵)

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: ﴿الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾ هوالقائم والهدی ﴿مَنِ اهْتَدَى﴾ إلى طاعته و مثلها في كتاب الله عزوجل و إني لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثم اهتدى قال: إلى ولايتنا» برخی از مفسران این روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۷۹۲.

۲. کز الدقائق، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۱۸.

بعضی از مفسران نیز به ضرورت امامت ائمه هدی و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره

کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۸.

علامه طباطبائی به آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی پرداخته است:

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۶.

در تفاسیر اهل سنت نیز مفسر البحر المحيط، ﴿فَتَرَبُّوْا﴾ را به انتظار فرج تطبیق

داده است:

البحر المحيط، ج ۶، ص ۲۷۰.

سوره انبیاء

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَأَرْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْتَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ﴾؛ و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستم‌کار بودند درهم شکستیم، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم. پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. [هان] مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید. گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم.» سخانشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده بی‌جان گردانیدیم. (انبیاء/۱۵)

مفسران ذیل این آیات با نقل روایتی به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۸.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۰۸.
۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۳۲ - ۳۳۳.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۸۰۴.
۵. نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۱۴.
۶. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۹۲ - ۳۹۳.

۷. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۰۴.

۸. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۲۷.

۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

﴿بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾؛ بلکه حق را بر باطل فرو می افکنیم، پس آن را در هم می شکنند، و به ناگاه آن نابود می گردد. وای بر شما از آنچه وصف می کنید. (انبیاء/۱۸)

برخی از مفسران در تفسیر این آیه به آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی، و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور اشاره کرده اند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۲۵۵ - ۲۵۶.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۵۲.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ﴾؛ و در حقیقت، پیش از آن، به ابراهیم رشد [فکری] اش را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم. (انبیاء/۵۱)

صاحب تفسیر نور الثقلین ذیل این آیه به امدادهای غیبی در ایام ظهور پرداخته است:

۱. نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۳۶.

﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾؛ و او و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم، رهانیدیم. (انبیاء/۷۱)

به مناسبت ﴿الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا﴾ برخی از مفسران به مکان نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره کرده اند:

۱. دوح الجنان و دوح الجنان، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

۲. تفسیر گازر، ج ۶، ص ۱۳۶.

۳. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۸۸

در میان مفسران اهل سنت نیز اسفرائینی به موضوع فوق اشاره کرده است:

تاج التراجم، ج ۳، ص ۱۴۱۷.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند. (انبیاء/۷۳)

برخی از مفسران با نقل روایتی از امام سجاد علیه السلام به مناسبت: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ به اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته اند:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۸۲۸

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۴۶-۳۴۷.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۳۳۲-۳۳۳.

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾؛ و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند. (انبیاء/۸۵)

سید عبدالحسین طیب، ذیل این آیه به نزول انبیا در ایام ظهور اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۹-۲۳۰.

﴿وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾؛ و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده ایم، ازگشتشان [به دنیا] حرام است. (انبیاء/۹۵)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می فرمایند: «كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلِهَا بِالْعَذَابِ

لَا يَرْجِعُونَ فِي الرِّجْعَةِ وَأَمَّا فِي الْقِيَامَةِ، فَيَرْجِعُونَ، وَمَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضاً، وَغَيْرُهُمْ
مِثْنٌ لَمْ يُهْلَكُوا بِالْعَذَابِ وَمَحَضُوا الْكُفْرَ مَحْضاً يَرْجِعُونَ» برخی از مفسران بر مبنای
این روایت مطالبی را ذکر نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۶.

۲. تفسیر نعمانی، ص ۸۶.

۳. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

۴. تفسیر گازر، ج ۶، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۵. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۶. البرهان، ج ۳، ص ۸۳۹.

۷. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴۷۱.

۸. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۳۰.

۹. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۶۹.

۱۰. اثنی عشری، ج ۸، ص ۴۴۱-۴۴۲.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۳۶۰-۳۶۲.

۱۲. الجدید، ج ۴، ص ۵۲۴.

۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۱-۲۴۲.

برخی دیگر از مفسران به مفهوم و پیشینه رجعت، و نیز خروج یاجوج و ماجوج،
به عنوان اشراط الساعة، اشاره کرده‌اند:

۱. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۱۶-۱۱۸.

۲. روان جاوید، ج ۳، ص ۵۷۷-۵۷۸.

مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به نقد موضوع رجعت پرداخته‌اند:

۱. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۶، ص ۳۰۵.

۲. تفسیر الفرید، ج ۳، ص ۲۰۰۹.

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ﴾؛ تا وقتی که یاجوج و مأجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند. (انبیاء/۹۶)

به مناسبت تصریح به نام «یاجوج و مأجوج»، برخی از مفسران شیعه به خروج یاجوج و مأجوج، به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۶.
۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۳، ص ۲۸۰.
۳. تفسیر گازر، ج ۶، ص ۱۶۱.
۴. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۱۷-۱۱۸.
۵. مخزن العرفان، ج ۱، ص ۳۰۴.
۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۳۶۳-۳۶۵.
۷. الجدید، ج ۴، ص ۵۲۵.
۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۲-۲۴۳.

برخی دیگر از مفسران خروج یاجوج و مأجوج را از نشانه‌های اشراف الساعة دانسته‌اند:

۱. مواهب علیه، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۴۸.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۱۴۰.
۴. کتر الدقائق، ج ۱، ص ۴۷۲.
۵. القرآن و العقل، ج ۳، ص ۲۳۹-۲۴۰.
۶. اثنی عشری، ج ۱، ص ۴۴۳.
۷. المبین، ص ۴۳۱-۴۳۲.
۸. منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۴۴-۲۵۲.

٩. المنير، ج ٤، ص ٣٥.

١٠. الفرقان في تفسير القرآن (نجفي) ج ١٢، ص ٦٣.

١١. الغيب و الشهادة، ج ٤، ص ٤٣٦.

١٢. تفسير نور، ج ٧، ص ٤٩٧.

غالب مفسران اهل سنت نیز خروج یا جوج و مأجوج را جزء اشراط الساعة
قلمداد نموده اند:

١. تفسير القرآن، ج ٢، ص ٢٧ - ٢٩.

٢. بحر العلوم، ج ٢، ص ٣٧٩.

٣. النكت و العيون، ج ٣، ص ٤٧٠ - ٤٧١.

٤. كشف الاسرار و عدة الابران، ج ٤، ص ٣٠٦ - ٣٠٧.

٥. رحمة من الرحمن و اشارات القرآن، ج ٣، ص ١٤٥ - ١٤٦.

٦. تفسير خازن، ج ٣، ص ٢٤٣ - ٢٤٤.

٧. تفسير القرآن العظيم، ج ٥، ص ٣٧٣.

٨. الجواهر الحسان، ج ٢، ص ٣٨١ - ٣٨٩.

٩. تفسير جلالين، ص ٤٣٠.

١٠. الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، ج ١، ص ٥٤٢.

١١. السراج المنير، ج ٢، ص ٥٣٠.

١٢. روح البيان، ج ٥، ص ٥٢٢ - ٥٢٣.

١٣. الفتوحات الالهية، ج ٣، ص ١٤٥ - ١٤٦.

١٤. حاشية الصاوي، ج ٤، ص ١٣١٨.

١٥. تفسير مراغني، ج ٤، ص ٧١.

١٦. تيسير الكريم الرحمن، ص ٤٨٠.

١٧. التيسير في احاديث التفسير، ج ٤، ص ١٤٨.

۱۸. تفسیر الفرید، ج ۳، ص ۲۰۰۹.
 ۱۹. التحریر و التئیر، ج ۱۷، ص ۱۰۷-۱۰۸.
 ۲۰. الوسیط، ج ۹، ص ۲۵۱.
 ۲۱. تفسیر القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۲۰.
 ۲۲. الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۳۵۰۳-۳۵۰۷.
- برخی از مفسران اهل سنت نیز به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام هنگام رجعت در آخر الزمان اشاره کرده‌اند:
۱. تاج التراجم، ج ۳، ص ۱۴۲۸-۱۴۲۹.
 ۲. تیسیر التفسیر، ج ۸، ص ۲۶۸-۳۶۹.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (انبیاء/۱۰۵)

در روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق آمده است: «هم أصحاب المهدي في آخر الزمان» اکثر مفسران در توضیح ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ با ذکر این روایت و روایات مشابهی تحقق این وعده الهی را مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در آخر الزمان دانسته‌اند:

۱. العیاشی، ج ۲، ص ۲۸-۲۹.
۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.
۳. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۱.
۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۵-۱۰۷.
۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۳، ص ۲۸۷-۲۸۸.
۶. تفسیر گازر، ج ۶، ص ۱۶۶.
۷. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۲۵-۱۲۶.

٨. تفسير لاهيجي، ج ٣، ص ١٥٥.
٩. تفسير صافي، ج ٣، ص ٣٥٧-٣٥٨.
١٠. البرهان، ج ٣، ص ١٤٨.
١١. نور الثقلين، ج ٤، ص ٥٠٧-٥٠٨.
١٢. كنز الدقائق، ج ١، ص ٤٨٠.
١٣. الجوهر الثمين، ج ٤، ص ٢٢٠.
١٤. فتح القدير، ج ٣، ص ٥٠٨.
١٥. تفسير شبر، ص ٣٢٣.
١٦. المقتنيات الدرر، ج ٧، ص ٢٠٣.
١٧. نفحات الرحمن، ج ٣، ص ١٢٣.
١٨. تقريب القرآن الى الاذهان، ج ٢١، ص ٧٤.
١٩. تفسير جامع، ج ٤، ص ٣٧١.
٢٠. اثني عشرى، ج ١، ص ٤٥١-٤٥٢.
٢١. من وحى القرآن، ج ١٥، ص ٢٧٦-٢٧٧.
٢٢. حجة التفاسير، ج ٤، ص ٢٠٧.
٢٣. الكاشف، ج ٥، ص ٣٠٢.
٢٤. المبين، ص ٤٣١.
٢٥. منشور جاويد، ج ١، ص ٣٥٨-٣٨١.
٢٦. احسن الحديث، ج ٦، ص ٥٥٧.
٢٧. ترجمه الميزان، ج ١٤، ص ٤٦٦ و ص ٤٧٥.
٢٨. المنير، ج ٦، ص ٣٧-٣٨.
٢٩. مخزن العرفان، ج ١، ص ٣١٣-٣١٤.
٣٠. تفسير آسان، ج ١٢، ص ٣٨٤-٣٨٦.

۳۱. من هدی القرآن، ج ۷، ص ۳۸۷ - ۳۹۰
۳۲. روان جاوید، ج ۳، ص ۵۸۲ - ۵۸۳
۳۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۳۷۴ و ص ۳۷۹ - ۳۸۴
۳۴. المعین، ص ۳۳۱
۳۵. الغیب و الشهاده، ج ۴، ص ۴۳۷
۳۶. الجدید، ج ۴، ص ۵۲۸
۳۷. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۹
۳۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۵۴ - ۲۵۵
۳۹. تفسیر راهنما، ج ۱۱، ص ۴۸۴
۴۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (روحانی) ج ۱۲، ص ۷۰
۴۱. تفسیر نور، ج ۷، ص ۵۰۵
۴۲. پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۲۱ الی آخر کتاب
۴۳. انوار درخشان، ج ۱۱، ص ۱۱۷
- در تفاسیر اهل سنت نیز ذیل ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ میراث‌داری
بندگان صالح را به محمد ﷺ و آل او نسبت داده‌اند:
۱. کشف الاسرار اوعدة الابرار، ج ۶، ص ۳۱۸ و ص ۳۲۲ - ۳۲۳
۲. تیسیر التفسیر، ج ۸، ص ۳۷۷ - ۳۷۸
۳. الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۳۵۰۹ - ۳۵۱۰

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.
(انبیاء/۱۰۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه با ذکر روایتی از امام باقر علیه السلام به انتقام‌گیری حضرت
مهدی علیه السلام از دشمنان دین در ایام ظهور اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۵۹.

۲. کنزالدقائق، ج ۱، ص ۴۸۵.

۳. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۳۳.

صاحب تفسیر الفرقان نیز ذیل این آیه به آثار حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۹، ص ۳۸۴.

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أُذِرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدًا تُوعَدُونَ﴾؛ پس اگر روی بر تافتند بگو: «به [همه] شما به طور یکسان اعلام کردم، و نمی دانم آنچه وعده داده شده آید آیا نزدیک است یا دور.» (انبیاء/۱۰۹)

از مفسران شیعه، سید عبدالحسین طیب، ذیل این آیه به مطالبی در خصوص عدم تعیین وقت ظهور اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۵۸.

از مفسران اهل سنت نیز، اسفراینی، به نقد تفکر مهدویت پرداخته است:

تاج التراجم، ج ۳، ص ۱۴۳۴.

سوره حج

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾؛ ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است. (حج/۱)
به مناسبت ﴿زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾ برخی از مفسران به مطالبی راجع به اشراف الساعة اشاره کرده‌اند:

۱. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۳۲.
 ۲. کنزالدقائق، ج ۹، ص ۴۳.
 ۳. روان جاوید، ج ۳، ص ۵۸۷.
 ۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۱۱.
- صاحب تفسیر بیان السعاده نیز مقصود از «الساعة» را ساعت ظهور حضرت دانسته است:

بیان السعاده، ج ۱۰، ص ۳۰.
مفسران اهل سنت هم به مطالبی درباره اشراف الساعة اشاره نموده‌اند:
الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۳.
تیسیر التفسیر، ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۴.
طنطاوی در تفسیر خود ذیل این آیه به نقد تفکر مهدویت پرداخته است:
الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۹-۱۳.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ﴾؛ بی گمان، کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام - که آن را برای مردم، اعم از مقیم در آنجا و بادیه نشین، یکسان قرار داده ایم - جلوگیری می کنند، و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود، او را از عذابی دردناک می چشانیم. (حج/۲۵)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن به مناسبت ﴿وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ﴾ به فرق منحرف اشاره می نماید:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۸۹.

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. (حج/۳۹)

امام صادق علیه السلام در تعیین مصداق آیه فوق می فرمایند: «ان العامة يقولون: نزلت في رسول الله صلى الله عليه وآله لما أخرجته قريش من مكة وإنما هي للقائم إذا خرج يطلب بدم الحسين عليه السلام وهو قوله: نحن أولياء الدم وطلاب الدية». مفسرانی که این روایت را نقل کرده اند، عبارتند از:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۴-۸۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۹۱.

۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۰.

۴. البرهان، ج ۳، ص ۸۸۸.

۵. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۰.

۶. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۷. اثنی عشری، ج ۹، ص ۵۹-۶۰.
۸. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۰۹.
۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۱۳۱.
۱۰. الجدید، ج ۵، ص ۳۰.
۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۶.

﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است. (حج/۴۰)

در تفسیر البرهان ذیل این آیه به نقل از شرف الدین نجفی به کسانی که در آزار و اذیت‌ها صبر می‌کنند و منتظر حضرت هستند، مژده خروج با آن حضرت را داده است:

۱. البرهان، ج ۳، ص ۱۹۰.
 ۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۷ و ۳۰۹.
- صاحب تفسیر آسان نیز به اقدامات حضرت در ایام ظهور پرداخته است:
- تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۶۸-۱۶۹.

﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست. (حج/۴۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «هذه آية لآل محمد والمهدي وأصحابه يملكهم الله مشارق الأرض ومغاربها ويظهر الدين ويُميت الله عزوجل به وبأصحابه البدع والباطل كما أمات السفهة الحق حتى لا يرى أثر من الظلم ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ولله عاقبة الأمور». مفسران با نقل چنین روایاتی به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۹۳.

۴. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۲.

۵. البرهان، ج ۳، ص ۱۹۲.

۶. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

۷. کنزالدقائق، ج ۹، ص ۱۱۲.

۸. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۲۴۷.

۹. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۳۸.

۱۰. تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۶۹ - ۱۷۰ و ص ۱۵۹.

۱۱. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۱۰.

۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

۱۴. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۴، ص ۳۶۷.

در میان مفسران اهل سنت نیز اسماعیل حقی، ذیل این آیه به اشاعه ظلم و فساد به

عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره نموده است:

روح البیان، ج ۶، ص ۴۱.

﴿فَكَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَبْرُ مُعْطَلَةٌ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾؛ و چه بسیار شهرها را - که ستم‌کار بودند - هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقف‌هایش فرو ریخته است، و [چه بسیار] چاه‌های متروک و کوشک‌های افراشته را. (حج/۴۵)

برخی از مفسران روایتی را از امام موسی بن جعفر علیه السلام ذیل این آیه نقل کرده‌اند که بر اساس آن ﴿وَيَبْرُ مُعْطَلَةٌ﴾ به امام صامت یا غائب تطبیق شده است:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۱۹۵.
۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۳.
۳. البرهان، ج ۳، ص ۱۹۳.
۴. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.
۵. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۱۱۵.
۶. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۲۴۸.
۷. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۴۰.
۸. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۵۳.
۹. تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.
۱۰. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۱۲.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۱۳۷.
۱۲. انوار درخشان، ج ۱۱، ص ۲۰۰.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۲۶.

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾؛ و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند، با آن‌که هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، و در حقیقت، یک روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرید. (حج/۴۷)

تعدادی از مفسران با نقل روایتی از امام باقر علیه السلام ذیل این آیه، به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی پرداخته‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۴.
۲. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۹.
۳. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۱۱۹.
۴. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۴۲.

﴿ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ﴾؛ آری چنین است، و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند، سپس مورد ستم قرار گیرد، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد، چرا که خدا بخشایشگر و آمرزنده است. (حج/۶۰)

﴿وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ﴾ یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله ﴿بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ﴾ یعنی حُسیناً أرادوا أَنْ يَقْتُلُوهُ ﴿ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ﴾ بالقائمٍ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام. برخی از مفسران همین عبارت را از قول قمی ذیل این آیه نقل نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۲۰۶.
۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۸.
۴. البرهان، ج ۳، ص ۹۰۵.

۵. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۱۸.
۶. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.
۷. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۵۳.
۸. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۵۷.
۹. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۴۰۹.
۱۰. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۱۸ - ۶۱۹.

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾؛ و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری. (حج/۷۸)

سید ابراهیم بروجردی، ذیل این آیه، ضمن نقل روایتی از امام باقر علیه السلام به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی پرداخته‌اند:

تفسیر جامع، ج ۴، ص ۴۱۶ - ۴۱۷.

سوره مؤمنون

﴿فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾؛ پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار.
(مؤمنون/۵۴)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، یکی از مصادیق «حین» را زمان ظهور حضرت بقیه الله بیان نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۱۴-۴۱۵.

﴿حَتَّىٰ إِذَا فَتَخْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾؛ تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم، بناگاه ایشان در آن [حال] نومید شدند (مؤمنون/۷۷)
امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «هو في الرجعة عند قيام القائم». برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق نقل نموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۲۸۷.

۳. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۹۵.

۴. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۷۵.

۵. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۷۲.

۶. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۴۹.

۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

۸. الجدید، ج ۵، ص ۷۶.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است: «هو علی ابن ابی طالب علیه السلام إذا رجع فی الرجعة». مفسرانی که این روایت را آورده‌اند، عبارتند از:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۳۲.

۲. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۴۴۷.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۳۹ - ۴۴۰.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ دانای نهان و آشکار، و برتر است از آنچه [با او] شریک می‌گردانند. (مؤمنون/۹۲)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه ضمن بیان مباحثی، علم غیب را اختصاص به خداوند داده و رجعت ائمه علیهم السلام را به عنوان یکی از مصادیق علم غیب معرفی نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۵۸.

﴿رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ﴾؛ پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستم‌کار قرار مده. و به راستی که ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم. (مؤمنون/۹۵)

مفسران ذیل این آیه به مطالبی در زمینه رجعت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۳. المقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۲۹۸.

۴. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۱۷۷.

۵. روان جاوید، ج ۳، ص ۶۵۴.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾؛ تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد، می گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهادهام کار نیکی انجام دهم.» نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد. (مؤمنون/۱۰۰)

ذیل آیه فوق به مناسبت درخواست کفار برای بازگشت به دنیا، برخی از مفسران به مطالبی در خصوص رجعت پرداخته اند:

۱. المبین، ص ۴۵۴.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۰، ص ۲۸۳.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

در تفسیر المعین روایتی از امام مهدی علیه السلام در تفسیر آیه فوق ذکر شده است:

۴. المعین، ص ۳۴۸.

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾؛ پس آن گاه که در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی پرسند. (مؤمنون/۱۰۱)

در تفسیر البرهان با نقل روایتی ذیل این آیه به ارث بردن برادران دینی از همدیگر در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است:

البرهان، ج ۴، ص ۳۷.

﴿تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُوتِ﴾؛ آتش چهره آنها را می سوزاند، و آنان در آنجا

ترش رویند. (مؤمنون/۱۰۴)

برخی از مفسران به مطالبی در زمینه نسل ائمه اطهار از جمله امام مهدی علیه السلام و عواقب انکار آن ع پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۳۸.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۷۳.

سوره نور

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. (نور/۳۲)

اسماعیل حقی در تفسیر خود به مخفی بودن ولادت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

روح البیان، ج ۶، ص ۱۴۸.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛ خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند، و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست. (نور/۳۵)

عن جابر بن عبدالله الأنصاري قال: دخلتُ إلى مسجد الكوفة وأمير المؤمنين عليه السلام يكتُبُ بأصبعه ويتبسّم، فقلتُ له: يا أمير المؤمنين ما الذي يُضحِكُكَ؟ فقال عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فقلتُ له: أَيُّ آيَةٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فقال عليه السلام: قوله تعالى: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾ أنا المصباحُ ﴿فِي زُجَاجَةٍ﴾ الزجاجَةُ الحسنُ والحسينُ ﴿كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ وهو علي بن الحسين عليه السلام ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ محمد بن علي عليه السلام ﴿زَيْتُونَةٍ﴾ جعفر بن محمد، ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ﴾ موسى بن جعفر ﴿وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ علي بن موسى، ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ محمد بن علي، ﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ علي بن محمد، ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ﴾ الحسن بن علي، ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ القائمُ المهدي عليه السلام.

گروهی از مفسران ذیل این آیه با نقل روایت فوق به واسطه فیض بودن ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی عليه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۲۱.
۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۶.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۷۲.
۵. القرآن و العقل، ج ۳، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.
۶. تفسیر جامع، ج ۴، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۱، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

برخی دیگر از مفسران به ضرورت وجود امام در هر عصری اشاره کرده‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۳۱.

تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۵.

در میان مفسران اهل سنت هم، محمد عزه به نقل از کتب تفسیری شیعه اشاره به

روایت فوق نموده است:

التفسير الحديث، ج ۱۰، ص ۵۷.

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ * وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ﴾؛ و چون به سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند، تا میان آنان داوری کند، بناگاه دسته‌ای از آنها روی برمی‌تابند. (نور/۴۸)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تفسیر خود به حکومت ولی فقیه در دوره غیبت کبری اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۴۸.

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أُمِرْتُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُفْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، بی‌شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد. بگو: «سوگند مخورید. اطاعتی پسندیده [بتر است] که خدا به آنچه می‌کنید داناست.» (نور/۵۳)

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: علامت خروج قائم علیه السلام این است که صبح می‌کنند شیعیان او در حالتی که زیر سر آنها صحیفه باشد که در آن نوشته باشند: «طاعة معروفة» برخی از مفسران همین روایت را ذیل این آیه آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۳۰۳-۳۰۴.

۲. نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۶.

۳. کنزالدقائق، ج ۹، ص ۳۳۴.

۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۱، ص ۲۰۷.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. (نور/۵۵)

امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

بسیاری از مفسران با نقل این روایت یا مضامین مشابه بشارت به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و آثار حکومت آن حضرت (از جمله غلبه اسلام) را استفاده نموده‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۵۶
۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۸ - ۲۴۰.
۳. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.
۴. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۴، ص ۱۷۰ - ۱۷۳.
۵. تفسیر گازر، ج ۶، ص ۳۲۹ - ۳۳۲.
۶. منهج الصادقین، ج ۶، ص ۳۳۶ - ۳۳۸.
۷. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۳۰۵ - ۳۰۶.
۸. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴ - ۴۴۵.
۹. البرهان، ج ۴، ص ۸۹ - ۹۷.

۱۰. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۳۷-۳۳۹.
۱۱. الجوهر الثمين، ج ۴، ص ۳۳۱.
۱۲. المقتنيات الدرر، ج ۷، ص ۳۷۲-۳۷۳.
۱۳. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۲۱۱.
۱۴. تقريب القرآن الى الازهان، ج ۱۸، ص ۱۲۴.
۱۵. تفسير جامع، ج ۴، ص ۵۱۰-۵۱۶.
۱۶. اثني عشرى، ج ۹، ص ۲۷۶.
۱۷. تفسير عاملى، ج ۶، ص ۳۴۸-۳۴۹.
۱۸. من وحى القرآن، ج ۱۶، ص ۳۵۴-۳۵۵.
۱۹. حجة التفاسير، ج ۵، ص ۲۴.
۲۰. منشور جاويد، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۸۱.
۲۱. احسن الحديث، ج ۷، ص ۲۴۴-۲۴۵.
۲۲. ترجمه الميزان، ج ۱۵، ص ۲۱۳-۲۲۰.
۲۳. مخزن العرفان، ج ۹، ص ۱۴۴-۱۴۵.
۲۴. تفسير آسان، ج ۱۴، ص ۱۳۷-۱۴۰.
۲۵. روان جاويد، ج ۴، ص ۴۵-۴۶.
۲۶. الفرقان فى تفسير القرآن (محمد صادق)، ج ۲۱، ص ۲۱۴-۲۲۵.
۲۷. الجديد، ج ۵، ص ۱۲۷.
۲۸. تفسير نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰-۵۳۲.
۲۹. اطيب البيان فى تفسير القرآن، ج ۹، ص ۵۵۵-۵۵۶.
۳۰. تفسير راهنما، ج ۱۲، ص ۳۱۹.
۳۱. الفرقان فى تفسير القرآن (روحانى)، ج ۱۲، ص ۲۴۵-۲۵۱.
۳۲. تفسير نور، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳۳. پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۲۱ الی آخر کتاب.

۳۴. انوار درخشان، ج ۱۸، ص ۴۰۷-۴۱۴.

در تفاسیر نورالثقلین، نعمانی، قمی و فتح القدير به ترتیب شباهت حضرت مهدی علیه السلام به انبیا و اولیا، رجعت کنندگان دوره رجعت و بحث اندیشه نجات بخشی در اسلام، مطرح گردیده است:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲. تفسیر نعمانی، ص ۸۷ و ص ۱۲۵.

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۱-۱۷۴.

۴. فتح القدير، ج ۴، ص ۵۵-۵۶.

مفسران اهل سنت نیز این آیه را با توجه به دیدگاه خود در زمینه آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی، تفسیر نموده‌اند:

۱. النکت والعیون، ج ۴، ص ۱۸۸.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۲۹۷-۳۰۰.

۳. البحر المحيط، ج ۶، ص ۴۳۱.

۴. تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۷۸-۸۰.

۵. السراج المنیر، ج ۲، ص ۶۳۶.

۶. تیسیر التفسیر، ج ۹، ص ۱۳۹.

۷. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۸. التیسیر فی احادیث التفسیر، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۹. فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۵۲۸-۲۵۳۰.

۱۰. الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۳۸۰۴-۳۸۱۴.

صاحب تفسیر روح المعانی نیز به نقد تفسیر شیعی از آیه فوق پرداخته است:

روح المعانی، ج ۱۸، ص ۲۰۵-۲۰۶.

سوره فرقان

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾؛ آن روز، فرمانروایی بحق، از آن [خدای] رحمان است و روزی است که بر کافران بسی دشوار است. (فرقان/۲۶)
عده ای از مفسران ذیل این آیه به آثار حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از جمله بسط توحید و اطاعت خداوند و محو ظلم اشاره نموده اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۱۲۳.
۲. کتذ الدقائق، ج ۹، ص ۳۸۵.
۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۶۰۵.

﴿الَّذِينَ يُخْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾؛ کسانی که - به رو درافتاده - به سوی جهنم رانده می شوند، آنان بدترین جای و گم‌ترین راه را دارند. (فرقان/۳۴)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیه به عواقب انکار امامت، نسب حضرت مهدی علیه السلام و شباهت آن حضرت به انبیا اشاره کرده است:
البرهان، ج ۴، ص ۱۳۲.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾؛ و اگر می خواستیم قطعاً در هر شهری هشداردهنده‌ای

برمی‌انگیختیم. (فرقان/۵۱)

در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، از این آیه در خصوص اثبات امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام استفاده شده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۶۳۵

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا﴾؛ و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. (فرقان/۵۴)

در تفسیر البرهان، با نقل روایتی، از این آیه در زمینه اجداد مبارک حضرت مهدی علیه السلام استفاده شده است:

البرهان، ج ۴، ص ۱۴۲.

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. (فرقان/۶۳)

یکی از مفسران از این آیه در زمینه نحوه برخورد امام مهدی علیه السلام با دشمنان بهره برده است:

تفسیر فوات کوفی، ج ۱، ص ۲۹۳.

سوره شعراء

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾؛ اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد. (شعراء/۴) گروهی از مفسران با نقل روایاتی این آیه را در زمینه ندای آسمانی (به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور) تفسیر نموده‌اند. در یکی از این روایات، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يُسْمِعُ الْفِتَاةَ فِي خُدُورِهَا وَيُسْمِعُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ».

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۸.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۳۵۸.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۹ - ۳۰.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۶۹.
۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۶.
۶. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۴۵۵ - ۴۵۸.
۷. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۳۷۵.
۸. المقتنیات الدرر، ج ۱، ص ۳۹.
۹. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۲۴۶.
۱۰. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۶۰ - ۶۱.

۱۱. اثنی عشری، ج ۹، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۱۲. احسن الحدیث، ج ۷، ص ۳۳۰.

۱۳. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵۳.

۱۴. تفسیر آسان، ج ۱۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۱۵. روان جاوید، ج ۴، ص ۹۷.

۱۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۱۳-۱۵.

۱۷. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳-۴.

برخی از مفسران ذیل این آیه به آثار ظهور اشاره می نمایند:

۱. تقریب القرآن الی الأذهان، ج ۱۹، ص ۴۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۸۸-۱۸۹.

از مفسران اهل سنت نیز به ندای آسمانی به عنوان یکی از نشانه های ظهور،

پرداخته است:

روح المعانی، ج ۱۹، ص ۶۰.

﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾؛ و چون از شما

ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

(شعراء/۲۱)

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ مُخَاطِباً لِلنَّاسِ»

﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي﴾. دو تن از مفسران این مطلب را ذیل آیه فوق نقل

نموده اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۱۷۳.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۹.

﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾؛ و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار.
(شعراء/۸۴)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیه با نقل روایتی به نسب حضرت مهدی و لغزش گاه‌های غیبت آن حضرت اشاره کرده است:
البرهان، ج ۴، ص ۱۷۴.

﴿وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ﴾؛ و چون حمله‌ور می‌شوید [چون] زورگویان حمله‌ور می‌شوید؟ (شعراء/۱۳۰)

صاحب تفسیر اطیب البیان ذیل این آیه به یکی از علائم ظهور حضرت با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام که به ابان بن تغلب فرمود: «کیف انت اذا وقعت البطشه بين مسجدین». سپس امام فرمود: مراد لشکر سفیانی است که در سرزمین بیداء دچار خسف می‌شود:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۶۸.

﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ﴾؛ مگر نمی‌دانی که اگر سال‌ها آنان را برخوردار کنیم، و آن گاه آنچه که [بدان] بیم داده می‌شوند بدیشان برسد، آنچه از آن برخوردار می‌شدند، به کارشان نمی‌آید [و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند]؟ (شعراء/۲۰۷)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ﴾، قال: خروج القائم، ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ﴾، قال: هم بنو أمية الذين مُتَّعُوا فِي دُنْيَاهُمْ». برخی از مفسران همین روایت را ذیل این آیه نقل نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۱۸۵.

۲. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۱۰.

۳. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۷۵.

۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۱۱۳.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده
و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته‌اند یاری خواسته‌اند. و کسانی که
ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشت‌گاه برخواهند گشت. (شعراء/۲۲۷)
سه تن از مفسران ذیل ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾، با ذکر روایتی از
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به انتقام گرفتن حضرت مهدی علیه السلام از جاحدین حق اهل بیت، اشاره
کرده‌اند:

البرهان، ج ۴، ص ۱۹۵

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۱۲۸-۱۲۹.

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۰۲-۱۰۳.

سید ابراهیم بروجرودی نیز ذیل این آیه علاوه بر مطلب فوق به عواقب انکار

امامت پرداخته است:

تفسیر جامع، ج ۵، ص ۸۹-۹۳.

سوره نمل

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ * وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِّنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّا هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ؛ و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: «ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داده است.» و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت: «ای مردم، ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است. راستی که این همان امتیاز آشکار است.» (نمل/۱۶)

برخی از مفسران ذیل این آیات به مطالبی راجع به ظهور و رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۶.
۲. منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۰.
۳. البرهان، ج ۴، ص ۲۰۴.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۹.
۵. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۲۰.

﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِأَسْسِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾؛ گفتند: «ما

سخت نیرومند و دلاوریم، و [لی] اختیار کار با توست، بنگر چه دستور می‌دهی؟» (نمل/۳۳)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ وَمَا يَكُونُ أَوْلَى قُوَّةٍ إِلَّا عَشْرَةَ آلَافٍ». مفسرانی که این روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۶۵.
۲. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۵۹.
۳. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۴۲۳.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾؛ یا [کیست] آن کس که درمانده را -چون وی را بخواند- اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می‌پذیرید. (نمل/۶۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرَّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ، وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ بِكَشْفِ السُّوءِ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ». گروهی از مفسران همین روایت را با توضیحاتی در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۹.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۴۳۵ - ۴۳۶.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۱.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۲۲۴.
۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴.
۶. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۰ - ۵۸۲.
۷. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۴۳۶.
۸. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۳۰ و ص ۴۲۳.

۹. احسن الحديث، ج ۷، ص ۴۸۲.
۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۵۶۰.
۱۱. تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۱۰۰.
۱۲. روان جاوید، ج ۴، ص ۱۶۰.
۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۳۸ - ۲۴۳.
۱۴. الجديد، ج ۵، ص ۲۴۸.
۱۵. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱.
۱۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.
۱۷. تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۴۳.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنَا لَمُخْرَجُونَ﴾؛ و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم، آیا حتماً [زنده از گور] بیرون آورده می‌شویم؟ (نمل/۶۷) صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به اثبات امکان رجعت پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

﴿وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾؛ و بر آنان غم مخور، و از آنچه مکر می‌کنند تنگدل مباش. (نمل/۷۰)

یکی از مفسران ذیل این آیه اشاعه ظلم و فساد را به عنوان یکی از نشانه های ظهور تبیین نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛ و هیچ پنهانی در آسمان و زمین

نیست، مگر این که در کتابی روشن [درج] است. (نمل/۷۵)

سید عبدالحسین طیب ذیل این آیه به عدم تعیین وقت ظهور اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۱-۱۸۲.

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا

يُوقِنُونَ﴾؛ و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون

می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند.

(نمل/۸۲)

به مناسبت ذکر «دابة الارض» در این آیه، مفسران به نقل توضیحاتی درباره دابة الارض پرداخته‌اند. دسته اول خروج دابة الارض را یکی از اشراط الساعة دانسته و به ذکر مصداق آن پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۷۵.

۳. تفسیر گازر، ج ۷، ص ۱۴۳.

۴. البرهان، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۳۰.

۵. کثر الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۸-۵۹۴.

۶. فتح القدير، ج ۴، ص ۱۷۴-۱۷۶.

۷. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۳۵.

۸. حجة التفاسیر، ج ۵، ص ۱۹.

۹. احسن الحديث، ج ۷، ص ۴۹۶-۴۹۷ و ص ۵۰۵-۵۰۶.

۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۵۸۱.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۵۹-۲۶۷.

۱۲. الجديد، ج ۵، ص ۲۴۵.

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۷-۵۵۵.

۱۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۱۵. تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۵۸.

دسته دیگری از مفسران به بیان جزئیاتی در خصوص خروج دابة الارض به عنوان یکی از اشراط الساعة پرداخته‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۱۹.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۵-۳۶۶.

۳. مواهب علیه، ج ۳، ص ۳۵۲.

۴. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳.

۵. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵.

۶. تفسیر صفی، ص ۵۴۴.

۷. المقتنیات الدرر، ج ۸، ص ۱۱۱.

۸. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۲۹۷.

۹. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۲۰، ص ۲۴.

۹. منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۴۲-۲۵۲.

۱۰. المنیر، ج ۶، ص ۱۸۶.

۱۱. مخزن العرفان، ج ۹، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۱۲. تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۱۱۴-۱۱۶.

۱۳. روان جاوید، ج ۴، ص ۱۶۶.

۱۴. المعین، ص ۳۴۸.

۱۵. الغیب و الشهاده، ج ۵، ص ۱۱۹.

مفسران اهل سنت نیز خروج دابة الارض را به عنوان یکی از اشراط الساعة قلمداد نموده‌اند و دسته ای از آنان ذیل این آیه ویژگی‌هایی از دابة الارض را ذکر کرده‌اند:

۱. تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۴-۸۵.
 ۲. النکت والعیون، ج ۴، ص ۲۲۶-۲۲۷.
 ۳. زادالمسیر، ج ۳، ص ۳۶۹-۳۷۱.
 ۴. رحمة من الرحمن، ج ۳، ص ۲۹۱-۲۹۲.
 ۵. انوار التنزیل، ج ۳، ص ۲۹۰.
 ۶. غرائب القرآن، ج ۱۰، ص ۱۶-۱۷.
 ۷. نظم الدرر، ج ۵، ص ۴۵۱-۴۵۲.
 ۸. الدر المنتور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۳۸۰-۳۸۳.
 ۹. الفواتح الالهیه، ج ۲، ص ۷۲.
 ۱۰. السراج المنیر، ج ۳، ص ۷۴-۷۵.
 ۱۱. الفتوحات الالهیه، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۸.
 ۱۲. صفوة التفاسیر، ج ۲، ص ۴۱۸.
 ۱۳. مواهب الرحمن، ج ۶، ص ۲۱۱.
- گروهی دیگر به بیان جزئیاتی از خروج دابة الارض اکتفا کرده‌اند:
۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۳، ص ۲۶۵.
 ۲. بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۰۵.
 ۳. المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۲۷۰.
 ۴. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۳۴-۲۳۸.
 ۵. تفسیر خازن، ج ۳، ص ۳۵۲-۳۵۳.
 ۶. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۳، ص ۱۰۰.
 ۷. البحر المحیط، ج ۷، ص ۹۱.
 ۸. تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۱۰.
 ۹. الجواهر الحسان، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۶.

۱۰. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۷، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.
 ۱۱. روح البیان، ج ۶، ص ۳۷۲.
 ۱۲. حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۴، ص ۱۵۱۰.
 ۱۳. روح المعانی، ج ۱۱، ص ۳۳.
 ۱۴. تیسیر التفسیر، ج ۹، ص ۳۸۱ - ۳۸۳.
 ۱۵. محاسن التأویل، ج ۱، ص ۸۶ - ۸۸.
 ۱۶. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۵۱ - ۲۵۲.
 ۱۷. تفسیر مراغی، ج ۷، ص ۲۲.
 ۱۸. تیسیر الکریم الرحمن، تک جلدی، ص ۵۵۹.
 ۱۹. التیسیر فی احادیث التفسیر، ج ۴، ص ۴۷۰ - ۴۷۲ و ص ۴۶۷ - ۴۶۸.
 ۲۰. التفسیر الفرید، ج ۳، ص ۲۳۴۵.
 ۲۱. التحریر والتئیر، ج ۱۹، ص ۳۱۰.
 ۲۲. الوسیط، ج ۱۰، ص ۳۵۸.
 ۲۳. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱۰، ص ۴۰۲.
 ۲۴. الاساس فی التفسیر، ج ۳، ص ۱۷۹۷ و ج ۷، ص ۴۰۴۷.
- در کنار مطلب قبل، یکی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به نقد و انکار بحث
عت پرداخته است:
- روح المعانی، ج ۲۰، ص ۲۴

﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءُ قَالَ
بِئْسَ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا
يُؤْنَسُونَ﴾؛ و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور
گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم پیوندند. تا چون [همه کافران] ببینند،

[خدا] می‌فرماید: «آیا نشانه‌های مرا به دروغ گرفتید و حال آن‌که از نظر علم، بدانها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول حیات] چه می‌کردید؟» و به [کیفر] آن‌که ستم کردند، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد، در نتیجه ایشان دم برنیارند. (نمل/۸۵)

به مناسبت ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ مفسران شیعه رجعت را اثبات کرده و دسته ای «امکان» رجعت را متضاد گردیده‌اند. از قبیل:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱.
 ۲. تفسیر نعمانی، تک جلدی، ص ۸۶.
 ۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۲۰.
 ۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۶-۳۶۷.
 ۵. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۴۹-۵۹۷.
 ۶. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۳۶-۱۳۸.
 ۷. مخزن العرفان، ج ۹، ص ۳۷۱-۳۷۲.
 ۸. تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۱۱۶-۱۱۸.
 ۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۹-۱۹۲.
- گروهی دیگر به اثبات «وقوع» رجعت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر گازر، ج ۷، ص ۱۴۵.
۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۰-۱۰۱.
۳. المقتنیات الدرر، ج ۸، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۴. احسن الحدیث، ج ۷، ص ۴۹۸ و ص ۵۰۶-۵۰۷.

دسته سوم هم به رجعت کنندگان در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پس از آن اشاره کرده‌اند:

۱. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۰۳.
۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۷۷.

۳. منهج الصادقين، ج ۷، ص ۵۹.
 ۴. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۴۴۴ - ۴۴۶.
 ۵. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ - ۷۷.
 ۶. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۲۹۸.
 ۷. روان جاوید، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۶۸.
 ۸. انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۱۷۷ و ص ۱۷۰.
 ۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۶۷.
 ۱۰. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۸ - ۵۶۲.
 ۱۱. تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۶۰.
- گروهی دیگری نیز به کلیاتی در زمینه «رجعت» پرداخته‌اند:
۱. الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۴۴۳.
 ۲. تفسیر شبر، ج ۱، ص ۳۴۸.
 ۳. الجدید، ج ۵، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.
- صاحب تفسیر تقریب القرآن ذیل این آیه به برخورد امام با دشمنان در ایام ظهور پرداخته است:
- تقریب القرآن الی الأذهان، ج ۲۰، ص ۲۶.
- آلوسی (از مفسران اهل سنت) ذیل این آیه به نقد بحث رجعت پرداخته است:
- روح المعانی، ج ۲۰، ص ۲۶ - ۲۸.

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ
شَيْءٍ دَاخِرٍ﴾؛ و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است به
اس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد. و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند. (نمل/۸۷)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن این آیه را شاهد بر رجعت می‌داند:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۹۳-۱۹۴.

در تفسیر احسن الحدیث خروج دابة الارض وحشر گروهی از مکذبین، به عنوان یکی از اشراط الساعة ذکر شده است:

احسن الحدیث، ج ۷، ص ۵۰۰.

برخی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۲۱۶.

۲. الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۰۴۸ و ج ۹، ص ۴۹۱۱.

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾؛ و کوه‌ها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آن‌که آنها ابرآسا در حرکتند. [این] صُنِعَ خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (نمل/۸۸)

در تفسیر احسن الحدیث، ذیل این آیه به مطالبی در خصوص خروج دابة الارض و رجعت اشاره شده است:

احسن الحدیث، ج ۷، ص ۵۰۱.

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾؛ و بگو: «ستایش از آن خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت.» و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست. (نمل/۹۳)

برخی از مفسران در تفسیر ﴿سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ﴾ آیات را ائمه علیهم السلام دانسته‌اند که به دنیا رجعت خواهند نمود:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۴۵۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۹.
 ۳. البرهان، ج ۴، ص ۲۳۶.
 ۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۶.
 ۵. کنز الدقائق، ج ۹، ص ۶۰۷.
 ۶. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۳۰۱.
 ۷. روان جاوید، ج ۴، ص ۱۷۰.
 ۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۸۱.
 ۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۰۰.
- در برخی از تفاسیر اهل سنت نیز خروج دابة به عنوان یکی از اشراط الساعة مطرح شده است:

۱. انوار التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۳.
۲. تیسیر التفسیر، ج ۹، ص ۳۹۵.

سوره قصص

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت؛ پسرانشان را سر می‌برید، و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت، که وی از فسادکاران بود. (قصص/۴)

برخی از مفسران ذیل این آیه با بیان روایاتی به ذکر برخی شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام به انبیا و اوصیا پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۸۱ و ص ۲۸۹.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَتَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾؛ وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم، و در زمین قدرتشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم. (قصص/۶۱)

امام علی علیه السلام در تفسیر آیات فوق می‌فرمایند: «هُم آلُ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزَّهُمْ وَيُذِلُّ أَعْدَاءَهُمْ». در روایت دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهم السلام فَبَكَى وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾».

هم چنین در الا کمال و الغیبه آمده است: «إِنَّ الْقَائِمَ علیه السلام لَمَّا تَوَلَّدَ نَطَقَ بِهَذِهِ الْآيَةِ». مفسران با نقل روایات فوق، بشارت به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را استنباط نموده اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۳ - ۱۳۴.
۲. تفسیر نعمانی، ص ۸۷.
۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.
۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵.
۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۹۴.
۶. تفسیر گازر، ج ۷، ص ۱۵۲.
۷. منهج الصادقین، ج ۷، ص ۷۱.
۸. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۴۵۳ - ۴۵۴.
۹. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۰ - ۸۱.
۱۰. البرهان، ج ۴، ص ۲۵۰.
۱۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۲.
۱۲. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۲۹ - ۳۵.
۱۳. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۸.
۱۴. المقتنیات الدرر، ج ۸، ص ۱۲۱.
۱۵. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۵۱ - ۱۵۶.
۱۶. من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۴ - ۲۶۵.

۱۷. احسن الحديث، ج ۱، ص ۱۳ و ص ۱۸.
 ۱۸. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷.
 ۱۹. مخزن العرفان، ج ۹، ص ۳۸۲.
 ۲۰. آسان، ج ۱۵، ص ۱۲۹ و ص ۱۳۴-۱۳۷.
 ۲۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۱۷۲.
 ۲۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۲۹۴-۲۹۸.
 ۲۳. الجدید، ج ۵، ص ۲۶۵.
 ۲۴. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷-۱۸.
 ۲۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۰۶-۲۰۷.
 ۲۶. تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۷.
 ۲۷. پیام قرآن، ج ۴، ص ۱۴۸.
 ۲۸. انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۱۸۸.

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَأُوتِيَتْهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ * فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ﴾؛ و به مادر موسی وحی کردیم که: «او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می گردانیم و از [زمره] پیمبران قرار می دهیم.» پس خاندان فرعون، او را [از آب] برگرفتند تا سرانجام دشمن [جان] آنان و مایه اندوهشان باشد. آری، فرعون و هامان و لشکریان آنها خطاکار بودند. (قصص/۸)

در تفسیر نورالثقلین، ذیل این آیات به شباهت ولادت امام مهدی علیه السلام به انبیا اشاره شده است:

نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۲.

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛ موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می] گفت: «پروردگارا، مرا از گروه ستم‌کاران نجات بخش.» (قصص/۲۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به «مضطر» به عنوان یکی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام اشاره کرده است:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

﴿قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيلٌ﴾
[موسی] گفت: «این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر یک از دو مدت را به انجام رسانیدم، بر من تعدی [روا] نباشد، و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است.» (قصص/۲۸)
بعضی از مفسران ذیل این آیه به شباهت حضرت مهدی علیه السلام به انبیا و اوصیا، و میراث داری ایشان از انبیا و اوصیا پرداخته است:

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۴.

۲. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾؛ و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. (قصص/۵۱)
ذیل این آیه به ضرورت امامت ائمه معصومین و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۵۰ - ۲۵۱.

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ و

پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند، و آنان اختیاری ندارند. منزّه است خدا، و از آنچه [با او] شریک می گردانند برتر است. (قصص ۶۸)

در روایتی از امام مهدی علیه السلام آمده است «إِنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْعَلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ الْإِمَامِ لِأَنْفُسِهِمْ، قَالَ: مُصْلِحٌ أَمْ مُفْسِدٌ؟ قُلْتُ: مُصْلِحٌ قَالَ: هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَسْقَعَ خَيْرَتَهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فِسَادٍ، قُلْتُ: بَلَى، قَالَ علیه السلام فَهِيَ الْعَلَّةُ أَوْ أَوْرَدَهَا...».

برخی از مفسران مشروح این روایت را در تفسیر آیه فوق آورده اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۰۰.
۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۳۶.
۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۳۸۷.
۴. الجدید، ج ۵، ص ۳۰۱.

﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾؛ و از میان هر امتی گواهی بیرون می کشیم و می گوئیم: «برهان خود را بیاورید.» پس بدانند که حق از آن خداست، و آنچه برمی بافتند از دستشان می رود. (قصص ۷۵)

مفسران اطیب البیان و تفسیر نور از ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا﴾ عرضه اعمال بر امام را استنباط نموده است:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۷۴.
 ۲. تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۷.
- ابن عربی نیز در تفسیر خود به بازگشت پیامبری از هر امت در زمان خروج حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:
۳. تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۱۲۰.

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟» (قصص/۸۵)

امام سجاد علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «قال: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةُ عليهم السلام». امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «رَجِمَ اللَّهُ جَابِرًا لَقَدْ بَلَغَ مِنْ عِلْمِهِ إِنَّهُ كَانَ يَعْرِفُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ يَعْنِي الرَّجْعَةَ». گروهی از مفسران هر دو روایت را در تفسیر آیه فوق آورده و از آن اعتقاد به «رجعت» را استنباط کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۷.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۵۰۲.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۰۷.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۲.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۱۰۷-۱۰۹.
۶. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۴۴.
۷. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۲۰۴.
۸. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۱۹۲.
۹. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۹۵.
۱۰. آسان، ج ۱۵، ص ۲۲۲.
۱۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۲۱۲.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۲، ص ۴۱۴-۴۱۶.
۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۸۵.
۱۴. تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۰۲.

گروهی از مفسران تنها روایت دوم را نقل نموده‌اند:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۸۷
۲. تفسیر شبر، ص ۳۹۶
۳. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۳۳۴
۴. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۱۴۱
۵. انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۲۹۶

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می‌شوید. (قصص/۸۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مناسبت ﴿إِلَّا وَجْهَهُ﴾ بقیه الله را به عنوان چهره ماندنی و باقی مطرح نموده‌اند:

۱. تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۰۶-۱۰۷
۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۴، ص ۲۵۴

سوره عنكبوت

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ آیا مردم پنداشتند که تا

گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (عنكبوت/۲)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ذکر توقیعی از امام زمان علیه السلام پرداخته‌اند که در آن

ابتلای مردم به فتنه بیان شده است:

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۴۷.

۲. کتر الدقائق، ج ۱۰، ص ۱۱۸-۱۲۱.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۱۳.

مفسر اثنی عشری نیز به وضعیت مردم در آستانه ظهور پرداخته است:

اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۲۰۰.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ

جاء نصرٌ من ربِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ﴾؛ و از میان

مردم کسانی‌اند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش

مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت:

«ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست؟ (عنكبوت/۱۰)

برخی از مفسران ﴿نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ﴾ را به امام زمان علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۹.
۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۱۲.
۳. البرهان، ج ۴، ص ۳۰۸.
۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۵۳.
۵. الجواهر الثمین، ج ۵، ص ۵۰.
۶. روان جاوید، ج ۴، ص ۲۱۸.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾؛ و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان آنها را در حالی که ستم‌کار بودند فراگرفت. (عنکبوت/۱۴)

به مناسبت عمر طولانی حضرت نوح علیه السلام برخی از مفسران به اثبات امکان عمر طولانی برای انسان پرداخته‌اند:

۱. احسن الحدیث، ج ۸، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۳۴.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾؛ آیا ندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند؟ در حقیقت، این [کار] بر خدا آسان است. (عنکبوت/۱۹)

محمد جواد نجفی ذیل این آیه با ذکر نام برخی از معمرین طول عمر امام مهدی علیه السلام را نتیجه گرفته است:

تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ﴾؛ و هم چنین ما قرآن را بر تو نازل کردیم. پس آنان که بدیشان کتاب داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند، و از میان اینان کسانی‌اند که به آن می‌گروند، و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند. (عنكبوت/۴۷)

صاحب تفسیر آسان، ذیل این آیه با توجه به جمله ﴿يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ که برای استمرار و آینده می‌باشد نتیجه می‌گیرد که تمام اهل کتاب بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به قرآن ایمان می‌آوردند:

تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۲۸۵ - ۲۸۶.

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾؛ بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم [الهی] یافته‌اند، و جز ستمگران منکر آیات ما نمی‌شوند. (عنكبوت/۴۹)

مردی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه فوق سؤال کرد. حضرت فرمودند: «نحن هم، فقال الرجل: جعلت فداك، حتى يقوم القائم؟ قال عليه السلام: كلنا قائم بأمر الله عز وجل واحد بعد واحد حتى يجيء صاحب السيف، فإذا جاء صاحب السيف جاء أمر غير هذا» برخی از مفسران همین روایت را نقل نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۳۲۸.

۲. كنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

۳. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۲۲۹.

دو تن از مفسران اهل سنت به خروج دجال به عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره نموده است:

۱. كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۷، ص ۴۰۶.

۲. روح البیان، ج ۶، ص ۴۸۲.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است. (عنکبوت/۶۹)

امام علی علیه السلام بعد از جنگ نهروان در خطبه ای طولانی با اشاره به این که خداوند در قرآن اسامی متعددی را به ایشان اختصاص داده است، فرمودند: «و أنا المحسن، يقول الله عزوجل: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ در ادامه همین خطبه حضرت می‌فرمایند: «و من ولدي مهدي هذه الأمة».

دو تن از مفسران این مطلب را ذیل آیه فوق آورده‌اند که حاکی از نسب حضرت مهدی علیه السلام است:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۲۳۷-۲۳۸.

مفسر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به وضعیت احکام شرعی در دوره غیبت کبری پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۵۵.

سوره روم

﴿غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾؛ رومیان شکست خوردند، در نزدیک ترین سرزمین، و[الی] بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید. [فرجام] کار در گذشته و آینده از آن خداست، و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند. هر که را بخواهد یاری می کند، و اوست شکست ناپذیر مهربان. (روم/۵)

امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ﴾ فرموده اند: «هم بنو أمیة» فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون، فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بعز الله، عند قیام القائم». مفسرانی که این روایت را نقل کرده اند عبارتند از:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۳۳۵.
۲. کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.
۳. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۲۴۹.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (روم/۳۰)

صاحب تفسیر انوار در خشان ذیل این آیه به واسطه فیض بودن ائمه معصومین علیهم السلام و از جمله امام مهدی علیه السلام پرداخته است:
انوار در خشان، ج ۱۲، ص ۴۳۳.

﴿فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لُمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست. (روم/۵۰)

در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن از ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ جهت اثبات و امکان رجعت استفاده شده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

سوره لقمان

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾؛
آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم درباره خدا بی [آن‌که] دانش و رهنمود و کتابی روشن [داشته باشند] به مجادله برمی‌خیزند.
(لقمان/۲۰)

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «النعمة الظاهرة الإمام الظاهر، والباطنة الإمام الغائب».

برخی از مفسران به توضیح همین روایت در تفسیر آیه فوق اکتفا کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۵۸۳.
۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۴۸.
۳. البرهان، ج ۴، ص ۳۷۶.
۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۱۲.
۵. كنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۲۶۱.
۶. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۱۰۹.
۷. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۳۸۲.
۸. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۲۸۲ - ۲۹۳.

۹. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۲۵۹.
۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۷.
۱۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۲۷۸.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

سوره سجده

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾؛ کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین، اداره می‌کند آن گاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش - آن چنان که شما [آدمیان] برمی‌شمارید - هزار سال است، به سوی او بالا می‌رود. (سجده/۵)

صدر المتألهین ذیل این آیه به آثار ظهور اشاره کرده است:

تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۸ ص ۶۰.

﴿وَلَنُنذِرَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم، امید که آنها [به خدا] بازگردند. (سجده/۲۱)

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ هُوَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله».

گروهی از مفسران با نقل این روایت به نحوه برخورد امام مهدی علیه السلام با دشمنان در ایام ظهور اشاره نموده‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸ ص ۳۰۶.

۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۳. تفسیر گازر، ج ۷، ص ۲۹۴.
۴. مواهب علیه، ج ۳، ص ۴۶۱.
۵. منهج الصادقین، ج ۷، ص ۲۷۲.
۶. تقرب القرآن الی الاذهان، ج ۲۱، ص ۱۱۶.
۷. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۳۱۶.
۸. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۳۹۱.
۹. الجدید، ج ۵، ص ۴۱۲.

برخی دیگر از مفسران «العذاب الأذنی» را عذاب رجعت بالسیف تفسیر نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۰.
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۶۰۱.
 ۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۵۸.
 ۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۲.
 ۵. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۱۲۵.
 ۶. تفسیر شبر، ص ۴۱۶.
 ۷. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۳۹۲.
 ۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۲۹۹.
- گروهی دیگری از مفسران به هر دو موضوع فوق اشاره کرده‌اند:
۱. کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۳۰۳.
 ۲. روان جاوید، ج ۴، ص ۲۹۵.
 ۳. البصائر، ج ۳۱، ص ۴۵۲ و ص ۳۹۶.
- دسته دیگر عذاب ادنی را خروج دابة الارض و دجال تفسیر نموده‌اند:
۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۲۰.

۲. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۹۳.

۳. تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۱، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۴. المقتنیات الدرر، ج ۱، ص ۲۶۸.

۵. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۲۹۴.

۶. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۴۰۶.

برخی از مفسران اهل سنت نیز عذاب اکبر را به خروج مهدی علیه السلام با سیف تفسیر نموده‌اند، از جمله:

۱. النکت والعیون، ج ۴، ص ۳۶۵.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.

۳. البحر المحیط، ج ۷، ص ۱۹۸.

۴. روح البیان، ج ۷، ص ۱۲۴.

۵. تیسیر التفسیر، ج ۱۰، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

صاحب تفسیر التفسیر الحدیث مراد از عذاب را خروج دجال و دابة الارض در آخر الزمان می‌داند:

التفسیر الحدیث، ج ۶، ص ۲۲۹.

ألوسی علاوه بر موارد فوق، عذاب اکبر را عذاب در قیامت تلقی کرده است:

روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۳۵.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾؛ و به

راستی [ما] به موسی کتاب دادیم. پس در لقای او [یا خدا] تردید مکن، و آن [کتاب] را برای

فرزندان اسرائیل [مایه] هدایت قرار دادیم. (سجده/۲۳)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به رجعت کنندگان اشاره

کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۶۵.

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ
وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ * وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ * فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ﴾؛ آیا
ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم، و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که
دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟ مگر نمی‌بینند؟ و می‌پرسند: «اگر راست می‌گویید، این
پیروزی [شما] چه وقت است؟» بگو: «روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد
و آنان مهلت نمی‌یابند.» پس، از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند.
(سجده/۳۰)

برخی از مفسران یکی از مصادیق ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ﴾ را روز رجعت دانسته و به همین
مناسبت به بحث رجعت کنندگان در ایام ظهور پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۶۰۴-۶۰۵.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۶۰.

۳. البرهان، ج ۴، ص ۴۰۲-۴۰۳.

۴. روان جاوید، ج ۴، ص ۲۹۸.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۳۰۵.

۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۶۹-۲۷۰.

گروهی دیگر از مفسران با استناد به حدیث امام صادق علیه السلام روز فتح دنیا به دست

حضرت قائم علیه السلام را ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ﴾ دانسته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۴۰۲-۴۰۳.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۳. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۴. البصائر، ج ۳۱، ص ۴۵۴ و ص ۴۰۱.

برخی از مفسران نیز از این آیه رجعت و بشارت ظهور را استنباط نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۳.

۳. البجدید، ج ۵، ص ۴۱۵.

برخی دیگر از مفسران ذیل این آیه به وقایع ایام ظهور، فضیلت انتظار و آثار

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۸، ص ۱۵۱.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۶۰۴-۶۰۵.

۳. من هدی القرآن، ج ۱۰، ص ۲۴۰-۲۴۱.

یکی از مفسران اهل سنت نیز «یَوْمَ الْفَتْحِ» را ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند:

تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۱۳۹.

سوره احزاب

﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾؛ پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک‌تر] است و همسرانش مادران ایشانند، و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا، بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند]، مگر آن‌که بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید، و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است. (احزاب/۶)

حضرت مهدی علیه السلام در روایتی به تشریح معنای «طلاق» پرداخته‌اند. برخی از مفسران همین مطلب را در تفسیر آیه فوق ذکر کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۶۷.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۰۷.

۴. البصائر، ج ۳۲، ص ۳۴۹.

گروه دیگری از مفسران از این آیه به ولایت تشریحی، به عنوان یکی از ویژگی‌های عام امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. المنیر، ج ۶، ص ۲۷۷-۲۸۴.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۳، ص ۳۷-۴۲.

۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳، ص ۴۱۰.

برخی دیگر از مفسران از این آیه برای اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام نیز بهره

برده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۴۱۵.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۳. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۳۲۹.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ
وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾؛ و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و

ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم. (احزاب/۷)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به اخذ پیمان از انبیا و

اوصیا بر امامت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷۸.

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾؛ آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار

گرفتند و سخت تکان خوردند. (احزاب/۱۱)

دو تن از مفسران ذیل این آیه به مناسبت ابتلای مؤمنین، با نقل حدیثی از

امام علی علیه السلام به وضعیت مردم در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۴۴.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۴۳.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۴، ص ۶۳.

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ أَجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ

وَأَطِيعَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بر پا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. (احزاب/۳۳)

حضرت رسول ﷺ هنگام نزول این آیه به امام علی علیه السلام فرمودند: «یا علی هذه الآیة فیک وفي سبطی والأئمة من ولدک، فقلت: یا رسول الله وکم الأئمة بعدک؟ قال ﷺ أنت یا علی ثم ابنک الحسن والحسین و بعد الحسن علی ابنه و بعد علی محمد ابنه، و بعد محمد جعفر ابنه، و بعد جعفر موسی ابنه، و بعد موسی علی ابنه، و بعد علی محمد ابنه، و بعد محمد علی ابنه، و بعد علی الحسن ابنه، والحجة من ولد الحسين علیه السلام». مفسران با نقل این روایت، عصمت ائمه اطهار و از جمله امام مهدی علیه السلام را استنباط نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۴۴۴.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۷۲.

۳. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۴. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۳۵۴.

۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰۲.

۶. البصائر، ج ۳۲، ص ۴۰۱ و ص ۳۶۰ و ص ۱۱۸.

۷. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳، ص ۲۲۵.

از مفسران اهل سنت آلوسی ذیل این آیه به طرح یک بحث انحرافی از مهدویت پرداخته است:

روح المعانی، ج ۲۲، ص ۲۰.

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛

خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به

فرمانش به خوبی گردن نهید. (احزاب/۵۶)

صاحب تفسیر البصائر ذیل این آیه به صلوات خاص ائمه اطهار و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

البصائر، ج ۳۲، ص ۶۴۱-۶۴۵.

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾؛ مردم از تو در باره رستاخیز می پرسند بگو: «علم آن فقط نزد خداست.» و چه می دانی؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد. (احزاب/۶۳)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به عدم تعیین وقت ظهور اشاره کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۳۰.

و صاحب تفسیر القرآن و العقل و زمان ظهور و رجعت و قیامت را جزء مراتب ساعه قلمداد نموده است:

القرآن و العقل، ج ۳، ص ۴۷۲.

اسماعیل حقی - از مفسران اهل سنت - اشاعه ظلم و فساد را به عنوان یکی از اشراط الساعه نقل نموده است:

روح البیان، ج ۷، ص ۲۴۳.

سوره سبأ

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّاماً آمِنِينَ﴾؛ آیا [این مرد] بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟ « [نه] بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دور و درازند. (سبأ/۱۸)

از امام مهدی علیه السلام درباره روایت اجداد شریفشان سؤال شد که فرموده بودند: «خَدَامَنَا وَقَوْمَنَا شَرَارَ الْخَلْقِ» حضرت در پاسخ ضمن کتابت آیه فوق مرقوم فرمودند: «نَحْنُ وَاللَّهِ الْقُرَى الَّذِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا وَأَنْتُمْ الْقُرَى الظَّاهِرَةُ». دو تن از مفسران این روایت را نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۱۷.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۱.

برخی دیگر از مفسران ضمن نقل روایت قبل به آثار ظهور هم اشاره کرده‌اند:

۱. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۴۸۶-۴۸۷.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۵۶.

۳. البصائر، ج ۳۲، ص ۱۰۰۵-۱۰۰۷.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ؛ و کسانی که کافر شدند گفتند: «نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است هرگز ایمان نخواهیم آورد.» و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند می‌دیدید [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفت‌وگو می‌کنند کسانی که زیر دست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، می‌گویند: «اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم.» (سبأ/۳۱)

طنطاوی در تفسیر خود ذیل این آیه به بیان برداشتی انحرافی از مهدویت و در نهایت انکار مهدویت پرداخته است:

الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۹۰-۲۰۴.

﴿قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ * وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ قُرْعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ * وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ﴾؛ بگو: «اگر گمراه شوم، فقط به زبان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یابم [این از برکت] چیزی است که پروردگارم به سویم وحی می‌کند، که اوست شنوای نزدیک.» و ای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت زده‌اند [آنجا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند. و می‌گویند: «به او ایمان آوردیم.» و چگونه از جایی [چنین] دور، دست یافتن [به ایمان] برای آنان میسر است؟ و حال آن‌که پیش از این منکر او شدند، و از جایی دور، به نادیده [تیر تهمت] می‌افکندند. و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می‌خواستند حایلی قرار می‌گیرد همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت، زیرا آنها [نیز] در دودلی سختی بودند. (سبأ/۵۴)

بسیاری از مفسران شیعه ذیل این آیات به خروج سفیانی و مسائل پیرامون آن اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۲۱-۶۲۲.
۳. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۶۱.
۴. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۶، ص ۱۵.
۵. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۵۱.
۶. مواهب علیہ، ج ۳، ص ۵۱۱.
۷. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۷۰۱-۷۰۴.
۸. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۲۷.
۹. البرهان، ج ۴، ص ۵۲۸-۵۳۰.
۱۰. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۳.
۱۱. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۵۲۱-۵۲۳.
۱۲. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۱۹۳.
۱۳. تفسیر شبر، ص ۴۳۴.
۱۴. فتح القدير، ج ۴، ص ۳۸۵-۳۸۶.
۱۵. المقتنیات الدرر، ج ۹، ص ۳۳.
۱۶. نفحات الرحمن، ج ۳، ص ۴۴۸.
۱۷. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۴۲۲-۴۲۳.
۱۸. اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۵۵۱-۵۵۲.
۱۹. تفسیر عاملی، ج ۷، ص ۳۹۶.
۲۰. احسن الحدیث، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۸.
۲۱. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۵۹۲-۵۹۳.
۲۲. مخزن العرفان، ج ۱۰، ص ۳۱۱-۳۱۲.
۲۳. تفسیر آسان، ج ۱۶، ص ۲۰۴.
۲۴. من هدی القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰۰.

۲۵. روان جاوید، ج ۴، ص ۳۷۳.
۲۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۲۴، ص ۲۸۶ - ۲۸۸.
۲۷. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۵۳ - ۱۵۴.
۲۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۸۱.
۲۹. تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۹۲.
۳۰. البصائر، ج ۳۲، ص ۱۰۲۳.
- مفسران اهل سنت نیز به خروج سفیانی و خسف به بیداء اشاره نموده‌اند:
۱. بحر العلوم، ج ۳، ص ۷۸.
 ۲. النکت و العیون، ج ۴، ص ۴۵۸.
 ۳. زاد المسیر، ج ۳، ص ۵۰۳ - ۵۰۴.
 ۴. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۳۱۴ - ۳۱۵.
 ۵. تفسیر خازن، ج ۳، ص ۴۵۱.
 ۶. البحر المحیط، ج ۱۷، ص ۲۷۹.
 ۷. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۷۱۲.
 ۸. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۷، ص ۵۶۲ - ۵۶۳.
 ۹. روح البیان، ج ۷، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
 ۱۰. حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۵، ص ۱۶۸۳.
 ۱۱. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۵۷.
 ۱۲. تیسیر التفسیر، ج ۱۰، ص ۴۰۴.
 ۱۳. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۵۴۳.

سوره فاطر

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾؛ ما تو را به حق، [به سَمَتِ] بشارت‌گر و هشدار دهنده گسیل داشتیم، و هیچ امتی نبوده مگر این‌که در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است. (فاطر/۲۴)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ضرورت امامت ائمه دوازده گانه و از جمله امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۳۸۴.
۲. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۳۰.
۳. الجدید، ج ۵، ص ۵۰۷.
۴. تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۹۲.

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾؛ سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستم‌کارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است. (فاطر/۳۲)

برخی از مفسران به دو ویژگی حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند: یکی میراث‌دار

بودن ایشان از انبیا و اوصیا و دیگری ولایت:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۴، ص ۳۴۰ - ۳۴۳.

۲. انوار درخشان، ج ۱۳، ص ۳۱۸ - ۳۱۹.

﴿إِسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾؛ [انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت] شوم [پیشینیان را انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. (فاطر/۴۳)]
یکی از مفسران ذیل این آیه به گستره حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

منشور جاوید، ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۵۸.

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾؛ و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد، و چون اجلشان فرا رسد خدا به [کار] بندگانش بیناست. (فاطر/۴۵)

در تفسیر جامع، ذیل این آیه برخورد امام با دشمنان در ایام ظهور ذکر شده است:

تفسیر جامع، ج ۵، ص ۴۵۵ - ۴۵۶.

سوره یس

﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ * إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ﴾؛ [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدان جا آمدند برای آنان مثل زن: آن گاه که دو تن سوی آنان فرستادیم، و [لی] آن دو را دروغ زن پنداشتند، تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: «ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم.» (یس/۱۴)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیات به پیشینه رجعت پرداخته اند:

۱. ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۱۱۹.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۵۴-۵۵.

برخی از مفسران اهل سنت نیز به موضوع فوق اشاره کرده اند:

۱. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۹-۱۰.

۲. مدارک التنزیل، ج ۳، ص ۱۴۳۵-۱۴۳۶.

۳. روح البیان، ج ۷، ص ۳۷۸-۳۸۰.

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾؛ دروغا بر این بندگان!

هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آن که او را ریشخند می‌کردند. (یس/۳۰)

برخی از مفسران ذیل این آیه به فلسفه و علل غیبت پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۵۸۴.

۲. البصائر، ج ۳۳، ص ۱۰۱۱.

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾؛ مگر ندیده‌اند که چه بسیار

نسل‌ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان باز نمی‌گردند؟ (یس/۳۱)

گروهی از مفسران شیعه از این آیه در زمینه اثبات وقوع رجعت و پیشینه آن بهره

برده‌اند:

۱. تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا)، ج ۶، ص ۷۸.

۲. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۱۰.

۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۶۹-۷۰.

۴. البصائر، ج ۳۳، ص ۱۰۴۱.

مفسران اهل سنت، به مناسبت عبارت ﴿لَا يَرْجِعُونَ﴾، انکار رجعت را استنباط

کرده‌اند:

۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۴.

۲. البحر المحیط، ج ۷، ص ۳۱۹.

۳. روح البیان، ج ۷، ص ۳۹۰-۳۹۱.

۴. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱۲، ص ۴۰.

﴿وَأَيُّ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَخْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ﴾؛ و زمین مرده، برهانی

است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند. (یس/۳۳)

در تفسیر البصائر، ذیل این آیه به امدادهای غیبی در وقایع ایام ظهور اشاره شده

است:

البصائر، ج ۳۳، ص ۱۰۱۱.

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾؛ و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است. (یس/۳۸)

یکی از مفسران ذیل این آیه به بیان برخی از اشراط الساعة پرداخته است:
تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾؛ و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟» (یس/۴۸)

صاحب تفسیر البصائر ذیل این آیه به وضعیت شیعیان در دوره غیبت کبری و فضیلت انتظار پرداخته است:

البصائر، ج ۳۳، ص ۱۰۱۷-۱۰۱۸.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾؛ می‌گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.» (یس/۵۲)

امام رضا علیه السلام در توقیعی به یکی از یاران خود می‌نویسند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِهِ عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ، فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لِقَالُوا: يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ.»

برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق نقل نموده‌اند که مربوط به رجعت کنندگان ایام ظهور می‌باشد:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۵۷۹.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۸۸.

۳. البصائر، ج ۳۳، ص ۱۰۱۹.

﴿وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾؛ و هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افت می‌کنیم آیا نمی‌اندیشند؟ (یس/۶۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به اثبات طول عمر برای حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۹۵.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۰۲.

۳. تفسیر نور، ج ۹، ص ۵۵۵.

سوره صافات

﴿فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ﴾؛ پس، [از کافران] بپرس: آیا ایشان از نظر آفرینش سخت ترند یا کسانی که [در آسمان‌ها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گلی چسبنده پدید آوردیم. (صافات/۱۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به وظایف شیعیان در دوره غیبت کبری پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾؛ و بی گمان، ابراهیم از پیروان اوست. (صافات/۸۳)
امام صادق علیه السلام آیه فوق را چنین معنا نموده‌اند: «أبي إبراهيم من شيعة علي عليه السلام»، و در روایت دیگری پس از ایشان، از نام ائمه اطهار - و از جمله امام مهدی علیه السلام - نزد حضرت ابراهیم علیه السلام یاد شده است، که از آن می‌توان امامت حضرت مهدی علیه السلام را استنباط نمود. برخی از مفسران همین مضامین را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۶۰۰.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۱۳۶.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۱۶۹.

۴. البصائر، ج ۳۴، ص ۴۳۵.

﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾؛ و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود. (صافات/۱۲۳)
برخی از مفسران ذیل این آیه به حیات حضرت الیاس علیه السلام در این دنیا و ملاقات او
با حضرت حجت علیه السلام در دوران ظهور اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر جامع، ج ۵، ص ۵۲۵-۵۲۸.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۲۴۲.

۳. روان جاوید، ج ۴، ص ۴۴۵.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۸۶.

گروهی از مفسران اهل سنت نیز به موضوع فوق اشاره نموده‌اند:

۱. بحر العلوم، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۳. الدر المتثور، ج ۷، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۴. روح البیان، ج ۷، ص ۴۸۱.

۵. الفتوحات الالهیه، ج ۳، ص ۵۵۱.

۶. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱۲، ص ۱۹۹.

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به پیشینه رجعت پرداخته است:

۱. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۴۴.

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾؛ و اگر او از زمره

تسبیح‌کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] می‌ماند.

(صافات/۱۴۴)

صاحب تفسیر الفرقان، ذیل این آیات به اثبات طول عمر امام مهدی علیه السلام اشاره نموده

است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۲۰۵.

﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾؛ که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند. پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب. (صافات/۱۷۴)

یکی از مفسران ذیل این آیات درباره امدادهای غیبی در ایام ظهور و فضیلت انتظار بحث کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۰۳.

اسماعیل حقی نیز مطالبی در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام ذکر می نماید:
روح البیان، ج ۷، ص ۴۹۸.

سوره ص

﴿جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ﴾؛ این سپاه دسته‌های دشمن در آن جا [بذر] درهم شکستنی‌اند. (ص/۱۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ذیل این آیه به اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۱۹.

﴿إِصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾؛ بر آنچه می‌گویند صبر کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور آری، او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود. (ص/۱۷)

دو تن از مفسران، ذیل این آیه روایتی را از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که: «إِصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ يَا مُحَمَّدٌ مِنْ تَكْذِيبِهِمْ إِيَّاكَ فَإِنِّي مُنْتَقِمٌ مِنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْكَ وَهُوَ قَائِمِي الَّذِي سَلَطْتَهُ عَلَىٰ دِمَاءِ الظَّالِمَةِ».

۱. کتزالد قاتق، ج ۱۱، ص ۲۱۰.

۲. البصائر، ج ۳۴، ص ۱۰۶۰.

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛
 ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن، و زنهار
 از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به درکند. در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می روند، به
 [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده اند عذابی سخت خواهند داشت. (ص ۲۶/)

برخی از مفسران به مناسبت ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
 بِالْحَقِّ﴾ به اجرای احکام داودی^۱ توسط حضرت حجت علیه السلام در عصر ظهور
 پرداخته اند:

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۶۹.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

۳. البصائر، ج ۳۴، ص ۱۱۶۶.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن به وجوب اطاعت از خلفای الهی
 اشاره دارد:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۳۶.

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ﴾؛

فرمود: «ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم
 سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی؟» (ص ۷۵/)

یکی از مفسران ذیل این آیه به علم، به عنوان یکی از ویژگی های عام امام مهدی علیه السلام

۱. منظور از «حکم داود» شریعت و راه و رسم او نیست؛ چرا که تمامی شرایع و قوانینی که پیش از اسلام بودند،
 همه با آمدن اسلام فسخ و پایان یافته اعلام شدند، بلکه منظور از این عنوان، این است که امام مهدی علیه السلام در
 مسائل و مشکلات، براساس آگاهی و دانش خویش به حقایق و واقعیت ها داوری می کند و به ظاهر امور و قضایا
 یا اسناد و مدارک ساختگی تکیه نمی کند. داود پیامبر نیز مدتی طولانی این گونه داوری و حکومت می کرد.
 (محمد یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۲.)

اشاره کرده است:

تفسیر جامع، ج ۶، ص ۴۶-۴۸.

﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾؛ فرمود: «پس، از آن [مقام] بیرون شو، که تو رانده‌ای.
(ص/۷۷)

امام حسن عسگری علیه السلام در معنای «رجیم» فرموده‌اند: «إِنَّهُ مَرْجُومٌ بِاللَّعْنِ، مَطْرُودٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْخَيْرِ، لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا لَعْنَهُ، وَإِنْ فِي عِلْمِ اللَّهِ السَّابِقِ أَنَّهُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي زَمَانِهِ إِلَّا رَجَمَهُ بِالْحِجَارَةِ كَمَا كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مَرْجُوماً بِاللَّعْنِ».

برخی از مفسران همین روایت را «که مربوط به وضعیت ابلیس در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است» ذیل این آیه آورده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۶۴۶.

۲. البصائر، ج ۳۴، ص ۱۰۹۷.

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾؛ فرمود: «در حقیقت، تو از مهلت یافتگانی، تا روز معین معلوم.» (ص/۸۱)

به مناسبت آیات فوق، مفسران به وضعیت ابلیس در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۸۴۶.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

۳. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۲۱۴.

۴. من هدی القرآن، ج ۱۱، ص ۴۱۲.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۲۷۷.

۶. البصائر، ج ۳۴، ص ۹۷۳.

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ * إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ *
 وَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾؛ بگو: «مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم
 که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]. این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. و قطعاً
 پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.» (ص ۸۸)

امام علی علیه السلام در تفسیر ﴿وَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ فرموده‌اند: «عند خروج القائم». برخی از مفسران با استناد به این روایت، به آثار ظهور و حوادث بعد از آن اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۸۴۷
۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۱۲
۳. البرهان، ج ۴، ص ۶۸۷
۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۴
۵. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۲۷۱
۶. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۲۹۷
۷. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۵۸
۸. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۴۹
۹. روان جاوید، ج ۴، ص ۴۸۱
۱۰. الجدید، ج ۶، ص ۱۳۸
۱۱. البصائر، ج ۳، ص ۱۰۲۹ و ص ۱۱۰۱ و ص ۹۷۷

سوره زمر

﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾؛ و
[الی] آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند
آنان را مزده باد، پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را
پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. (زمر/۱۸)
برخی از مفسران یکی از مصادیق بشارت موجود در این آیات را بشارت به ظهور
دانسته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۸۵۹

۲. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۲۹۱.

۳. البرهان، ج ۴، ص ۷۰۲.

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ
فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾؛ و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در
زمین است بی‌هوش درمی‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و
بناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند. (زمر/۶۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به ضرورت وجود امام مهدی عج پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۷۳۲.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۲.

برخی دیگر از مفسران اهل سنت، نیز به نزول حضرت عیسی علیه السلام و خروج دجال اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۱۱۷.

۲. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۷، ص ۲۵۱.

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛ و زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود، و پیامبران و شاهدان را بیاورند، و میانشان به حق داوری گردد، و مورد ستم قرار نگیرند. (زمر/۶۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ». هم چنین حضرت در روایت دیگری می‌فرمایند: «رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ، قِيلَ: فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: إِذَا يَسْتَغْنَى النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ يَجْتَزِئُونَ بِنُورِ الْإِمَامِ». گروهی از مفسران روایات فوق را در تفسیر آیه مذکور آورده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۸۸۷-۸۸۸.

۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۳۱.

۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۶. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۳۲۸.

۷. المقتنیات الدرر، ج ۹، ص ۲۳۲.

۸. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۷۶.
 ۹. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.
 ۱۰. من هدی القرآن، ج ۱۱، ص ۵۳۲.
 ۱۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۵۱۰.
 ۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۳۸۷.
 ۱۳. الجدید، ج ۶، ص ۱۸۸.
 ۱۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۴۵.
 ۱۵. البصائر، ج ۳۵، ص ۴۸۸ و ص ۳۱۸.
- در میان مفسران اهل سنت نیز، محی الدین عربی، به نکتہ فوق اشارہ کرده است:
- تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۱۹۰.

سوره غافر (مؤمن)

﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾؛

می گویند: «پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان

اعتراف کردیم پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟» (غافر/۱۱)

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه احیای دوباره را به رجعت تفسیر کرده و می فرمایند:

«ذلك في الرجعة»:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۶.
۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۶۰.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۳۶.
۴. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰.
۵. البرهان، ج ۴، ص ۷۴۹.
۶. کتزالدقائق، ج ۱۱، ص ۳۶۵.
۷. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۳۳۶.
۸. تفسیر شبر، ص ۴۶۸.
۹. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۹۴۰ و ص ۷۵۰.
۱۰. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۱۴.
۱۱. من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۳۱.

۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۴۱۰-۴۱۳.

۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۵۹.

۱۴. البصائر، ج ۳۵، ص ۷۵۰.

﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنُيَبِّتَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُشْرِفٌ مُرْتَابٌ﴾؛ و به یقین، یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، و از آنچه برای شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: «خدا بعد از او هرگز فرستاده‌ای را برنخواهد انگیخت.» این گونه، خدا هر که را افراط‌گر شکاک است، بی راه می‌گذارد. (غافر/۳۴)

صاحب تفسیر البرهان، ذیل این آیه به پیشینه غیبت اشاره کرده است:

البرهان، ج ۴، ص ۷۵۶.

صاحب تفسیر نور ذیل ﴿لَنُيَبِّتَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا﴾ لزوم وجود حجت را در همه

زمان‌ها ثابت نموده است:

تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۵۱.

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾؛ در حقیقت، ما

فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم (غافر/۵۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ذَلِكَ وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ كَثِيرَةً لَمْ

يُنصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَقَتَلُوا وَأُثِمَّةٌ مِنْ بَعْدِهِمْ قَتَلُوا وَلَمْ يُنصَرُوا وَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ». برخی

از مفسران با نقل این روایت به رجعت کنندگان آخرالزمان^۱ اشاره کرده‌اند:

۱. این اصطلاح در معارف اسلامی در دو معنا به کار برده شده است: الف - مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۸.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۲۰.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۴۵.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۷۶۴.
۵. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۳۹۷-۳۹۸.
۶. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۳۵۲.
۷. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۱۹.
۸. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۹. روان جاوید، ج ۴، ص ۵۳۲.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۵، ص ۴۶۴-۴۶۷.
۱۱. الجدید، ج ۶، ص ۲۲۵.

۱۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۸۵.

۱۳. البصائر، ج ۳۵، ص ۷۹۱-۷۹۴ و ص ۷۶۲-۷۶۳.

مفسران اهل سنت، ذیل این آیه به مطالبی در زمینه نزول حضرت عیسی علیه السلام

پرداخته‌اند:

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۱۵۰.
۲. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸.
۳. الاساس فی التفسیر، ج ۹، ص ۴۹۶۸.

وَإِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ

→ اسلام صلوات الله عليه آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می‌یابد. از این جهت آن پیامبر الهی را پیامبر آخرالزمان نامیده‌اند.
ب- مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام صلوات الله عليه حضرت مهدی علیه السلام مقارن شده و زمان غیبت و ظهور را دربرگرفته و با شروع قیامت به انجام می‌رسد. (خدایمیراد سلیمیان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۱۶).

بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ در حقیقت، آنان که درباره نشانه‌های خدا - بی آن که حجتی برایشان آمده باشد - به مجادله برمی‌خیزند در دل‌هایشان جز بزرگ‌نمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزویش را دارند] نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، زیرا او خود شنوای بیناست. (غافر/۵۶)

گروهی از مفسران شیعه ذیل این آیه به خروج دجال، اشاره کرده‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۸۸
۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۲۲
۳. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۷، ص ۴۰-۴۳.
۴. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷.
۵. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۵۷.
۶. فتح القدير، ج ۴، ص ۵۷۲.
۷. تفسیر صفی، ص ۶۵۹.
۸. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۹۰.
۹. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۳۶-۱۳۸.
۱۰. مخزن العرفان، ج ۱۱، ص ۲۸۲.
۱۱. البصائر، ج ۳۵، ص ۷۹۹.

مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به خروج و ویژگی‌های دجال پرداخته‌اند:

۱. النکت والعیون، ج ۵، ص ۱۶۱.
۲. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۱۱۵-۱۲۰.
۳. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۳.
۴. زاد المسیر، ج ۴، ص ۴۲-۴۳.
۵. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۷۶، ۷۸.
۶. البحر المحیط، ج ۷، ص ۴۵۱.

۷. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۱۵۲.
۸. الدر المنتور، ج ۷، ص ۲۹۴.
۹. السراج المنیر، ج ۳، ص ۴۸۹.
۱۰. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۱، ص ۲۷۴.
۱۱. روح البیان، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸.
۱۲. تیسیر التفسیر، ج ۱۱، ص ۳۶۶-۳۶۸.
۱۳. محاسن التأویل، ج ۱، ص ۲۴۳.
۱۴. بیان المعانی، ج ۳، ص ۵۹۰.
۱۵. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۸.
۱۶. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۵۹۱.
۱۷. التفسیر الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۱.

﴿لَخَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ قطعاً

آفرینش آسمان‌ها و زمین بزرگتر [و شکوه‌مندتر] از آفرینش مردم است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (غافر/۵۷)

مفسران شیعه ذیل این آیه نیز به ویژگی‌های دجال و خروج او پرداخته‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۷، ص ۴۰.

۲. مواهب علیه، ج ۴، ص ۷۷-۷۸.

۳. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۴. البصائر، ج ۳۵، ص ۸۰۱.

دو تن از مفسران اهل سنت نیز به ویژگی‌های دجال، اشاره کرده‌اند:

۱. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲۵.

﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيُّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ﴾؛ و نشانه‌های [قدرت] خویش را به شما

می‌نمایاند. پس کدام یک از آیات خدا را انکار می‌کنید؟ (غافر/۸۱)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیه به رجعت‌کنندگان در آخر الزمان پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۳۵.

۳. البرهان، ج ۴، ص ۷۷۱.

۴. البصائر، ج ۳۵، ص ۹۷۳.

سوره فصلت

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ﴾؛ پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم
فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر
است و آنان یاری نخواهند شد. (فصلت/۱۶)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی در خصوص نشانه های ظهور اشاره
کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۷۸۲.

۲. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و اما ثمودیان؛ پس آنان را راهبری کردیم و [لی] کوردلی را بر هدایت ترجیح
دادند، پس به [کیفر] آنچه مرتکب می‌شدند صاعقه عذاب خفت‌آور آنان را فروگرفت.
(فصلت/۱۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه به نحوه برخورد امام زمان علیه السلام با دشمنان در ایام
ظهورشان پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۷۸۳.

۲. البصائر، ج ۳۶، ص ۴۰۴.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛ در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهستی که وعده یافته بودید شاد باشید. (فصلت/۳۰)

در تفسیر «البصائر» ذیل این آیه به دوازدهمین امام بودن حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است:

البصائر، ج ۳۶، ص ۴۶۱.

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾؛ و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد. (فصلت/۳۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَمَرْتُ بِالتَّقِيَّةِ فَسَارَ بِهَا عَشْرًا حَتَّى أَمَرَ أَنْ يَصْدَعَ بِمَا أَمَرَ وَأَمَرَ بِهَا عَلِيٌّ، فَسَارَ بِهَا حَتَّى أَمَرَ أَنْ يَصْدَعَ بِهَا، ثُمَّ أَمَرَ الْأَثْمَةَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَسَارُوا بِهَا فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَسَقَطَتِ التَّقِيَّةُ وَجُرِدَ السَّيْفُ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يُعْطِهِمْ إِلَّا بِالسَّيْفِ».

برخی از مفسران همین روایت را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۴۵۵.

۲. البرهان، ج ۴، ص ۷۹۱.

۳. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۷۱.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کز می‌روند بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید؟ هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (فصلت/۴۰)

صاحب تفسیر البصائر، ذیل این آیه به موردی از تشرف خدمت حضرت مهدی علیه السلام و مفسر اطیب البیان فی تفسیر القرآن به انحراف از تفکر مهدویت اشاره نموده است:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۴۳۹.

۲. البصائر، ج ۳۶، ص ۴۱۷.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾؛ و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم، پس در آن اختلاف واقع شد، و اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان درباره آن به شکی سخت دچارند. (فصلت/۴۵)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «اختلفوا كما اختلف هذه الأمة في الكتاب وسيختلفون في الكتاب الذي مع القائم الذي يأتيهم به حتى ينكروه ناس كثير فيقدمهم فيضرب أعناقهم».

گروهی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۲. البرهان، ج ۴، ص ۷۹۳.

۳. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۴۶۴.

۴. الجوهر الثمين، ج ۵، ص ۳۸۳.

۵. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۷۸.

۶. روان جاوید، ج ۴، ص ۵۶۳.

۷. الجديد، ج ۶، ص ۲۸۶.

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟ (فصلت/۵۳)

امام صادق علیه السلام ﴿آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ﴾ را به خسوف و کسوف، زلزله و مسخ، و ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ را به ظهور حضرت قائم علیه السلام تفسیر نموده‌اند. برخی از مفسران این روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۶۵.

۳. البرهان، ج ۴، ص ۷۹۴.

۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۵.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

۶. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۸۱.

۷. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۳۹۰.

۸. احسن الحدیث، ج ۹، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۹. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۶۱۶.

۱۰. روان جاوید، ج ۴، ص ۵۶۷.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.

۱۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۴۵۰.

۱۳. البصائر، ج ۳۶، ص ۳۷۱.

۱۴. انوار درخشان، ج ۱۴، ص ۴۵۴-۴۵۷.

برخی دیگر از مفسران نیز به غلبه اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. مواهب علیه، ج ۴، ص ۹۹.

۲. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۲۰۰.

از مفسران اهل سنت طنطاوی مطالبی راجع به نزول حضرت عیسی علیه السلام را استنباط نموده است:

الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۰-۱۱۱.

سوره شوری

﴿حتم * عتسق﴾ (شوری/۲)

امام باقر علیه السلام در روایتی می فرمایند: «عسق عدد سین القائم». برخی از مفسران ضمن نقل روایت مذکور، به نشانه های ظهور نیز اشاره کرده اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶۷-۲۶۸.
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۲.
 ۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۶۶.
 ۴. البرهان، ج ۴، ص ۱۰۳.
 ۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۶۶.
 ۶. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۴۷۴-۴۷۵.
 ۷. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۳۸۹.
 ۸. المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۲.
 ۹. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۸۶-۱۸۷.
 ۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۱۰۸-۱۰۹.
- گروهی از مفسران ذیل این آیه به مطالبی در خصوص نشانه های ظهور اشاره کرده اند:

۱. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۳۹۴.
 ۲. مخزن العرفان، ج ۱۱، ص ۳۵۳.
 ۳. الجدید، ج ۶، ص ۲۹۶.
 ۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۴۵۳.
 ۵. البصائر، ج ۳۶، ص ۹۸۳ و ص ۷۴۱.
- برخی از مفسران ذیل این آیه در تفسیر «عسق» به خروج دجال، خسف، قذف، و نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۷، ص ۱۰۰.
 ۲. تفسیر گازر، ج ۹، ص ۱۲.
 ۳. مواهب علیه، ج ۴، ص ۱۰۱.
 ۴. منهج الصادقین، ج ۸، ص ۲۰۲-۲۰۳.
- مفسران اهل سنت نیز به خروج حضرت عیسی علیه السلام و دجال اشاره کرده‌اند:
- محمد بن احمد سمرقندی، بحر العلوم، ج ۳، ص ۱۹۰.
 ۱. کشف الاسرار و عدة الابوار، ج ۹، ص ۶.
 ۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۱-۳.
 ۳. روح البیان، ج ۸، ص ۲۸۵-۲۸۶.
 ۴. تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱۳، ص ۲۲.

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾؛ و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روز گردآمدن [خلق] - که تردیدی در آن نیست - بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. (شوری/۷)

برخی از مفسران ذیل این آیه به مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و برخی دیگر به

مکان نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۸۰۵-۸۰۸

۲. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۹۲ و ص ۱۸۸.

۳. البصائر، ج ۳۶، ص ۶۳۶.

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ * مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾؛ خدا نسبت به بندگانش مهربان است؛ هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب. کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم و [لی] در آخرت او را نصیبی نیست. (شوری/۲۰)

امام صادق علیه السلام در تفسیر اجزای آیات فوق می‌فرمایند: «قُلْتُ ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ﴾ قَالَ: وَلايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، فَقُلْتُ: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ﴾ قَالَ: مَعْرِفَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالاَنْمَةَ علیه السلام، ﴿نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ قَالَ: نَزِيدُهُ مِنْهَا يَسْتَوْفِي نَصِيبَهُ مِنْ دَوْلَتِهِمْ، قُلْتُ: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ قَالَ: لَيْسَ لَهُ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ مَعَ الْاِمَامِ الْقَائِمِ نَصِيبٌ».

مفسرانی که این روایت را نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۳-۴۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۷۱.

۳. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۵۲.

۴. البصائر، ج ۳۶، ص ۹۹۸.

۵. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۰۴.

﴿وَأَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، برایشان بنیاد آیینی نهاده‌اند؟ و اگر فرمان قاطع [درباره تأخیر عذاب در کار] نبود مسلماً میانشان داوری می‌شد و برای ستمکاران شکنجه‌ای پردرد است. (شوری/۲۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر، «وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ» می‌فرمایند: «لولا ما تقدم فيهم من الله عز ذكره ما ابقى القائم منهم احداً».

برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۷۱.

۳. البرهان، ج ۴، ص ۸۱۴.

۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۶۹.

۵. کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.

۶. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۰۵.

۷. الجدید، ج ۶، ص ۳۱۲.

۸. البصائر، ج ۳۶، ص ۱۰۰۱.

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ * أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأُ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مرده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است. آیا می‌گویند: «بر خدا دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می‌نهد و خدا باطل را محو و حقیقت

را با کلمات خویش پا برجا می‌کند. اوست که به راز دل‌ها داناست. (شوری/۲۴)
 امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ يَعْنِي يُبْطِلُهُ وَسَيُحِقُّ
 الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يَعْنِي بِالْأَثْمَةِ وَالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام».

مفسرانی که این روایت را ذیل آیات فوق آورده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۵.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۸ - ۴۹.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۷۵.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۸۲۰.
۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۷۷.
۶. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۱۹ - ۵۲۰.
۷. المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۲۳.
۸. ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۷۶.
۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۱۸۶ - ۱۸۷.
۱۰. البصائر، ج ۳۶، ص ۸۱۸.

﴿وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ
 النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ و هر که پس از ستم [دیدن]
 خود، یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست. راه [نکوهش] تنها بر کسانی است
 که به مردم ستم می‌کنند، و در [روی] زمین به ناحق سر برمی‌دارند. آنان عذابی دردناک [در پیش]
 خواهند داشت. (شوری/۴۲)

امام باقر علیه السلام در تفسیر ﴿وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ﴾ فرموده‌اند: «يعني القائم وأصحابه
 فأولئك الذين ما عليهم من سبيل، والقائم إذا قام إنتصر من بني أمية والمكذبين
 والنصاب هو وأصحابه وهو قول الله تبارك وتعالى: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ

النَّاسَ وَيَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بَغْيًا بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

برخی از مفسران، این روایت را که به برخورد حضرت حجت علیه السلام با دشمنان اشاره دارد، ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۳۹۹.
۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۸.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۵۶-۵۷.
۴. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۸۰.
۵. البرهان، ج ۴، ص ۸۲۹.
۶. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۵.
۷. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۳۴-۵۳۵.
۸. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۱۸.
۹. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۲۴۰-۲۴۱.
۱۰. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۷۱.
۱۱. البصائر، ج ۳۶، ص ۱۰۱۸.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، با استناد به روایت دیگری از امام باقر علیه السلام به حکومت فقها در دوره غیبت کبری اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۵۰۰-۵۰۱.

«وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ؛ آنان را می‌بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می‌شوند، از [شدت] زبونی، فروتن شده‌اند؛ زیرچشمی می‌نگرند. و کسانی که گرویده‌اند می‌گویند: «در حقیقت، زیان‌کاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آری، ستم‌کاران در عذابی پایدارند. (شوری/۴۵)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: ﴿خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾ یعنی الی القانم». دو تن از مفسران روایت مذکور که دلالت بر خشوع ذلیلانه دشمنان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام دارد، را ذیل آیه فوق آورده اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۸۲۹

۲. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۳۶.

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَخِيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار. (شوری/۵۱)

برخی از مفسران با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام ذیل این آیه به رجعت کنندگان در آخر الزمان اشاره کرده اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۸۳۵

۲. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۲۹.

سوره زخرف

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ﴾؛ و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد، باشد که آنان [به توحید] بازگردند. (زخرف/۲۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به روایتی از حضرت رسول ﷺ اشاره کرده‌اند که ایشان فرموده‌اند: «جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقَبِ الْحُسَيْنِ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ تِسْعَةٌ مِنَ الْأُمَّةِ مِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ».

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۴.
۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۸۸.
۳. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۴۹ - ۵۰.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۱۵۶.
۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۹۷.
۶. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۱۳۵.
۷. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۴۳.
۸. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۴۶۶.
۹. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۰۱.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۳۰۰.
۱۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۲.

۱۲. البصائر، ج ۳۷، ص ۳۰۵.

برخی دیگر از مفسران نیز از این آیه در زمینه رجعت بهره برده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۴۱۹.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ * وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾؛ تا آن گاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی‌بخشد، چون ستم کردید در حقیقت، شما در عذاب، مشترک خواهید بود. (زخرف/۳۹)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیات، با نقل روایتی مفصل پیرامون مصائب وارده بر پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، به برخورد امام مهدی علیه‌السلام با دشمنان در ایام ظهور پرداخته است:

البرهان، ج ۴، ص ۸۶۰

﴿فَأَمَّا نَذَبْنَا بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ﴾؛ پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم، قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم. (زخرف/۴۱)

برخی از مفسران با نقل روایتی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به مطالبی در زمینه رجعت کنندگان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۸۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۲.

۳. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۰۵.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۲.

۵. البصائر، ج ۳۷، ص ۳۰۳.

﴿أَوْ نَرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ﴾؛ یا [اگر] آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم حتماً ما بر آنان قدرت داریم. (زخرف/۴۲)

برخی از مفسران شیعه، این آیه را در زمینه رجعت تفسیر نموده‌اند:

۱. المقتنيات الدرد، ج ۱۰، ص ۵۵.
۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۳.

﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾؛ و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زهار در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید این است راه راست! (زخرف/۶۱)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة اشاره نموده‌اند:

۱. البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۱۱-۲۱۲.
۲. مواهب علیه، ج ۴، ص ۱۳۰.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۸.
۴. تفسیر شبر، ص ۴۹۴.
۵. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۲۵، ص ۹۳.
۶. المنیر، ج ۷، ص ۱۵۴.
۷. مخزن العرفان، ج ۱۲، ص ۳۸.
۸. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۱۲.
۹. المعین، ص ۴۹۴.
۱۰. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۸.
۱۱. تفسیر راهنما، ج ۱۷، ص ۱۱۶.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی) ج ۱۸، ص ۴۷-۴۸.

۱۳. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۴۶۸.

۱۴. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۸۵.

گروهی از مفسران به نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان و اقامه نماز ایشان پشت سر امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۹، ص ۸۲.

۲. اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۴۸۸-۴۸۹.

۳. منشور جاوید، ج ۱۲، ص ۴۰۰-۴۱۴ و ج ۹، ص ۲۴۲-۲۵۲.

۴. من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۵۰۴.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۰۰-۱۰۱.

گروه دیگری از مفسران شیعه علاوه بر موضوع فوق به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام در زمان نزولشان اشاره کرده‌اند:

۱. جوامع الجامع، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۱، ص ۱۸۱.

۳. تفسیر گازر، ج ۹، ص ۵۳.

۴. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۸۹-۹۰.

۶. فتح القدير، ج ۴، ص ۶۴۳-۶۴۶.

۷. المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۶۳.

۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۳۵۱.

۹. البصائر، ج ۳۷، ص ۴۹۶، ص ۴۲۲ و ص ۳۲۸.

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة پرداخته‌اند:

۱. تفسیر مجاهد، ص ۵۹۵.

۲. تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۸-۱۹۹.

٣. تفسير كتاب الله العزيز، ج ٤، ص ١٢٠.
٤. جامع البيان في تفسير القرآن، ج ١١، ص ٢٠٤.
٥. بحر العلوم، ج ٣، ص ٢١١.
٦. لطائف الاشارات، ج ٣، ص ٣٧٢.
٧. كشاف، ج ٤، ص ٢٦١.
٨. المحرر الوجيز، ج ٥، ص ٦١.
٩. زاد المسير، ج ٤، ص ١٢.
١٠. التسهيل لعلوم التنزيل، ج ٤، ص ٣٢.
١١. البحر المحيط، ج ١، ص ٢٦.
١٢. تفسير القرآن العظيم، ج ٧، ص ٢٣٦.
١٣. الجواهر الحسان، ج ٣، ص ١٥٢.
١٤. تفسير الجلالين، ص ٦٥٣.
١٥. الدر المنثور، ج ٧، ص ٣٨٦.
١٦. الفتوحات الالهيه، ج ٤، ص ٩٣.
١٧. المظهرى، ج ١، ص ٣٥٨.
١٨. محاسن التأويل، ج ١، ص ٣٤٨.
١٩. تفسير الكريم الرحمن، ص ٧١٤.
٢٠. تفسير الفريد للقرآن المجيد، ج ٣، ص ٢٨٣٢.
٢١. اضواء البيان، ج ٤، ص ٤٧٠ - ٤٧٦.
٢٢. التحرير و التوير، ج ٢٥، ص ٢٧٩ - ٢٨٠.
٢٣. الوسيط، ج ١٣، ص ٩٤.
٢٤. صفوة التفاسير، ج ٣، ص ١٦٢.
٢٥. تفسير القرآن العظيم، ج ١٣، ص ٢١٣.
٢٦. مواهب الرحمن، ج ٧، ص ١٢.

۲۷. المنیر فی العقیدة و الشریعة، ج ۲۵، ص ۱۷۶ - ۱۷۹.

برخی از مفسران اهل سنت، ذیل این آیه ضمن اشاره به سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام در زمان نزول شان در آخرالزمان.

۱. النکت والعیون، ج ۵، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

۲. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

۳. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۹، ص ۲۴.

۴. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۵. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۱۱۲.

۶. غرائب القرآن، ج ۱۱، ص ۷۴.

۷. السراج المنیر، ج ۳، ص ۵۷۰.

۸. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۸، ص ۴۰۳.

۹. روح البیان، ج ۸، ص ۳۸۴ - ۳۸۵.

۱۰. روح المعانی، ج ۲۵، ص ۹۵ - ۹۶.

۱۱. تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۵۱ - ۵۲.

۱۲. بیان المعانی، ج ۲، ص ۷۹.

۱۳. الجواهر، ج ۱۰، ص ۱۷۸ - ۱۸۲.

۱۴. التفسیر الحدیث، ج ۵، ص ۲۲۲.

۱۵. الاساس فی التفسیر، ج ۹، ص ۵۱۷۰ - ۵۱۷۱.

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ السَّبْطِ﴾؛ تا [آنکه] از

میانشان، احزاب دست به اختلاف زدند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! (زخرف/۶۵)

یکی از مفسران ذیل این آیه به مسلمان شدن نصاری در زمان نزول حضرت

عیسی علیه السلام در آخرالزمان، اشاره کرده است:

۱. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۱۳.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾؛ آیا جز [این] انتظار می‌برند که رستاخیز - در حالی که حدس نمی‌زنند - ناگهان بر آنان دررسد؟ (زخرف/۶۶)

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیه به ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام (عدم تعیین وقت ظهور) اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۸۱۰

۲. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۶۶.

۳. البصائر، ج ۳۷، ص ۴۹۹.

در میان مفسران اهل سنت، ابن عربی به موضوع فوق اشاره کرده است:

تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۲۲۰.

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنان می‌گردانند، و در آن جا آنچه دل‌ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید. (زخرف/۷۱)

حضرت مهدی علیه السلام در روایتی به تشریح اوضاع اهل بهشت پرداخته‌اند و برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۹.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۹۸.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۳۶۲.

۴. البصائر، ج ۳۷، ص ۵۰۵.

سوره دخان

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾؛ در آن [شب] هر

[گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می یابد. (دخان/۴)

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه فوق می فرماید: «فیهما یفرق» یعنی فی لیلۃ القدر ﴿كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ ای یُقَدَّرُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ أَمْرٍ مِنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وما یكونُ فی تلك السنّة، وله فیہ البداءُ والمشیةُ یُقَدَّمُ فیها ویؤخَّرُ ما یشاءُ مِنَ الآجالِ والأرزاقِ والبَلایا والأعراضِ والأمراضِ، و یزیدُ فیہ ما یشاءُ وینقصُ ما یشاءُ ویلقیہ رسولُ اللّٰهِ إلى امیرِ المؤمنینِ ویلقیہ امیرُ المؤمنینِ علیه السلام إلى الأئمّةِ بعده حتی ینتهی ذلك إلى صاحبِ الزمانِ عَجَلُ اللّٰهُ فَرَجَهُ الشریفُ».

در تفسیر آیات فوق برخی از مفسران این روایت را ذکر کرده اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۰.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۴۰۳.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۱۱-۱۲.
۵. نور الثقلین، ج ۶، ص ۴۶۰.
۶. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۱۱۵ او ص ۱۲۰-۱۲۲.
۷. المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۷۷.

۸. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.
۹. تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۲۵، ص ۱۱۱.
۱۰. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۸۳.
۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۳۸۳ و ص ۳۸۸.
۱۲. الجدید، ج ۶، ص ۳۸۰.
۱۳. البصائر، ج ۳۷، ص ۷۴۲ و ص ۸۱۷ و ص ۸۸۷.
۱۴. انوار درخشان، ج ۱۵، ص ۱۶۲ - ۱۶۸.

﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا
أَكْثِفْنَا عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾؛ پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد،
که مردم را فرومی گیرد این است عذاب پر درد. [می گویند:] «پروردگارا، این عذاب را از ما دفع کن
که ما ایمان داریم.» (دخان/۱۲)

گروهی از مفسران شیعه، به مناسبت ذکر «دخان»، ذیل این آیه، دخان را به عنوان
یکی از اشراط الساعة قلمداد نموده‌اند:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۶.
۲. تفسیر گازر، ج ۹، ص ۶۵ - ۶۶.
۳. مواهب علیه، ج ۴، ص ۱۳۸.
۴. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۴۰۵.
۵. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۶.
۶. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۲۸۴ - ۲۸۵.
۷. تفسیر آشنایی با قرآن، ج ۵، ص ۱۱۷.
۸. منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۴۲ - ۲۵۲.
۹. احسن الحدیث، ج ۱۰، ص ۷۴.

۱۰. ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۲۱۶.
 ۱۱. محمد کرمی حویزی، المنیر، ج ۷، ص ۱۶۰.
 ۱۲. مخزن العرفان، ج ۱۲، ص ۶۴.
 ۱۳. من هدی القرآن، ج ۱۳، ص ۲۱.
 ۱۴. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۲۱-۶۲۳.
 ۱۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۳۹۴-۳۹۶.
 ۱۶. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۶۳-۱۶۵.
 ۱۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی) ج ۱۸، ص ۶۹.
 ۱۸. البصائر، ج ۳۷، ص ۷۹۸ و ص ۸۵۷.
 ۱۹. پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۵-۲۸.
 ۲۰. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۷۶.
- برخی دیگر از مفسران به مناسبت، ذیل این آیه به موضوعاتی از قبیل رجعت پرداخته‌اند، از جمله:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۱۳.
 ۲. الجدید، ج ۶، ص ۳۸۴.
 ۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۷۷.
- مفسران اهل سنت ذیل این آیه به دخان، به عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۰۶.
۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۷.
۳. لطائف الاشارات، ج ۳، ص ۳۸۱.
۴. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۱۷۴-۱۷۶.
۵. المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۶۹.

۶. زاد المسیر، ج ۴، ص ۸۸
۷. تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۲۵.
۸. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.
۹. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۱۱۷.
۱۰. التسهیل لعلوم التنزیل، جزء ۴، ص ۳۵.
۱۱. البحر المحیط، ج ۱، ص ۳۴.
۱۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۲۴۷.
۱۳. غرائب القرآن، ج ۱۱، ص ۸۳
۱۴. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۷، ص ۴۰۶.
۱۵. السراج المنیر، ج ۳، ص ۵۸۲ - ۵۸۳.
۱۶. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۱، ص ۴۲۳.
۱۷. حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۵، ص ۱۹۱۰.
۱۸. تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۸۰ - ۸۳
۱۹. محاسن التاویل، ج ۱، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.
۲۰. بیان المعانی، ج ۲، ص ۹۹.
۲۱. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۱ - ۲۲.
۲۲. تیسیر الکریم الرحمن، ص ۷۱۸.
۲۳. الوسیط، ج ۱۳، ص ۱۲۰.
۲۴. مواهب الرحمن، ج ۷، ص ۹۲.
۲۵. التفسیر الحدیث، ج ۵، ص ۲۴۱.

﴿وَأَتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَاتِنَا مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ﴾؛ واز نشانه‌ها [ی‌الهی] آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود، بدیشان دادیم. (دخان/۳۳)

در تفسیر «انوار درخشان» ذیل این آیه به مطالبی در خصوص رجعت اشاره شده است:

انوار درخشان، ج ۱۵، ص ۱۷۷.

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ * فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾؛ «جز مرگ نخستین، دیگر [واقعه‌ای] نیست و ما زنده شدنی نیستیم. اگر راست می‌گویید، پس پدران ما را [باز] آورید. (دخان/۳۶)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن از این آیات در زمینه رجعت، بهره برداری کرده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۹۱.

سوره جائیه

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند درگذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می‌شده‌اند به مجازات رساند. (جائیه/۱۴)

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ وَيَوْمِ الْكُرَّةِ^۱ وَيَوْمِ الْقِيَامَةِ». برخی از مفسران به مناسبت کلمه «ایام الله» همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۱۱۸.
۲. البرهان، ج ۵، ص ۲۸.
۳. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۱۵۳.
۴. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۳۰۲.
۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۶، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.
۶. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۴۶.
۷. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۱۴.
۸. البصائر، ج ۳۸، ص ۲۹۸.

۱. نام دیگر زمان رجعت.

سوره احقاف

﴿حَمَّ * تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾؛ فرو فرستادن این کتاب، از جانب خدای
ارجمند حکیم است. (احقاف/۱)

مفسر نورالثقلین به مناسبت، ذیل این آیه به نقل حدیثی از حضرت صاحب
الامر علیه السلام پرداخته است:

نورالثقلین، ج ۵، ص ۷.

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ پس همان گونه که پیامبران
نستوه، صبر کردند، صبر کن، و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده
می شوند بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند [این] ابلاغی است. پس
آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ (احقاف/۳۵)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِنَّمَا سَمَّوْا أَوْلَى الْعَزْمِ لِأَنَّهُ عَاهَدَ إِلَيْهِمْ فِي مُحَمَّدٍ وَ
لأَوْصِيَانِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَالْمَهْدِيِّ علیه السلام وَ سِيرَتِهِ فَأَجْمَعَ عَزْمَهُمْ عَلَى أَنْ ذَلِكَ وَالْإِقْرَارُ بِهِ».
گروهی از مفسران این روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۹.

۳. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۲۰۶.

۴. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۱۷۵.

۵. روان جاوید، ج ۴، ص ۶۵۹.

سوره محمد

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ
وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأُنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّسَيِّئَاتِهِمْ
بَعْضَ كُفْرِكُمْ يَبْغُضُ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾؛ پس چون با کسانی که کفر
ورزیده‌اند برخورد کنید، گردنها [یشان] را بزنید. تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید، پس
[اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از
ایشان بگیرید]، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود. این است [دستور خدا] و اگر خدا
می‌خواست، از ایشان انتقام می‌کشید، ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی
[دیگر] بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند.
(محمد/۴)

مفسران شیعه ذیل این آیه با نقل روایتی از پیامبر ﷺ که می‌فرمایند: «و الجهاد ماضٍ مُدَّ
بِعَثْنِي اللّٰهُ إِلَىٰ أَنْ يُقَاتَلَ آخِرَ أُمَّتِي الدَّجَالُ» به برخورد با دجال اشاره نموده‌اند:

۱. مواهب علیه، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲. المقتنيات الدرر، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۳. من هدی القرآن، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۱-۴۰۲.

صاحب تفسیر کز الدقائق با نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «لن تَضَعَ

الحرب أوزارها حتى تطلع الشمس من مغربها» به آخرین جنگ اشاره نموده است:

۱. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۲۱۹ و ص ۲۱۷.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

صاحب تفسیر فتح القدیر در ذیل این آیه به مطالبی راجع به نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقدامات آن حضرت پرداخته است:

فتح القدیر، ج ۵، ص ۳۷.

برخی مفسران اهل سنت، ذیل این آیه به مطالبی در خصوص نزول حضرت

عیسی علیه السلام در آخرالزمان و سیره و اقدامات ایشان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر مجاهد، ص ۶۰۴.

۲. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳. بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۴۱.

۴. النکت والعیون، ج ۵، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۵. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۱۰.

۶. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۹، ص ۱۷۹.

۷. زادالمسیر، ج ۴، ص ۱۱۶.

۸. تفسیر کبیر، ج ۱۴، ص ۲۶.

۹. مدارک التنزیل، ج ۲، ص ۵۶۱-۵۶۲.

۱۰. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۱۴۱.

۱۱. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۴، ص ۴۷.

۱۲. البحر المحیط، ج ۸، ص ۷۴-۷۵.

۱۳. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۳۰۷.

۱۴. غرائب القرآن، ج ۱۱، ص ۲۷.

۱۵. الجواهر الحسان، ج ۳، ص ۱۸۵.

۱۶. السراج المنیر، ج ۴، ص ۲۳.
۱۷. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۱، ص ۴۹۱.
۱۸. روح البیان، ج ۱، ص ۴۹۹.
۱۹. المظهری، ج ۱، ص ۴۲۲.
۲۰. روح المعانی، ج ۲۶، ص ۴۲.
۲۱. تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۲۲۶.
۲۲. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۱.
۲۳. الاساس فی التفسیر، ج ۹، ص ۵۳۰۴.

﴿وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾؛ و [الی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری شان داد. (محمد/۱۷)

صاحب تفسیر البرهان ذیل این آیه با نقل روایاتی به ضرورت شناخت امامت ائمه دوازده گانه، و از جمله امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است:

البرهان، ج ۵، ص ۷۵.

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾؛ آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است. پس اگر [رستاخیز] بر آنان دررسد، دیگر کجا جای اندرزشان است؟ (محمد/۱۸)

مفسران شیعه ذیل این آیه به ذکر مصادیقی از اشراط الساعة پرداخته اند؛ برخی ظهور حضرت مهدی علیه السلام، گروهی دیگر اشاعة ظلم و فساد و بعضی نیز دخان را ذکر کرده اند:

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۴.
 ۳. اثنی عشری، ج ۱۲، ص ۱۱۵.
 ۴. منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۴۲-۲۵۲.
 ۵. احسن الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۹۳.
 ۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۷، ص ۱۰۹-۱۱۰.
 ۷. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۹.
 ۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۷۸.
 ۹. تفسیر راهنما، ج ۱۷، ص ۴۴۶-۴۴۷.
 ۱۰. البصائر، ج ۳۹، ص ۲۶۴.
 ۱۱. پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۳-۲۴.
- مفسران اهل سنت نیز از این آیه در زمینه اشراط الساعة بهره برده‌اند. اما تنها دو نفر از آنها به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده (آلوسی و اطفیش) و بقیه به مواردی از قبیل اشاعه جهل، ظلم و فساد اشاره کرده‌اند:
۱. بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۴۳.
 ۲. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۴.
 ۳. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۹، ص ۱۸۴.
 ۴. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۱۴۵.
 ۵. البحر المحیط، ج ۱، ص ۱۰.
 ۶. نظم الدرر، ج ۷، ص ۱۶۴.
 ۷. تفسیر جلالین، ص ۶۷۵.
 ۸. السراج المنیر، ج ۴، ص ۲۹.
 ۹. عنایة القاضی و کفایة الراضی، ج ۱، ص ۴۹۹.
 ۱۰. روح البیان، ج ۱، ص ۵۱۰.

۱۱. الفتوحات الالهية، ج ۴، ص ۱۴۸.
۱۲. حاشية الصاوي على تفسير الجلالين، ج ۵، ص ۱۹۵۷.
۱۳. روح المعاني، ج ۲۶، ص ۵۳.
۱۴. تيسير التفسير، ج ۱۲، ص ۲۴۴ - ۲۴۶.
۱۵. الجواهر في تفسير القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۵.
۱۶. مواهب الرحمن، ج ۷، ص ۱۳۸ - ۱۳۹.

سوره فتح

﴿وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا * وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾؛ و خدا به شما غنیمت‌های فراوان [دیگری] وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت، و این [بیروزی] را برای شما پیش انداخت، و دست‌های مردم را از شما کوتاه ساخت، و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند. و [غنیمت‌های] دیگر [ی نیز هست] که شما بر آنها دست نیافته‌اید [و] خدا بر آنها نیک احاطه دارد، و همواره خداوند بر هر چیزی تواناست. (فتح/۲۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیات به غلبه اسلام در دوره حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۰ - ۲۱۱.

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمُ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بِيغْيِرِ عِلْمٍ لِّدُخْلِ اللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾؛ آنها بودند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی [شما] که بازداشته شده بود به محلّش برسد، و اگر [در مکه] مردان و زنان با ایمانی نبودند که [ممکن بود] بی‌آن‌که آنان را

بشناسید، ندانسته پایمالشان کنید و تاوانشان بر شما بماند [فرمان حمله به مکه می دادیم] تا خدا هر که را بخواهد در جوار رحمت خویش درآورد. اگر [کافر و مؤمن] از هم متمایز می شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم. (فتح/۲۵)

امام باقر علیه السلام در تفسیر ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾ در حدیث طولانی ای می فرمایند: «... كذلك القائم لن يظهر أبداً حتى تظهر ودائع الله، فإذا خرجت ظهر على من ظهر من أعداء الله عزوجل فقتلهم».

برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۰۲-۲۰۳.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۴۳.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۹۰-۹۱.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۹.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۲۹۸-۲۹۹.
۶. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۰۵.
۷. روان جاوید، ج ۵، ص ۳۰-۳۱.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۷، ص ۱۹۹.
۹. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۹۳-۹۴.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

شَهِيداً﴾؛ اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست روانه ساخت، تا آن را بر

تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند. (فتح/۲۸)

امام باقر علیه السلام درباره زمان تحقق این آیه می فرمایند: «يكون ذلك عند خروج المهدي

من آل محمد عليهم السلام». بسیاری از مفسران با نقل این روایت، یا مضامین مشابه، به غلبه

اسلام در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و مسائل مربوط به آن پرداخته اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۷.
۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۳۶.
۳. مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۱.
۴. جوامع الجامع، ج ۲، ص ۵۷۸.
۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۷، ص ۳۶۴.
۶. تفسیر گازر، ج ۹، ص ۱۵۱.
۷. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۹۵.
۸. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۰۷.
۹. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۴۵.
۱۰. البرهان، ج ۵، ص ۹۴.
۱۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۶.
۱۲. کترالدقائق، ج ۱۲، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۱۳. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۵۲.
۱۴. تفسیر شبر، ص ۵۱۴.
۱۵. المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۱۸۵.
۱۶. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۳۸۸.
۱۷. تفسیر عاملی، ج ۱، ص ۲۴.
۱۸. احسن الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۵۹.
۱۹. مخزن العرفان، ج ۱۲، ص ۲۲۹.
۲۰. روان جاوید، ج ۵، ص ۳۳ - ۳۴.
۲۱. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۲۷، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.
۲۲. الجدید، ج ۶، ص ۴۹۵.
۲۳. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۱.

۲۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۸.

۲۵. البصائر، ج ۳۹، ص ۸۱۴.

۲۶. انوار درخشان، ج ۱۵، ص ۳۶۷.

تنها صاحب تفسیر مواهب علیه این آیه را در زمینه نزول حضرت عیسی علیه السلام تفسیر نموده است:

مواهب علیه، ج ۴، ص ۱۸۵.

اما بیشتر مفسران اهل سنت این آیه را در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و غلبه اسلام به دست ایشان تفسیر نموده اند:

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۴، ص ۱۸۰.

۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۶۹.

۳. لطائف الاشارات، ج ۳، ص ۴۳۲.

۴. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۹، ص ۲۳۱.

۵. کشاف، ج ۴، ص ۳۴۶.

۶. المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۱۴۰.

۷. مدارک التنزیل، ج ۲، ص ۵۷۷.

۸. غرائب القرآن، ج ۱۱، ص ۶۶.

۹. روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۲۳.

۱۰. تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۳۳۷.

۱۱. محاسن التأویل، ج ۹، ص ۹۹.

۱۲. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲.

۱۳. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۵۷۰.

هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا

يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ
 وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ
 لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلِمُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛
 محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را
 در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر
 سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته ای
 است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را
 به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که
 ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است. (فتح/۲۹)
 برخی از مفسران ذیل این آیه به اصحاب امام مهدی ﷺ اشاره نموده اند:

۱. احسن الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

۲. البصائر، ج ۳۹، ص ۸۸۸

صاحب تفسیر مخزن العرفان نیز به غلبه اسلام در زمان حکومت جهانی امام
 مهدی ﷺ پرداخته است:

مخزن العرفان، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

سوره ق

﴿قَ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾؛ قاف، سوگند به قرآن باشکوه. (ق/۱)

صاحب تفسیر البرهان ذیل «ق» روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که دلالت بر ولایت داشتن ائمه اطهار علیهم السلام و از جمله امام مهدی علیه السلام دارد:
البرهان، ج ۵، ص ۱۲۷.

﴿وَأَسْمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾؛ و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد، به گوش باش. روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می‌شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است. (ق/۴۲)
بعضی از مفسران به مناسبت ﴿يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ﴾ و ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ﴾ و ﴿يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾، ذیل این آیات به ندای آسمانی در ایام ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۵۱.
۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۶۵.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۱۵۱.
۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۸.
۶. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۴۰۰ - ۴۰۱.

۷. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۷۷.
۸. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۲۸.
۹. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۴۳۲.
۱۰. من هدی القرآن، ج ۱۳، ص ۵۰۳.
۱۱. روان جاوید، ج ۵، ص ۶۰.
۱۲. الجدید، ج ۷، ص ۱۹.
۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۵۹.

﴿يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾؛ روزی که زمین به سرعت از [اجساد] آنان جدا و شکافته می‌شود این حشری است که بر ما آسان خواهد بود. (ق/۴۴)

برخی از مفسران از این آیه در زمینه رجعت بهره برده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۶۵.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۱۵۲.
۴. نور الثقلین، ج ۷، ص ۱۳۱.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۰۱.

سوره ذاریات

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾؛ و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید. (ذاریات/۲۳)

امام سجاده علیه السلام در تفسیر آیه ۲۳ ذاریات می‌فرمایند: «قیام القائم و فیه: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (نور/۵۵) برخی از مفسران روایت فوق را در تفسیر این آیات نقل کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۲۳۲.
 ۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۷۲.
 ۳. البصائر، ج ۴۱، ص ۱۳۰.
 ۴. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۴۴۱.
- گروهی دیگر منظور از ﴿وَمَا تُوعَدُونَ﴾ را اخبار قیامت و رجعت تفسیر نموده‌اند:
۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۰.
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۵۹.
 ۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۷۱.
 ۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۲۴.
 ۵. روان جاوید، ج ۵، ص ۶۵.

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾؛ پس وای بر کسانی که کافر شده‌اند از آن روزی که وعده یافته‌اند. (ذاریات/۶۰)

برخی از مفسران ذیل این آیه به رجعت کنندگان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۷۶.

۲. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳. روان جاوید، ج ۵، ص ۷۲.

سوره طور

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ و در حقیقت، غیر از این [مجازات]، عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده‌اند خواهد بود، ولی بیشترشان نمی‌دانند [که آن عذاب چیست]. (طور/۴۷)

تعدادی از مفسران یکی از مصادیق «عذاب» مذکور در این آیه را عذاب ستم‌کاران در دوران رجعت دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۳.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۸۶.
۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۸۲.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۱۸۰.
۵. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۴۶۲.
۶. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۴۳.
۷. روان جاوید، ج ۵، ص ۸۱.
۸. البصائر، ج ۴۱، ص ۳۶۱.

سوره نجم

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ﴾؛ به من خبر دهید از لات و عزی. (نجم/۱۹)
برخی از مفسران ذیل این آیه به اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۵۹.

۳. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۹۴-۴۹۵.

۴. البصائر، ج ۴۲، ص ۱۴۹.

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾؛ و بسا فرشتگانی که در آسمان‌هایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آن‌که خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد. (نجم/۲۶)

صاحب تفسیر البرهان با نقل روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هر یک از ائمه خصوصیتی را ذکر می‌نماید و در آخر می‌فرماید: «والهادي المهدي شفيعهم يوم القيامة حيث لا ﴿يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾» و حضرت مهدی علیه السلام را شفیع مردم معرفی می‌فرماید:

البرهان، ج ۵، ص ۲۱۱.

﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾؛
 آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها - جز لغزش‌های کوچک - خودداری می‌ورزند، پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ‌آمزش است. وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان‌گاه که در شکم‌های مادرانتان [در زهدان] نهفته بودید به [حال] شما داناست، پس خودتان را پاک شمارید. او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده داناست. (نجم/۳۲)

برخی از مفسران ذیل این آیه، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند به این مضمون که یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد، شما افضل هستی یا موسی؟ پیامبر اسلام مطالبی فرمودند تا این‌جا که «یا یهودی و من ذریتي المهدی اذا خرج، نزل عیسی بن مریم لنصرته فقدمه ویضلی خلفه».

۱. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۵۰۷-۵۰۸.

۲. البصائر، ج ۴۲، ص ۱۵۱.

﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى﴾؛ و شهرها [ی سدوم و عاموره] را فروافکند. (نجم/۵۳)

در برخی از تفاسیر ذیل این آیه به مطالبی در خصوص رجعت اشاره شده است:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۰۸-۳۰۹.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۲۰۹.

۴. کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۵۲۰.

۵. روان جاوید، ج ۵، ص ۹۶.

۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۷، ص ۴۶۲.

۷. البصائر، ج ۴۲، ص ۱۵۶.

﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى * أَزِفَتِ الْآزِفَةُ * لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ * أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ﴾؛ این [پیامبر نیز] بیم‌دهنده‌ای از [جمله] بیم‌دهندگان نخستین است. [وہ چه] نزدیک گشت قیامت. جز خدا کسی آشکارکننده آن نیست. آیا از این سخن عجب دارید؟ (نجم/۵۹)

سید ابراهیم بروجردی در تفسیر خود، ذیل این آیات به آثار ظهور (اطاعت مردم از حضرت مهدی علیه السلام) پرداخته است:

تفسیر جامع، ج ۶، ص ۴۸۹.

یکی از مفسران اهل سنت نیز به خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة اشاره نموده است:

تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۵۷۱-۵۷۲.

سوره قمر

﴿اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَاَنْشَقَّ الْقَمَرُ * وَاِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾؛ نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه. و هر گاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند: «سحری دائم است.» (قمر/۲)

برخی از مفسران شیعه از این آیات، بشارت به ظهور را استنباط کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۱۱.

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵.

۴. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۵۲۹ - ۵۳۰.

۵. تفسیر عاملی، ج ۸، ص ۱۲۰.

۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۱۱۵.

گروه دیگری از مفسران شیعه، ذیل این آیه به مصادیقی از اشراط الساعة و از

جمله ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۹۹.

۲. البرهان، ج ۵، ص ۲۱۷.

۳. المنیر، ج ۷، ص ۳۴۴.

۴. المعین، ص ۵۲۸.

۵. البصائر، ج ۴۲، ص ۳۳۴ و ص ۴۰۲-۴۰۴.

۶. پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۵-۲۸.

میر سید علی حائری هم به مفهوم دجال پرداخته است:

المقتنیات الدرر، ج ۱۰، ص ۲۸۶.

مفسران اهل سنت ذیل این آیات تنها به اشراف الساعة اشاره کرده و مصادیقی از قبیل طلوع خورشید از مغرب و دابة الارض را ذکر نموده‌اند. از این میان تنها ابن عربی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از اشراف الساعة اشاره کرده است:

۱. بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ج ۲، ص ۲۷۴.

۴. غرائب القرآن، ج ۱۱، ص ۶۳-۶۴.

۵. روح البیان، ج ۹، ص ۲۶۲-۲۶۳ و ص ۲۶۷.

۶. التیسیر فی احادیث التفسیر، ج ۶، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۷. التحریر و التویر، ج ۷، ص ۱۶۳.

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ﴾؛ پس، از آنان روی برتاب. روزی که داعی

[حق] به سوی امری دهشتناک دعوت می‌کند. (قمر/۶)

برخی از مفسران، ذیل این آیه به مخالفین حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور

پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۱۳.

۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۰.

۴. البرهان، ج ۵، ص ۲۱۸.

۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۶.

۶. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۵۳۲.

۷. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۱۱۶.

﴿أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ﴾؛ یا می گویند: «ما همگی انتقام گیرنده [و یار و یاور همدیگر]

یم!» (قمر/۴۴)

صاحب تفسیر اطبیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به تعداد اصحاب خاص

امام زمان علیه السلام پرداخته است:

اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۶۴.

سوره رحمن

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ﴾؛ تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند. (رحمن/۴۱)

امام صادق علیه السلام در مقابل این که تفسیر این آیه در قیامت است، فرمودند: «... وکیف یحتاج تبارک وتعالیٰ إلى معرفة خلق هو أنشأهم وهو خلقهم قال: وما ذاك؟ قال علیه السلام: ذاك لو قام قائمنا علیه السلام أعطاه الله السيماء فیامر بالکافرین فیؤخذ بنواصیهم وأقدامهم ثم یخبط بالسيف خبطاً».

مفسرانی که این روایت را ذکر کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۴۲.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۱۲.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۵.
۵. کترالدقائق، ج ۱۲، ص ۵۸۰ - ۵۸۱.
۶. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۳ - ۳۴.
۷. اثنی عشری، ج ۱۲، ص ۴۲۳.
۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۸۳.
۹. البصائر، ج ۴۳، ص ۱۴۸.

سوره واقعه

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾؛ و سبقت‌گیرندگان مقدمند آنانند همان مقربان [خدا]. (واقعه/۱۱)

در تفاسیر کنزالدقائق و البرهان ذیل این آیات به «دوازدهمین امام» به عنوان یکی از ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ اشاره می‌نماید:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۲۲-۲۴.

صاحب تفسیر فرات کوفی نیز، با نقل روایتی به اقتدای انبیاء گذشته به امام مهدی علیه السلام پرداخته است:

تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۴۶۴-۴۶۵.

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند. (واقعه/۷۹)

گروهی از مفسران در تفسیر ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ روایتی را از امام علی علیه السلام نقل نموده‌اند که حضرت با اشاره به وجود قرآن نزد ائمه، می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ وَوَلَدِي يُظْهِرُهُ وَيَحْمِلُ النَّاسَ عَلَيْهِ فَيَجْرِي السُّنَّةُ بِهِ» آنگاه که قائم علیه السلام از فرزندان من قیام کند قرآن را ظاهر می‌سازد و مردم را بر عمل به آن وامی‌دارد و سنت طبق آن جریان پیدا می‌کند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۶۹.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۲۹.
۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۶.
۴. کتزالدقائق، ج ۱۳، ص ۵۲.
۵. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۸۴.

سوره حدید

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را به پاکی می‌ستایند، و اوست ارجمند حکیم. (حدید/۱)
صاحب تفسیر مخزن العرفان ذیل این آیه به تبیین فلسفه غیبت پرداخته است:
مخزن العرفان، ج ۱۳، ص ۱۱۴-۱۱۷.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ اوست آن کس که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید آن گاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می‌داند. و هر کجا باشید او با شماست، و خدا به هر چه می‌کنید بیناست. (حدید/۴)

ملا صدرا، ذیل این آیه به آثار ظهور اشاره کرده است:

تفسیر القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۶۰-۱۶۱.

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛ آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم

[و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟ (حدید/۱۶)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْقَائِمِ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ...». از این روایت وظایف شیعیان در زمان غیبت را می‌توان استنباط نمود. هم‌چنین مراد از «الآمد» در آیه را مدت طولانی غیبت ذکر نموده‌اند. برخی از مفسران همین مضامین را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۸۶-۳۸۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۳۵.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۲۸۷.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۹۲.
۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۱۶۲.
۷. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۶۴.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۸، ص ۱۵۰-۱۵۱.
۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۳۰-۴۳۱.
۱۰. البصائر، ج ۴۴، ص ۱۱.

صاحب تفسیر روان جاوید نیز به ارزش ایمان در زمان غیبت اشاره نموده است:

۱. روان جاوید، ج ۵، ص ۱۴۷.

﴿إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید. (حدید/۱۷)

بسیاری از مفسران با نقل روایات مختلف به اقامه عدل و احیاء زمین به دست حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظلم و جور آخرالزمان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۸۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۳۵.
۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲.
۴. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۹۳.
۵. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۱۶۲.
۶. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۶۴-۶۵.
۷. اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۳۲.
۸. روان جاوید، ج ۵، ص ۱۴۷.
۹. من هدی القرآن، ج ۱۵، ص ۶۱-۶۶.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۸، ص ۱۵۴-۱۵۵.
۱۱. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۲-۳۴۳.
۱۲. البصائر، ج ۴۴، ص ۱۴۸.
۱۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۰، ص ۱۰۰ و ج ۱۵، ص ۱۲۶.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾؛ و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده‌اند آنان همدمان آتشدند. (حدید/۱۹)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: «العارف منكم هذا الأمر المنتظر له المحتسب فيه الخير كمن جاهدَ واللَّه مع قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بسيفه، ثم قال بل واللَّه كمن جاهدَ مع رسولِ اللّهِ...». مفسرانی که با ذکر این روایت به مقام و منزلت منتظران اشاره کرده‌اند عبارتند از:

۱. مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۵۹.

۲. منهج الصادقین، ج ۹، ص ۱۸۵.
۳. تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۳۰.
۴. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۸۹.
۵. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۳۶.
۶. البرهان، ج ۵، ص ۲۹۲.
۷. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۳.
۸. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۹۵ و ص ۹۸.
۹. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۲۹۳.
۱۰. اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۳۵.
۱۱. مخزن العرفان، ج ۱۳، ص ۱۴۲.
۱۲. من هدی القرآن، ج ۱۵، ص ۷۱.
۱۳. البصائر، ج ۴۴، ص ۱۵۰.
۱۴. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. (حدید/۲۵)

یکی از مفسران ذیل این آیه به میراث بری حضرت مهدی علیه السلام از انبیا و اولیا اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۴۱.

سوره مجادله

﴿ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾ (مجادله/۲۱)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه، شباهت حضرت

مهدی علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام در تولد را بیان می نماید:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۶۳.

سید قطب نیز ذیل این آیه به اندیشه نجات بخشی در اسلام اشاره کرده است:

فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۲۳

﴿ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ
وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ
حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾؛ خدا مقرر کرده است که: «حتماً من و فرستادگانم
چیره خواهیم گردید.» آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. قومی را نیایی که به خدا و روز
بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند - هر چند پدرانشان
یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را
نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت هایی که از زیر
[درختان] آن جوی هایی روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و

آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند. (مجادله/۲۲)
برخی از مفسران در تبیین مصداق این آیه با نقل روایتی به لغزش گاه‌های دوران
غیبت و ارزش ایمان در این دوران پرداخته‌اند:

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۸.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۸، ص ۲۲۳.

سوره حشر

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ * مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید، [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید، ولی خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره می‌گرداند، و خدا بر هر کاری تواناست. آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است. (حشر/۷)

برخی از مفسران ذیل این آیات به وضعیت احکام شرعی در دوران غیبت کبری اشاره کرده‌اند:

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۷۱.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۲۸، ص ۲۳۸.

سوره ممتحنه

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَتَّبِعُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَتَّبِعُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده‌اند، همان گونه که کافران اهل گور قطع امید نموده‌اند. (ممتحنه/۱۳)

برخی از مفسران ذیل این آیه به اثبات وقوع رجعت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۵۹ - ۴۶۰.
۲. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۲۱۷.
۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۱۲۸ - ۱۲۹.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۵۰۶.

سوره صف

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾؛ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از شرب اند، جهاد می کنند. (صف/۴)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به اصحاب حضرت اشاره نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۵۱۱.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آن که خدا - گر چه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید. (صف/۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه آورده اند: «﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ إِذَا خَرَجَ يُظَهِّرُهُ اللَّهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ حَتَّى لَا يُعْبَدَ غَيْرَ اللَّهِ».

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۶۴.

۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۷۰.

۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۱۶.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۳۰ - ۲۳۱.

۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۲۱۰.

۷. من هدی القرآن، ج ۱۵، ص ۳۵۴.

۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۵۱۶.

۹. البصائر، ج ۴۶، ص ۹۷.

در تفسیر «راهنما» نیز به ضرورت وجود معصوم در هر عصر و زمانی، پرداخته شده است:

تفسیر راهنما، ج ۱۹، ص ۲۷.

فخر رازی در تفسیر خود مصداق این آیه را مربوط به زمان نزول حضرت

عیسی علیه السلام می داند:

تفسیر کبیر، ج ۱۵، ص ۳۱۶.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (صف/۹)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ان ذلك يكون عند خروج القائم من آل محمد علیهم السلام». شبیه این روایت از امام علی و امام کاظم علیهم السلام نیز نقل شده است. بسیاری از مفسران با نقل چنین روایاتی درباره غلبه اسلام در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته اند:

۱. تفسیر فزات کوفی، ج ۱، ص ۴۸۱ - ۴۸۲.

۲. مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۱.

۳. منهج الصادقین، ج ۹، ص ۴۲۰.

۴. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۶۵.

۵. نور الثقلين، ج ۵، ص ۳۱۷.
 ۶. كنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۳۲-۲۳۳.
 ۷. الجوهر الثمين، ج ۶، ص ۲۱۰.
 ۸. تفسير شبر، ص ۵۵۲.
 ۹. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۳۲۷.
 ۱۰. تقريب القرآن الى الاذهان، ج ۲۸، ص ۹۱.
 ۱۱. تفسير جامع، ج ۷، ص ۱۳۳-۱۳۴.
 ۱۲. اثني عشرى، ج ۱۳، ص ۱۵۱-۱۵۳.
 ۱۳. منشور جاويد، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۸۱.
 ۱۴. احسن الحديث، ج ۱۱، ص ۱۴۴.
 ۱۵. مخزن العرفان، ج ۱۳، ص ۲۷۹.
 ۱۶. من هدى القرآن، ج ۱۵، ص ۳۵۴.
 ۱۷. روان جاويد، ج ۵، ص ۱۹۶-۱۹۷.
 ۱۸. الفرقان في تفسير القرآن (محمد صادقي)، ج ۲۸، ص ۳۱۵-۳۱۷.
 ۱۹. الجديد، ج ۷، ص ۱۵۲.
 ۲۰. تفسير نمونه، ج ۲۴، ص ۸۴-۸۵.
 ۲۱. اطيب البيان في تفسير القرآن، ج ۱۲، ص ۵۱۷.
 ۲۲. تفسير راهنما، ج ۹، ص ۳۰.
 ۲۳. البصائر، ج ۴۶، ص ۸۱-۹۷ و ص ۱۴۳.
- تنها دو تن از مفسران تحقق اين امر را به دست حضرت عيسى عليه السلام دانسته اند:
۱. مواهب عليه، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۸.
 ۲. فتح القدير، ج ۵، ص ۲۶۳-۲۶۴.
- مفسران اهل سنت نیز تحقق اين امر را به دست حضرت عيسى عليه السلام در آخر الزمان

قلمداد نموده‌اند:

۱. تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۴، ص ۳۴۸.
۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۸۳.
۳. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱۰، ص ۸۸.
۴. کشف، ج ۴، ص ۵۲۶.
۵. المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۰۴.
۶. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۸۶.
۷. مدارک التنزیل، ج ۲، ص ۶۸۰.
۸. روح المعانی، ج ۲۸، ص ۸۸.
۹. تیسیر التفسیر، ج ۱۳، ص ۳۲۳.
۱۰. محاسن التأویل، ج ۹، ص ۱۵۲.
۱۱. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۴، ص ۵۳۵.

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید: یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست. و مؤمنان را [بدان] بشارت ده. (صف/۱۳)

گروهی از مفسران با نقل روایتی فتح دنیا به دست حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق ﴿فَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۶.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۶۷.
۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۷۱.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۳۶۸.
۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۱۸.

۶. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۳۷.
۷. الجواهر الثمین، ج ۶، ص ۲۱۱.
۸. ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۴۴۱.
۹. روان جاوید، ج ۵، ص ۱۹۸.
۱۰. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۸، ص ۳۱۹.
۱۱. البصائر، ج ۴۶، ص ۸۳ و ص ۹۹.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟» حواریون گفتند: «ما یارانِ خداییم.» پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه‌ای کفر ورزیدند، و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند. (صف/۱۴)

ابن کثیر ذیل این آیه به مقاتله دجال با حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان پرداخته است:

تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۱۴.

سوره جمعه

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده
شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر
است. (جمعه/۹)

برخی از مفسران تناسب آیه شریفه به بیان وضعیت نماز جمعه در دوران غیبت
کبری پرداخته‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۴۷۴.
 ۲. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۱۴۴-۱۴۶.
 ۳. اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۱۶۹.
 ۴. احسن الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.
 ۵. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۰۴.
 ۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۲-۱۳.
- به مناسبت وجود «یوم الجمعة» در آیه فوق، برخی از مفسران به زمان ظهور
حضرت اشاره نموده‌اند:

۱. تفسیر القرآن الکریم (ملا صدرا)، ج ۷، ص ۲۳۱.
۲. نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۲۶.

۳. البصائر، ج ۴۶، ص ۳۴۰.

ابن عربی نیز ذیل این آیه به آثار ظهور اشاره کرده است:

القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۲، ص ۳۱۳-۳۱۴.

سوره منافقون

﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ و[الی] هر کس اجلش فرا
رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی افکند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. (منافقون/۱۱)
صاحب تفسیر الفرقان ذیل این آیه به مطالبی در خصوص رجعت کنندگان در زمان
حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۸، ص ۳۶۸ - ۳۶۹.

سوره تغابن

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين﴾؛ و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام رسانی آشکار است. (تغابن/۱۲)

از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه فوق سؤال شد، حضرت فرمودند: «أما والله ما هَلَكَ مِن قَبْلِكُمْ وما هَلَكَ مِن هَلِكٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا إِلَّا فِي تَرْكِ وَلَايَتِنَا وَجُحُودِ حَقَّنَا وما خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُلْزِمَ رِقَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ حَقَّنَا وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

برخی از مفسران این روایت را که دال بر عواقب انکار امامت است، در تفسیر آیه فوق نقل کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۳۹۸.
۲. كنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۸۳.
۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۱۷۱.
۴. البصائر، ج ۴۷، ص ۱۰۳.

سوره ملک

﴿الْأَمْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ﴾؛ آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که شما را در زمین فروبرد، پس بناگاه [زمین] به تسپیدن افتد؟ (ملک/۱۶)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه خسف به بیداء رابه عنوان یکی از نشانه های حتمیه ظهور آورده است:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؛ بگو به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ (ملک/۳۰)
در تفسیر آیه فوق امام باقر علیه السلام می فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْإِمَامِ الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا مِنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ؟ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَا بَدَأَ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا».

بسیاری از مفسران این روایت یا شبیه آن را در تفسیر آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۵۳۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۴۴۸ - ۴۵۰.
۴. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۳۶۷.
۵. الجواهر الثمین، ج ۶، ص ۲۵۷.
۶. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۳۶۱.
۷. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۱۰ - ۲۱۲.
۸. اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۲۵۶ - ۲۵۷.
۹. تفسیر آشنایی با قرآن، ج ۱، ص ۲۳۲.
۱۰. من هدی القرآن، ج ۱۶، ص ۱۸۴.
۱۱. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۴۵.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۹، ص ۵۴ - ۵۵.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۹.
۱۴. البصائر، ج ۴۸، ص ۱۳۷.

سوره قلم

﴿إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ * سَنَسِفُهُ عَزَى الْخُرْطُومِ﴾؛ چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «افسانه‌های پیشینیان است.» زودا که بر بینی‌اش داغ نهیم [و رسوایش کنیم]. (قلم/۱۶)

برخی از مفسران ذیل این آیات به رجعت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دشمنان آن حضرت و برخورد با آنان پرداخته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۱.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۱۰.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۵۴۶.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۴۵۹.
۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۹۵.
۶. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۳۸۴.
۷. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۴۹.
۸. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۹، ص ۶۵.
۹. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۲۰.

﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ پس پروردگارش وی را برگزید و از شایستگانش

گردانید. (قلم/۵۰)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به آثار حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۴.

سوره معارج

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾؛ پرسنده‌ای از عذاب واقع‌شونده‌ای پرسید، که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده‌ای نیست. (معارج/۲)

گروهی از مفسران با نقل سخنی از امام محمدباقر علیه السلام به مواردی از نشانه‌های ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۵.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۲۴.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۴۸۲.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۲.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۴۳۰.
۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.
۷. البصائر، ج ۴۹، ص ۱۱۸.

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾؛ فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی «او» بالا می‌روند. (معارج/۴)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به رجعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در آخرالزمان پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

در تفسیر روح البیان نیز به طلوع خورشید از مغرب به عنوان یکی از اشراط الساعة اشاره شده است:

روح البیان، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾؛ و کسانی که روز جزا را باور دارند. (معارج/۲۶)

امام باقر علیه السلام «بِیَوْمِ الدِّینِ» را به «یوم خروج القائم» تفسیر نموده‌اند و برخی از مفسران نیز همین نکته را نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۵۸۲.

۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۲۷.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۴۹۱.

۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۸.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۴۴۲.

۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۲۸۳.

۷. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۴۴.

۸. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۷۳.

۹. البصائر، ج ۴۹، ص ۱۲۲.

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾؛ دیدگان‌شان فرو افتاده،

[غبار] مذلت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزی که به ایشان وعده داده می‌شد.

(معارج/۴۴)

امام باقر علیه السلام در تفسیر «ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ» می‌فرمایند: «یوم خروج

القائم». برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق نقل کرده‌اند:

۴۲۰ • معجم مهدویت در تفاسیر

۱. البرهان، ج ۵، ص ۴۹۳.
۲. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۴۴۷.
۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۴۷.
۴. البصائر، ج ۴۹، ص ۱۲۵.

سوره جن

﴿وَالْوِاسْتِقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم. (جن/۱۶)

برخی از مفسران با نقل روایتی ذیل این آیه، «طریقه» را ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد ایشان تفسیر نموده است:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۰۲.

۲. البرهان، ج ۵، ص ۵۰۸-۵۰۹.

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾؛ [باش] تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، آن‌گاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدام یک شماره‌اش کمتر است. (جن/۲۴)

گروهی از مفسران با نقل روایاتی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و رجعت را یکی از مصادیق ﴿مَا يُوعَدُونَ﴾ دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۰۸.

۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۳۸.

۴. البرهان، ج ۵، ص ۵۰۸-۵۱۳.

۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۱.
۶. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۴۸۸.
۷. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۳۰۰.
۸. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۹۰.
۹. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۳۴.

﴿قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾؛ بگو: «نمی‌دانم آنچه را که وعده

داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟» (جن/۲۵)

برخی از مفسران از این آیه در زمینه رجعت، بهره برداری نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۱.
۲. منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۴۰.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۰۹ - ۶۰۸.
۴. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۳۸.
۵. البرهان، ج ۵، ص ۳۹۵.
۶. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۱.
۷. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۴۸۹.
۸. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۶۷.

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ * إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ

يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا؛ دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، جز پیامبری را

که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر

خواهد گماشت. (جن/۲۷)

گروهی از مفسران با ارائه مستندات، اخبار حضرت مهدی علیه السلام و رجعت را از

مصادیق «غیب» دانسته‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۱.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۳۸.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۵۱۳.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۵.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۴۹۳.
۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۳۰۱.
۷. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۶۸ - ۲۶۷.

سوره مدثر

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ ای کشیده ردای شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشان را پاک کن. (مدثر/۴)
برخی از مفسران ذیل این آیات تحقق ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ را موکول به زمان رجعت نموده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۲۳.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۲-۵۲۳.

۴. کتزالدقائق، ج ۱۴، ص ۱۳-۱۴.

۵. البصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۷-۴۲۶.

صاحب تفسیر «نور الثقلین» با توجه به ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ به وضعیت زندگی مردم در دوران ظهور اشاره، ولی صاحب تفسیر اطیب البیان «قائم» را به عنوان یکی از ویژگی‌های خاص امام مهدی علیه السلام برشمرده است:

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۳.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۶۴.

﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾؛ پس چون در صور دمیده شود، آن روز

[چه] روز ناگواری است! بر کافران آسان نیست. (مدثر/۱۰)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات فوق می فرمایند: «إِنَّ مِنَّا إِمَاماً مُّظْفَرًا مُّسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَّتْ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ». مفسرانی که این حدیث را نقل کرده اند عبارتند از:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۴۶.

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۴.

۳. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۳۱۲.

۴. روان جاوید، ج ۵، ص ۲۹۹.

برخی از مفسران علاوه بر مطلب فوق، سخن دیگری از امام صادق علیه السلام آورده اند که حضرت فرموده است: «الناقورُ هو النداءُ مِنَ السَّمَاءِ! أَلَا إِنَّ وَلِيَّكُمْ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُنَادِي بِه جَبْرَائِيلُ فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ. فَذَلِكَ يَوْمُنْذِ يَوْمٍ غَيْرِ يَسِيرٍ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ يَعْنِي بِالْكَافِرِينَ، الْمَرْجُئَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ، وَبِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».

۱. كنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۶-۱۷.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۶۹.

۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۸۰ - ۲۸۱.

۴. البصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۸ - ۴۲۹.

۵. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۴ - ۵۲۵.

﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا﴾؛ مرا با آن که [او را] تنها آفریدم

واگذار. و دارایی بسیار به او بخشیدم. (مدثر/۱۲)

برخی از مفسران ذیل این آیات به وضعیت ابلیس در آخرالزمان اشاره نموده اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۸.

۲. البصائر، ج ۵۰، ص ۴۳۰.

﴿إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ * فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾؛ آری، [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید. کشته بادا، چگونه [او] سنجید؟ (مدثر/۲۰)

امام صادق علیه السلام ذیل ﴿كَيْفَ قَدَّرَ﴾ فرموده‌اند: «عذاب بعد عذاب یعذبه به القائم علیه السلام». برخی از مفسران این روایت که حکایت از برخورد امام با دشمنان اهل بیت دارد را نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۵.
۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۲۸.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۶.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۴.
۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۷۵.
۶. البصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۹.

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَزَاتَبَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾؛ و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم، و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند قرار ندادیم، تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند، و ایمان کسانی که ایمان آورده‌اند افزون گردد، و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند، و تا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و کافران بگویند: «خدا از این وصف کردن، چه چیزی را اراده کرده است؟» این گونه، خدا هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند، و این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست. (مدثر/۳۱)

در تفسیر احسن الحدیث ذیل این آیه به دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام در کودکی، و در تفسیر نعمانی به وظایف شیعیان در دوره غیبت اشاره شده است:

۱. تفسیر نعمانی، ص ۱۵ - ۱۶.

۲. احسن الحدیث، ج ۱۱، ص ۴۳۲ - ۴۳۴.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ﴾؛ و سوگند به شامگاه چون پشت کند، و سوگند به بامداد چون آشکار شود. (مدثر/۳۴)

مفسر الفرقان ذیل این آیات به اهداف حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲۹، ص ۲۵۸.

﴿إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾؛ که آیات [قرآن] از پدیده‌های بزرگ است. بشر را هشداردهنده است. (مدثر/۳۶)

امام باقر علیه السلام در کلامی می‌فرمایند: ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ یعنی محمداً صلی الله علیه و آله ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ فی الرجعة. دو تن از مفسران روایت مذکور را نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۶۳۷.

۲. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۲.

﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ * حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ﴾؛ و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، تا مرگ ما در رسید.» (مدثر/۴۷)

برخی از مفسران با نقل سخنی از امام باقر علیه السلام ﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ﴾ را به «یوم خروج القائم» تفسیر نموده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۵۲۹.

۲. البصائر، ج ۵۰، ص ۴۳۳.

سوره قیامت

﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾؛ و آفتاب و ماه به هم گرد آیند. (قیامت/۹)

از حضرت مهدی علیه السلام درباره تحقق آیه فوق سؤال شد، حضرت فرمودند: «إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَاسْتَدَارَ بِهَا الْكَوَاكِبُ وَالنَّجُومُ» از حضرت درباره زمان این امر سؤال شد، فرمودند: «فِي سَنَةِ كَذَا وَكَذَا تَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ مِنْ بَيْنِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ، يَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ» برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق آورده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۶.

۳. البصائر، ج ۵۰، ص ۵۶۶.

یکی از مفسران اهل سنت طلوع خورشید از مغرب را به عنوان یکی از اشراط الساعة آورده است:

حاشیه الصاوی، ج ۶، ص ۲۲۷.

﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ﴾؛ آیا چنین [خدایی] نتواند که مردگان را زنده گرداند؟! (قیامت/۴۰)

سوره قیامت • ۴۲۹

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به اثبات رجعت پرداخته

است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۰۸-۳۰۹.

سوره انسان

﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛ این [آیات] پندنامه‌ای است. تا هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد. و تا خدا نخواهد، [شما] نخواهید خواست قطعاً خدا دانای حکیم است. (انسان/۳۰)

حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند: «... قلوبنا أوعية مشيئة الله، فإذا أشاء شئنا والله يقول: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾».

برخی از مفسران همین روایت را ذیل آیه فوق ذکر کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۶۶.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۴، ص ۷۹.

۳. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

۴. روان جاوید، ج ۵، ص ۳۲۲.

۵. البصائر، ج ۵۱، ص ۱۵۵.

سوره مرسلات

﴿فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُذْرًا أَوْ نُذْرًا * إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾؛ و القاکننده وحی اند. خواه عذری باشد یا هشدار. که آنچه وعده یافته‌اید قطعاً رخ خواهد داد. (مرسلات/۷)

یکی از مفسران از ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾ بشارت ظهور، و دیگری اشراط الساعة ورجعت را استنباط نموده است:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۶۸.

۲. من هدی القرآن، ج ۱۷، ص ۲۱۵.

سوره نازعات

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ * قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ * أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾؛ آن روز که لرزنده بلرزد، و از پی آن لرزه‌ای [دگر] افتد، در آن روز، دل‌هایی سخت هراسانند. دیدگان آنها فروافتاده. (نازعات/۹)

برخی از مفسران، با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام، ﴿الرَّاجِفَةُ﴾ را به رجعت امام حسین علیه السلام و ﴿الرَّادِفَةُ﴾ را به رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۰۰

۱. البرهان، ج ۵، ص ۵۷۵.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۳۳.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۷۳.

یکی از مفسران اهل سنت ذیل این آیات به مطالبی در خصوص اشراط الساعة پرداخته است:

النکت والعیون، ج ۶، ص ۱۹۵.

﴿قَالُوا تِلْكَ إِذْ أَكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ * فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾؛ [و با خود] گویند: «در این صورت،

این برگشتی زیان آور است.» و [الی] در حقیقت، آن [بازگشت، بسته به] یک فریاد است [و بس].
(نازعات/۱۳)

برخی از مفسران ذیل این آیه با توجه به ﴿كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ به مطالبی در خصوص رجعت اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۵۷۶.

۲. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۴۱۶.

۳. المبین، ص ۷۸۹.

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾؛ پس آن گاه که آن هنگامه بزرگ دررسد. (نازعات/۳۴)
برخی از مفسران با نقل روایتی از امام علی علیه السلام ﴿الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾ را به خروج دابة الارض (امیر المؤمنین علیه السلام) تفسیر کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۰۶-۷۰۵.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۲۶-۱۲۵.

۳. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۳۶۰.

۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۹۳.

سوره عبس

﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ﴾: سپس چون بخواهد او را برانگیزد. (عبس/۲۲)
گروهی از مفسران ذیل این آیه به رجعت حضرت امیر علیه السلام در آخرالزمان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۵.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۱۳-۷۱۲.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۵۸۵.

۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۰.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۳۷.

۶. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۴۴.

سوره تکویر

﴿قُلْ أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾؛ نه، نه! سوگند به اختران گردان، [کز دیده] نهان شوند و از نو آیند. (تکویر/۱۶)

امام باقر علیه السلام درباره تفسیر آیات فوق فرمودند: «إمام يَخْنُسُ سَنَةَ سَتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلِ الظُّلْمَاءِ وَأَنْتَى أَدْرَكَتْ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ». برخی از مفسران این روایت را که حاکی از غیبت امام زمان علیه السلام است، نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۹۴.

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۷.

۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۵۲.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۹.

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری در تفسیر آیه فوق فرموده‌اند: «هذا مولودٌ في آخر الزمان، هو المهدي من هذه العترة، يكون له خيرةٌ وغيبةٌ يضلُّ فيها قومٌ ويهتدي فيها قومٌ، فيا طوبى لك إن أدركته، ويا طوبى لمن أدركه». برخی از مفسران این روایت را نیز در کنار روایت قبل آورده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۲۲-۷۲۳.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. البصائر، ج ۵۲، ص ۵۴۴-۵۴۵.

مفسر روان جاوید نیز به طور کلی گفته است این آیات به امام غائب علیه السلام تأویل شده

است:

روان جاوید، ج ۵، ص ۳۵۲.

سوره انفطار

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾؛ قطعاً نیکان به بهشت اندرند. (انفطار/۱۳)
یکی از مفسران این آیه را به ائمه معصومین و از جمله حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده است:

لوامع البیان، ج ۱، ص ۷۴ - ۷۵.

سوره مطفین

﴿الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ * وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ * إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾؛ آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند، و جز هر تجاوزپیشه گناه‌کاری آن را به دروغ نمی‌گیرد. [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: « [اینها] افسانه‌های پیشینیان است.» (مطفین/۱۳)

برخی از مفسران با نقل سخنی از امام باقر علیه السلام به تکذیب کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۶۰۵.

۲. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۶۳.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز به اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۸.

سوره انشقاق

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ * لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ﴾؛ نه، نه، سوگند به شفق، سوگند به شب و آنچه [شب] فروپوشاند، سوگند به ماه چون [بذر] تمام شود، که قطعاً از حالی به حالی برخواید نشست. (انشقاق/۱۹)

امام صادق علیه السلام در کلامی می فرمایند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً يَطْوُلُ أَمْدُهَا، قِيلَ وَلِمَ ذَلِكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَبَىءَ أَلَّا يَجْرِي فِيهِ سِيرَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي غَيْبَاتِهِمْ وَأَنَّهُ لَا يَبْدَأُ مِنْ انْتِهَاءِ مَدَّةِ غَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ﴾ أَي سِيرَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ». برخی از مفسران این روایت را که اشاره به فلسفه و علل غیبت دارد، ذیل آیات فوق نقل کرده‌اند:

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۹.
۲. کنز الدقائق، ج ۴، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۷۴.
۴. روان جاوید، ج ۵، ص ۳۶۶.
۵. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۲۴۹.
۶. البصائر، ج ۵۳، ص ۵۹۶.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ﴾؛ [نه!] بلکه آنان که کفر ورزیده‌اند، تکذیب

می‌کنند. و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر است. (انشقاق/۲۳)

صاحب تفسیر لوامع الیان ذیل این آیه به انسان کامل بودن ائمه معصومین و از جمله امام مهدی علیه السلام پرداخته است:

لوامع الیان، ج ۱، ص ۸۷

سوره بروج

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾؛ سوگند به آسمان آکنده ز برج. (بروج/۱)

برخی از مفسران با نقل حدیثی از رسول اکرم ﷺ یکی از ویژگی های ائمه معصومین علیهم السلام و از جمله امام مهدی علیه السلام را «حجت الهی» بودن برشمرده و به تعداد ائمه علیهم السلام اشاره کرده اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۶۲۲.
۲. المقتنیات الدرر، ج ۱۲، ص ۱۰۹.
۳. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۷۷.
۴. اثنی عشری، ج ۱۴، ص ۱۲۸.
۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵۹.
۶. البصائر، ج ۵۴، ص ۹۸.

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ
الْحَرِيقِ﴾؛ کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده اند، ایشان راست عذاب
جهنم، و ایشان راست عذاب سوزان. (بروج/۱۰)

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه به برخورد امام با دشمنان
در ایام ظهور پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۶۵.
در تفسیر البصائر نیز به مطالبی در خصوص ظهور، اشاره شده است:
البصائر، ج ۵۴، ص ۱۴۱-۱۴۵.

﴿فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾؛ که در لوحی محفوظ است. (بروج/۲۲)
در البصائر ذیل این آیه با ذکر حدیث لوح، به امامت و ویژگی های حضرت
مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت اشاره شده است:
البصائر، ج ۵۴، ص ۲۵۵.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز به حتمیت ظهور پرداخته است:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۷۳.

سوره طارق

﴿إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾؛ در حقیقت، او [خدا] بر بازگردانیدن وی به خوبی تواناست.
(طارق/۸)

برخی از مفسران ذیل این آیه به اثبات رجعت و رجعت کنندگان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۶۳۱.

۲. البصائر، ج ۵۴، ص ۳۶۳.

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا * فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤِيدًا﴾؛ آنان دست به نیرنگ می‌زنند. و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم. پس کافران را مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار. (طارق/۱۷)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات فوق می‌فرمایند: «كادوا رسول الله وكادوا علياً وكادوا فاطمة عليها السلام فقال الله يا محمد إنهم يكيدون كيداً وأكيد كيداً فمهل الكافرين يا محمد أهملهم رويداً، لو قد بعث القائم فينتقم لي من الجبارين والطواغيت من قريش وبنی أمية وسائر الناس». مفسرانی که روایت فوق را نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۵۸.

۳. البرهان، ج ۵، ص ۶۳۲.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۵۳.
۵. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۲۳۰.
۶. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۸۹.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۲۸۰.
۸. البصائر، ج ۵۴، ص ۳۵۸.

سوره غاشیه

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ * وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِّي نَارَ أَحَامِيَةٍ *
تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ؛ آیا خبر
«غاشیه» به تو رسیده است؟ در آن روز، چهره‌هایی زیبوتند، که تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده‌اند.
[ناچار] در آتشی سوزان درآیند. از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند. خوراکی جز خار خشک
ندارند، [که] نه فربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد. (الغاشیه/۷)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات فوق فرموده‌اند: «تَغْشِيَهُمُ الْقَائِمُ (علیه السلام) بِالسَّيْفِ، خَاشِعَةٌ
لَا يَطِيقُ الْاِمْتِنَاعَ، عَامِلَةٌ قَال: عَمِلْتُ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، نَاصِبَةٌ قَال: نَصَبْتُ غَيْرَ وِلَاةٍ أَمْرٍ
اللَّهُ تَصَلَّى نَارَ الْحَرْبِ فِي الدُّنْيَا عَلَى عَهْدِ الْقَائِمِ وَفِي الْآخِرَةِ نَارَ جَهَنَّمَ». برخی از
مفسران این روایت را که دلالت بر برخورد امام با دشمنان دارد، ذیل آیات فوق نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۷۶۶-۷۶۷.

۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۳.

۴. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۵. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۴۱۰.

۶. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۴۴۵.

۷. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۹۷.

۸. البصائر، ج ۵۵، ص ۱۱۱.

سوره فجر

﴿وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾؛ سوگند به سپیده دم، و به شب های ده گانه، و به جفت و تاق، و به شب، وقتی سپری شود. (فجر/۴)

در تفسیر آیه فوق امام صادق علیه السلام می فرمایند: «والفجر هو القائم ووليام العشر الأئمة من الحسن إلى الحسن والشفع أمير المؤمنين وفاطمة والوتر هو الله وحده لا شريك له والليل إذا يسر هي دولة حبتز فهي تسري إلى دولة القائم».

در برخی کتب تفسیری، این روایت که حضرت مهدی علیه السلام را فجر اسلام می داند، ذیل آیه فوق آورده شده است:

۱. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۲۶۷.
۲. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۴۰۳.
۳. حجة التفاسیر، ج ۷، ص ۲۲۴.
۴. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادق)، ج ۳۰، ص ۳۰۶.
۵. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۴۲-۴۴۳.
۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۷. البصائر، ج ۵۵، ص ۲۹۸.

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾؛ اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید، و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد، می گوید:

«پروردگارم مرا گرامی داشته است.» (فجر/۱۵)

یکی از مفسران ذیل این آیه به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده است:

البصائر، ج ۵۵، ص ۳۸۹.

سوره بلد

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾؛ سوگند به این شهر، و حال آنکه تو در این شهر جای. (بلد/۲)

آیه الله جوادی آملی در تفسیر موضوعی خود، لقاء معصوم و از جمله امام دوازدهم علیه السلام را متمم حج می داند:

تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۹، ص ۱۸۷.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام در مکه معظمه را موجب شرافت آن مکان قلمداد نموده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ﴾؛ سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد. (بلد/۳)

مفسر الفرقان، ذیل این آیه به نسب امام مهدی علیه السلام پرداخته است:

الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۳۲۳.

﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾؛ آیا دو چشمش نداده ایم؟ (بلد/۸)

صاحب تفسیر البصائر، «عین الله» را به عنوان یکی از ویژگی های عام امام

مهدی علیه السلام برشمرده است:

البصائر، ج ۵۵، ص ۴۲۱.

سوره شمس

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغشَاهَا﴾
سوگند به خورشید و تابندگی اش، سوگند به مه چون پی [خورشید] رَوَد. سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد. (شمس/۴)
امام صادق علیه السلام در روایت نسبتاً مفصّلی می فرمایند: «الشمس أمير المؤمنين علیه السلام وضحاها قيام القائم علیه السلام؛ لأنّ الله سبحانه قال وأن يحشر الناس ضحى والقمر إذا تليها الحسن والحسين والنهار إذا جليها هو قيام القائم والليل اذا يغشها حبترو دولته ، قد غشى عليه الحق».

مفسرانی که این روایت یا روایاتی با این مضمون را نقل کرده اند عبارتند از:

۱. تفسیر فزات کوفی، ج ۱، ص ۵۶۳.
 ۲. البرهان، ج ۵، ص ۳۰۱ و ص ۲۹۹ و ص ۶۷۰ - ۶۷۲.
 ۳. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۲۹۴ - ۲۹۵.
 ۴. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۴۱۵.
 ۵. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۴۲۱ - ۴۲۲.
 ۶. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۳۳۲ - ۳۳۳.
 ۷. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۲۹.
- صاحب تفسیر البصائر علاوه بر مطلب فوق به علائم ظهور نیز پرداخته است:

البصائر، ج ۵۶، ص ۹۲ و ص ۲۳۷.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِم رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا * وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهُمْ﴾؛ [الی]
دروغ‌زنش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند، و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان
عذاب آورد و آنان را با خاک یک‌سان کرد. و از پیامد کار خویش، بیمی به خود راه نداد.
(شمس/۱۵)

امام صادق علیه السلام تحقق آیه ۱۴ سوره شمس را در «رجعت» دانسته‌اند. مفسرانی که
این تفسیر را نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۶۷۲.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۴، ص ۳۰۰-۳۰۱.

سوره لیل

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾؛ سوگند به شب چون پرده افکند، سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد. (لیل/۲)

روایت دیگری نیز به همین مضمون از ایشان نقل شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اللیل اذا يغشى، دولة إبليس إلى يوم القيامة ويوم قيام القائم والنهار اذا تجلّى و هو قائم اذا قام».

امام صادق علیه السلام مضمون فوق را بیان کرده است. برخی از مفسران همین مضامین را نقل کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۳۶.
۳. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۸۰۰.
۴. البرهان، ج ۵، ص ۶۷۶.
۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۱.
۶. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۰۴ و ص ۳۱۱.
۷. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۴۱۸.
۸. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۴۵۷.
۹. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۴۲۷-۴۲۹.

۱۰. البصائر، ج ۵۶، ص ۳۵۰-۳۵۳.

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾؛ پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. (لیل/۱۴)
مفسر کنز الدقائق ذیل این آیه به نحوه برخورد امام زمان علیه السلام، با دشمنان در ایام ظهور
اشاره نموده است:

کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۱۱-۳۱۲.

سوره قدر

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل

کردیم. و از شب قدر، چه آگاهی کرد. (قدر/۲)

گروهی از مفسران ذیل این آیات به «اللقاء مقدرات بر امام» به عنوان ویژگی عام

اثنه هدی علیه السلام و از جمله امام عصر علیه السلام اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۷۰۶ - ۷۱۳.

۲. کنزالدقائق، ج ۱۴، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

۳. البصائر، ج ۵۷، ص ۷۲۰.

۴. انوار درخشان، ج ۱۸، ص ۲۲۴.

یکی از مفسران مخفی بودن ولادت امام مهدی علیه السلام را ذیل آیه مطرح کرده است:

نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۶

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ در

آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود

آیند [آن شب] تا دم صُبح، صلح و سلام است. (قدر/۵)

به مناسبت القای مقدرات بر معصوم علیه السلام در شب قدر، مفسران ذیل این آیه به

ضرورت وجود معصوم علیه السلام در هر عصری والقای مقدرات بر ایشان اشاره کرده‌اند:

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۱.
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۸۳۳.
 ۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۵۳.
 ۴. البرهان، ج ۵، ص ۷۱۳-۷۱۴.
 ۵. کنزالدقائق، ج ۱۴، ص ۳۷۲.
 ۶. الجوهر الثمین، ج ۶، ص ۴۳۴.
 ۷. نفحات الرحمن، ج ۴، ص ۴۷۲.
 ۸. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۴۶۲.
 ۹. اثنی عشری، ج ۱۴، ص ۲۹۳-۲۹۴.
 ۱۰. پرتویی از قرآن، ج ۴، ص ۲۰۱.
 ۱۱. حجة التفاسیر، ج ۷، ص ۲۷۸.
 ۱۲. روان جاوید، ج ۵، ص ۴۱۵.
 ۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، جزء ۳۰، ص ۳۸۴-۳۸۵.
 ۱۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۰-۱۸۱.
 ۱۵. البصائر، ج ۵۷، ص ۷۲۷ و ص ۷۳۱-۷۳۲.
- یکی از مفسران نیز از این آیه در زمینه ظهور استفاده نموده است:
- تفسیر فوات کوفی، ج ۱، ص ۵۸۱-۵۸۲.
- از مفسران اهل سنت، اطفیش به مطالبی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته است:
- تیسیر التفسیر، ج ۱۵، ص ۲۶۴.

سوره بينه

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾؛ و فرمان نیاخته بودند جز این که خدا را پرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است. (بینه/۵)

امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ می‌فرماید: «هو ذلك دين القائم».

برخی از مفسران به این روایت اشاره کرده‌اند:

۱. البرهان، ج ۵، ص ۷۱۹.

۲. البصائر، ج ۵۷، ص ۱۰۵۷ و ص ۹۸۵.

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز ذیل این آیه به وضعیت احکام

شرعی در دوره غیبت کبری پرداخته است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۹۰.

سوره زلزله

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾؛ آن‌گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود، و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند، و انسان گوید: « [زمین] را چه شده است؟ » (زلزله/۳)

در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیات به ضرورت امامت امام مهدی علیه السلام پرداخته شده است:

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

برخی از مفسران اهل سنت ذیل این آیات مطالبی درباره اشراط الساعة آورده‌اند:

۱. النکت و العیون، ج ۶، ص ۳۱۸.

۲. تفسیر خازن، ج ۴، ص ۴۵۸.

۳. البحر المحیط، ج ۸، ص ۵۰۰.

۴. تیسیر التفسیر، ج ۱۵، ص ۲۸۶.

سوره تکاثر

﴿كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾؛ نه چنین است، زودا که بدانید. باز هم نه چنین است، زودا که بدانید. (تکاثر/۴)

امام صادق علیه السلام در مورد تحقق آیه فوق می فرمایند: «مرة فى الكرة ومرة فى يوم القيامة». برخی از مفسران ضمن نقل این کلام، از آیه فوق در زمينه رجعت بهره برده اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۸۵۵
۲. البرهان، ج ۵، ص ۷۴۵
۳. الفرقان فى تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۴۳۴
۴. اطیب البیان فى تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۱۷
۵. البصائر، ج ۵۱، ص ۴۶۵

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾؛ سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد. (تکاثر/۸)

صاحب تفسیر البصائر با نقل روایتی ضمن تطبیق «النعمیم» به ولایت اهل بیت علیهم السلام، ذیل این آیه به اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است:

البصائر، ج ۵۱، ص ۶۳۴

سوره عصر

﴿وَالْعَصْرِ﴾؛ سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]. (عصر/۱)
مفسران ذیل آیه فوق به سخنی از امام صادق علیه السلام اشاره کرده‌اند که حضرت
﴿وَالْعَصْرِ﴾ را به «عصر خروج قائم» تفسیر فرموده‌اند:

۱. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۸۵۹.
۲. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۷۲.
۳. البرهان، ج ۵، ص ۷۵۲.
۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶.
۵. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۴۸۸.
۶. اثنی عشری، ج ۱۴، ص ۳۳۶.
۷. احسن الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۴۶.
۸. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۹.
۹. تفسیر آسان، ج ۱۸، ص ۳۶۸.
۱۰. من هدی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۳۴.
۱۱. روان جاوید، ج ۵، ص ۴۳۰.
۱۲. الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۳۰، ص ۴۳۹.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۹۴.
۱۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۲۱.
۱۵. البصائر، ج ۵۸، ص ۷۴۷ و ص ۷۲۳.

سوره کافرون

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ
مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾؛ بگو: «ای کافران، آنچه
می پرستید، نمی پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. و نه آنچه پرستیدید من می پرستم. و نه
آنچه می پرستم شما می پرستید. دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم.» (کافرون/۶)
مفسر ذیل آیات فوق به اثبات امامت حضرت مهدی علیه السلام و عواقب انکار آن اشاره
کرده است:

البصائر، ج ۶۰، ص ۹۵-۹۸.

سوره نصر

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾؛ چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد. (نصر/۱)
صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن زمان تحقق این آیه را عصر ظهور
حضرت مهدی علیه السلام و دوران رجعت انبیا و اولیا دانسته است:
اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۵۱ - ۲۵۲.

كتاب نامه

الف - تفسيرى

١. آل غازى، عبدالقادر، بيان المعانى، مطبعة الترقى، دمشق ١٣٨٤ق.
٢. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، زاد المسير، دارالكتاب العربى، بيروت ١٤٠٧ق.
٣. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسة التاريخ، بى تا.
٤. ابن عربى، محى الدين، رحمة من الرحمن فى تفسير و اشارات القرآن، مطبعة نصر، دمشق ١٤١٠ق.
٥. ابن عربى، محى الدين، تفسير القرآن الكريم، بيروت، دارصادر، بى تا.
٦. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، دارالطيبه، رياض ١٤٢٤.
٧. ابوزهره، محمد، زهرة التفاسير، قاهره، دارالفكر العربى، بى تا.
٨. استرآبادى، محمد بن قاسم، تفسير منسوب به امام حسن عسگرى، مدرسة الامام المهدي، قم ١٤٠٩ق.
٩. اسفراينى، طاهر بن محمد، تاج التراجم، شركت انتشارات علمى فرهنگى، تهران ١٣٧٥.
١٠. اطفيش، محمد بن يوسف، تيسير التفسير، وزارة التراث القومى و الثقافى، عمان ١٤٠٧ق.
١١. الخطيب، عبدالكريم، تفسير القرآنى للقرآن، دارالفكر العربى، قاهره ١٣٨٨ق.
١٢. السعدى، عبدالرحمن ابن ناصر، تيسير الكريم الرحمن، بيروت، مؤسسة الرساله، بى تا.

۱۳. العجیل، سلیمان بن عمر، *الفتوحات الإلهیه*، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۶ق.
۱۴. القنوجی، ابوالطیب، *فتح البیان*، المكتبة العصریه، بیروت ۱۹۹۲م.
۱۵. الکلبی، محمد بن احمد، *التسهیل لعلوم التنزیل*، دارالکتب العربی، بیروت ۱۲۹۳ق.
۱۶. الله آبادی، محمد عبدالحق، *الاکلیل علی مدارک التنزیل*، مطبعة اکلیل المطابع، حیدرآباد ۱۳۳۰ق.
۱۷. الهواری، هودبن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز*، دارالغرب اسلامی، بیروت ۱۹۹۰م.
۱۸. المحاربی، قاضی ابو محمد ابن عبدالحق بن غالب ابن عطیه، *المحرر الوجیز*، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۳ق.
۱۹. اندلسی، ابو حیان محمد، *البحر المحیط*، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۳ق.
۲۰. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۲۱. بازوری، محمد علی، *الغیب و الشهاده*، بیروت: دارالقاری، بی تا.
۲۲. بانو اصفهانی، *مخزن العرفان*، اصفهان: نشاط، بی تا.
۲۳. بروجردی، سید ابراهیم، *تفسیر جامع*، کتابخانه صدر، تهران ۱۳۴۱.
۲۴. بغدادی، علی بن محمد، *تفسیر خازن*، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۵ق.
۲۵. بغدادی، محمد آلوسی، *روح المعانی*، دارالاحیاء لتراث العربی، بیروت ۱۴۰۵ق.
۲۶. بقاعی، برهان الدین، *نظم الدرر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۷. بلاغی، سید عبدالحججه، *حجة التفاسیر*، حکمت، قم ۱۳۴۵.
۲۸. بلاغی، محمد جواد، *آلاء الرحمن*، بنیاد بعثت، قم ۱۴۲۰ق.
۲۹. بیضاوی، ابوسعید، *انوارالتنزیل*، الاعلمی، بیروت ۱۴۱۰ق.
۳۰. ثعالبی، عبدالرحمن، *الجواهر الحسان*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۳۱. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، *روان جاوید*، برهان، تهران ۵۸۱۳۵۶.
۳۲. جرجانی، حسین بن حسن، *تفسیر گازر*، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۷.
۳۳. جمال، محمد عبدالمنعم، *التفسیر الفرید للقرآن المجید*، دارالکتب الجدید، قاهره ۱۳۹۰ق.

۳۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، اسراء، قم، ۱۳۷۹-۸۲.
۳۵. —، تفسیر موضوعی قرآن کریم، اسراء، قم، ۱۳۸۰-۸۲.
۳۶. حائری تهرانی، میرسیدعلی، المقتنیات الدرر، اسلامیه، تهران ۱۳۳۷.
۳۷. حجتی، سید محمد باقر، و سید عبدالکریم بی آزار شیرازی، تفسیر کاشف، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.
۳۸. حسین شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، میقات، تهران ۱۳۶۳-۶۴.
۳۹. حسین عراقی، سید نورالدین، القرآن و العقل، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۲.
۴۰. حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان، بعثت، قم ۱۴۱۵-۱۷هـ-ق.
۴۱. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الازهان، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۰ق.
۴۲. حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان، لطفی، تهران ۱۳۸۰ق.
۴۳. حقی، اسماعیل، روح البیان، دارالاحیاء لثراث العربی، بیروت ۱۴۰۵ق.
۴۴. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دارالسلام، قاهره ۱۴۰۹ق.
۴۵. حویزی، محمد کرمی، المنیر، علمیه، قم ۱۴۰۲ق.
۴۶. خفاجی، شهاب الدین احمد بن محمد، حاشیه الشهاب (عناية القاضی و كفاية الراضی)، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۷. خفاجی، محمد عبدالمنعم، تفسیر القرآن الحکیم، قاهره، دارالعهد الجديد، بی تا.
۴۸. خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، (مفتاح احسن الخزان الالهیه)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
۴۹. داورپناه، ابوالفضل، انوارالعرفان، کتابخانه صدر، تهران ۱۳۶۰.
۵۰. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس، مشهد ۱۳۶۶-۷۴.
۵۱. رستگار جویباری، یعسوب الدین، البصائر، اسلامیه، قم ۱۳۵۷-۷۴.
۵۲. روحانی نجف آبادی، علی، الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی) نجف، جامعه النجف الدینی، بی تا.
۵۳. زمنخسری، محمدابن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاوائل فی وجوه

التأویل، بیروت، بی نا، بی تا.

۵۴. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۵۵. سبزواری، محمد حبیب، الجدید، دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۲ق.
۵۶. سمرقندی، محمد بن احمد، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۴ق.
۵۷. سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، اعلمی، تهران ۱۴۱۷ق.
۵۸. سید طنطاوی، محمد، الوسیط، دارالنہضه، قاهره، ۱۹۷۳م.
۵۹. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالاحیاء لثراث العربی، بی تا.
۶۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المثور فی تفسیر بالمأثور، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۳ق.
۶۱. شبر، سید عبدالله، الجواهر الثمین، دارالآلین، کویت ۱۴۰۷ق.
۶۲. — تفسیر شبر، دارالبلاغه، بیروت ۱۴۱۲ق.
۶۳. شربینی، محمد خطیب، السراج المنیر، دارالمعرفه، بیروت، ۱۲۹۹ق.
۶۴. شریف لاهیجی، بهاء الدین، تفسیر لاهیجی، علمی، تهران ۱۳۶۳
۶۵. شعراوی، تفسیر شعراوی، داراخبار الیوم، قاهره ۱۴۱۱ق.
۶۶. شمسی حیدرآبادی، لوامع البیان، حیدرآباد، شمس الاسلام، بی تا.
۶۷. شنقیطی، محمد امین، اضواء البیان، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۶ق.
۶۸. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۶۹. شیرازی، صدرالدین، تفسیر القرآن الکریم، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۹ق.
۷۰. شیرازی، ناصر الدین، انوار التنزیل و اسرار التأویل، اعلمی، بیروت ۱۴۱۰ق.
۷۱. صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۰ق.
۷۲. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران ۱۴۰۸ق.
۷۳. صاوی، احمد بن محمد، حاشیه الصاوی علی تفسیر جلالین، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۹ق.
۷۴. صفی علی شاه، تفسیر صفی، سعید، تهران ۱۳۷۸

۷۵. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن* (تفسیر صنعانی)، مکتبة الرشد، ریاض ۱۴۱۰ق.
۷۶. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۴۲ - ۵۰.
۷۷. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان* (ترجمه)، جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۳.
۷۸. طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، دانشگاه تهران، تهران ۱۴۰۹ق.
۷۹. —، *مجمع البیان*، قم، امیر، بی تا.
۸۰. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر طبری)، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۲ق.
۸۱. طنطاوی، *الجواهر فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۸۲. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
۸۳. طه الدرّة الحمصی، شیخ محمد علی، *تفسیر القرآن الکریم*، دارالحکمه، بیروت ۱۴۰۲-۱۴۱۲ق.
۸۴. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، اسلام، تهران ۱۳۶۶.
۸۵. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، صدوق، تهران ۱۳۴۵-۶۲.
۸۶. عبده، شیخ محمد و رشید رضا، *المنار*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۸۷. عروسی حویزی، علی بن جمعه، *نور الثقلین*، قم، علمیه، بی تا.
۸۸. عزه، محمد، *التفسیر الحدیث*، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۸۹. فخر رازی، *تفسیر کبیر*، دارالفکر، بیروت ۱۴۲۳ق.
۹۰. فراء بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، دارالاحیاء، بیروت ۱۴۰۷ق.
۹۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۴۱۰ق.
۹۲. فضل الله، سید محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک، بی تا.
۹۳. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر صافی*، دارالمرتضی للنشر، مشهد ۱۳۹۹ق.
۹۴. قاسمی، محمد جمال الدین، *محاسن التأویل*، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ق.
۹۵. قاضی ثناء الله، *المظهری*، دارالاحیاء لتراث العربی، بیروت ۱۴۲۵ق.

۹۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه در راه حق، قم ۱۳۷۴
۹۷. قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران ۱۳۶۶
۹۸. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر الجامع لاحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران ۱۳۶۴ ش.
۹۹. قشیری نیشابوری، عبدالکریم، لطائف الاشارات، الهيئة المصرية للعلماء للكتاب، قاهره ۱۳۹۰ ق.
۱۰۰. قمی نیشابوری، محمد بن الحسین، غرائب القرآن، دارالمعرفه، بیروت ۱۴۰۳ ق.
۱۰۱. قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم ۱۴۰۹ ق.
۱۰۲. کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین، کتابفروشی اسلامی، تهران ۱۳۴۴
۱۰۳. کاشفی، کمال الدین حسینی، مواهب علیّه، اقبال، تهران ۱۳۱۷
۱۰۴. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعاده، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۴
۱۰۵. ماوردی، ابوالحسن، النکت و العیون، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۲ ق.
۱۰۶. محلی، جلال الدین محمد و جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، تفسیر جلالین، بیروت، دارالقلم، بی تا.
۱۰۷. مدرس، عبدالکریم محمد، مواهب الرحمن، دارالحریه، بغداد ۱۴۱۰ ق.
۱۰۸. مدرس، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دارالهدی، تهران ۱۴۰۵ ق.
۱۰۹. مراغی، مصطفی، تفسیر مراغی، دارالفکر، بیروت ۱۹۸۵ م.
۱۱۰. مشهدی قمی، محمدرضا، کنزالدقائق، وزارت ارشاد، تهران ۱۳۶۶
۱۱۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران ۱۳۷۱-۷۴
۱۱۲. مطهری، مرتضی، تفسیر قرآن، تهران، صدرا، بی تا.
۱۱۳. مغنیه، محمد جواد، الکاشف، دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۸۱ م.
۱۱۴. —، المبین، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، قم ۱۴۰۳ ق.
۱۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، بی تا.
۱۱۶. —، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامی، تهران ۱۴۱۱ ق.

۱۱۷. مکی نصری، شیخ محمد، *التیسیر فی احادیث التفسیر*، دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۰۵ق.
۱۱۸. مکی، مجاهد بن جبر، *تفسیر مجاهد*، دارالفکر الحدیثه، قاهره ۱۴۱۰ق.
۱۱۹. موسوی سبزواری، سید عبدالله، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، المنار، بیروت ۱۴۱۶ق.
۱۲۰. میبدی، ابوالفضل رشید الدین، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱
۱۲۱. نجفی، محمد جواد، *آسان (منتخب تفاسیر)*، اسلامیة، تهران ۱۳۹۸ق.
۱۲۲. نخجوانی، نعمت الله بن محمود، *الفواتح الالهیه و الفاتح الغیبیه*، قاهره، داررکابی للنشر، بی تا.
۱۲۳. نسفی، عبدالله بن احمد، *مدارک التنزیل*، دارالقلم، بیروت ۱۹۸۹م.
۱۲۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *تفسیر نعمانی*، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۳۹۹
۱۲۵. نهاوندی، شیخ محمد، *نفحات الرحمن*، چاپ سنگی، ۱۳۵۷
۱۲۶. نیشابوری، نظام الدین، *غرائب القرآن (در حاشیه تفسیر جامع البیان)*، بی جا، بی تا.
۱۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۶۷-۷۲
۱۲۸. هویدی، محمد، *المعین للواعظین*، منشورات ذوی القربی، ۱۳۸۱ هـ.

ب - غیر تفسیری

۱۲۹. ابن منظوم، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، نشر دارالاحیاء، التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ق
۱۳۰. ابومعاش، سعید، *الامام المهدی (علیه السلام) فی القرآن و السنة*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، مشهد ۱۴۲۲ق، ج. ۱
۱۳۱. ایازی، سید محمد علی، *شناخت نامه تفاسیر*، کتاب مبین، رشت ۱۳۷۸
۱۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی و روش های تفسیری قرآن*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۳
۱۳۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الحاوی للفتاوی*، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ق.
۱۳۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۶ هـ.

۱۳۵. عابدی خراسانی، فضل الله، قاطع البیان فی الایات المنزلة او المؤولة بصاحب الزمان علیه السلام، دارالمرتضی للنشر، مشهد ۱۴۰۴ق.

۱۳۶. کلینی، محمد یعقوب، کافی، درالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۵ش.

۱۳۷. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه معارف اسلامی، قم ۱۴۱۱ق،

ج ۱.

۱۳۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، بیروت ج ۵۱.

۱۳۹. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم ۱۳۷۹، ج ۱.

۱۴۰. مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، مؤسسه امام عصر علیه السلام، قم ۱۳۸۱ش.

۱۴۱. نعمانی، محمد ابن ابراهیم، الغیبه، مکتبه صدوق، تهران ۱۳۹۷ق.

ملخص

تعد «المهدوية» من الخطابات المتجذرة والمتأصلة في الاسلام، اتفق جميع الفرق والمذاهب الاسلامية عليها بشكل اوباختر وتناولوها بحثاً ودراسةً ويظهر هذا الاتفاق والمعتقد عند تفسير الآيات القرآنية المصدر الاعتقادي الاول والاثبت لدى الفرق الاسلامية جمعاء. ويعد الوصول الى جميع المطالب التفسيرية والقرآنية المتعلقة بعقيدة «المهدوية» المبتوثة في المجموعات التفسيرية المتعددة امراً عسيراً على الدارسين وقد تيسرت الآن بفضل الكتاب الحاضر لديك الذي جمعت فيه الآيات المتعلقة بعقيدة «المهدوية» والمطالب التفسيرية المتعلقة بها المتفرقة في تفاسير الشيعة والسنة مضبوطة بذكر المجلد والصفحة.

مؤسسة بوستان كتاب

مركز الطباعة والنشر التابع لمكتب الاعلام الإسلامي

الناشر الأفضل على المستوى الوطني

عنوان المكتب المركزي: إيران، قم، أول شارع شهداء، ص ب: ٩١٧ / ٣٧١٨٥

الهاتف: +٩٨٢٥١٧٧٤٢١٥٥ ، الفاكس: +٩٨٢٥١٧٧٤٢١٥٤ ، التوزيع: +٩٨٢٥١٧٧٤٣٤٢٦

معجم المهدوية في تفاسير الشيعة والسنة

سيد محسن الطباطبائي، مرتضى عبيد جاري
و نفيسة فقيهي مقدس

إعداد: مركز العلوم و الثقافة الإسلامية

مؤسسة بوستان كتاب

١٤٣١ / ١٣٨٩

Abstract

Mahdism, which all Muslim sects have discussed it and agreed on it, is one of the fundamental and long-standing discourses in Islam. This agreement appears when doing exegesis of Quranic verses for all Muslim sects consider The Quran as the first and most reliable ideological source.

How can exegetical and Quranic issues concerning Mahdism be looked up in all books of exegesis? No doubt, it is a hard work.

The verses concerning Mahdism and their exegeses from Shia and Sunni books of exegesis have been presented in this work along with mentioning the volume and page number of each book.

Būstān-e Ketāb Publishers

Frequently selected as the top publishing company in Irān, Būstān-e Ketāb Publishers is the publishing and printing house of the Islāmic Propagation Office of Howzeh-ye Elmīyeh-ye Ghom, Islāmic Republic of Irān.

P.O. Box: 37185-917

Telephone: +98 251 774 2155

Fax: +98 251 774 2154

E-mail: info@bustaneketab.com

Web-site: www.bustaneketab.com

**A Concordance
to Shia and Sunni Exegeses on Mahdism**

**Sayyid Mohsen Tabatabai, Morteza Abdi-Chari
& Nafiseh Faqih-Moqaddas**

Producer: Islamic Sciences and Culture Academy

**Bustan-e Ketab Publishers
1389/2010**